اطلاعات

دوشنبه ۲۴ دی ۱۳۹۷ - ۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۰ - ۱۴ ژانویه ۲۰۱۹ - سال نودوسوم - شماره ۲۷۱۹۷ - ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - تک شماره ۱۰۰۰ تومان

۲۶۰ هزار مسکن مهر آماده تحویل به متقاضیان است

* وزیر راه و شهرسازی: سقف تقاضای خرید مسکن مهر بسته نشده و افرادی که آورده اولیه خود را بپردازند، واحد مسکونی تحویل می‌گیرند
* ۲۰۰ هزار واحد مسکونی با مشارکت بخش خصوصی در شهرهای جدید احداث می‌شود

صفحه ۴

ارتش یمن: در صورت تداوم حملات عربستان از موشک‌های جدید رونمایی می‌کنیم

* ارتش و انصارالله یمن توانایی ساخت روزانه یک فروند «پهپاد» را دارند
* در صنعت دفاعی پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای داشته‌ایم
* انبارهای بزرگی مملو از پهپادهای «قاصف K۲» و موشک‌های بالستیک جدید در اختیار داریم

صفحه ۱۶

جهانگیری: دوران سخت را با تدبیر می گذرانیم

باید از همه استعدادها و ظرفیت‌های کشور در بخش‌های مختلف برای دستیابی به پیشرفت استفاده شود



افتتاح خط تولید پایه های چدن نشکن برق و روشنایی در کاشان

* برخی افراد در زمینی بازی می‌کنند که خواست دشمن است و به دنبال بزرگ کردن نقاط منفی و مشکلات هستند
* دردآور آن است که می‌بینیم مجموعه‌ای از مطالب دروغ و خلاف واقع از سوی افراد و مسئولان در بخشی از نظام بیان می‌شود و رسانه‌ملی هم آن را منتشر می‌کند
* هنگامی که مردم این سخنان را می‌شنوند تصور می‌کنند در تمام سطوح فساد وجود دارد
* خوشبختانه امروز همه طرح‌های بزرگ صنعتی از طراحی و مهندسی و محاسبات آن تا ساخت تجهیزات و بهره‌برداری در ایران انجام می‌گیرد
* امروز توانمندی بسیار بالایی در اجرای پروژه‌های صنعتی به وجود آمده است
* باید روشی را در اداره کشور، اقتصاد، زندگی مردم و اشتغال در پیش گیریم که آمریکایی‌ها را در رسیدن به اهداف خود ناامید کنیم

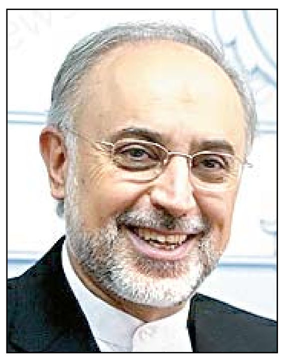
سرویس شهرستانها: معاون اول رئیس‌جمهوری با اشاره به ضرورت استفاده همه جانبه از استعدادها و ظرفیت‌های کشور در بخش‌های مختلف برای دستیابی به توسعه و پیشرفت، گفت: باید همه تلاش خود را به کار بگیریم تا با انجام اقدامات مثبت و اجرای طرح‌های تاثیر گذار در زندگی مردم روند توسعه کشور را افزایش داده و بتوانیم با توطئه‌های دشمنان مقابله کنیم.

اسحاق جهانگیری در مراسم بهره‌برداری از طرح‌های صنعتی و زیربنایی شهرستان کاشان با اعلام این که بهره برداری از طرح‌ها و پروژه‌هایی که در زندگی مردم تاثیر مثبتی دارد، موجب افتخار و خوشحالی مسئولان است، گفت: به فضل الهی مسیر توسعه کشور با سرعت خوبی پیش می‌رود و روند اقداماتی که در توسعه کشور شکل گرفته

بقیه در صفحه ۱۳

رئیس سازمان انرژی اتمی خبر داد:

طراحی سوخت مدرن ۲۰ درصدی برای رآکتور اتمی تهران



* دکتر صالحی: اقدامات اولیه برای طراحی سوخت مدرن ۲۰ درصد آغاز شده است و در آستانه آن قرار داریم
* محصولی که با سوخت ۲۰ درصد قبلی متفاوت است و شکل آن عوض می‌شود و راندمانش بالا می‌رود
* اکنون طراحی رآکتور برای متخصصان کشورمان کاری بسیار ممکن شده است
* رآکتور هسته‌ای تهران تاکنون با سوخت قدیم کار می‌کرد اما سوخت مدرن، بهره‌وری رآکتور را افزایش می‌دهد
* در دانش و صنعت هسته‌ای آنقدر پیشرفت کرده‌ایم که به جای مهندسی معکوس و استفاده از طراحی دیگران، خودمان می‌توانیم سوخت جدید طراحی کنیم

رئیس سازمان انرژی اتمی اعلام کرد: ایران برای نخستین بار موفق شد طراحی سوخت مدرن ۲۰درصد برای استفاده در رآکتور تهران را آغاز کند. دکتر علی‌اکبر صالحی ادامه داد: اقدامات اولیه برای طراحی سوخت مدرن ۲۰ درصد آغاز شده است و در آستانه آن قرار داریم، محصولی که با سوخت ۲۰ درصد قبلی متفاوت است و شکل آن عوض می‌شود و راندمانش بالا می‌رود. هر رآکتوری مانند رآکتور تهران ساخته شود قادر به تامین سوخت آن از این طریق هستیم.

بقیه در صفحه ۲

واکنش ظریف به مزاحمت آمریکا در روابط اقتصادی ایران و عراق

* وزیر خارجه با اشاره به مزاحمت‌های آمریکا در روابط اقتصادی ایران و عراق به کشورهای منطقه توصیه کرد روی اسب بازنده هیچ وقت شرط‌بندی نکنند
* این حرکت‌ها نتیجه شکست سیاست‌های آمریکاست و این شکست‌ها ۴۰ سال است ادامه یافته است
* ظریف امروز با برهم صالح، رئیس‌جمهوری، عادل عبدالمهدی نخست وزیر و محمد الحلبوسی، رئیس پارلمان عراق در بغداد دیدار می‌کند

صفحه ۲

لایحه CFT به مجمع تشخیص مصلحت می‌رود

* لعیا جنیدی معاون حقوقی رئیس‌جمهوری: شورای نگهبان به جز دو سه مورد توضیحات ما را نپذیرفت و در نهایت این لایحه به مجمع می‌رود

صفحه ۲

محک

خوش بود گر محک تجربه آید بمیان

ابوالقاسم قاسم زاده

بودجه حلّال مشکلات یا..!؟

بار دیگر در برنامه‌ریزی سالانه دولت و مجلس تنظیم و تصویب بودجه سال آینده موضوع روز شده است. دولت لایحه بودجه سالانه را به مجلس ارائه داد و مجلس با تشکیل کمیسیون‌ها و در نهایت با تشکیل کمیسیون «تلفیق» در ادامه جلسات عمومی در صحن علنی مجلس مشغول به تصویب نهایی آن خواهد شد.

بودجه در همه دولت‌های دارای قوای مجریه، مقننه و قضائیه نقشه راه مدیریت کلان کشور در یک سال تعریف شده مالی خوانده می‌شود. در کشورهای دارای احزاب تعریف شده، چنین است که ابتدا دورنما و یا تنظیم کلی بودجه سالانه در داخل حزب حاکم با مشارکت بخش‌های اجرایی دولت، بخصوص وزارتخانه اقتصاد آن به مرور شکل می‌گیرد تا در هیئت دولت بررسی و بقول معروف چکش‌کاری نهایی و براساس شرایط آن سال و ارزیابی سال آینده مصوب و به مجلس نمایندگان ارائه شود. به عبارت دیگر، بودجه سالانه در طول سال اجرایی دولت حاکم با گذر از کار کارشناسی گسترده و با همکاری نهادهای گوناگون اعم از دولتی و نهادهای خصوصی و سندیکاها از اقشار گوناگون در نظام با نگاه مشارکت فعال، دقیق و کارشناسی از توان تولیدی هزینه بر یا درآمدزا شکل می‌گیرد.

در کشور ما مرکز تنظیم بودجه به عهده سازمان برنامه و بودجه است که کارشناسی و تنظیم آن را انجام می‌دهد. سپس با تصویب آن در هیئت دولت از سوی رئیس جمهور برای تصویب نهایی به مجلس داده می‌شود. اولین مشکل این است که مراحل کارشناسی سازمان برنامه و بودجه در طول سال برای عموم مردم مکشوف نیست، اگرچه در گفتگوها و مصاحبه‌های رسانه‌ای برخی از نکات آن به اطلاع عموم می‌رسد که چندان هم مورد توجه قرار نمی‌گیرد. مشکل دیگر، نقد و بررسی لایحه بودجه در مجلس، بخصوص در کمیسیون‌های مربوط به آن و سرانجام در کمیسیون تلفیق است. در اغلب این کمیسیون‌ها، نگاه بسیاری از نمایندگان از استانهای کشور بر نیازهای مشخص و خاص آن استان برتری دارد و بقول معروف نگاه بخشی بر ارزیابی ملی اولویت دارد. اما امروز و در شرایط خاص کشور، مشکلاتی مانند معیشت عمومی، بیکاری و تورم، کشاورزی، آب و خشکسالی، بهداشت و درمان، مسکن، ضرایب تخصیص بودجه جاری و عمرانی و ده‌ها مورد دیگر اگرچه با مقیاس‌های متفاوت بخشی در عموم استان‌ها دیده می‌شود اما اکنون به‌صورت کلان و در سطح ملی مورد نظر دولت و مجلس است.

بودجه خوب را «تنظیم مالی» و «مدیریتی واقع‌گرا» می‌دانند که درآمدها و هزینه‌ها در آن باید از منحنی مطلوب تعادلی برخوردار باشد. دولت و مجلس در تنظیم بودجه اگرچه باید کلان‌نگر باشند، اما اختصاص مالی یا کدهای بودجه‌ای، به میزان درآمدها و ذخیره مالی کلان صندوق دولت و در یک کلام وسعت درآمدها و قدرت ریالی و ارزی دولت وابسته است.

دیروز روزنامه دولت گزارشی از اولین جلسه کمیسیون تلفیق مجلس با تیتر «۷هزار میلیارد تومان اعتبار برای رفع فقر مطلق، دولت سال آینده یک میلیون شغل ایجاد می‌کند.» ارائه داده است که در آن آمده است:

«بررسی رسمی لایحه بودجه از صبح دیروز در مجلس آغاز شد آنجا که کمیسیون تلفیق در اولین نشست خود میزبان رئیس سازمان برنامه و بودجه، رئیس کل بانک مرکزی و وزیر نفت بود. بنا به گفته محمود نگهبان سلامی عضو کمیسیون تلفیق محمدباقر نوبخت رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور «اشتغال، کاهش فقر مطلق و مهار تورم» را سه هدف اصلی لایحه دولت دانسته است.

محمدمهدی مفتح، سخنگوی کمیسیون تلفیق هم با بیان این که نوبخت در خصوص کلیات بودجه توضیحاتی ارائه داد گفت: براساس این گزارش مشخص شد که بودجه دوسقفی خواهد بود. براساس درآمد و هزینه‌های پیش‌بینی‌شده در لایحه بودجه سال۹۸ اهداف کلانی دنبال می‌شود. در بخش اشتغال، تمرکز دولت در لایحه بودجه بر اشتغالزایی در حوزه مسکن است که در بافت‌های فرسوده شهر و مسکن اجتماعی این هدف دنبال می‌شود. نماینده تویسرکان در مجلس با اشاره به هدف ارتقای معیشت مردم، بیان داشت: ۱۴میلیارددلار برای تأمین کالاهای اساسی با ارز ۴هزارو۲۰۰تومانی در نظر گرفته شده، همچنین بودجه‌ای برای رفع فقر مطلق در لایحه بودجه پیش‌بینی شده است. مفتح توضیح داد: بودجه رفع فقر مطلق به افرادی تعلق می‌گیرد که درآمد آنها از حداقل مستمری که کمیته امداد امام خمینی(ره) پرداخت می‌کند کمتر است، در واقع دولت به دنبال آن است که همه اقشار برابر حداقل مستمری کمیته امداد، دریافتی داشته باشند، برای این هدف ۷هزارمیلیارد تومان، اعتبار دیده شده است. مفتح در ادامه با اشاره به صحبت‌های رئیس بانک مرکزی در نشست کمیسیون تلفیق بودجه سال ۹۸، اظهار داشت: همتی در خصوص مسائلی که بر سر ارز در سال ۹۷ اتفاق افتاد توضیحاتی ارائه کرد و گفت: برای شرایط ارزی در سال ۹۸ پیش‌بینی صورت گرفته است.

این نماینده مجلس ادامه داد: بیژن زنگنه وزیر نفت از شرایط درآمد و صادرات نفت در سال۹۸ گزارشی ارائه کرد. وزیر از میزان صادرات و درآمد نفتی پیش‌بینی‌هایی را ارائه کرد و بیان شد با فرض اعمال تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران، اعداد و ارقامی که برای این بخش در لایحه بودجه پیش‌بینی شده، مطابق با واقعیت‌ها است. سخنگوی کمیسیون تلفیق بودجه سال۹۸ اظهار داشت: زنگنه در گزارش خود به ظرفیت چاه‌های نفت و مصرف داخلی پرداخت و در خصوص قیمت نفت در بازار جهانی برای نمایندگان عضو کمیسیون توضیحاتی ارائه کرد.

همچنین عضو کمیسیون تلفیق مجلس به نقل از محمدباقر نوبخت رئیس سازمان برنامه و بودجه در نشست روز شنبه این کمیسیون گفت: دولت در لایحه بودجه سال۹۸ کل کشور ایجاد اشتغال برای یک میلیون و هفتادوهفت هزار نفر را پیش‌بینی کرده است. فاطمه ذوالقدر در گفت‌وگو با ایرنا با اشاره به توضیحات نوبخت در این نشست، گفت: به گفته نوبخت، هفت هزارمیلیارد تومان برای مبارزه با فقر عمومی شامل زنان سرپرست خانوار و خانواده‌های زیرنظر بهزیستی و غیره در بودجه۹۸ در نظر گرفته شده و بنا شده که در سال۹۸ براساس بودجه حقوق مددجویان افزایش یابد.»

اگرچه نقد و بررسی بودجه به عنوان سند بالادستی و برنامه‌ای کشور، به عهده اقتصاددانان و صاحب‌نظران «اقتصاد پولی» کشور است اما از سیمای بودجه ارائه‌شده چنین برمی‌آید که بودجه ارائه شده می‌تواند حلال برخی از مشکلات در سال آینده باشد، اما نباید انتظار حل همه مشکلات یا «معجزه» از آن داشت. بودجه یک متن و در نهایت تنظیم دورنمای برنامه‌ریزی کلان دولت است که بسیار حائز اهمیت است. اما و شاید مهمتر از آن قدرت مدیریتی و اجرایی دولت است که نشان می‌دهد، سال آینده بهتر یا بدتر خواهد شد.

رهبر معظم انقلاب درگذشت والده سرلشکر موسوی را تسلیت گفتند

خبرگزاری مهر گزارش داد: در پی درگذشت والده امیر سید عبدالرحیم موسوی، فرمانده کل ارتش، رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرماندهی کل قوا پیام تسلیتی صادر فرمودند.

متن پیام بدین شرح است:

امیر سرلشکر موسوی

فرمانده محترم کل ارتش جمهوری اسلامی ایران

درگذشت والده مکرمه را به جناب عالی و دیگر بازماندگان تسلیت می‌گویم و رحمت و غفران الهی را برای آن مرحومه از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

سیدعلی خامنه ای

۱۳۹۷/۱۰/۲۳

رئیس جمهوری امروز به استان گلستان می رود

رئیس جمهوری فردا برای دیدار با مردم استان گلستان و بررسی نیازمندی ها و روند اجرای طرحها و پروژه ها در مسیر تحقق توسعه همه‌جانبه و پایدار، عازم این استان می شود.

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی را در این سفر دو روزه، تعدادی از معاونین رئیس جمهوری و وزرای کابینه همراهی می کنند.

در جریان سفر رئیس جمهوری به استان گلستان مهمترین برنامه‌ها و طرح‌های مرتبط با توسعه استان گلستان از جمله در حوزه‌های بهداشت و درمان، کشاورزی، حمل‌ونقل، مدیریت منابع آب، انرژی، گردشگری، محیط زیست، عمران شهری و روستایی، ورزش، آموزش عالی، آموزش و پرورش، صنایع و همچنین سرمایه گذاری بخش دولتی و خصوصی تشریح می شود.

روحانی در نخستین مرحله از سفر خود به استان گلستان، وارد فرودگاه کلاله خواهد شد و پس از دیدار و سخنرانی در جمع مردم شریف گنبد کاووس، عازم گرگان می شود.

جلسه توسعه، دیدار با برگزیدگان استان و افتتاح پروژه های استانی، دیدار با علمای اهل تسنن و تشیع، جلسه شورای اداری استان و شرکت در نشست خبری از جمله برنامه های رئیس جمهوری در این سفر دو روزه است.

طراحی سوخت مدرن ۲۰ درصدی برای راکتور اتمی تهران

بقیه از صفحه اول

وی همچنین گفت که تامین سوخت و ساخت اتاق کنترل از گلوگاه‌های اصلی در ساخت راکتور است و اکنون طراحی راکتور برای متخصصان کشورمان، کاری بسیار ممکن شده است.

صالحی اضافه کرد: راکتور هسته‌ای تهران تاکنون با سوخت قدیم کار می‌کرد اما سوخت مدرن، بهره‌وری رآکتور را افزایش می‌دهد.رئیس سازمان انرژی اتمی با بیان این که دانش هسته‌ای را مهار کرده‌ایم افزود: در دانش و صنعت هسته‌ای آنقدر پیشرفت کرده‌ایم که به جای مهندسی معکوس و استفاده از طراحی دیگران، خودمان می‌توانیم سوخت جدید طراحی کنیم که این از دستاوردی بزرگ برای کشور است. بنا بر گزارش خبرگزاری صدا و سیما، صالحی در ادامه گفت: از دیگر دستاوردهای بزرگ هسته‌ای ما این است که علاوه بر تجهیزاتی که می‌سازیم، دانش صنعت هسته‌ای را مهار کردیم و توانستیم مستندسازی کنیم به نحوی که فرمول‌های علمی را به صورت نرم‌افزاری درآورده‌ایم و پس از راستی‌آزمایی از آن برای طراحی استفاده می‌کنیم.رئیس سازمان انرژی اتمی همچنین از توانمندی دانشمندان هسته‌ای کشورمان در تولید ماده اولیهFDG یعنی داروی مورد استفاده در تجهیزات پت خبر داد و افزود: ماده اولیهFDG ، اکسیژن ۱۸ است که توانستیم این اکسیژن را با خلوص ۹۵ درصد در اراک تولید کنیم.وی گفت: اگر مرحله هیدرولیز به پایان برسد می‌توانیم بگوییم در این زمینه خودکفا شده‌ایم و دیگر نیازی به واردات اکسیژن ۱۸ به نرخ هر کیلو ۲۵ تا ۳۰ هزار دلار نیست.صالحی تاکید کرد: توان تولید ما در این زمینه آن قدر افزایش یافته است که می‌توانیم بخشی از تولیداتمان را صادر کنیم که ارزآوری نسبتاً خوبی برای کشور دارد. پت اسکن تصویربرداری پزشکی هسته‌ای به منظور تولید سه بعدی تصاویر رنگی از فرآیندهای عملکردی در درون بدن انسان و یکی از تجهیزات پزشکی پرهزینه برای تشخیص برخی سرطان‌هاست.

لایحه CFT به مجمع تشخیص مصلحت می‌رود

معاون حقوقی رئیس‌جمهوری از پایان جلسات سه جانبه خود با ظریف و کدخدایی خبر داد و گفت: شورای نگهبان در نهایت به جز دو سه مورد توضیحت ما را نپذیرفت و در نهایت این لایحه به مجمع می‌رود.

به گزارش جماران، لعیا جنیدی از پایان جلسات سه جانبه خود با محمدجواد ظریف وزیر خارجه و عباسعلی کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان خبر داد و گفت: این جلسات در جهت حفظ منافع ملی و رفع دغدغه‌های موجود در زمینه CFTبود که به هرحال به پایان رسید.

وی افزود: ما در این جلسات سعی کردیم با شورای نگهبان تعاملی برای سئوال‌های صورت گرفته داشته باشیم اما در نهایت آنها دو– سه مورد را پذیرفتند و بقیه را رد کردند و حالا اگر بر روی آن اصرار شود این لایحه به مجمع خواهد رفت.معاون حقوقی رئیس‌جمهوری خاطرنشان کرد: فعلا در جلسه آینده مجمع تشخیص مصلحت نظام موضوع پالرمو در دستور کار خواهد بود و فکر می‌کنم CFTپس از پالرمو در دستور کار مجمع قرار بگیرد.

استقبال سخنگوی شورای نگهبان ازاصلاح پیش نویس لایحه انتخابات

سخنگوی شورای نگهبان اصلاح پیش نویس لایحه انتخابات را با خبر خوبی دانست و اظهار امیدواری کرد در این زمینه قانون جامعی تدوین شود.

به گزارش ایرنا، عباسعلی کدخدایی در واکنش به سخنان معاون پارلمانی رییس جمهور مبنی بر اصلاح پیش‌نویس لایحه انتخابات در توییتی نوشت: اگر چه کمی دیر، لیکن خبر خوبی است.

وی افزود: انشاالله با همکاری مجلس، قانون جامع انتخاباتی موثر و در طراز نظام جمهوری اسلامی ایران داشته باشیم.

کدخدایی ادامه‌داد: موضوعاتی چون شایسته گزینی، تبلیغات، هزینه انتخاباتی، زمان رسیدگی‌ها و... از جمله اشکالات قانون فعلی است که انتخابات را از اهداف اصلی دور می سازد.

گفتنی است، پیش از این حسینعلی امیری معاون پارلمانی رییس جمهوری بیان کرد: پیش‌نویس لایحه جامع انتخابات با توجه به سیاست‌های کلی انتخابات بازنگری و اصلاح شده است و این پیش نویس با استفاده از نقطه نظرات نخبگان، اساتید و متخصصان و صاحب نظران در ۱۶۱ ماده منطبق با سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی مقام معظم رهبری توام با کارشناسی دقیق و با نظر کارشناسان خبره تدوین شده است.

آیین معارفه رئیس جدید مرکز رسیدگی به امور مساجد برگزار شد



آیین معارفه حجت الاسلام سید ناصرالدین نوری زاده، به عنوان رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد، با سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری، در مجتمع محراب مرکز رسیدگی به امور مساجد برگزار شد.

به گزارش مهر، در این مراسم رئیس دفتر مقام معظم رهبری با ابلاغ پیام ایشان گفت: اکنون خاکریز اول دشمنی استکبار با ما، روحانیت است. چون روحانیت بزرگترین پشتیبان و خاستگاه این انقلاب است.

وی ادامه داد: سابقه روحانیت تشیع بسیار درخشان است. از زمان غیبت کبری تا کنون شهدای بسیاری از این قشر تقدیم راه خدا شده است. شهدایی مثل شهید اول، شهید ثانی، قاضی نورالله شوشتری و شهدای بسیاری که زحمات فراوانی در این راه کشیدند.

وی افزود: اگر زحمات شیخ مفید، شیخ طوسی، محقق کرکی، علامه مجلسی و دیگران نبود، اکنون دست ما خالی بود که بخواهیم که دیگران را هدایت کنیم.

آنچه داریم که به شکر مکتب پربار اهل بیت همواره با ماست نتیجه زحمات این قشر است. حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری از این مساله و از این سابقه استفاده کردند و همین راز و رمز محبوبیت روحانیت در دلهای مردم است.

حجت الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی در ادامه گفت: در همین دفاع مقدس هشت ساله چند هزار طلبه و روحانی شهید شده اند؟ بسیاری از شما شهید محلاتی را می شناسید از نحوه شهادت ایشان با آن همه روحانی بزرگوار اطلاع دارید.

وی افزود: این سابقه درخشان وظیفه ما را سنگین‌تر می‌کند. شما در مساجد حضور دارید و با مردم در ارتباط هستید و بهتر می دانید راز و رمز موفقیت یک روحانی در مسجد و پایگاه خودش این است که با مردم مهربان و رابطه داشته باشد. در این باره مقام معظم رهبری بارها توصیه کردند و فرمودند روحانی نباید در شرایط فعلی تجمل گرا باشد.

حجت الاسلام والمسلمین حاج علی اکبری رئیس شورای سیاستگذاری ائمه جمعه کشورهم در این مراسم با ارائه خلاصه‌ای از دستاوردهای این مرکز در دوران ریاستش در آن گفت: قله برنامه‌هایی که در طول این سالها انجام شد شرفیابی به محضر مقام معظم رهبری در روز جهانی مسجد در سال ۹۵بود.

در آن جلسه رهبر عالیقدرمان نقشه راه را به زیبایی ترسیم کر دند و سالها می توان با همان نقشه راه طی منزل کرد.

امام جمعه موقت تهران از هدایت و عنایت رهبر انقلاب در طی سالیان ریاستش در مرکز رسیدگی به امور مساجد تقدیر کرد و گفت: آنچه که در این سال‌ها انجام شد حاصل یک کار جمعی بود و بنده کمترین سهم را در مسیر طی شده دارم. یاران خوب، مدیران و معاونین مرکز دارای روحیه جهادی و خدمت و اهل دانش هستند، اما مهمترین نکته این است که به لطف خدای متعال توانستیم از سرمایه عنایت و حمایت رهبر معظم انقلاب بهره مند باشیم.

عوارض بیمه شخص ثالث به منبع درآمد برخی نهادها تبدیل شده است

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی اعلام کرد: عوارض بیمه شخص ثالث در سال‌های اخیر به منبع درآمد برخی نهادها تبدیل شده و کمکی به کاهش تلفات و حوادث رانندگی در کشور نکرده است.

به گزارش ایرنا، کارشناسان این مرکز در گزارشی به بررسی تبصره بند ۱۰ لایحه بودجه ۱۳۹۸ کل کشور پرداختند که در آن آمده است: شرکت‌های بیمه ای مکلفند مبلغ ۳۰۰۰ میلیارد ریال از اصل حق بیمه شخص ثالث دریافتی را در جدولی که براساس فروش بیمه (پرتفوی) هریک از شرکت‌ها تعیین و به تصویب شورای عالی بیمه می رسد، به صورت هفتگی به درآمد عمومی نزد خزانه داری کل کشور واریزکنند.وجوه واریزی در اختیار سازمان راهداری و حمل ونقل جاده ای کشور، نیروی انتظامی و سازمان اورژانس کشور قرار می گیرد تا در ردیف‌های مربوط به این دستگاه‌ها در امور منجر به کاهش تصادفات و مرگ و میر، هزینه شود.

همچنین بیمه مرکزی ایران موظف به نظارت بر اجرای این بند است. وجوه واریزی شرکت‌های بیمه موضوع این بند به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی محسوب می شود.

سازمان راهداری و حمل ونقل جاده ای کشور، نیروی انتظامی و سازمان اورژانس کشور موظفند گزارش عملکرد خود را هر سه ماه یک بار از نحوه هزینه این وجوه به بیمه مرکزی ایران گزارش کنند.

مرکز پژوهش‌های مجلس تاکید کرده است: عوارضی که از صنعت بیمه دریافت می شود برای تسهیل کارکردها و اهداف بیمه است. برای مثال نیروی انتظامی با استفاده از درآمد عوارض مربوطه، مکلف به انجام اقداماتی برای کاهش تصادفات است، اما این عوارض فقط به درآمدی برای نهادها تبدیل شده است و اهداف مورد نظر به درستی در تخصیص منابع مورد توجه قرار نمی گیرد؛ بنابراین حق بیمه از جیب مردم می رود و دیگر هدفمند نیست و کارآیی و اثربخشی الزم را ندارد.

در این گزارش آمده است: متأسفانه تعداد موارد نقص عضو و مصدومیت در کشور افزایش یافته است، به طوری که طبق گزارش سازمان پزشکی قانونی کشور، متوفیات و مصدومان منجر به فوت ناشی از حوادث رانندگی در هشت ماهه امسال نسبت به مدت مشابه پارسال با رشد ۰,۹ درصدی به ۱۲ هزار و ۲۶۱ مورد رسیده است.

چگونگی هزینه کرد و شاخص‌های شیوه تسهیم و پرداخت منابع یادشده شفاف نیست و در عمل این منابع بابت کسر بودجه و هزینه‌های اداری و پرسنلی تلقی و مصرف می شود؛ ضمن اینکه بیمه مرکزی هیچ گزارشی در مورد شفاف سازی آثار تخصیص این منابع، برای آگاه سازی کارشناسان صنعت بیمه ارائه نکرده است.

براساس این گزارش، تعداد فوت شدگان ناشی از تصادفات رانندگی در سال ۱۳۹۵ به ۱۵ هزار و ۹۰۰ نفر رسید و این رقم پارسال به ۱۶ هزار و ۲۰۰ نفر افزایش یافته است؛ همچنین تعداد مصدومان این حوادث از ۳۳۳ هزار و ۱۰۰ نفر در سال ۱۳۹۵ به ۳۳۶ هزار نفر در سال ۹۶ رسید؛ بنابراین سهم فوت شدگان ناشی از تصادف‌های بین شهری از ۷۲ درصد در سال ۱۳۹۵ به ۲۷ درصد در سال ۹۶ رسیده است؛ در مجموع سهم تصادف‌های رانندگی در حوادث منجر به فوت شهروندان در ۲ سال یاد شده به میزان ۸۰ درصد ثابت مانده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس پیشنهاد کرده است برای هدفمند کردن عوارض بیمه ای و تخصیص آن در محل‌های تعیین شده، ابتدا تخصیص منابع به صورت مرحله ای صورت گیرد و سپس شیوه مصرف منابع توسط نهادهای مربوطه شفاف شود و تخصیص‌های بعدی براساس آن و با تائید ناظر یعنی بیمه مرکزی انجام گیرد؛ به عبارت دیگر در تبصره مربوطه تخصیص مبلغ مورد نظر باید طبق ارزیابی عملکرد نهادهای مربوطه انجام گیرد.

۹۵ هزار میلیارد تومان برای حقوق و دستمزد

خبردیگراین که سخنگوی کمیسیون تلفیق لایحه بودجه کل کشور سال ۹۸ با بیان اینکه «خالص بدهی دولت تا پایان پارسال ۱۴۳ هزار میلیارد تومان است»، گفت که اعداد نشان می‌دهد این بدهی در محدوده قابل قبولی است.

به گزارش ایسنا، محمدمهدی مفتح در نشست خبری دیروز خود در جمع خبرنگاران و در تشریح مصوبات کمیسیون تلفیق بودجه اظهار داشت: سقف اول درآمدهای دولت در سال ۹۸ ، ۴۰۷ هزار میلیاردتومان پیش بینی شده است که در سقف دوم ۴۰ هزارمیلیارد تومان به درآمدها اضافه خواهد شد.

وی افزود: هزینه‌های جاری رقمی معادل ۳۲۰ هزار میلیاردتومان پیش بینی شده که نسبت به سال قبل ۹ درصد افزایش یافته است و فقط رقمی که در این بخش رشد کرده حقوق دستمزد است که ۲۰ درصد رشد داشته است.

نماینده مردم رزن در مجلس یادآور شد: در بخش عمرانی ۶۲ هزار میلیاردتومان پیش بینی شده که معادل رقم سال ۹۷ است و در بخش تملک مالی ۲۵ هزار میلیاردتومان پیش بینی شده است که نسبت به سال قبل ۱۹ درصد کاهش را شاهدیم. همچنین ۹۵ هزار میلیاردتومان برای حقوق و دستمزد پیش بینی شده است و در بخش رفاه اجتماعی ۱۲۲ هزار میلیاردتومان و در بخش بازپرداخت اوراق مالی ۱۹.۲ هزار میلیاردتومان پیش بینی شده است که بتوانیم از بودجه امسال برای سال ۹۸ پرداخت داشته باشیم.

مفتح خاطرنشان کرد: از نظر میزان کسب درآمدهای دولت در حوزه درآمد مالیاتی ۱۲۶ هزار میلیاردتومان پیش بینی شده است و در زمینه درآمد حاصل از صادرات نفت با این موانع صادرات نفت میانگین ۱.۵ میلیون بشکه نفت در روز پیش‌بینی شده و قیمت هر بشکه نفت ۵۴ دلار در نظر گرفته شده است. همچنین تسعیر قیمت ارز برای کالاهای اساسی ۴۲۰۰ تومان و برای بقیه کالاها ۸۰۰۰ تومان پیش‌بینی شده است.

وی با بیان این که سعی شده لایحه دولت به نحوی واقع بینانه پیش بینی شود تا در سال آینده تصمیمات درستی گرفته شود، گفت: کمیسیون تلفیق در بررسی‌های خود تلاش می کند به این اطمینان برسد که این اعداد تحقق پذیر است. به همین دلیل در فرآیند رسیدگی به لایحه بودجه وقت زیادی را برای بررسی کلیات بودجه قرار دادیم که وارد بررسی این موضوع در کمیسیون تلفیق شدیم و نماینده دولت به طور کامل لایحه، اعداد، ارقام و اهداف و درآمدها و هزینه‌ها و همچنین استدلال‌های پشتیبان را تشریح کرد. نمایندگان هم موارد مدنظر خود را اعلام کردند و بعد از آن دیوان محاسبات و مرکز پژوهش‌ها نظرات خود را ارائه می کنند و بعد از گذشت این مراحل کلیات بودجه به رأی کمیسیون گذاشته می شود و وارد بررسی جزئیات می شویم.

به گفته وی، طبق آیین نامه دو هفته فرصت بررسی در کمیسیون تلفیق است که تا دوهفته دیگر قابل تمدید است، اما براساس روال گذشته احتمالاً در مدت سه هفته کار کمیسیون تلفیق به اتمام می رسد.

یک عضو دیگرکمیسیون تلفیق لایحه هم از پیش‌بینی رئیس سازمان برنامه و بودجه برای ایجاد بیش از یک میلیون شغل در سال ۹۸ خبر داد.

محمود نگهبان سلامی در گفتگو با ایسنا با اشاره به برگزاری جلسه کمیسیون تلفیق با حضور محمدباقر نوبخت رئیس سازمان برنامه و بودجه، همتی رئیس کل بانک مرکزی و زنگنه وزیر نفت اظهار داشت: در این جلسه نوبخت سه هدف اصلی بودجه را اشتغال، کاهش فقر مطلق و مهار تورم دانست. همچنین ۶۵ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان برای ایجاد یک میلیون و ۷۷ هزار شغل در سال ۹۸ در نظر گرفته شده و ۱۴ میلیارد دلار با ارز ۴۲۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی و دارو پیش‌بینی شده است.

نماینده مردم خواف و رشتخوار در مجلس با اشاره به پیش بینی لایحه بودجه سال ۹۸ در دو سقف، افزود: سقف اول ۴۰۷ هزار میلیارد تومان و سقف دوم ۴۴۷ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده است. همچنین در این لایحه منابع شرکت‌های دولتی، موسسات انتفاعی وابسته به دولت و بانک‌ها ۷۲ درصد، درآمدهای اختصاصی دولت ۴ درصد و منابع عمومی دولت ۲۴ درصد است.

این عضو کمیسیون تلفیق لایحه بودجه سال ۹۸ یادآور شد: در این لایحه اعتبارات هزینه‌ای ۳۲۰هزارمیلیاردتومان،اعتبارات‌تملک‌دارایی‌سرمایه‌ای ۶۲ هزار میلیارد تومان و اعتبارات تملک دارایی مالی ۲۵ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده است.

وی ادامه داد: در لایحه بودجه درآمدهای مالیاتی ۱۲۶ هزار میلیارد تومان، صادرات رسمی نفتی یک ونیم میلیون بشکه در روز، سهم صندوق توسعه ملی ۲۰ درصد و متوسط قابل وصول هر بشکه نفت صادراتی ۵۴ دلار در نظر گرفته شده است. همچنین ۱۴ میلیارد دلار برای کالاهای اساسی، دارو و تجهیزات پزشکی و نهادهای دامی و کشاورزی در نظر گرفته شده است.

تصویب کلیات لایحه بودجه ۹۸ در کمیسیون تلفیق

کلیات لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور در جلسه دیروز کمیسیون تلفیق مجلس تصویب شد.

به گزارش ایرنا، اعضای کمیسیون تلفیق به بررسی کلیات لایحه بودجه سال آینده پرداختند و پس از سخنان موافقان و مخالفان کلیات این لایحه به آن رأی مثبت دادند.

علی اصغر یوسف نژاد نماینده ساری در مجلس در گفتگو با ایرنا گفت: کلیات لایحه بودجه ۹۸ با ۲۲ رای موافق، ۱۶ رای مخالف و دو رای ممتنع از مجموع آرای ۴۰ نماینده عضو کمیسیون تلفیق به تصویب رسید.محمود نگهبان سلامی، قاسم احمدی‌لاشکی، حسن سلیمانی، هادی‌قوامی، همایون یوسفی، محمدحسین فرهنگی، عبدالرضا مصری و فاطمه ذوالقدر سخنرانان موافق کلیات لایحه بودجه سال آتی در این جلسه بودند.

همچنین احمد امیرآبادی فراهانی، جهانبخش محبی‌نیا، محمد حسن‌نژاد، سمیه محمودی، سیدعلی ادیانی و احمد همتی نیز به عنوان مخالف کلیات لایحه بودجه ۹۸ در این جلسه صحبت کردند.

کمیسیون تلفیق با تصویب کلیات لایحه بودجه سال آتی وارد بررسی جزئیات این لایحه کلان اقتصادی می شود.

یادداشت

سلاطین و درویشان...

سید مسعود رضوی

در فرهنگ اصطلاحات رایج در جامعهٔ ایران، هراز چندی اصطلاحات و تمثیلاتی رایج می‌شود و عالمان و عامیان برای بیان منظورشان از آن اصطلاحات و تعبیرات بهره می‌گیرند. این خصلت زبان است و تموّج و تحوّل در بیان و گفتار عموم موجب تازگی و بهینگی می‌شود. البته قاعدتاً باید چنین باشد. به اصطلاح، هنجار زبان و ذات محاوره چنین است.

اما گاهی زبان به استیصال دچار شده و به ناهنجاری دگرگون می‌شود. در واقع به جای تحوّل، تغییر و تغیّر می‌یابد و به جای خروش و خدمت، خدشه‌ای نابسامان بروز می‌کند. زبان باید موجب تکامل شود و فکر و ذکر سالم را در آدمیان برانگیزد. به همین دلیل لازم است که سرمشق زبان مردم، بیان و سخن دانشوران و صاحبان علم و اخلاق، و وارثان ادب و فرهنگ باشد، نه فرصت طلبان بی ادب و یا هر رهزنی که به طرّاری و چرب زبانی درپی پرت کردن حواس و سرقت مال و منال عامه و عوام، و یا بدنام کردن خواص و بزرگان است!

افزون بر این مسائل، زبان و واژه‌های هر دوران، آئینه و کلید فهم تاریخ نیز محسوب می‌شود. برای درک مردم و حکومت‌ها، و شناختن مناسبات میان آنان، باید از طریق این دروازه وارد شد. اصطلاح آشنای «کلیدواژه»ها ــ یا به قول سبک‌شناسان و ادب پژوهان: «دگرواره»ها ــ دلالت بر همین موضوع دارد. بالارفتن آمار استفاده از یک عبارت، یا مضمون یا اصطلاح، همیشه بیانگر وضع عمومی جامعه و حاکمیت است. به همین دلیل نمی‌توان پشت اندرزهای تصنعی پنهان شد و حقایق را کتمان کرد. دیر یا زود، بسامد واژه‌ها، عمق حقایق را نشان می‌دهد.

باری، حاشیه نروم. در سنوات اخیر، صفحات مطبوعات و فراتر از آن، در زبان و بیان نخبگان و مسئولان کشور، اصطلاحات و عباراتی فراوان و بسیار شده که غالباً نشانگر ناهنجاری فرهنگی و وضع نابرازندهٔ جامعه و نهادهای رسمی و عمومی کشور ماست. ازجمله اغراق و بزرگی و آمار بالای سوءاستفاده‌ها که چندین اصطلاح متناوب را پدید آورده و رایج کرده است. مثل حقوق‌های نجومی یا اختلاس‌های کهکشانی، املاک نجومی، اعتبار و مؤسسه‌های اعتباری و انتفاعی و مفاهیم مستعار و کنایی که اغلب مردم و مسئولان می‌دانند که منظور چیست و ریشه‌های قدرتمندش در چه شرایطی نهان و محکم شده است.

در ماههای اخیر اصطلاح «سلطان» هم اضافه شده که آن هم دلالت بر اغراق دارد؛ یعنی چنان حجم فساد زیاد و رقم‌های مستور در پشت سر درشت است که جز به صفت‌هایی مانند این قابل بیان نیست. مصادیق را هم همگان می‌شناسند و می‌شناسیم و به حکم قانونمندی الهی در تاریخ، آیندگان و مردمان هر سرزمینی درباب تقصیرها و تعزیرها قضاوت خواهند کرد. در این میان ازجمله: سلطان سکه و ارز، سلطان کاغذ، سلطان قیر و امثالهم برای افکار عمومی و سرخط رسانه‌ها بسیار آشنا هستند و مکرر از آنها نام برده شده و می‌شود! هیچ استبعادی هم ندارد که بعداً سلطان آرد و قند و شیشه و هر کالای دیگری هم بدان اضافه شود.

خوب، اینها دلالت خوبی ندارند و نشانه‌های خطرناکی هستند که اوضاع نابسامان اقتصاد و معیشت و نزول اخلاق تجاری و روابط مبتنی بر غارت را بیان می‌کند. آن هم در جامعه و نظام قدرتمندی که قرار بوده و هست که جانب بی‌پناهان و بینوایان بگیرد و دادِ مظلومان را بستاند و ریشه‌های استضعاف را بخشکاند.

این فرهنگ اصطلاحات، البته نقیض خود را هم فراوان دارد و نکته همین‌جاست که کسی نمی‌تواند با جعل و رواج این الفاظ، حقایق را باژگون و حواس مردم را پرت کند. زیرا جامعه در واکنشی هولناک، درست درکنار این نجومی‌ها و کهکشانی‌ها و سلاطین، ضد آن را هم برکشیده و برساخته و رایج کرده است. این دو ضد و این نقیضین، هم‌زیست هستند و یک نمای کامل را در کنار هم ساخته‌اند. همان تذکری را به ما می‌دهند که امیرالمؤمنین حیدر(ع) هزار و چهارصدسال قبل فرمود؛ هیچ کاخی برافراشته نشد مگر که کوخ و ویرانه‌ای سربرآورد...

هم دیوارهایی از خانهٔ بیچارگان را می‌بینیم که فروافتاده و هم کاخ‌های غریب و عجیبی را که در محلات پر زرق و برق و در کنار برج‌های اشرافی و ویلاهای کذایی و اتومبیل‌های میلیاردی جلوه نمایی و خودفروشی می کنند. برندهای لوکس و صاحبان لوس آنها را چه کسانی و چگونه برکشیدند تا در کنارش «دهک‌های پایین» و «زیر خط فقر» و «سبد غذایی» و «بچه‌های کار» و «زباله گرد»ها و «کارتن خواب» و «زیر پل خواب» و «گورخواب» و «زنان سرپرست خانوار» و «معتادان رهاشده» و «دخترکان فراری» انواع «بزه دیدگان» و «مدرسه‌های کپری» و «مادران خردسال» و «پیران رها شده» ووو...

این یادداشت را فقط از برای تفکر و تفقّه به خوانندگان و مسئولان و برای ذکر در این لحظات حسّاس و مهم تاریخ نوشتم؛ زیرا هیچ لحظه‌ای برای رسیدگی به رنج و درد و استیصال مردمان آسیب دیده و محرومان دیر نیست و مقدمهٔ این کار شجاعت است و باور به عدالت و انصاف.

شیخ سعدی فرموده بود: «ده درویش در گلیمی بخسبند و دو پادشاه در اقلیمی نگنجند...» اما امروزه هم سلاطین بسیار در اقلیمی گنجیده‌اند و هم هزاران درویش بر پاره گلیم‌ها خوابی ندارند که مقبول و راحت یا قابل تذکر و اشارت باشد. منزلت و شأن ما البته این نیست. به قول حکیمانهٔ آن کشاورزی که به وزیر کشاورزی سخن ظریفی گفت و همه جا پیچید: دیگر خود دانید.

کاردار لهستان به وزارت امور خارجه فراخوانده شد

«ویچخ اونلت» کاردار لهستان در تهران در اعتراض به برگزاری کنفرانس ضد ایرانی به اصطلاح صلح و امنیت در خاورمیانه با میزبانی مشترک آمریکا و لهستان که قرار است ۲۴ و ۲۵ بهمن در ورشو برگزار شود، به وزارت امور خارجه فراخوانده شد.

به گزارش اداره کل اطلاع رسانی و امور سخنگویی؛ در این دیدار رئیس اداره اول شرق اروپای وزارت امور خارجه مراتب اعتراض رسمی ایران نسبت به اقدام طرف لهستانی در همراهی با آمریکا برای برگزاری این کنفرانس را اعلام کرد.

رئیس اداره اول شرق اروپای وزارت امور خارجه گفت: این یک حرکت خصمانه از سوی آمریکا علیه ایران است و انتظار می رود لهستان از همراهی با آمریکا در برگزاری این کنفرانس خودداری کند.

کاردار لهستان در این دیدار با ارائه توضیحاتی در باره کنفرانس مذکور، بر ضد ایرانی نبودن آن و این که مواضع لهستان با اظهارات اخیر مقامات آمریکایی متفاوت است ،تاکید کرد.

رئیس اداره اول شرق اروپای وزارت امور خارجه کشورمان با ناکافی دانستن این توضیحات و تاکید بر ضرورت اقدام جبرانی فوری دولت لهستان تاکید کرد در غیر این صورت جمهوری اسلامی ناچار به اتخاذ اقدامات متقابل است.

کاردار با اشاره به روابط تاریخی دو کشور اظهار داشت که پیام دولت ایران را به مقامات ذیربط لهستان منعکس خواهد کرد.

سخت و زیان آوری شغل پرستاری پیگیری می شود

سرپرست سازمان تامین اجتماعی گفت: قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری و قانون سخت و زیان آوربودن شغل پرستاران در سازمان تامین اجتماعی پیگیری می‌شود.

به گزارش اداره کل روابط عمومی سازمان تأمین اجتماعی، محمدحسن زدا در مراسم جشن ولادت حضرت زینب کبری (س) و روز پرستار افزود: اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری و احتساب پرستاری به عنوان شغل سخت و زیان آور از خواسته‌های برحق پرستاران است که باید اجرایی شود.

زدا افزود: چرا باید طرح تحول سلامت برای پزشکان اجرا شود اما برای پرستاران اجرایی نمی‌شود، اگر شکافی بین گروه پزشکی و پرستاری باشد باید منطقی باشد، باید توجه داشت که هر دو یک تیم هستند اگر در این تیم پیروز شوند یا شکست بخورند، با هم هستند

وی با بیان اینکه باید تلاش شود که مشکلات پرستاران حل شود، تصریح کرد: یک رفتار پسندیده پرستاران کار هزاران دارو را انجام می‌دهد و معتقدیم خط‌مقدم درمان پرستاران هستند.

سرپرست سازمان تامین اجتماعی ادامه داد: در سازمان تامین اجتماعی رفتار، نگاه و لبخند شما در بیمارستان و شعبه موضوعی است که مردم، این سازمان را به واسطه آن ارزیابی می‌کنند.

وی گفت: ۱۰ هزار و ۵۰۰ تخت فعال در مراکز درمانی و بیمارستانی وابسته به سازمان تامین اجتماعی فعال هستند که هشت درصد کل تخت‌های کشور می‌شوند. البته ۷۵درصد ضریب اشغال تخت در تامین اجتماعی است که این نشان دهنده فشار کاری به پرستاران به خاطر فعالیت زیاد این قشر است. اکنون ۱۵هزار پرستار در ۳۷۰ مرکز درمانی و بیمارستانی وابسته به تامین اجتماعی مشغول فعالیت هستند.

معاون درمان سازمان تامین اجتماعی هم در این مراسم گفت: افزایش حق نوبت کاری و پرداخت مابه‌التفاوت قانون ارتقای بهره وری برای پرستاران سازمان تامین اجتماعی ابلاغ شده و به زودی پرداخت می‌شود.

دکتر مهدی درخشان از وجود سه مطالبه و سه اقدام اساسی برای پرستاران در سازمان تامین اجتماعی سخن گفت و افزود: امیدواریم گامی‌در جهت کاهش مشکلات پرستاران برداریم، اصلاح تشکیلات پرستاری در سازمان تامین اجتماعی به عنوان اولین مطالبه است که تلاش شده که این کار صورت گیرد. مصوبه ای از سوی هیات مدیره سازمان تامین اجتماعی صادر شده، حتی نیمی‌از تشکیلات بیمارستان‌ها براساس این ساختار تغییر کرده است و این نوید داده می‌شود در سال ۹۸ این مشکل‌حل شود.

وی خاطرنشان کرد: دومین مشکل پرداخت مابه‌التفاوت قانون ارتقای بهره وری است. پرداخت این مابه‌التفاوت هم به استان‌ها ابلاغ شده و به زودی اجرا خواهد شد. افزایش نیافتن حق نوبت کاری پرستاران سومین مشکل این قشر است که مصوبه این کار از سوی هیات دولت به استان‌ها ابلاغ شده است و امیدواریم به زودی این مشکل هم حل شود.

وی اظهار داشت: اقدامات اساسی و زیربنایی در حوزه درمان انجام شده است یکی از آنها استقرار سیستم HIS است که به واسطه آن پرونده الکترونیک، کاردکس الکترونیک، نسخه الکترونیکی و دیگر خدمات غیرحضوری به واسطه این سیستم انجام شده و می‌شود.

دکتر درخشان افزود: اقدام بعدی تجمیع داده‌های مراکز ملکی است که از اول بهمن در کل کشور برقرار خواهد شد. اجرای نظام مراقبت عفونت‌های بیمارستانی یکی دیگر از برنامه‌های این سازمان در حوزه درمان است. استانداردسازی بخش‌های اورژانس بیمارستان‌ها از دیگر برنامه‌های این سازمان است که قرار است تمامی‌اورژانس‌ها به سمت استاندارد سازی بروند. ارتقای هتلینگ بیمارستان‌ها از دیگر برنامه‌های محوری سازمان تامین اجتماعی در حوزه درمان است و بخش زیادی از آن به اتمام رسیده است.

در پایان این مراسم از ۸۰ پرستار نمونه سازمان تأمین اجتماعی در سراسر کشور تجلیل شد.

واکنش ظریف به مزاحمت آمریکا در روابط اقتصادی ایران و عراق

وزیر خارجه با اشاره به مزاحمت‌های آمریکا در روابط اقتصادی ایران و عراق به کشورهای منطقه توصیه کرد که روی اسب بازنده هیچ وقت شرط بندی نکنند.

به گزارش فارس، محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه ایران در بدو ورود به بغداد در جمع خبرنگاران گفت: با عراق هم سابقه طولانی داریم و هم کشوری بودیم که در دوران سختی در کنار مردم عراق بودیم، مردم عراق توانستند یک خطر را که برای کل منطقه خطرناک بود رفع کنند و ما در کنار آنها بودیم. بخش خصوصی ما در سال‌های گذشته همواره در بازسازی عراق نقش فعالی داشته و روابط بسیار قوی تجاری بین ایران و عراق وجود دارد.البته برخی‌ها تلاش کردند این روابط را به هم بزنند، ولی به لطف خدا و درایت مسئولان دو کشور توفیقی در این زمینه نداشتند.

ظریف گفت: در این سفر علاوه بر بغداد به عتبات مقدسه در نجف و کربلا سفر خواهیم داشت که در کربلا علاوه بر تشرف به عتبات مقدسه یک فروم اقتصادی مشترک با عراقی‌ها خواهیم داشت. به اقلیم کردستان خواهیم رفت و در سلیمانیه و اربیل برنامه‌هایی داریم ازجمله یک فروم اقتصادی در سلیمانیه.

وی یادآور شد: برنامه تدارک دیده شده در این سفر، برای این است که بیشتر بخش خصوصی ما امکان همکاری و فعالیت بیشتر همراه با بخش خصوصی عراق را داشته باشد و همینطور مشکلاتی که در ماه‌های گذشته مخصوصا بعد از حمله داعش به عراق برای فعالیت‌ها پیدا شده بود از جمله مشکلاتی که در بخش فنی و مهندسی ما ایجاد شده بود و در سایر بخش‌ها و مزاحمت‌هایی آمریکایی‌ها ایجاد می‌کنند، بتوانیم با همفکری دو طرف این مشکلات را حل کنیم.

ظریف افزود: از مواضع مسئولان عراقی درباره تحریم‌ها استقبال کردیم. لازم است با همفکری زمینه‌های عملیاتی کردن این مواضع سیاسی را پیدا کنیم.

وی در پاسخ به سئوالی درباره رفع مشکلات بخش خصوصی ایران گفت: مجموعه نگرانی‌هایی که بخش خصوصی ما دارند جمع آوری کردیم. در سفرهای قبلی که بنده و همکاران دیگر از دولت داشتند این موضوعات بررسی شد و در این سفر نگرانی‌های بخش خصوصی برطرف می‌شود.

وزیر خارجه همچنین در پاسخ به سئوالی در توصیه به کشورهای منطقه گفت: این حرکت‌ها نتیجه شکست سیاست‌های آمریکاست و این شکست‌ها ۴۰ سال است ادامه یافته و پیشنهاد من به کشورها این است که روی اسب بازنده هیچ وقت شرط بندی نکنند.



دراین زمینه سفارت جمهوری اسلامی ایران در بغداد هم برنامه‌های سفر وزیر خارجه کشورمان به عراق را اعلام کرد.

به گزارش ایسنا به نقل از صوت العراق، این سفارت در بیانیه‌ای در باره سفر محمدجواد ظریف صبح امروز با عادل عبدالمهدی، نخست وزیر عراق و محمد الحلبوسی، رئیس پارلمان عراق دیدار می‌کند و وی بعدازظهر در یک سمینار اقتصادی که قرار است در سالن غرناطه در هتل منصور میلیا برگزار شود، شرکت می‌کند. این سمینار با مشارکت تجار و سرمایه گذاران ایرانی و عراقی و به ریاست وزیر تجارت عراق برگزار می‌شود و ظریف سخنرانی خواهد کرد.

در ادامه برنامه سفر ظریف به عراق آمده است: ظریف امشب با برهم صالح، رئیس‌جمهوری عراق هم دیدار می‌کند. وی صبح سه‌شنبه عازم اربیل خواهد شد تا علاوه بر دیدار با مسئولان کردستان عراق در دومین سمینار اقتصادی که میان تاجران ایرانی و کردستانی برگزار می‌شود شرکت کند. وی ظهر سه‌شنبه در سلیمانیه با رهبران کرد دیدارخواهدکرد.

در پایان این بیانیه آمده است: ظریف بعد از سفر به اقلیم کردستان عراق صبح چهارشنبه عازم کربلا خواهد شد تا در سومین سمینار اقتصادی که میان سرمایه‌گذاران ایرانی و عراقی برگزار می‌شود شرکت کند. وزیر خارجه ایران پس از پایان این سمینار به نجف می‌رود و روز پنجشنبه به ایران بازمی گردد.

دکترظریف عصردیروز به بغداد رفت.مدیران ارشد دهها شرکت کارآفرین دولتی و خصوصی وزیر امور خارجه را در این سفر همراهی می‌کنند.

معاون محیط زیست: مشکل آب در کشور مدیریتی است

معاون محیط زیست دریایی سازمان حفاظت محیط زیست گفت: وضع آبی کشور به شدتی که گمان می‌شود بد نیست، آنچه بد است، مدیریت آب در بخش های مختلف است.

به گزارش مهر، پروین فرشچی گفت: طی این سال‌ها با خشکسالی و کمبود بارش روبرو بودیم بنابراین ارزش‌گذاری آب ملموس‌تر مطرح‌شده است.

وی‌افزود: با توجه به رشد جمعیت و مصرف بالای آب به‌تناسب افزایش جمعیت، مصرف بهینه آب یا به بیانی بهتر، مدیریت منابع آب و مدیریت آب مصرفی باید مدنظر قرار بگیرد.معاون محیط زیست دریایی سازمان حفاظت محیط زیست درباره مسائل مطرح‌شده درباره انتقال آب خزر به فلات مرکزی گفت:این موضوع از سال‌ها پیش مطرح بوده است. در سال ۱۳۸۹ مطالعات گوناگونی در این حوزه صورت گرفت. البته مسئولیت انتقال آب با وزارت نیرو است اما نظارت نحوه انتقال بر عهده سازمان حفاظت محیط زیست است .تا الآن این مساله مطرح بوده و مطالعاتی که ما را مجاب کند که این انتقال حتماً باید صورت بگیرد، هنوز تکمیل نشده است.

وی ادامه داد: باید مطالعات زیادی در این زمینه انجام شود. برای ارزش گذاری اقتصادی و مساله نحوه انتقال باید ارزیابی صورت بگیرد. مطالعاتی مربوط به ریسک‌های زیست‌محیطی و ارزیابی راهبردی زیست‌محیطی و ارزش گذاری اقتصادی زیست‌محیطی هم نیاز است. اینکه برآیند این برآوردها باید چقدر باشد یا ازنظر اقتصادی چه خدمات اکولوژیکی را ازدست‌داده یا به دست خواهیم آورد، معلوم نیست.فرشچی گفت: این موضوع در دنیا به‌عنوان یکی از راهکارهای مدیریت آب و تأمین نیاز آبی کشور مطرح است اما باید دید آیا این کار یگانه گزینه است.وی گفت: مطالعات‌ارزیابی استراتژیک راهبردی‌که ما مطرح می‌کنیم حتماً پیوست اجتماعی خواهدداشت، مسائل اقتصادی، سیاسی، فنی و زیست‌محیطی هم حتماً در آن گنجانیده شده است.

خودروسازان کشور سالانه ۱۰۰ هزار کشته و معلول تحویل جامعه می دهند

خودرو سازان داخلی که آسیب‌رسان‌ترین شرکت ها و سازمان‌های در صنایع هستند، سالانه ۲۰ هزار کشته و چهار برابر آن معادل ۸۰ هزار نفر مصدوم و معلول تحویل جامعه می‌دهند که باید تحت پوشش بهزیستی قرار گیرند.

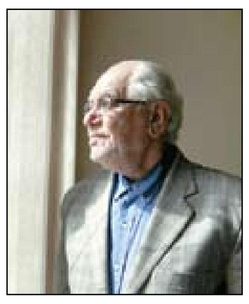
«محمدعلی کوزه‌گر» مدیرکل مشارکت‌های مردمی‌و توانمندسازی سازمان بهزیستی کشور بااعلام مطلب فوق و اشاره به این که سالانه ۲۰ هزارنفر در سوانح جاده‌ای کشته می‌شوند، گفت: تاکنون هیچ مرکز نگهداری از معلولان یا بیمارستان سوانح سوختگی توسط شرکت‌های خودروساز احداث نشده است و این خود نشان دهنده این است که، صنایع مسئولیت اجتماعی‌شان رانمی‌پذیرند.

به گزارش روابط عمومی‌و اموربین الملل بهزیستی،وی‌در نخستین جلسه هم‌اندیشی سازمان‌های دولتی، همیاران بهزیستی، مسئولیت اجتماعی (سهم) این نشست را گامی‌بزرگ و مبتکرانه برای جلب توجه سازمان‌ها، دستگاه‌ها، نهادها و دستگاهای دولتی و غیردولتی به خدمات بهزیستی بیان کرد و افزود: همه باید در زمینه آسیب‌های اجتماعی احساس مسئولیت کنند، در فرهنگ ملی و آموزه‌های دینی به مسئولیت اجتماعی توجه شده است؛ برای مثال پرداخت زکات و فطریه از بهترین دستورهای دینی در این زمینه است.

مدیرکل مشارکت‌های مردمی‌وتوانمندسازی‌سازمان بهزیستی کشور مهمترین مساله در مسئولیت اجتماعی را دست به دست هم دادن برای پیشگیری از آسیب اجتماعی بیان کرد و افزود: برخی مردم خواسته یا ناخواسته دچار آسیب‌اجتماعی می‌شوند.

کوزه گر در ادامه با بیان اینکه ضریب ایمنی خودروهای خارجی بیشتر است، اذعان کرد: اگر تصادف هم صورت گیرد، تلفات آنها به دلیل ضریب ایمنی بالا، کمتر است؛ با این حال خودرو سازان داخلی که آسیب‌رسان‌ترین شرکت‌ها و سازمان‌های در صنایع هستند و سالانه چهار برابر تعداد کشته‌ها و معادل ۸۰ هزار نفر مصدوم تحویل می‌دهند که باید تحت پوشش بهزیستی قرار گیرند.

مراسم بزرگداشت غلامرضا اعوانی برگزار می شود



مراسم بزرگداشت غلامرضا اعوانی در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار می شود.

مراسم بزرگداشت غلامرضا اعوانی استاد بازنشسته دانشگاه شهید بهشتی و رییس سابق موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، چهارشنبه ۲۶ دی ماه در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار می شود. دراین مراسم که از ساعت ۳۰-۱۷ تا ۳۰-۱۹ درتالار شهید مطهری انجمن برگزار خواهد شد، حسن بلخاری، رییس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی،مهدی محقق، رییس هیات مدیره انجمن، رضا داوری اردکانی، رییس فرهنگستان علوم ایران، مصطفی محقق داماد، رئیس گروه علم و عضو پیوسته فرهنگستان علوم ایران و منوچهر صدوقی سها، عضو شورای علمی انجمن آثار و مفار فرهنگی سخنرانی خواهند کرد. انجمن آثار ومفاخر فرهنگی در خیابان ولیعصر(عج)، پل امیر بهادر، خیابان سرلشگر بشیری، پلاک ۷۱ واقع است.

بزرگداشت مهدی حجوانی برگزار می شود



بزرگداشت مهدی حجوانی در هجدهمین برنامه عصر کتاب از سوی موسسه خانه کتاب برگزار می‌شود .

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) هجدهمین برنامه عصر کتاب که سه‌شنبه (۲۵ دی‌ماه ۱۳۹۷) از سوی موسسه خانه کتاب برگزار می‌شود به بزرگداشت مهدی حجوانی اختصاص دارد.

مهدی حجوانی از نویسندگانی است که در طول سال‌های طولانی فعالیت گسترده‌ای در زمینه نهادسازی، گسترش نشریات و مجلات تخصصی، پژوهش در حوزه‌های نظری و تئوری، نقدوبررسی و تالیف و ترجمه داشته و توانسته بعد از گذشت بیش از ۳۰ سال فعالیت جدی و مستمر در این حوزه کارنامه پرباری از خود به جا گذارد.

«پژوهشنامه کودک و نوجوان»، «کتاب ماه کودک و نوجوان»، «انجمن نویسندگان کودک و نوجوان»، «جایزه لاک‌پشت پرنده» و ... همه از نام‌هایی است که حجوانی را به یاد ما می‌آورد.

علاقه‌مندان برای حضور در این برنامه می‌توانند ساعت ۱۶ سه‌شنبه (۲۵ دی‌ماه ۱۳۹۷) به سرای کتاب موسسه خانه کتاب واقع در خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر مراجعه کنند.

تجلیل از غلامحسین دینانی، اکبر ثبوت، هادی عالم‌زاده و نورالله مرادی در کتابخانه ملی



هفتمین نشست «یکشنبه‌های کتابخانه ملی»، با تجلیل از غلامحسین ابراهیمی دینانی، اکبر ثبوت، هادی عالم‌زاده و نورالله مرادی، ظهر یکشنبه ۲۳ دی در تالار خوارزمی(نسخ خطی) سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، در ابتدای این برنامه، «غلامحسین ابراهیمی دینانی» درباره هادی عالم‌زاده گفت: او نه تنها زاده خاندان علما است، خودش هم عالم است. استاد تاریخ است و از بهترین استادان تاریخ اسلام. دقیق ترین نظرات را در تاریخ دارد و در آن، تبحر دارد.

او ادامه داد: اما باید بدانیم تاریخ چیست و فرق آن با زمان در چیست. ما بدون تاریخ، هیچ نیستیم. و اینکه آیا تاریخ را انسان ها می سازند که پاسخ مثبت است زیرا انسان تنها موجودی است که تاریخ را می فهمد و می سازد. اما آیا ما تاریخ را می سازیم یا در تاریخ ساخته می شویم، آیا ما وقایع گذشت را به حال می آوریم یا ما به گذشته بر می گردیم. جواب آن است که ما در شط زمان شناوریم و تاریخ را به وجود می آوریم. و آیا ما در در این شط زمان، شناوریم یا غرق شده ایم. واضح است که ما غرقیم اما شنا هم می کنیم و با شناوری خودمان در شط زمان، تاریخ را می سازیم.

این استاد فلسفه اضافه کرد: متاسفانه آشنایی‌مان با تاریخ کم است و اگر آن را نشناسیم و در آن شنا نکنیم، غرق می شویم. مارسل پروست رمانی دارد به نام «در جستجوی زمان از دست رفته» اگر به تاریخ آشنا نباشیم و آن را ندانیم، می شود زمان از دست رفته. فقط کافی است به تاریخ توجه کنیم و وقایع آن را بخوانیم. همه چیز در تاریخ آمده و در دل آن نهفته است. تاریخ ما را می سازد و ما هم باید تاریخ را بسازیم و در این شط شناور غرق نشویم.

در ادامه، «سیدمحمود دعایی» درخصوص غلامحسین ابراهیمی دینانی اظهاراتی را مطرح کرد و گفت: من بیش از نیم قرن است که استاد دینانی را می شناسم. وقتی طلبه ای بودم و از کرمان به قم آمدم، در سال های آغاز نهضت امام خمینی و فعالیت های سیاسی اجتماعی دوستان مان بود که به من هم جهت می داد. در آن زمان، من طلبه ای نوپا بودم و به دنبال شخصیت های برجسته ای که به آن تأسی کنم. در همین مسیر در مدرسه آقای بروجردی با استاد دینانی آشنا شدم که حجره هایمان نزدیک هم بود و افتخار هم‌لباسی داشتم.

مدیرمسئول روزنامه اطلاعات سپس گفت: من از همان زمان، در او تواضع و معرفت دیدم و بعدها به درجات علمی و مقامات معنوی اش واقف شدم. او از همان موقع، شهره به شجاعت و صلابت بود و ابایی از تخطئه نظریه ای که آن را نادرست می دانست، نداشت و حتی با وجود همین فروتنی، با آن نظریه نامطلوب برخورد می کرد و انعطاف ناپذیر بود. روایت شده که مرحوم علامه طباطبایی به تعداد معدودی از شاگردان خود افتخار می کرد که از آن جمله شهید مطهری، آیت‌الله جوادی آملی و البته دکتر ابراهیمی دینانی بود.

سپس، «سیدصادق سجادی»، درباره عالم‌زاده، نکاتی چند بیان کرد. او با ذکر این نکته که بیش از ۳۰ سال است که با این استاد تاریخ، هم به واسطه تصحیح مقالات و هم کلاس درس آشنایی دارد، گفت: او دقت خاصی در فهم تاریخ به‌خصوص برخی دشواری های تاریخ دارد که گاهی اسباب تعجب است.

حتی گاهی می شد در کلاس های دکتری دانشکده الهیات دانشگاه تهران، درباره یک استنباط تاریخی چند جلسه صحبت می کرد.

این استاد تاریخ اسلام ادامه داد: در اسلام‌شناسی، به‌طور عموم وامدار راهنمایی ها و دقت های خاص او بوده و هنوز هم هستیم. عالم‌زاده از نادر کسانی است که درباره تاریخ اسلام صاحب نظر و اهل دقت است و حتی در این روزگار فاجعه پایان‌نامه ها، رساله های تحت راهنماییِ او، خواندنی است و همه در زمره بهترین رساله‌ها هستند.

«هادی عالم‌زاده» نیز در سخنان کوتاهی، از بذل لطف استادان و همچنین سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران قدردانی کرد.

سپس، «نورالله مرادی» در ادامه درباره فعالیت های خود گفت: از سازمان اسناد و کتابخانه ملی و خانم بروجردی به خاطر برگزاری چنین نشست هایی که فرصتی است تا دور یکدیگر جمع شویم را برگزار می کنند تجلیل می کنم.

او گفت: برخی می گویند یک استاد زمانی موفق است که دانشجوهایش از او پیشی بگیرند و من امروز افتخار می کنم که بگویم دانشجویان فراوانی دارم که امروز از من بالاتر هستند پس من هم استاد موفقی بوده ام.

استاد برجسته کتابداری و آرشیو ایران اظهار کرد: از سال ۱۳۳۹ تا سال گذشته نزدیک به ۵۷ سال در صداوسیما و سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و... فعالیت کرده ام. در تمام عمر حرفه ای کتابدار بوده ام و به آن افتخار می کنم.

او تاکید کرد: کتابداران میانجیان فرهنگی هستند که در دنیای امروز این نقش بسیار اهمیت دارد.

مرادی افزود: کتابداران بین نسل های گذشته و آینده و کشور ها با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند.

وی گفت: کتابداری امروز ارج واقعی خود را ندارد که این نقص ابتدا از سیستم آموزشی کشور و سپس از نارسایی سیستم تحقیقاتی است.

سخنران بعد، «حسن طارمی‌راد» بود که درباره اکبر ثبوت گفت: کتاب های ثبوت همیشه آموزنده بوده است و من از این کتاب ها آموخته ام.

او در ادامه با بیان اینکه ثبوت از بزرگان اجازه نقل حدیث داشته گفت: ثبوت با بزرگان زیادی ارتباط داشته است و این دریای علمی که دارد از این ارتباطات نشأت می گیرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین طارمی‌راد گفت: او اساتید بزرگی همچون شیخ آقا بزرگ، شیخ محمد تقی آملی، ابوالحسن شعرانی، میرزا محمودشهابی خراسانی، شیخ‌عبدالعزیز جوادی و... داشته است.

وی افزود: در گذشته به جهت احترام رسم بوده که نویسنده یک مطلب ابتدای نوشته خود ابتدا نام پدر را می آورده است. در یک نوشته از ثبوت این نکته را دیدم که نام پدر خود را پیش از خود آورده است و این موضوع نشان از احترام او به پدرش است.

در ادامه نشست اکبر ثبوت، استاد دانشگاه و پژوهشگر تاریخ و فلسفه اسلامی درباره فعالیت های خود گفت: در دنیا چیزی ندارم به جز اینکه نعمت بزرگ حضور در محضر بسیاری از اساتید بزرگ را درک کرده ام.

او گفت: یکی از کار هایی که در نیمه دوم دهه ۴۰ انجام می دادم این بود که پولی به دست می آوردم تا بتوانم مدتی به شهرستان های دور افتاده و یا نجف بروم و در محضر بزرگان باشم.

ثبوت افزود: من در محضر بزرگانی همچون‌مرحوم‌محقق،محمدعلی حبیب‌آبادی، شیخ حسن حلی، میرزا باقر زنجانی، دکتر غلامحسین صدیقی و... بوده ام.

پژوهشگر تاریخ و فلسفه اسلامی اضافه کرد: هر کجا بزرگان سخنرانی داشتند من آنجا حضور می یافتم.

او در ادامه به دوران دانشجویی خود اشاره کرد و گفت: یکی از آرزوهای من این بود که از حق مظلوم و مردم دفاع کنم. برهمین اساس هم راه های خود را انتخاب کردم. در زمان انتخاب رشته تحصیلی نیز به همین دلیل حقوق را انتخاب کردم.

ثبوت تاکید کرد: پس از مدت ها متوجه شدم که مظلوم تر از مردم، تاریخ و فرهنگ این مردم و مملکت است. بنابراین سعی کردم به آن خدمت کنم.

او افزود: در برهه ای از دهه ۵۰ هم حس کردم تشیع مظلوم است و برهمین اساس هم ۴ مجلد از ۲۲ مجلد الغدیر را ترجمه کردم. ثبوت اظهار کرد: برخی تهمت های ناروایی هم در برخی دوران به من زده شد. اما وجدان من آسوده است که من هر کجا که بوده ام و هر فعالیتی که داشته ام با نیت دفاع از فرهنگ، مذهب و آیین بوده است.

تایید مصوبات دروس امتحان نهایی و آیین‌نامه ارزش‌یابی تحصیلی توسط رئیس‌جمهور

دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش گفت: ۳ مصوبه این شورا درباره اهداف دوره‌های تحصیلی، آیین‌نامه ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی تربیتی دوره ابتدایی و دروس امتحان نهایی پایه ۱۲ شاخه نظری به امضای رئیس‌جمهور رسید.

به گزارش فارس، مهدی نوید ادهم دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش اظهار کرد: شورای عالی آموزش و پرورش شهریورماه امسال با استناد به بند یک ماده واحده اصلاح قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مصوبه ۲۶ اردیبهشت سال ۱۳۹۵ مجلس شورای اسلامی، آزمون پایانی دروس پایه دوازدهم دوره دوم توسطه شاخه نظری را تعیین کرد که رئیس جمهوری با آنها موافقت کرده است.

وی ادامه داد: این دروس در رشته علوم تجربی شامل تعلیمات دینی ۳ (دینی، اخلاق و قرآن)، عربی زبان قرآن ۳، فارسی ۳، زبان خارجی ۳، علوم اجتماعی، سلامت و بهداشت، ریاضی ۳، فیزیک ۳، شیمی ۳ و زیست شناسی ۳ و در رشته ریاضی فیزیک شامل تعلیمات دینی ۳(دینی، اخلاق و قرآن)، عربی زبان قرآن ۳، فارسی ۳، زبان خارجی ۳، علوم اجتماعی، سلامت و بهداشت، حسابان ۲، هندسه ۳، ریاضیات گسسته، فیزیک ۳ و شیمی ۳ است.

دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش یادآور شد: بر اساس این مصوبه همچنین در رشته ادبیات و علوم انسانی امتحانات دروس تعلیمات دینی ۳ (دینی، اخلاق و قرآن)، عربی ۳ (زبان تخصصی رشته)، فارسی ۳، زبان خارجی ۳، علوم و فنون ادبی ۳، سلامت و بهداشت، ریاضی و آمار ۳، تاریخ ۳، جامعه شناسی ۳، جغرافیا ۳ و فلسفه ۲ و در رشته علوم و معارف اسلامی دروس علوم و معارف قرآنی ۳، عربی ۳ (زبان تخصصی رشته)، فارسی ۳، زبان خارجی ۳، علوم و فنون ادبی ۳، سلامت و بهداشت، ریاضی و آمار ۳، احکام ۳، اصول عقاید ۳، تاریخ ۳ (تخصصی رشته) و فلسفه ۲ ، به صورت نهایی برگزار می‌شود.

نوید ادهم خاطر نشان کرد: علاوه بر این، رئیس جمهوری مصوبه دیگر این شورا برای تمدید اجرای آزمایشی آیین‌نامه ارزشیابی پیشرفت تحصیلی تربیتی دوره ابتدایی تا پایان سال تحصیلی ۹۸-۹۷ را امضا کرد.

وی افزود: بر اساس این مصوبه وزارت آموزش و پرورش موظف است قبل از اتمام مهلت مذکور با توجه به یافته‌های پژوهشی مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی، این آیین‌نامه را مورد بازنگری قرار دهد و اصلاحات لازم را به تصویب شورای عالی برساند.

دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش با اشاره به سومین مصوبه امضا شده توسط رئیس جمهوری درباره اهداف دوره تحصیلی، اظهار کرد: مدیران، برنامه‌ریزان و عوامل سهیم و موثر در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان در راستای این مصوبه باید در برنامه ریزی امور، سازماندهی فعالیت ها و انجام وظایف خود به گونه ای عمل کنند تا دانش آموزان در پایان هر یک از دوره های تحصیلی به اهداف تعیین شده دست یابند.

ساماندهی مزار پدر ادبیات کودک ایران پس از یک دهه



هرچند ساماندهی آرامگاه پدر قصه‌گوی کودک و نوجوان کشورمان ۱۰ سال انتظار فرهنگ‌دوستان را به همراه داشت ولی پیشرفت ۸۰ درصدی فاز نخست این طرح نویدبخش تحقق وعده‌های مسئولان در این باره پس از سالها انتظار است.

«مهدی آذریزدی» نویسنده برجسته کشورمان در حوزه ادبیات کودک و نوجوان، در سال ۱۳۰۰ در محله خرمشاه یزد متولد شد و با وجود محرومیت از درس و مدرسه توانست با همت و تلاش وصف‌ناشدنی خود در زمینه داستان‌سرایی برای کودکان، ادبیات کودکان و نوجوانان کشورمان را متحول سازد.

وی که به دلیل تلاشش در حوزه کودکان از سوی سازمان جهانی یونسکو نیز جایزه گرفته است، تمام طول زندگی ساده و بی‌آلایش خود را صرف مطالعه و نگاشتن برای کودکان کرد.

هر چند آذر یزدی ۸۷ سال را در تجرد زندگی کرد و هیچ فرزندی غیر از کتاب از خود به یادگار نگذاشت، ولی آثار متعدد وی به ویژه مجموعه هشت جلدی «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» که از پرتیراژترین کتب در کشورمان است، دین بزرگ وی به کودکان ایرانزمین است.

اکنون حدود ۱۰ سال از درگذشت پیر قصه‌گوی یزد می‌گذرد اما گویی غبار غفلت چنان بر اذهان مسئولان استان نشسته که وعده‌های خود برای گرامیداشت شأن و منزلت پدر ادبیات ایران پس از مرگش را نیز به فراموشی سپرده‌اند.

و اینک مزار آذریزدی که همچون زندگی صاحبش، ساده و بی‌آلایش بوده و تنها با یک سنگ قبر فیروزه‌ای ترک‌خورده در گوشه‌ای از قبرستان محلی خرمشاه در غربت، روزگار می‌گذرانده، قرار است که ساماندهی شود.

طرح ساماندهی مزار آذریزدی که در قالب یک گالری فرهنگی طراحی شده و مدام در چندین سال اخیر از قول مسئولان روایت و وعده داده می‌شد، امسال در فاز نخست تاکنون ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است.

میثم دهقانی، رییس سازمان آرامستان‌های یزد در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا با اشاره به اجرای طرح ساماندهی آرامگاه پدر قصه کودک و نوجوان کشورمان، می‌گوید: این طرح در سه فاز تعریف شده که فاز نخست آن که مربوط به کف‌سازی‌های این مزار بوده تاکنون ۸۰ درصد پیشرفت داشته است.

وی اضافه می‌کند: این مزار با اعتبار حدود یک میلیارد تومان همسطح‌سازی و یکسان سازی شده و نصب المان آن نیز با اعتباری حدود یک میلیارد تومان در فاز دوم انجام خواهد شد .

این مسئول، فاز سوم این فعالیت عمرانی را طرح اتصال آرامستان به حسینیه مقابل آن ذکر می کند و می‌گوید: این مزار با اجرای این طرح به گالری فرهنگی تبدیل خواهد شد که در مجموع اعتباری حدود سه میلیارد تومان برای آن در نظر گرفته شده است.

وزیر آموزش و پرورش: بچه‌ها در مدرسه چیزی می‌آموزند که در بیرون به کار نمی آید!



وزیر آموزش و پرورش با بیان اینکه دانش‌آموزان به نیازهای جدیدتری نیاز دارند که ما در سبد یادگیری جای کافی برای آن نگذاشتیم، گفت: بچه‌ها در مدرسه عمدتاً چیزی می‌آموزند که در بیرون از مدرسه کمتر به آن نیاز دارند.

به گزارش فارس، سید محمد بطحایی درمراسم معارفه حجت‌الاسلام والمسلمین علی ذوعلم رئیس جدید سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی سخنانی ایراد کرد.

سید محمد بطحایی وزیر آموزش و پرورش در این مراسم ضمن تبریک ولادت حضرت زینب(س)، خطاب به کارکنان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با طرح این پرسش که آیا بچه‌های ما آن مفاهیمی که امروز در قالب برنامه درسی، آموزشی و پرورش می‌آموزند، همین‌ها را باید بیاموزند و آیا دستخوش تغییر نباید بشود؟ آیا باید حجم و چگالی محتوایی که می‌آموزند، همین باشد و روشی که در مدارس در قالب برنامه‌های درسی به اجرا در می‌آید، باید همین باشد؟ گفت: آیا امروز نیاز فرزندان ما و دانش‌آموزان همان نیاز ۱۵، ۲۰ سال پیش است؟ به نظر می‌رسد بخش عمده سبد یادگیری از محتوایی پر شده است که باید جای خود را به مهارت‌های دیگری در این عرصه بدهد؛ به نظر می‌رسد دانش‌آموزان به نیازهای جدیدتری در زندگی فردی و اجتماعی خود احتیاج دارند که ما در سبد یادگیری جای کافی برای آن نیازها و مهارت‌ها نگذاشتیم.

وی اظهار کرد: به نظر می‌رسد تحولات سریع در جوامع صورت گرفته است و برنامه درسی باید میزان انطباق خود را با این برنامه‌ها خیلی بیش از گذشته و با سرعت بالاتری انجام دهد؛ آیا وقت آن نیست که بخشی از محتوای دروس تغییر کرده و با نیازهای دانش‌آموزان منطبق شود؟ به نظر می‌رسد برنامه درسی باید با این نیازها خود را تطبیق دهد.

وی به تغییرات آموزش و پرورش اشاره کرد و گفت: وزارت آموزش و پرورش در این روزها به تبع دستوری که دولت برای همه دستگاه‌های اجرایی صادر کرده است، اصلاحات ساختاری را شروع کرده که گام اول در حوزه ستادی است و به‌زودی در حوزه استان‌ها و مناطق هم ورود پیدا می‌کنیم.

بطحایی ادامه داد: نکته‌ای که به دوستانی که دست‌اندرکار اصلاح ساختار و مأموریت هستند، عرض کردم این بود که ما در اصلاح ساختار باید تمام توان‌مان را انجام دهیم که فعالیت‌ها و وظایف موازی که در بین واحدهای مختلف وزارتخانه اتفاق می‌افتد، کاهش پیدا کند.

وی افزود: یکی از مخاطبان این صحبت، معاونان آموزشی هستند؛ در حوزه معاونت‌های آموزشی و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وظایفی را انجام می‌دهیم که موازی است یعنی هم چالش‌های سازمان، تعارضات و تضادهای سازمانی را افزایش می‌دهد که به معنای مستهلک‌کردن انرژی در تمام سازمان است و هم اینکه انرژی را صرف می‌کنیم که در جای دیگری دارد مصرف می‌شود.

سیاست‌گذاری متمرکز

سیدمحمد بطحایی همچنین در مراسم معارفه معاون حقوقی و امور مجلس، قائم‌مقام وزیر و سرپرست مرکز امور هماهنگی و ارتباطات و حوزه وزارتی و چهار تن از مشاوران وزیر آموزش و پرورش گفت: «در آستانه چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی هستیم، چهل سالی که با فراز و نشیب‌های زیادی مواجه بوده است. در آموزش و پرورش وقتی به عقب برمی‌گردیم و ۴۰ سال را نگاه می‌کنیم بر ما واجب است این فراز و نشیب را با شاخص‌های کمی به‌خوبی نشان دهیم. آموزش و پرورش در ۴۰ سال گذشته علی‌رغم همه توقعات درستی که از آن داریم و خودمان هم آن‌ها را بیان می‌کنیم، شایسته جایگاه بهتری است، حتما باید دست‌آوردها را هم بیان کنیم، این نمایش دادن دست‌آوردهای همه کسانی که پیش از ما زحمت کشیده‌اند بر ما فرض و واجب است.»

وزیر آموزش و پرورش گفت: «در ساختار سازمانی موجود مجبوریم که تعدادی از واحدها را تلفیق کنیم و مأموریت‌شان را تغییر دهیم، آنچه ما توقع داریم حتما در کوتاه‌مدت اتفاق نمی‌افتد و اولین مسأله‌ای که بعد از اصلاح ساختار اتفاق می‌افتد چالش‌هایی است که با آن مواجه می‌شویم، بنابراین اگر بخواهیم به سمتی برویم که از منافع سازمان چالاک و پرثمر استفاده کنیم باید با دقت و عنایت و ظرافت کارشناسی پیش برویم.»

کوتاه آموزشی

وزیر علوم: ۲ نوع پذیرش دانشجو از بهمن امسال خواهیم داشت

وزیر علوم از تغییر شیوه پذیرش دانشجو برای سال ۹۸ و به دو روش با کنکور و بدون کنکور خبر داد و گفت: ۸۵ درصد رشته ها بدون کنکور بوده در نتیجه داوطلبان نباید استرسی بابت کنکور داشته باشند.

منصور غلامی در گفتگو با مهر با اشاره به ساز و کار اجرایی پذیرش دانشجو براساس سوابق تحصیلی در رشته محل هایی که توسط سازمان سنجش اعلام خواهد شد، گفت: اتفاقی که اخیرا افتاد و پذیرش دانشجو در بهمن ماه نیز برمبنای آن انجام خواهد شد، این است که تجربه ۲ تا ۳ سال گذشته و به ویژه سال گذشته نشان داد که ۸۵ درصد ظرفیت رشته محل های دانشگاهی بدون نمره کنکور داوطلبان و صرفا از طریق تاثیر سوابق تحصیلی دانشجو پر شده است.

وزیر علوم افزود: برهمین اساس امسال اعلام کرده ایم کسانی که می خواهند در این رشته محل ها تحصیل کنند، دیگر نیاز نیست که در آزمون کنکور شرکت کنند چراکه نمره کنکورشان تاثیر ندارد.

وی یادآورشد: مقرر شده بدون توجه به نمره کنکور برای برخی از داوطلبانی که می خواهند به دانشگاه ورود پیدا می کنند، با احتساب سوابق تحصیلی فرایند پذیرش انجام شود. اجرای این روش از بهمن ماه آغاز می شود.

غلامی افزود: در سال ۹۸ هم کنکور و هم روش بدون استفاده نمره کنکور اعمال خواهد شد لذا داوطلبان سال ۹۸ می توانند ثبت نام کرده و در رشته های پر متقاضی آزمون بدهند.

وی ادامه داد: داوطلبانی هم که قصد داشته باشند در رشته محل هایی که سازمان سنجش اعلام می کند، تحصیل کنند، می توانند در آزمون سراسری ثبت نام نکرده و فقط به سایت دانشگاه ها مراجعه کنند. سازمان سنجش آنها را راهنمایی خواهد کرد تا از این طریق جذب شوند.

وزیر علوم تاکید کرد: در واقع امسال بخشی از کسانی که نگران کنکور بوده، استرس و اضطراب برای آن دارند، می توانند در رشته خاصی که اعلام می شود شرکت کرده و اصلا استرس نداشته و در کنکور شرکت نکنند.

واریز بخشی از سود صندوق ذخیره فرهنگیان به حساب بازنشستگان

صندوق ذخیره فرهنگیان ۲۳۰۰ میلیارد ریال به حساب معلمان بازنشسته واریز کرد.

به گزارش ایسنا، حدود ۲۳۰۰ میلیارد ریال سهم‌الشرکه به حساب معلمان عضو صندوق ذخیره فرهنگیان که از دوم شهریور تا اول مهرماه ۱۳۹۷ بازنشسته شده‌اند واریز شد که بخشی از آن مربوط به سود سال مالی ۹۶ و مطالبات سهم دولت است.

اعضای بازنشسته در مهرماه، سهم‌الشرکه خود شامل سهم عضو، سهم دولت و سود ناشی از فعالیت‌های اقتصادی را دریافت کردند و سهم‌الشرکه اعضای انصرافی، بازخرید و از کار افتاده نیز به حساب آنها واریز و در خصوص اعضای متوفی نیز طبق قانون عمل می‌شود.

این اعضا همچنین سود دوره ۲۳ مربوط به سالی مالی منتهی به ۳۱ شهریور ۱۳۹۶ و مطالبات سهم دولت تا پایان سال ۱۳۹۰ را دریافت کرده‌اند. در همین حال بخشی از سهم دولت که از برنامه پنجم توسعه حذف شده بود، به حساب فرهنگیانی که قبلا آن را دریافت نکرده بودند واریز شد.

میانگین سودآوری سالانه صندوق ذخیره فرهنگیان در طول ۲۲ سال گذشته حدود ۱۷ درصد بوده است، به‌طوری که بیش از ۶۰ درصد از مبلغ سهم‌الشرکه پرداخت شده به بازنشستگان مربوط به سودآوری ناشی از فعالیت‌های اقتصادی موسسه و ۴۰ درصد آن نیز مجموع واریزهای اعضا و دولت بوده‌است.

این رقم تمام دریافتی فرهنگیان بازنشسته مذکور نیست زیرا سود سال مالی منتهی به ۳۱ شهریور ۱۳۹۷ نیز پس از برگزاری مجمع و تقسیم سود در بین اعضا، به حساب این عزیزان واریز و به حساب فرهنگیان عضو نیز منظور می‌شود. بنابراین لازم است فرهنگیان بازنشسته، حساب بانکی مرتبط با صندوق ذخیره فرهنگیان را برای واریز سود و مطالبات سهم دولت در مراحل بعد فعال نگه دارند.

رشد ۱۱ برابری اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها نسبت به قبل از انقلاب

مشاور وزیر و مدیرکل دفتر وزارتی وزارت علوم گفت: در سال ۱۳۵۷ حدود ۷ هزار عضو هیئت علمی در دانشگاه‌های کشور فعالیت می‌کردند ولی هم اکنون ۸۰ هزار عضو هیئت علمی داریم که نسبت به سال اول پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، بیش از ۱۱برابر رشد را شاهد هستیم.

به گزارش ایسنا، دکتر شمس بخش با بیان اینکه در ابتدای انقلاب شکوهمند اسلامی در کل مجموعه‌های آموزش عالی از جمله علوم پزشکی و سایر زیر نظام‌ها، حدود ۱۷۰ هزار دانشجو مشغول به تحصیل بودند، خاطرنشان کرد: در حال حاضر بیش از ۴میلیون دانشجو داریم .

به گفته وی تعداد مقالات علمی محققان کشورمان در بخش‌های مختلف در زمان قبل از انقلاب بسیار محدود و منحصر به زمانی بود که شخص در حال تحصیل بود و پس از فارغ‌التحصیلی ضرورتی به چاپ مقاله نبوده و دانشگاه‌ها نیز آموزش‌محور بودند.

وی تصریح کرد: به طور کلی در ایران از سال ۱۳۷۰، به سمت دانشگاه پژوهش محور حرکت کردیم و به تبع آن تعداد مقالات علمی افزایش چشم گیری داشته؛ البته رشد آموزش و توسعه منطقه باید متوازن با هم باشد.

دکتر شمس بخش ادامه داد: شاخص آموزش عالی ما رشد بسیار خوبی طی سال‌های اخیر داشته است اما در سایر شاخص‌های رشد، متاسفانه رشد خاصی نداشته‌ایم. اگر اقتصاد ما نیز به همین نسبت رشد می‌کرد امروز شاهد این تعداد نیروی دانش آموخته بیکار در جامعه نبودیم.

به گزارش اداره کل روابط عمومی وزارت علوم، وی درخصوص افزایش حقوق اعضای هیئت علمی یادآور شد: در حال حاضر تلاش داریم تا حقوق اعضای هیئت علمی وزارت علوم با علوم پزشکی متناسب سازی شود و در این زمینه جلسات بسیاری با معاون رییس جمهوری و رییس سازمان برنامه و بودجه کشور داشته ایم تا این مهم در بودجه سال ۱۳۹۸ پیش‌بینی شود. امیدواریم با همکاری مجلس شورای اسلامی از مهر ماه سال آتی شاهد افزایش حقوق اعضای هیئت علمی باشیم.

کوتاه فرهنگی

بررسی آثار جدی عبید در شهر کتاب

آثار جدی عبید زاکانی بررسی می‌شود.

به گزارش ایسنا، سومین نشست از مجموعه درس‌گفتارهایی درباره عبید زاکانی در روز چهارشنبه ۲۶ دی، ساعت ۱۶:۳۰ به «بررسی آثار جدی عبید» اختصاص دارد که با سخنرانی دکتر بهرام پروین‌گنابادی در مرکز فرهنگی شهرکتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم برگزار می‌شود. در این درس‌گفتار تلاش می‌شود که از شعرهای جدی عبید راهی به زندگی، تفکر و اندیشه او یافت و رابطه شعرهای جدی و طنزهای او بررسی شود.

عبید زاکانی بیشتر به‌عنوان طنزپردازی بی‌همتا شناخته می‌شود. طنز و هزل او چنان برجسته و عمیق است که سبب شده آثار جدی عبید به حاشیه رانده و کمتر دیده شود. اشعار جدی او بالغ بر ۳۲۰۰ بیت، شامل قصاید، غزلیات، رباعیات، مقطعات، ترکیب‌بند و ترجیع‌بند است. یک‌سوم این شعرها غزل‌های اوست. عبید در زمانه‌ای که عصر «اوج غزل» نامیده می‌شود با سرودن شعرهایی ساده، روان و به دور از تکلف به شیوه سعدی نزدیک می‌شود. شعرهای جدی عبید علاوه بر این‌که بیانگر گفتمان ادبی غالب و رایج آن عصر است، زوایای بسیاری از زندگی و اندیشه این شاعر را نیز روشن می‌کند.

شب نویسندگان، شاعران و مترجمان ارمنی برگزار می‌شود

شب نویسندگان، شاعران و مترجمان ارمنی برگزار می‌شود. این مراسم در ساعت پنج بعد از ظهر دوشنبه ۲۴ دی ۱۳۹۷ در تالار فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار می‌شود. در این مراسم قوام‌الدین رضوی‌زاده، روبرت بگلریان، ایساک یونانسیان درباره نویسندگان و شاعران معاصر ارمنی سخنرانی خواهند کرد.

فعالیت‌های فرهنگی ارمنی‌های ایران از چندین قرن قبل آغاز شده، اما می‌توان گفت که ادبیات ارمنی‌های ایران از سال ۱۹۲۰ میلادی شروع به رشد و همه‌گیر شدن کرده که با تشکیل گروه‌های ادبی و سازمان‌های نشر کتاب نیز همزمان بوده است. در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم ادبیات ارمنی ایران؛ راه نو و مدرن کردن شعر و داستان را دنبال کرد که منجر به تولید و معرفی ادبیات ترجمه‌ای قابل تاملی شد. در این دوران مترجمان مشهوری چون هوهانس خان‌ماسحیان و هوسپ میرزایان فعالیت می‌کردند. ماسحیان در ادبیات این دوره از نظر ترجمه آثار ویلیام شکسپیر به زبان ارمنی مشهور است و هنوز هم پس از گذشت حدود یک سده ترجمه‌های او بیشترین خواهان را برای خوانندگان ارمنی دارد.

لغو هفته فیلم لهستان در ایران

هفته فیلم سینمای لهستان در ایران به دستور حسین انتظامی لغو شد. به گزارش خبرنگار ایلنا، حسین انتظامی (سرپرست سازمان سینمایی) در توئیتر خود نوشت: ایران اقوام و ملل مختلف به ویژه لهستانی‌ها را در شرایط سخت با آغوش باز میزبانی کرده است. میهمان که حرمت میزبان را نگاه ندارد نمی‌تواند انتظار داشته باشد که میزبان به میهمانی خود ادامه دهد. به پاس عزت ایران و ایرانی، برگزاری هفته فیلم لهستان در تهران موکول به رفتارمناسب ورشو خواهد شد. به گزارش ایلنا، قرار است اجلاس بین‌المللی درباره خاورمیانه با محوریت ایران به ابتکار آمریکا طی روزهای ۱۳ و ۱۴ فوریه (۲۴ و ۲۵ بهمن) با حضور نمایندگانی از کشورهای مختلف خاورمیانه، آسیا، اروپا و آفریقا برگزار شود.

پخش مستندی درباره زندگی فتح‌الله مجتبایی

همزمان با اختتامیه جایزه دکتر فتح الله مجتبایی فیلم مستندی نیز در این باره در موسسه شهرکتاب پخش خواهد شد.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، بر اساس اعلام روابط عمومی شهرکتاب همزمان با مراسم اهدای جوایز هشتمین دوره جایزه دکتر مجتبایی، از ساعت ۱۶، فیلم مستند کوتاهی با نام «مدار نقطه‌ی بینش» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی خشایار طیار در مرکز فرهنگی شهر کتاب برای علاقه‌مندان نمایش داده می‌شود. دوستداران فرهنگ و ادب فارسی و علاقه‌مندان به آراء و آثار دکتر مجتبایی می‌توانند به مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر، نبش کوچه سوم مراجعه کنند.

برگزیدگان نخستین جشنواره تئاتر اکبر رادی معرفی شدند



مدال اکبر رادی به مناسبت ۳۵ سال پایمردی در اجرای آثار اکبر رادی، به هادی مرزبان اهدا شد.

به گزارش هنرآنلاین، اختتامیه نخستین جشنواره تئاتر اکبر رادی شامگاه شنبه ۲۲ دی‌ماه در سالن ناظرزاده‌کرمانی تماشاخانه‌ایرانشهر با حضور محمود دولت‌آبادی به عنوان دبیر افتخاری این جشنواره و همچنین شهرام کرمی مدیرکل هنرهای نمایشی وزارت ارشاد و هنرمندانی همچون هادی مرزبان، مسعود دلخواه، محمد رحمانیان، قاسم زارع، حمیدرضا نعیمی و ... برگزار شد.

بهزاد صدیقی دبیر جشنواره در ابتدای مراسم اظهار کرد: اکبر رادی بزرگمرد نمایشنامه‌نویسی ایران بود. امروز این رخداد ملی با همراهی همه هنرمندان تبدیل به رخدادی تاریخ‌ساز شده است. امیدواریم از سازمان‌های مردم‌نهاد که به صورت کاملا غیردولتی فعالیت خود را در حوزه فرهنگی انجام می‌دهند حمایت شود تا آنها تبدیل به یک عرصه مهم و بزرگ برای به وجود آمدن کسانی مثل استادان رادی و بیضایی و ساعدی شوند. از دبیر افتخاری این دوره استاد محمود دولت‌آبادی که باعث دلگرمی و افتخار این دوره شدند سپاسگزارم. امیدواریم این جشنواره در آینده‌ای نه چندان دور همه هنرمندان نسل جدید را حمایت کند و این عرصه را برای فعالیت نسل جدید آماده کند. امشب نشان و مدال اکبر رادی به کسانی تعلق می‌گیرد که لایق آن هستند و امیدوارم این نشان در دستان نمایشنامه‌نویسان بزرگی قرار گیرد. همچنین قرار است امشب از وبگاه جشنواره رادی هم رونمایی شود.

در ادامه مراسم حمیده بانوعنقا رئیس هیأت مدیره بنیاد اکبر رادی در سخنانی اظهار کرد: امیدوارم از دوره‌های بعد این جشنواره موعد معین و مشخصی برگزار شود و در آینده زمینه‌سازی‌ای برای کاراتر شدن این بنیاد صورت بگیرد. این جشنواره دو هدف دارد؛ نخست، بازنگری آثار اکبر رادی و دوم، شناسایی جوانان مستعد و علاقه‌مند به تئاتر و حمایت از آنها.

سپس محمود دولت‌آبادی، دبیر افتخاری این جشنواره، بعد از خواندن بیت شعری، گفت: اکبر رادی همچنان جریان دارد و این مدیون پویا بودن جوانی در جامعه ماست. جوانان کشور ما خواسته‌اند و می‌خواهند که زندگی از تپش باز نایستد، به همین جهت راه‌هایی پیدا کرده‌اند که ادامه آن ممکن باشد. من به جوانان خسته نباشید می‌گویم که همت جوانی و میل به فرهیختگی و پالایش زندگی و ذهن، آنها را پیرامون خانم عنقا گرد هم آورده تا این مرد را که اهل هیچ تظاهری نبود پاس بدارند. تا میزانی که من او را دیدم و شناختم، تصور نمی‌کنم با رغبت به این مکان می‌آمد؛ اما مردمانی که راه او را ادامه می‌دهند، حق دارند او را پاس بدارند؛ چه کسانی که در تاریخ ما مجاز هستند و چه کسانی که مجاز نیستند.

محمد رحمانیان از اعضای هیأت داوران این جشنواره و همچنین مسئول اجراهای این اختتامیه نیز پیش از اجرای یک نمایشنامه‌خوانی، با انتقاد از شرایط برگزاری این مراسم گفت: خاک بر سر همه مدیران فرهنگی تئاتری که سالن‌های نمایش را خالی نگه داشته‌اند و اکنون تماشاگران ما باید در سالن بایستند.

ما تدارک ویژه‌ای دیده بودیم که لایق شأن اکبر رادی و مهمانانمان باشد اما متاسفانه با مشکلاتی مواجه شدیم. حتی شرایط به نحوی بود که می‌خواستیم آن را اجرا نکنیم اما حالا قسمتی از آن را خواهید دید.

در ادامه، یک نمایشنامه‌خوانی با حضور علی عمرانی به نام "مسافران" از مجموعه "مرگ در پاییز" اجرا شد.

سپس با حضور مختاباد متن بیانیه این جشنواره قرائت شد.

اهدای جوایز بخش مقالات رادی‌شناسی:

لوح تقدیر این بخش با حضور هیأت داوران این بخش به بهروز قیاسی و محسن صادقی اصفهانی اهدا شد.

در این بخش هیچ اثری برگزیده نشد و بر اساس بیانیه این جشنواره ادبیات ضعیف و نارسایی در کلام و بی‌توجهی به ساختار و نگاه کلیشه‌ای و ناسازگاری اهداف تحقیق از جمله علل انتخاب نشدن هیچ اثری به عنوان برگزیده بود. با این حال با انجام اصلاحاتی هر ۱۳ مقاله چاپ خواهند شد و از آنها تقدیر خواهد شد.

هادی مرزبان به بیان خاطراتی از اکبر رادی پرداخت و گفت: در یک شب سرد زمستان به پیش آقای رادی رفتیم. تصورم از او بسیار متفاوت از چیزی بود که در واقعیت دیدم. در آن شب پی‌ریزی نمایش "پلکان" آغاز شد. من درس‌های زیادی از او یاد گرفتم و آخرین نمایشی که از من دید "لبخند باشکوه اقای گیل" بود.

سپس مدال اکبر رادی به مناسبت ۳۵ سال پایمردی در اجرای آثار اکبر رادی به هادی مرزبان اهدا شد.

در ادامه قسمت‌هایی از نمایشنامه‌های پلکان، محاق، از پشت شیشه‌ها با حضور کاراکترهای زن این نمایشنامه‌ها توسط گلاب آدینه، سیما تیرانداز، الهام پاوه نژاد و مهتاب نصیرپور و ... اجرا شد.

اهدای جوایز بخش نمایشنامه‌خوانی:

لوح تقدیر و سپاس به سینوره کفاش‌طلب اهدا شد که البته به دلیل برخی ایرادات در این لوح بنا شد تا آن را بعدا اهدا کنند.

جایزه ویژه این بخش هم به گروه نمایشنامه‌خوانی کاکتوس اهدا شد.

لوح سپاس به یگانه رجبی برای نمایشنامه‌خوانی "پایین گذر سقاخانه" اهدا شد.

لوح سپاس دیگر به پریا طاهری برای "ارثیه ایرانی" تعلق گرفت.

جایزه بهترین نقش خوان زن به نمایش "ارثیه ایرانی" معصوم احمدزاده اهدا شد.

جایزه بهترین نقش‌خوان مرد به نمایش "پایین گذر سقاخانه" سیامک زین‌الدینی تعلق گرفت.

مدال استاد اکبر رادی به "ارثیه ایرانی" کریم بیانی اهدا شد.

لوح سپاس بخش کارگردانی نمایشنامه خوانی به پریا طاهری برای نمایش "ارثیه ایرانی" تعلق گرفت.

جایزه برگزیده به فرزاد آیتی برای نمایش " پایین گذر سقاخانه" اهدا شد.

جایزه اثر برگزیده این بخش به " ارثیه ایرانی" به کارگردانی پریا طاهری تعلق گرفت.

جوایز بخش نمایشنامه‌نویسی:

پس از قرائت بیانیه این بخش توسط حمیدرضا نعیمی بیان شد که در این بخش هیچ اثری برگزیده، تقدیر شده و نامزد اعلام نشد.

جوایز بخش مونولوگ:

لوح سپاس برای موسیقی نمایش "چهلمین امید یا بیست و هشتمین زن" به احمدرضا رجبی تعلق گرفت.

جوایز بخش بازیگری:

لوح سپاس به سهیل بابایی برای نمایش "چهلمین امید یا بیست و هشتمین زن" اهدا شد.

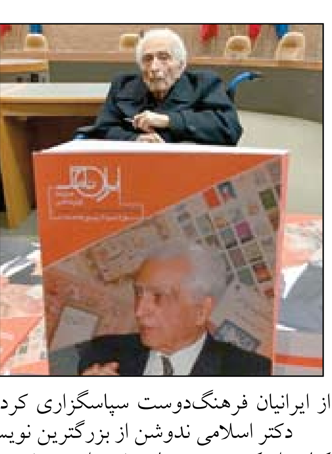
جایزه برگزیده بازیگری به سیمین بهفر تعلق گرفت.

جایزه نویسندگی به اثر "ناگهان عباس" اثر پویا شهرابی اهدا شد.

دیپلم افتخار و نشان رادی و همچنین جایزه نمایش برگزیده بخش کارگردانی و نمایش برگزیده به حمزه زارعی برای نمایش "ناگهان عباس" اهدا شد.

حمزه زارعی جایزه‌اش را به کولبران کردستان اهدا کرد. بناست این نمایش برای اجرای عمومی نیز فرستاده می‌شود.

بزرگداشت دکتر اسلامی ندوشن در دانشگاه تورنتو



مراسم بزرگداشت مقام علمی و فرهنگی دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن عصر ۲۱ دی ۱۳۹۷ در دانشگاه تورنتو(کانادا) برگزار شد.

در این مراسم که با حضور دانشجویان و دوستداران فرهنگ برپا گردید، دکتر شیرین بیانی به سخنرانی پرداخت و دکتر اسلامی ندوشن نیز سخنان کوتاهی ایراد کرد و از ایرانیان فرهنگ‌دوست سپاسگزاری کرد.

دکتر اسلامی ندوشن از بزرگترین نویسندگان ایرانی است و تازه‌ترین کتاب او که تجدید چاپ شده است «شهرزاد قصه‌گو» نام دارد. این کتاب با افزودن مطلبی تازه، به تازگی تجدید چاپ شده است.

معاون کتابخانه ملی: بسیاری از نُسخ خطی ارزشمند در حال خروج از کشور هستند

معاون کتابخانه ملی ایران گفت: افرادی که نسخه خطی ارزشمند دارند به کتابخانه ملی هدیه دهند، زیرا بسیاری از میراث و نسخه های خطی ارزشمند کشور در حال خارج شدن از ایران هستند.

به گزارش خبرگزاری مهر، برنامه گفتگوی فرهنگی با موضوع آثار و پیامدهای ترویج فرهنگ اهدای کتاب در جامعه با حضور غلامرضا امیرخانی معاون کتابخانه ملی ایران از آنتن رادیو گفتگو پخش شد.

امیرخانی در ابتدای این برنامه گفت: ما در زمینه اهدای کتاب فردی دچار ضعف و اشکال هستیم و هنوز این کار عمیقاً فرهنگ سازی نشده است.

وی به جایگاه وقف در آموزه های دین اسلام اشاره کرد و افزود: وقف در فرهنگ ایرانی اسلامی از جمله در حوزه کتاب سابقه بسیار طولانی دارد و خوشبختانه این کار در بسیاری از کتابخانه های کشور ما انجام شده است.

معاون کتابخانه ملی ایران ادامه داد: با وجود اینکه فرهنگ دینی وقف در حوزه فرهنگ، علم و کتاب در آموزه های دین اسلام وجود دارد اما هم اکنون این سنت در کشورهای اروپایی رایج تر است. کتابخانه ملی به عنوان کتابخانه مادر شاید نیازی به کتاب نداشته باشد اما می توان یک مبلغ و یا نسخ خطی نفیس را به آن هدیه داد. امیرخانی گفت: ارتباط پدیدآورندگان کتاب با جامعه به ویژه کودکان و نوجوانان بسیار تأثیرگذار و زیباست. اگر آموزش و پرورش نویسندگان را به مدارس به ویژه مناطق محروم دعوت کند فرهنگ سازی این قضیه برای کودکان دوچندان خواهد شد. خود ما با اقدامات اشتباه، فرهنگ اهدای کتاب را تضعیف کرده ایم. به عنوان مثال برخی کتابخانه های عمومی در سال های گذشته مشخصاً به برخی از کتاب های تازه منتشره اجازه ورود نمی دادند و نویسندگانی که در جمهوری اسلامی مجوز چاپ هم گرفته بودند در لیست سیاه قرار داشتند و آفت این کار تضعیف فرهنگ اهدا بود که در سال های گذشته ایجاد شد.

وی همچنین گفت: ما باید در مردم این اطمینان خاطر را ایجاد کنیم که از کتابهای اهدایی آنها به نحو احسن استفاده می شود و به دست افراد نیازمند می رسد. در اهدای کتاب، مشکل از هدیه گیرنده نیست بلکه مشکل از هدیه دهنده است. اگر هدیه دهنده کتاب های مورد علاقه فرد مورد نظر را تشخیص دهد تأثیر این کار در فرهنگ سازی اهدای کتاب مضاعف خواهدشد.

معاون کتابخانه ملی ایران در پایان گفت: کتابخانه ملی به عنوان کتابخانه مادر بخش مفصلی به نام بخش اهدا دارد که کتاب ها را به تمامی نقاط محروم کشور و حتی خارج از کشور برای آشنایی با تمدن ایران ارسال می کند. افرادی که نسخه خطی ارزشمند دارند به کتابخانه ملی هدیه دهند، زیرا بسیاری از میراث و نسخه های خطی ارزشمند کشور در حال خارج شدن از ایران هستند.

۲۶۰ هزار مسکن مهر آماده تحویل به متقاضیان است



وزارت راه وشهرسازی از دیروز با برپایی نخستین نمایشگاه مسکن، شهرسازی و باز آفرینی شهری در مصلی بزرگ تهران، جدیدترین طرح های ساخت مسکن را به متقاضیان سرمایه گذاری معرفی کرده است.

به گزارش خبرنگارما، هدف از برپایی این نمایشگاه سه روزه بهبود کیفیت زندگی شهری و روستایی، توسعه بازار شهر هوشمند، ارائه آخرین دستاوردهای فناوری روز در حوزه شهر هوشمند، ایجاد محرک در اقتصاد مسکن، کار، اشتغال و کار آفرینی و آشنایی با مفاهیم جدید در سازه است.

همچنین طراحی و شهرسازی، برقراری ارتباط بیشتر بین نهادهای علمی و اجرایی در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی در حوزه مسکن وشهرسازی، بررسی مشکلات ساخت و سازهای کشور و استفاده از دستاوردها و تجربیات موفق شهرهای هوشمند، معرفی پهنه وسیع جذب سرمایه و فرصت‌های سرمایه گذاری در طرح‌های مسکن و شهرسازی، جذب و هدایت سرمایه‌های داخلی و خارجی برای ورود به طرح‌های مسکن از دیگر اهداف برگزاری این نمایشگاه به شمار می‌رود.

مهندس محمد اسلامی وزیر راه و شهرسازی دیروز در حاشیه بازدید از این نمایشگاه به خبرنگاران گفت: برای خروج از رکود در حوزه مسکن لازم است از سیاست‌های انقباضی فاصله بگیریم.

وی با اشاره به اینکه خبر خوش برای متقاضیان مسکن مهر این است که روند اجرای این طرح به جز موارد حقوقی و قضایی از توقف خارج شده و در تلاشیم تا سریعتر به اتمام برسد، در خصوص روند تکمیل و تحویل ۵۰۰ هزار واحد مسکن مهر در کشور ادامه داد: از این تعداد ۲۶۰ هزار واحد تکمیل شده و در صورت وصل شدن انشعابات تحویل متقاضیان می شود؛ همچنین ۲۴۰ هزار واحد هم در دست تکمیل است.اسلامی با بیان اینکه سقف مسکن مهر هنوز بسته نشده است و افرادی که در موعد مقرر سهم آورده خود را واریز کرده باشند واحد مورد نظر را دریافت می کنند، ادامه داد: اکنون پردیس دیگر گنجایش ظرفیت جدید را ندارد و افراد می توانند در مسکن مهر پرند یا هشتگرد ثبت نام کنند.

وی به ساخت ۴۰۰ هرار واحد مسکونی تا سال ۱۴۰۰ اشاره کرد و افزود: نقشه این کار تهیه شده و در مناطقی که مشکلات حقوقی حل شده است، پیمانکاران کار اجرایی را آغاز کرده اند.

وزیر راه و شهرسازی با بیان اینکه در تلاشیم تا مسکن از رکود خارج شود، تاکید کرد: برای رسیدن به این مهم لازم است تا سیاست های انقباضی را تعطیل کنیم و با اجرای طرح هایی مانند تسهیل گری در ساخت و ساز یا عرضه زمین به دنبال سیاست های انبساطی باشیم.

وی به کارت اعتباری مصالح هم اشاره کرد و افزود: برای اجرای آن در حال مذاکره هستیم تا با کنترل نقدینگی و جلوگیری از افزایش قیمت ها، قیمت تمام شده مسکن را کاهش دهیم.اسلامی هدف از برگزاری این نمایشگاه را شتاب در پروژه های بازآفرینی شهری عنوان کرد و گفت: با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی این کار محقق خواهد شد. در این طرح به دنبال این هستیم تا سرمایه گذاران را برای فعالیت در بافت های فرسوده فعال کنیم.

به گفته وی، این طرح شامل احیای بافت فرسوده توسط مالکان، احیای بافت توسط سرمایه گذاران و عرضه زمین از سوی دولت و وزارت راه و شهرسازی برای ساخت مسکن است که در روش سوم خانه اولی ها در اولویت خواهند بود.

وزیر راه و شهرسازی با بیان اینکه برنامه بازآفرینی به تمامی استانداران کشور ابلاغ شده است، گفت: در این طرح سالانه ۲۷۰ محله نوسازی و بهسازی می‌شوند و تاکنون ۹۲ شرکت برای اجرای این طرح ثبت نام کرده اند.

وی ادامه داد: همچنین ساخت ۲۰۰ هزار واحد مسکونی در شهرهای جدید ابلاغ شده است که با مشارکت بخش خصوصی اجرا خواهد شد.

همچنین خانم پروانه مافی رئیس کمیسیون مشترک درآمد پایدار شهری مجلس شورای اسلامی در حاشیه این نمایشگاه به خبرنگاران گفت: متأسفانه در لایحه بودجه ۹۸ کل کشور برای بازسازی بافت های فرسوده و بازآفرینی، ردیف مشخصی دیده نشده است.

وی بر لزوم تامین مسکن برای جوانان اشاره کرد و افزود: در قانون تسهیل ازدواج مصوب سال ۸۴ ایجاد مسکن حمایتی برای خانه اولی ها و زوج های جوان مورد تاکید قرار گرفته اما هنوز اجرایی نشده است.

این گزارش حاکیست دیروز همچنین با حضور وزیر راه و شهرسازی از طرح جامع شهر جدید "تیس" رونمایی شد

این شهر قرار است از سوی شرکت عمران شهرهای جدید و با سرمایه گذاری مردم برای اسکان ۱۰۰ هزار نفر در سواحل شمالی دریای عمان احداث شود.

دکتر حامد مظاهریان معاون مسکن و ساختمان وزیر راه و شهرسازی هم در حاشیه این نمایشگاه با اشاره به ضربه بازار مسکن به اجاره نشین‌ها به خبرنگاران گفت:در تهران و دیگر کلانشهرها با یک دوگانگی (پارادوکس) در بازار مسکن روبرو هستیم. از یک سو در تهران ۳۰۰ هزار و در استان تهران ۴۵۰ هزار واحد خالی داریم که این تعداد واحد در تهران می تواند یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر جمعیت پذیری شهر تهران را افزایش دهد و از سوی دیگر برای زوج های جوان که به دنبال مسکن ارزان قیمت هستند واحد مسکونی به اندازه کافی نداریم.

وی یادآور شد: بنابراین تشویق و حمایت این وزارتخانه به سمت توسعه بازار مسکن در بخش واحدهای کوچک متراژ خواهد بود و دولت از ساخت این گونه واحدها و همچنین احیای بافت های میانی و فرسوده شهرها حمایت می کند.

معاون مسکن و ساختمان وزیر راه و شهرسازی درباره مالیات بر خانه های خالی افزود: قانون اعمال مالیات بر خانه های خالی برنامه مصوب مجلس و قانون جاری است که باید اجرا شود، اما ظاهر قضیه این است که سامانه ای تشکیل می شود تا بر اساس آن مالیات گرفته شود، ولی در عمل این اتفاق نیفتاد، چون ۳۴ سامانه دیگر باید به این سامانه وزارت راه و شهرسازی متصل شود تا خانه های خالی شناسایی شوند.

وی ادامه داد: دولت رسماً با طرح مالیات بر عایدی سرمایه مخالفت کرده و رسما آن را به مجلس اعلام کرده است تا طرح مورد نظر در مجلس متوقف شود. از سوی دیگر وزارت اقتصاد ملزم به تهیه لایحه جایگزین شده و این وزارتخانه طی ماه های آینده لایحه را در دولت و سپس مجلس مطرح خواهد کرد.

به گفته مظاهریان، وزارت راه و شهرسازی به دولت پیشنهاد جدیدی ارائه داده که این پیشنهاد هم اکنون در کمیسیون زیربنایی به تصویب رسیده و به صحن هیات دولت ارسال شده است و قرار است در برنامه های جاری هیات دولت مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس این پیشنهاد، مالیات بر خانه های خالی از عهده دولت مرکزی خارج شده و به دولت محلی که همان شهرداری ها هستند به شکل وصول عوارض واگذار می شود.

به گفته وی، در ۹ ماهه امسال نسبت به ۹ ماهه سال قبل قیمت یک متر مربع واحد مسکونی در تهران ۶۳/۵ درصد افزایش یافت، تعداد معاملات مسکن هم ۲۴/۵ درصد با کاهش روبرو شد اما تعداد پروانه های ساختمانی ۱۴/۵درصد بیشتر شد، بنابراین با توجه به اینکه بازار مسکن ۶۳/۵درصد سوددهی داشت سبب شد تا سرمایه ها به سمت این بخش حرکت کند.

مهندس هوشنگ عشایری معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری هم با اشاره به پرداخت تسهیلات ۱۱۰ میلیونی به سازندگان بافت فرسوده به خبرنگاران گفت:ظرفیت ساخت ۷۰هزار واحد از سهمیه سالانه ۱۰۰هزار واحد مسکونی در بافت فرسوده تعیین تکلیف شده است.

وی با اشاره به اینکه کل منابعی که برای بازآفرینی شهری پیش بینی شد ۶ هزار میلیارد تومان برای سال ۹۷ بود و این مبلغ برای همه استانها توزیع شده است، افزود: ۴ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان از این ۶ هزار میلیارد تومان به بخش تسهیلات نوسازی بافت های فرسوده برای سازندگان و مردم ساکن در این بافت ها تخصیص یافته است و هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان هم برای تجهیز دستگاه‌های خدماتی در خصوص احداث تاسیسات زیربنایی و روبنایی در نظر گرفته شده است.

مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری افزود: از ۴ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومانی که به تسهیلات اختصاص یافته است، قرار است به ازای هر واحد مسکونی در کلان شهرها و تهران ۵۰ میلیون تومان با سود ۹ درصد و سایر شهرها ۴۰ میلیون تومان با سود ۹ درصد بدون سپرده گذاری وام داده شود. همچنین برای سازندگان هم تا سقف ۱۱۰ میلیون تومان بدون سپرده گذاری امکان پرداخت وام وجود دارد که ۵۰ میلیون تومان آن با سود ۹ درصد و ۶۰ میلیون تومان با سود ۱۸ درصد در تهران و کلان شهرها و در سایر شهرها به شکل ۴۰ میلیون تومان با سود ۹ درصد و ۷۰ میلیون تومان با سود ۱۸ درصد است.

وی ادامه داد: تاکنون برای احداث ۷۰ هزار واحد مسکونی تقاضای صدور پروانه ساختمانی در بافت‌های فرسوده سراسر کشور ارائه شده که ۳۵ هزار واحد آن توسط انبوه سازان و مردم و ۳۵ هزار واحد دیگر بر روی اراضی دولتی واقع در بافت های فرسوده از سوی توسعه‌گران درخواست داده شده است. بنابراین تاکنون برای ۷۰ هزار واحد از ۱۰۰ هزار واحد برنامه هدف وزارت راه و شهرسازی برای ساخت سالانه ۱۰۰ هزار واحد مسکونی تقاضا شکل گرفته است.

عشایری در پاسخ به این که تاکنون کدام دستگاه‌های دولتی اراضی خود را در بافت های فرسوده برای اجرای برنامه بازآفرینی شهری اختصاص داده اند، اظهار داشت: تاکنون اراضی متعلق به دستگاههای تابعه وزارت راه و شهرسازی و شهرداری تهران و همچنین زمین‌های شهرداری های ۸ شهر دیگر اراضی خود را معادل ۱/۶میلیون متر مربع که آماده ساخت ۳۵ هزار واحد مسکونی هستند، برای اجرای برنامه بازآفرینی شهری ارائه داده اند. در خصوص سایر دستگاهها هم در حال پیگیری هستیم. وزارت نیرو هم ۱۰ هکتار بافت فرسوده دارد که ۳ هکتار آن مستحدثات است.

وی تاکید کرد: به دستور رئیس جمهور قرار است علاوه بر اراضی دولتی واقع در بافت های فرسوده هدف، اراضی واقع در محلات همجوار بلافصل هم به این بخش اختصاص یابد. مثلا با توجه به اینکه محله فرحزاد تهران محله هدف بازآفرینی شهری است، محله همجوار آن که سعادت آباد است هم شامل دستور رئیس جمهوری می‌شود.

همتی: تأمین ارز در کشور شتاب گرفته است

رئیس کل بانک مرکزی از شروع و شتاب گرفتن تامین ارز از طریق هند، کره جنوبی، چین خبر داد.

به گزارش خبرگزاری صداو سیما، عبدالناصر همتی، در یادداشتی درفضای مجازی با اشاره به اینکه دولت آمریکا دور جدیدی از جنگ روانی علیه ملت ایران را آغاز کرده است، نوشت: اعلام اجماع بین المللی علیه ایران آن هم در ضعیف‌ترین کشور اروپایی، ادعای عدم تمدید معافیت‌های نفتی آن هم بعد از سابقه قبلی عقب نشینی از اینکه قبلا می‌خواست صادرات نفت ایران را به صفر برساند و اظهاراتی نظیر آن حاکی از ناامیدی آمریکایی‌ها از مؤثر شدن اقدامات آنها علیه ایران است.

وی گفت: شروع وشتاب گرفتن تأمین ارز از طریق هند، کره جنوبی، چین و تصمیم به توسعه مبادلات و تجارت با ترکیه، عراق و سایر همسایگان در کنار ذخایر مطلوب وحضور مؤثر بانک مرکزی در بازار ارز، یکبار دیگر تلاش دولت آمریکا برای تأثیر گذاری بر بازار ارز را خنثی خواهد ساخت.

رئیس کل بانک مرکزی در پایان تاکید کرد: طرح شایعات علیه سیستم بانکی هم در این جهت است که هوشیاری مردم عزیز را می‌طلبد.

خبر دیگر اینکه بانک مرکزی از این پس به صورت روزانه و در سه ساعت مختلف، نرخ ارز درصرافی‌های مجاز را اعلام می‌کند.

همچنین بانک مرکزی با ارسال نامه‌هایی به صادرکنندگانی که کمتر از ۵۰ درصد ارز خود را به چهار روش ذکر شده در بخشنامه رفع تعهد کرده‌اند، خواستار تسریع در بازگشت ارز حاصل از صادرات آنها شد.

به گزارش مهر، یک مقام مسئول در بانک مرکزی از نامه‌نگاری با صادرکنندگانی خبر داد که تاکنون کمتر از ۵۰ درصد از ارز حاصل از صادرات خود را به شیوه‌های تعیین شده، رفع تعهد کرده و به بانک مرکزی ثابت کرده‌اند که ارز حاصل از صادرات آنها به چرخه اقتصاد ایران بازگشته است.

وی گفت: وضع صادرات این دسته از صادرکنندگان بر اساس اظهار گمرک بررسی شده تا مشخص شود ظرف هشت ماهه اخیر چه میزان از این ارز به کشور بازگشته است.

در مورد برخی صادرکنندگان، اطلاعات نشان می‌دهد که تا به حال شیوه بازگشت ارز اظهار نشده و حتی اگر هم برای واردات خود صادرکننده استفاده شده، به ثبت نرسیده است.

نامبرده گفت: بانک مرکزی به هیچ عنوان حتی وارد مذاکره میان صادرکننده و واردکننده هم نشده که به چه قیمتی ارز حاصل از صادرات را تبادل کرده‌اند، اما آنها مکلفند که آن را در سامانه نیما ثبت کنند.

بر همین اساس هم به تازگی گزینه‌ای در سامانه نیما فعال شده که صادرکننده اگر ارز را برای واردات خود استفاده کرده است، بتواند از ابتدای سال تاکنون، آن را به ثبت رسانده و رفع تعهد ارزی کند.

الزام اجرای مصوبات ستاداقتصادی برای دستگاه ها

اجرای مصوبات و تصمیمات ستاد اقتصادی کشور برای تمامی دستگاه‌ها از جمله صدا و سیما الزامی است.

دکترعبدالرضا رحمانی فضلی وزیرکشور و رئیس ستاد اطلاع رسانی و تبلیغات اقتصادی کشور در دوازدهمین نشست این ستاد ضمن تاکید بر هماهنگی قوا و دستگاه های اجرایی در اطلاع رسانی درست و به موقع و استفاده از اطلاعات صحیح در تمام حوزه ها بویژه مباحث اقتصادی، از رسانه های گروهی به ویژه صدا و سیما خواست در طرح مسائل و موارد اقتصادی بویژه موضوعات مرتبط با بودجه سال آینده از افراد مطلع و آگاه به موضوع در کنار نمایندگانی از دستگاه های اجرایی مربوط به موضوع دعوت کنند.

وی گفت: رسانه ها و صدا و سیما باید مراقبت کنند که انتقادات کاملا منصفانه و کارشناسی ارائه شود چرا که ارائه برخی اطلاعات ناقص برغم تلاش های صورت گرفته برای برون رفت از مشکلات اقتصادی می تواند موجب قضاوت های نادرست شود.

وزیر کشور تصریح کرد: دستگاه ها در مقابل انتشار اطلاعات نادرست اقتصادی به جای پاسخگوئی، منفعلانه عمل نکنند؛ اگر اینگونه موارد مدیریت نشود، کار سخت تر خواهد شد.وی با اشاره به گزارش نهادهای عضو درخصوص تأمین نیازهای ضروری کشور اظهار داشت: برای جلوگیری از هرگونه سوء استفاده احتمالی باید مراقبت لازم از مبدأ تا مقصد از سوی شبکه های نظارت و توزیع صورت گیرد.

رئیس ستاد اطلاع رسانی و تبلیغات اقتصادی کشور با اشاره به در پیش بودن جشن های چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، از استان‌ها خواست پیگیر طرح های بزرگ ملی و آماده افتتاح باشند و در ادامه با تأکید بر تلاش ستادهای مجری طرح های ویژه نوروزی برای تأمین نیازهای مردم در آستانه سال نو گفت: اصناف هم می توانند با ظرفیت مردمی خود پای کار بیایند تا شاهد نشاط اجتماعی در آستانه ورود به سال جدید باشیم.

رحمانی فضلی عنوان کرد: ستاد اطلاع رسانی و تبلیغات اقتصادی کشور، نهادی نوپاست و در طول مدت فعالیت خود تلاش کرده با کمک سایر دستگاه ها به بهبود روند کارها کمک کند هر چند که معتقدیم این ستاد می تواند در آینده بهتر هم عمل کند.

سازوکارمالی اتحادیه اروپا با ایران به زودی به نتیجه می‌رسد

اروپایی‌ها تمام تلاش خود را به کار بسته اند تا سازوکار مالی با ایران به نتیجه برسانند و مدت زمان زیادی نخواهد گذشت که این سازوکار مالی به نتیجه برسد.

به گزارش خبرگزاری صدا و سیما، امیرحسین زمانی نیا معاون وزیر نفت در همایش اتحادیه صادرکنندهای فراورده های نفتی با بیان اینکه تماس اروپایی ها برای راه اندازی این سازو کار مالی روزانه در حال انجام است، گفت: با وجود فشارهای آمریکا هیچ کدام از مقامات اروپایی راه اندازی این سازوکار مالی را غیر ممکن ندانسته اند.

وی با بیان اینکه اگر سازوکار مالی اروپا اجرایی شود کمک زیادی به توسعه روابط اقتصادی با کشورهای اروپایی و سایر کشورها خواهد کرد، گفت: البته این سازو کار مالی حلال همه مشکلات نیست و ما هم منتظر راه اندازی این سازوکار نیستیم و اقدامات خود را در نبود این سازوکار ادامه می دهیم.

ارائه پیشنهادهایی برای جبران کمبود اعتبارات بودجه ۹۸

مرکز پژوهش های مجلس برای جبران کسری بودجه دولت و افزایش منابع عمومی بدون فشار بر طبقات درآمدی پایین و متوسط جامعه، راهکارهای عملیاتی ساماندهی معافیت‌های مالیاتی، مالیات بر مشتریان پرمصرف آب و برق و گاز، پلکانی کردن مالیات بر حقوق، وضع مالیات بر سود برخی سپرده‌های بانکی، وضع مالیات بر عایدی سرمایه (املاک)، وضع مالیات بر خانه‌های لوکس، جلوگیری از فرار مالیاتی برخی از مشاغل، مالیات بر مجموع درآمد را پیشنهاد کرد.

به گزارش فارس، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی با انتشار گزارشی، ضمن پیش بینی محقق نشدن حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان از منابع عمومی دولت در سال آینده و تاکید بر ضرورت سقف‌گذاری ریالی منابع حاصل از فروش نفت، پیشنهاد قطع رابطه بودجه و نفت و تخصیص ۱۱۵ هزار میلیارد تومان اعتبار به دولت را در جهت مدیریت کسری بودجه بدون نفت مطرح کرد و هشت راهکار برای افزایش منابع عمومی بدون فشار بر طبقات درآمدی پایین و متوسط ارائه داد.

در این گزارش با اشاره به اینکه در صورت هدف‌گذاری «مدیریت کسری بودجه بدون نفت» و با انجام برخی اصلاحات برای جلوگیری از فرارهای مالیاتی و تعریف پایه‌های مالیاتی جدید می‌توان کسری فوق را مدیریت کرد،آمده است: کسری بودجه بدون نفت در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ نسبت به قانون بودجه سال ۱۳۹۷ از افزایش ۲۶ درصدی برخوردار شده و از رقم ۱۳۳۳ هزار میلیارد ریال در قانون بودجه سال ۱۳۹۷ به ۱۶۸۵ هزار میلیارد ریال در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ افزایش یافته است. برای محاسبه رقم مذکور لازم است خالص دارایی‌های مالی (۲۶۰ هزار میلیارد ریال) را با منابع نفتی (۱۴۲۵ هزار میلیارد ریال) جمع کرد.

در ادامه این گزارش پیشنهاد اصلی مرکز پژوهش های مجلس برای جبران کسری بودجه بدون نفت در سال اینده، «سقف‌گذاری ریالی منابع حاصل از نفت» است.

در بخش پایانی این گزارش آمده است: از جمله ویژگی های بودجه عمومی دولت در ایران، وابستگی آن به منابع ریالی حاصل از صادرات نفت‌خام و میعانات گازی است. منابع ریالی حاصل از فروش نفت هم متأثر از سه متغیر قیمت نفت خام، میزان صادرات و نرخ تبدیل ارز (دلار) به ریال است. دو متغیر قیمت نفت خام و میزان صادرات از جمله متغیرهای برون زای اقتصاد ایران است که مقدار آنها علاوه بر شرایط حاکم بر بازار جهانی نفت، تابع تحولات سیاسی است، ازاین رو میزان دستیابی به مقادیر هدفگذاری شده برای آنها با ریسک عدم تحقق مواجه است. بی‌توجهی به چنین ریسکی، آسیب‌پذیری بودجه دولت را افزایش داده و ورود بودجه‌های سنواتی به بحث نرخ تبدیل دلار به ریال موجب شده تا تعیین نرخ ارز، تابع سیاستگذاری مالی (بودجه‌ای) شود و این رابطه میان سیاست بودجه ای (مالی) و متغیر ارزی، سبب ساز پیروی سیاست های ارزی از سیاست های بودجه دولت شده است.

مرکز پژوهش های مجلس پیشنهادکرده است: برای کاهش اتکای بودجه عمومی دولت به نفت ، منابع حاصل از فروش نفت به عنوان یک منبع پرنوسان از منابع بودجه عمومی دولت خارج شده و به عنوان کسری بودجه دولت (یا هر عنوان دیگری) نشان داده شود.

با توجه به هزینه‌های غیرقابل اجتناب و با در نظر داشتن اعتبار در نظر گرفته در قانون برنامه ششم از محل واگذاری نفت و خالص صادرات گاز (۱۱۵۰ هزار میلیارد ریال) پیشنهاد می‌شود مجموعاً ۱۱۵۰ هزار میلیارد ریال اعتبار به صورت یک‌دوازدهم در اختیار دولت قرار گیرد تا مصارف ضروری بودجه که امکان عدم انجام آن وجود ندارد، پرداخت شود.

افزایش ۲۴ درصدی فروش شرکت‌های برتر ایرانی

ارزیابی ۵۰۰ شرکت برتر کشور در سال گذشته نشان می دهد میزان فروش شرکت های ایرانی ۲۴ درصد نسبت به مدت مشابه سال پیش از آن افزایش یافته است.

دکترابوالفضل کیانی رئیس سازمان مدیریت صنعتی دیروز در جمع خبرنگاران با بیان این مطلب گفت: هشتم بهمن امسال برای بیست و یکمین سال متوالی شرکت‌های برتر ایرانی را رتبه بندی می کنیم و ۵۰۰ شرکت بزرگ و موثر در اقتصاد کشور معرفی می‌شوند.

وی با اشاره به اینکه ارزش افزوده این ۵۰۰ شرکت در سال ۹۶ معادل ۱۴ درصد تولید ناخالص داخلی است، گفت: صادرات غیرنفتی کشور در سال ۹۶ حدود ۴۷ میلیارد دلار بوده که این ۵۰۰ شرکت ۲۶ میلیارد دلار معادل ۵۶ درصد صادرات غیرنفتی را به خود اختصاص داده اند.

وی افزود: این ۵۰۰ شرکت بیش از ۶۴۰ هزار میلیارد تومان در سال ۹۶ فروش داشته اند که میزان فروش و درآمد، اصلی‌ترین معیار برای انتخاب شرکت‌های برتر بوده است.

کیانی درباره شاخص‌های رتبه بندی شرکت‌های برتر ایرانی گفت: ۳۳ شاخص مورد بررسی قرار گرفته است که مهمترین آنها میزان فروش یا درآمد، بزرگی شرکت‌ها، رشد شرکت، تعداد کارکنان، سودآوری، بهره وری، میزان صادرات، تاب آوری، دانش‌بنیان بودن، توسعه، بهره وری، داخلی سازی و ارتقای کیفیت بوده است.

رئیس سازمان مدیریت صنعتی ادامه داد: رتبه‌بندی شرکت‌های ایرانی به شفاف سازی فضای کسب و کار، تعیین میزان اثرگذاری شرکت‌ها در اقتصاد ملی و گسترش رقابت بین بنگاه‌های اقتصادی کمک می‌کند.

کیانی گفت: ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که از نظر میزان فروش در شرکت‌های برتر، بانک‌ها و موسسات مالی ۲۶ درصد، پتروشیمی‌ها ۱۴ درصد، فرآورده‌های نفتی ۱۳ درصد، فلزات اساسی ۷ درصد و وسایل نقلیه ۶ درصد کل فروش‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. از نظر صادرات هم پتروشیمی‌ها ۵۰ درصد، فرآورده‌های نفتی ۱۰ درصد، فلزات ۱۷ درصد و شرکت‌های چند رشته‌ای ۴ درصد از صادرات را به خود اختصاص داده اند.

کیانی گفت: از نظر سهم شرکت‌های بزرگ در اقتصاد دنیا، آمریکا سهم ۳۰ درصدی، چین ۲۲ درصد، ژاپن ۹/۷ درصد، آلمان ۶/۷ درصد، فرانسه ۵/۶ درصد و انگلیس ۴ درصد این سهم را به خود اختصاص داده است.

تشریح ۱۲ ویژگی پیش‌بینی شده در لایحه بودجه سال آینده

سخنگوی ستاد بودجه ۹۸ در پاسخ به سخنان خطیب نماز جمعه تهران درباره میزان تغییر لایحه بودجه نسبت به پارسال و توجه به تحریم‌ها ۱۲ مورد را تشریح کرد.

به گزارش روابط عمومی سازمان برنامه و بودجه کشور، مژگان خانلو با ابراز امیدواری در مورد اینکه برای تشریح لایحه بودجه نزد ائمه جمعه سراسر کشور فرصت مناسبی فراهم شود،گفت: با اشراف بر مفاد لایحه بودجه و شرایط حاکم بر اقتصاد ملی و مناسبات بین‌المللی می‌توان برای انتقال دقیق و امیدآفرین اخبار به مردم زمینه‌سازی شایسته داشت. بر این اساس ذکر نکات زیر درباره ویژگی‌های پیش‌بینی شده در لایحه ۱۳۹۸ ضروری است:

۱- پیش‌بینی صادرات ۱/۵ میلیون بشکه در روز با ملاحظات حفظ روحیه امیدآفرینی در جامعه و مایوس سازی دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران از آثار تحریم‌ها بر اقتصاد ایران در مقایسه با پیش‌بینی ۲/۵ میلیون بشکه در روز برای لایحه بودجه سال ۹۷.

۲- پیش‌بینی متوسط قیمت فروش نفت هر بشکه ۵۴ دلار با در نظر گرفتن همه هزینه های مبادله در مقایسه با پیش‌بینی‌های صورت گرفته در کشورهای نفتی منطقه نظیر پیش‌بینی ۸۰ دلار در بودجه عربستان.

۳- اختصاص ۱۴ میلیارد دلار به تامین کالاهای اساسی و نهاده‌های کشاورزی، دارو و تجهیزات پزشکی با نرخ ۴۲۰۰ تومان برای حمایت از معیشت عمومی و عدالت اجتماعی.

۴- کاهش نیافتن بودجه اعتبارات تملک دارایی سرمایه‌ای و پیش‌بینی کردن ۶۲ هزار میلیارد تومان برای این بخش با وجود محدودیت‌های منابع درآمدی به دلیل آثار اقتصادی قابل توجه در اجرای تکمیل پروژه‌های عمرانی دولت.

۵- پیش‌بینی اعتبارات مورد نیاز برای تکمیل و بهره‌برداری از ۱۶۷ طرح عمرانی که قابلیت اتمام آن در سال ۱۳۹۸ وجود دارد در بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله آب، محیط زیست، حمل و نقل، آب و فاضلاب، بهداشت.

۶- پیش‌بینی سازوکارهای استفاده اهرمی از منابع عمومی دولت در بخش تکمیل و بهره‌برداری طرح‌های عمرانی (تبصره ۱۹) و اشتغال‌زایی (تبصره ۱۸) از منظر هم‌افزایی مالی و تحرک‌بخشی و رونق اقتصادی و مشارکت هر چه بیشتر بخش خصوصی و تعاونی در چارچوب قراردادهای مشارکت عمومی- خصوصی.

۷- مجوز ورود بانک مرکزی به بازار بدهی به عنوان ابزار سیاست پولی در جهت مدیریت و کنترل نرخ تورم و نرخ‌های سود و توسعه بازار بدهی و خرید و فروش اوراق بدهی دولتی در بازار سرمایه با توجه به ظرفیت اقتصاد کشور.

۸- توزیع هدفمند یارانه‌ها با حذف سه دهک درآمدی بالا در استان‌ها.

۹- بکارگیری سیاست‌های انضباط مالی از طریق اجرای بودجه‌ریزی مبتنی به عملکرد در همه دستگاه‌های ملی و استانی با هدف مدیریت هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری.

۱۰- اصلاحات ساختاری مالی با هدف حذف و کاهش هزینه‌های غیرضروری و منطقی سازی اندازه دولت از جمله کاهش تعداد مراکز پژوهشی وابسته به دستگاه‌های اجرایی اصلی به یک واحد تا پایان سال ۱۳۹۸، توقف تخصیص به پروژه‌های غیرحاکمیتی با پیشرفت فیزیکی کمتر از ۵۰ درصد، توقف صدور مجوز ایجاد هر گونه واحدهای آموزش عالی، ادغام واحدهای کوچک آموزش عالی در استان‌ها در یکی از دانشگاه‌های بزرگ استانی، شناسایی و حذف یا ادغام نهادها، سازمان‌ها و فعالیت‌های موازی در دستگاه‌های اجرایی و توقف تخصیص اعتبار به آن فعالیت‌ها در سال ۱۳۹۸ و ممنوعیت ایجاد واحدهای اداری جدید در شهرستان‌ها و بخش‌ها.

۱۱- در چارچوب افزایش درآمدهای مالیاتی، جلوگیری از فرار مالیاتی و حذف برخی معافیت‌های غیرضروری مالیاتی پیش‌بینی شده است که برخورداری از معافیت مالیاتی و پرداخت هر گونه جایزه و مشوق صادراتی برای صادرکنندگان منوط به اطمینان از برگشت ارز حاصل از صادرات کالا و خدمات به چرخه اقتصادی کشور براساس دستورالعمل بانک مرکزی جمهوری اسلامی است.

۱۲- بر اساس فرمان رهبر معظم انقلاب، اصلاحات ساختاری بودجه در دستور کار ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی و همچنین شورای عالی هماهنگی قواست که بتدریج نتایج آن تقدیم عموم مردم بویژه ائمه جمعه می شود.

در همین زمینه تاکید بر بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد، ایجاد درآمدهای پایدار برای دولت، بویژه از طریق افزایش پایه و پوشش مالیاتی و همچنین ممانعت از فرار مالیاتی در دستور کار دولت قرار گرفته است.

هند، چابهار را قابل اعتماد ترین مسیر ترانزیتی اعلام کرد

هندوستان بطور رسمی اعلام کرد: بندر چابهار ایران قابل اعتمادترین مسیر تجاری برای انتقال کالا به افغانستان و دیگر کشورهای منطقه است.

به گزارش ایرنا به نقل از روزنامه بیزینس استاندارد، «سوشما سواراج» وزیر امور خارجه هند دیروز در نشست وزرای امور خارجه کشورهای هند-آسیای مرکزی و با مشارکت افغانستان تصریح کرد: بندر چابهار می تواند به‌عنوان بهترین الگوی مشارکت میان سه کشور هند، افغانستان و ایران برای پشت سر گذاشتن موانع در رسیدن به اهداف مشترک به حساب آید.وی با اشاره به تلاش‌های مشترک میان هند، ایران و افغانستان برای توسعه بندر چابهار در ایران گفت، این بندر قابل اعتمادترین مسیر برای اتصال افغانستان به کشورهای آسیای مرکزی است.وزیر خارجه دهلی نو یادآور شد: هند پیش از این توانست اولین محموله گندم خود را از طریق بندر چابهار به افغانستان ارسال کند. در ماه گذشته هم یک شرکت هندی دفتر خود را در چابهار افتتاح کرد.

وی گفت: هند همچنین به دنبال توسعه راه‌آهن چابهار-زاهدان نزدیک به مسیر جاده زرنج دلارام است که هند پیش از این در افغانستان ساخته است.

آغاز مجدد فعالیت قطارهای پرسرعت از چهارشنبه

درحالی‌که فروش بلیت قطارهای پرسرعت از پانزدهم دی به دلیل بالارفتن نرخ ارز و تأمین نشدن نیازهای ارزی شرکت های حمل و نقل ریلی متوقف شده بود، عرضه بلیت این قطارها (ترنست) دیروز از سرگرفته شد.

محمد رجبی مدیرعامل شرکت حمل و نقل ریلی رجا با بیان این مطلب گفت: فعالیت این قطارها از چهارشنبه (پس فردا) با دو دستگاه ترنست آغاز می‌شود و از ابتدای هفته آینده با چهار تا پنج ترنست کار خود را دنبال می‌کنیم.

وی در مورد تصمیم اتخاذ شده در ارتباط با مشکلات مالی مربوط به فعالیت این قطارها اظهار داشت: علی‌رغم وجود برخی مشکلات با کمک‌های صورت گرفته از سوی سازمان تامین اجتماعی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی فعالیت مربوط به ترنست‌ها را از سرگرفته‌ایم.

تعداد یارانه بگیران از ۷۷/۵ میلیون نفر گذشت

طبق آمار مرکز آمار ایران ۸۱ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر جمعیت داریم که از این میزان به ۷۷ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر یارانه می‌دهیم که ماهانه هم افزایش می‌یابد. اگر سامانه باز شود همه یارانه می‌خواهند. یعنی از طریق ثبت‌نام فایده ندارد، بلکه از طریق حذف و اضافه باید پیگیری صورت بگیرد، در مجموع تعداد ۷۷۵۴۸۰۱۵ نفر یارانه نقدی در ماه آذر دریافت کردند ضمن آنکه حدود ۵ میلیون نفر هم یارانه نمی‌گیرند.

اکبر ایزدی رئیس سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها در گفتگو با فارس اظهار داشت: از ابتدای اجرای هدفمندی تا الان ۹۴ مرحله و مجموعاً حدود ۳۳۵ هزار میلیارد تومان یارانه پرداخت شده است که بزرگترین پرداخت در دنیا محسوب می‌شود.

وی افزود: بعد از سال ۸۹ تا امسال، اولین سالی است که ما علاوه بر اینکه از ۱۲ هزار میلیارد تومان بودجه عمومی استفاده نمی‌کنیم ۳۳۰۰ میلیارد تومان هم برای گندم دادیم که از محل منابع سازمان هدفمندی است و ۱۷۵۰ میلیارد تومان هم برای بهداشت دادیم که مجموعاً حدود ۱۷ هزار میلیارد تومان به بودجه عمومی کمک کردیم.

ایزدی با اشاره به اینکه امسال برای اولین بار در تبصره ۱۴ قانون بودجه آمده که نوزادان هم باید راستی‌آزمایی شوند، گفت: موالید جدید صرفاً با تأیید وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی و با رعایت قوانین و مقررات مربوطه مشمول دریافت یارانه خواهند شد. البته موالیدی نداریم که یارانه‌اش برقرار نشده باشد. فقط در آذر حدود ۱۵۱ هزار نوزاد یارانه گرفتند و کسانی یارانه نگرفتند که سرپرستشان یارانه‌بگیر نیستند.

وی گفت: برای سبد غذایی هم ۳۰۰۰ میلیارد تومان خارج از منابع هدفمندی در نظر گرفته شد که ۲۵۰۰ میلیارد تومان پرداخت شد و منتظریم سایر گروه‌های هدف را اعلام کنند و کمک ۲ میلیون و ۵۰ هزار نفر بازنشسته هم واریز شد و مرحله بعدی ۱۰ تا ۱۱ میلیون نفر شاغلان تأمین اجتماعی هستند. البته قبلاً مشمولان بازنشستگی صندوق‌ها و نیروهای مسلح را پرداخت کرده ایم.

وی در باره امکان افزایش یارانه نقدی گفت: بستگی به سیاست‌ها دارد. برای گروه‌های هدف افزایش یارانه داریم که جنبه عمومی ندارد و از ابتدای پارسال، یارانه مشمولان کمیته امداد و بهزیستی افزایش یافته است.

عارفیان معاون سازمان هدفمندی یارانه‌ها هم گفت: سالانه یک میلیون و ۴۰۰ هزار متولد و حدود ۴۰ هزار نفر فوتی داریم که حسب مقررات گروه اول، ذیل خانواده اضافه و گروه دوم کسر می شوند، حالا اگر گروه دوم سرپرست باشد باید سرپرست جدید توسط خانوار در مراکز پلیس + ۱۰ ثبت و جایگزین مشخص شود.

وی اضافه کرد: تا پایان سال ۹۶ سازمان پانزدهم هر ماه اطلاعات را از طریق ثبت‌احوال می‌گرفت و در سامانه رفاهی زیر مجموعه خانوارها اعمال می شد. در ابتدای سال ۹۷ بر اساس ماده هفت آئین‌نامه اجرایی تبصره ۱۴ قانون بودجه مقرر شد وزارت رفاه وضع نوزادان متولد شده را یکبار بررسی کند. این نتیجه بررسی یعنی به نوعی وضع درآمدی خانوار سنجش شود.

معاون سازمان هدفمندی یارانه ها افزود: در ماه چهارم امسال آئین‌نامه اجرایی آمد و ۱۷ تیر بود که وزارت رفاه مکلف به ارائه اطلاعات شد و در مرداد یارانه متولدین قطع شد که البته با وزارت رفاه چندین بار مکاتبه داشتیم که اطلاعات متولدین چه شد اما چون با سازوکار جدید روبرو شدند کمی زمان برد.

سؤالاتی برای وزارت رفاه مطرح بود که بحث خود متولد است یا خانواده آنها. البته ما به این مباحث ورود نکردیم و از ۱۳۰ تا ۱۴۰ هزار متولد ماهانه قرار شد رقمی را به ما اعلام کنند تا پرداختی صورت بگیرد. لذا دو تا سه‌ماه پرداخت یارانه عقب افتاد و پنج تا شش مکاتبه انجام شد و خواستیم که اعلام کنند چون خانواده‌ها به فرمانداری‌ها مراجعه می‌کردند که نوزاد متولد شده دارند، اما یارانه نگرفته اند که در شهریور لیستی را وزارت رفاه داد و آنچه در شهریور و مهر پرداخت شد اینگونه بود و اکنون وضع طبیعی است.

نفت ، طلا ، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۵۱/۵۹ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۶۰/۴۸ دلار
متوسط سبد نفت کشورهای اوپک	۵۹/۴۸ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۲۸۷/۵۳ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۳۷۵۰۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۳۸۵۰۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۲۰۰۰۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۱۲۴۰۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۶۷۵۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۳۶۲۰۰۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۴۲۰۰ تومان
دلار آمریکا(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۱۲۷۷/۳ تومان
دلار آمریکا(نرخ صرافی)	۱۱۴۰۰ تومان
یورو(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۴۸۱۶ تومان
یورو(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۳۰۵۴/۸ تومان
یورو(نرخ صرافی)	۱۳۱۰۰ تومان
پوند انگلستان(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۵۳۹۲/۹ تومان
پوند انگلستان(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۴۴۱۷/۹ تومان
پوند انگلستان(نرخ صرافی)	۱۴۶۰۰ تومان
درهم امارات (نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۱۱۴۳/۷ تومان
درهم امارات (سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۳۰۹۳/۹ تومان
درهم امارات (نرخ صرافی)	۳۱۰۰ تومان

اخبار کوتاه اقتصادی

اعلام میزان عیدی کارکنان مشمول قانون کار

میزان عیدی پایان سال تمام کارکنان تحت پوشش قانون کار حداقل ۲ میلیون و ۲۲۲ هزار تومان و حداکثر عیدی ۳ میلیون و ۳۳۳ هزار و ۸۰۰ تومان است.

مبنای پرداخت عیدی کارکنان مشمول قانون کار، در صورتی که یکسال کامل در محل کار فعلی خود سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشند، معادل دو ماه حقوق پایه آنها محاسبه می شود.البته قانون کار برای عیدی پایان سال سقف تعیین کرده به این ترتیب که این میزان نباید از سه برابر حقوق پایه مصوب ۹۷ که یک میلیون و ۱۱۱ هزار و ۲۶۹ تومان است، بیشتر شود.

با توجه به اینکه حداقل دستمزد کارگران برای سال ۹۷ در شورای عالی کار یک میلیون و ۱۱۱ هزار و ۲۶۹ تومان تعیین شده، بنابراین عیدی کارگرانی که حقوق پایه آنها به این میزان است،مبلغ ۲ میلیون و ۲۲۲ هزار و ۵۳۸ تومان خواهد بود که حداقل عیدی پایان امسال است.

سایر کارکنان تحت پوشش قانون کار که حقوق پایه آنها بیش از این میزان است، دو برابر حقوق پایه خود را به عنوان عیدی پایان سال دریافت می‌کنند به شرطی که میزان عیدی آنها از سه برابر حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار (یک میلیون و ۱۱۱ هزار و ۲۶۹ تومان) بیشتر نشود.

بنابراین حداکثر عیدی پایان سال تمام کارکنان مشمول قانون کار ۳ میلیون و ۳۳۳ هزار و ۸۰۷ هزار تومان خواهد بود و اگر دو برابر حقوق پایه از این سقف فراتر رفت، حداکثر عیدی دریافتی همان ۳ میلیون و ۳۳۳ هزار و ۸۰۷ تومان خواهد بود.همچنین کارگرانی که کمتر از یکسال در محل کار فعلی خود مشغول به کار هستند عیدی آنها به میزان تعداد ماه پرداخت حق بیمه آنها محاسبه خواهد شد. این گروه از شاغلان باید دو برابر حقوق پایه خود را تقسیم بر ۱۲ ماه و مجموع حاصل را ضربدر تعداد ماه کارکرد خود کنند.

واریز وجه سبد معیشت کارگران تا چهارشنبه

سازمان برنامه و بودجه از واریز وجه سبد معیشت کارگران تا چهارشنبه آینده خبرداد. به گزارش مهر، سازمان برنامه و بودجه اعلام کرد: این سازمان پیرو مصوبه هیأت وزیران در باره دستورالعمل بسته کمک جبرانی و حمایت غذایی از گروه‌های کم‌درآمد جامعه موضوع تصویب‌نامه مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۸، آمار بیمه‌پردازان سازمان تامین اجتماعی را بعد از بررسی‌های متعدد و رفع همپوشانی در مورد بیمه‌شدگانی که از محل این گروه‌ها و جمعیت‌های هدف کمک معیشت گرفته و همچنین خانوارهایی که با درآمد کمتر از ۳ میلیون تومان در ماه مشخص شده اند به سازمان برنامه و بودجه ارائه کرد.

تراکنش های بانکی با موبایل محدود شد

بر اساس بخشنامه جدید بانک مرکزی، تراکنش‌ها با موبایل محدود شده است.

به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، افرادی که قصد تراکنش‌های موبایلی دارند باید سیمکارت به نام فرد و کارت بانکی هم به نام شخص استفاده کننده باشد.

فعالیت بانک قرض‌الحسنه مهر ایران دائمی شد

بانک مرکزی پس از طی کردن مراحل قانونی، مجوز دائمی فعالیت بانک قرض‌الحسنه مهر ایران را صادر کرد.

به گزارش خبرگزاری صداو سیما، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران باتوجه به شاخص‌های مطلوب و شایسته بانک قرض الحسنه مهرایران در حوزه‌های مختلف بانکداری از جمله کفایت سرمایه ۲۷ درصدی، رشد مثبت منابع قرض الحسنه، پایین بودن میزان مطالبات بانکی به میزان یک درصد، پیشگامی در عرصه‌های بانکداری الکترونیک، شفافیت عملکرد مالی و ... با اعطای مجوز رسمی، فعالیت این بانک را دائمی کرد.

در متن این مجوز آمده است: پیرو مجوز موقت فعالیت مورخ شش شهریور سال ۱۳۸۷ بدین وسیله با ادامه فعالیت آن بانک در چارچوب قانون پولی و بانکی کشور، قانون عملیات بانکی بدون ربا، مصوبات شورای پول و اعتبار، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های بانک مرکزی و سایر قوانین و مقررات ذیربط موافقت به عمل می‌آید.

توسعه فرهنگ پسندیده قرض الحسنه، حفظ حقوق سپرده گذاران، تطبیق ساختار آن بانک با ضوابط و مقررات ذیربط از اهم مواردی است که انتظار می‌رود توسط مدیران و کارکنان آن بانک مورد توجه قرار گیرد.

گزارشی از خانه عماد ـ بخش دوم و پایانی

خانه‌ای دور از خانه



عکس: محمد نجفی

عماد آرمان شامخی



* افسانه قوام‌شهیدی ـ مدیر خانه عماد: یک‌بار برای تسلی دادن به خانواده کودکی که از دنیا رفته بود به بیمارستان رفتم و دیدم زیر آفتاب در حیاط روی پتو نشسته‌اند و عزاداری می‌کنند

* زینب آذرمند ـ مادر عماد: پذیرش مردم آمریکا نسبت به کودکان دارای سندرم داون و مشکلات مشابه بیشتر است اما در ایران همه به‌شدت می‌خواهند هر مسأله‌ای را که قدری متفاوت باشد از زندگی خودشان دور کنند

خانه عماد، خانه‌ای دور از خانه است. کودکانی که از شهرستان‌های مختلف برای پیوند مغزاستخوان و درمان بیماری خود به تهران می‌آیند، دوران نقاهت خود را در این خانه می‌گذرانند. دغدغه اغلب خانواده‌های آنها این است که فرزندشان دوران پس از پیوند مغزاستخوان را در محیطی مناسب و پاکیزه بگذرانند تا احتمال بهبودی و درمانش بالاتر برود. همچنین هزینه‌های محل اقامت و دارو و رفت‌وآمد و آزمایش‌های پزشکی و جراحی و تهیه خورد و خوراک برای بسیاری از این خانواده‌ها نگران‌کننده است.

خانه عماد مرکز خیریه‌ای است که این امکانات را در یک محیط خانگی و صمیمی برای خانواده‌ها فراهم می‌کند تا آنها جز درمان فرزندشان دغدغه دیگری نداشته باشند. این خانه به یاد عماد شامخی نامگذاری شده است.

داستان زندگی عماد

داستان زندگی عماد را مادربزرگش افسانه قوام‌شهیدی برایم تعریف می‌کند که در حال حاضر، مدیر خانه عماد است. او می‌گوید: «نوه من دوسال پیش، در دورانی که دامادم برای اخذ دکترا به‌همراه دخترم زینب به آمریکا رفته بود به‌دنیا آمد. آن زمان دختر کوچک‌ترم کنکور داشت و من از قبل به زینب گفته بودم که فقط بعد از کنکور خواهرش می‌توانم پیش آنها بروم. عماد پنج‌هفته زودتر از موعد در ماه اردیبهشت متولد شد و من نتوانستم تا مهرماه برای دیدن او به آمریکا سفر کنم. در این مدت زینب و همسرش برای آن‌که نگران نشوم و نگرانی را به دختر کوچکم منتقل نکنم، واقعیت‌هایی را درباره عماد به من نگفته بودند. عماد سندرم داون داشت و از یک بیماری قلبی هم رنج می‌برد که نیمی از قلبش تشکیل نشده بود. به پدرش گفته بودند در دنیا تعداد بسیار نادری از افرادی که این دو مشکل را به‌شکل توأمان داشته باشند، گزارش شده است.

دامادم بعدها برایم تعریف کرد که وقتی عماد به دنیا آمد و دکتر درباره مشکلاتش با او حرف زد، مانده بود که چطور این مسایل را به همسرش بگوید. بعد از چندساعت که وارد اتاق شد، زینب با دیدن قیافه او پرسید عماد نمی‌مانَد؟ دامادم گفت چرا، ولی سندرم داون دارد. زینب گفت چه جالب! چه خوب!

بعدها من به زینب گفتم من اگر یک لک در صورت بچه‌ام بود، با هزار نفر مشورت می‌کردم، تو به کجای این خبر می‌گویی جالب و خوب؟ زینب گفت از این‌که حس می‌کنم خدا برای من برنامه خاصی دارد خوشحالم. او به همسرش گفت یحیی! هنر ما این است که با وجود این بچه بتوانیم شاد زندگی کنیم. واقعاً هم همین کار را کردند.»

خانم قوام‌شهیدی در ادامه از احساسات خودش حرف می‌زند: وقتی در ایران بودم، حس عمیقی به عماد نداشتم و بیشتر به فکر دخترم بودم که رفاه و آسایش او تحت تأثیر این موضوع قرار خواهد گرفت. وقتی به آمریکا رفتم شب اول در شهر دیگری اقامت داشتم و با آن‌که غریب و تنها بودم، فکر می‌کردم خوب است که فرصت دارم با خودم خلوت کنم و برای دیدن عماد آماده شوم. فردای آن روز با این نگرانی که نکند بچه را دوست نداشته باشم به بیمارستان رفتم. ولی عماد از همان لحظه اول به دلم نشست، به‌طوری که بعد از مدتی به دخترم گفتم من عاشق بچه‌های سندرم داون شدم!

خانه‌های رونالدمک‌دونالد

عماد پس از تولد بلافاصله به بیمارستان مجهزی منتقل شد که از شهر محل زندگی والدینش دور بود. او حدود هفت‌ماه از زندگی کوتاه یک‌ساله‌اش را در بیمارستان‌های کودکان در شهرهای هِرشی، اورلاندو و فیلادلفیا گذراند. باتوجه به وضعیت مالی والدین عماد به‌عنوان دانشجو و غیرقابل پیش‌بینی بودن مدت درمان، تهیه محلی برای خواب می‌توانست دغدغه‌ای جدی باشد اما آنها با خیریه زنجیره‌ای به‌نام «خانه رونالد مک‌دونالد» آشنا شدند که برای اقامت خانواده‌های بیماران و برخی از بیماران ساخته شده بود و به‌صورت رایگان یا با هزینه بسیار اندک در اختیارشان قرار می‌گرفت.

خانم قوام‌شهیدی می‌گوید: این خانه‌ها فضایی رویایی داشت، پر از اسباب‌بازی و شکلات و غذا و امکانات مختلف بود و حس وجد و نشاط و زیبایی می‌بخشید. گروه‌های نیکوکاران دائم می‌آمدند و به مناسبت‌های مختلف بچه‌ها را شاد و سرگرم می‌کردند. هر روز با بوی شیرینی تازه و انواع سورپرایزها روبه‌رو می‌شدیم. ما در آمریکا سه همراه‌سرا را تجربه کردیم. یک روز در نخستین خانه رونالد مک‌دونالد که بیش از نیم قرن پیش ساخته شده است، با خانمی آشنا شدیم که اولین بار خانه کوچکش را برای این کار اهدا کرده بود. به او غبطه خوردم که چه کار جالبی کرده است! هنوز گاهی به یاد آنها می‌افتم که چطور در مورد همه چیز فکر کرده بودند، از اتاق ورزش گرفته تا لباس‌شویی و خشک‌کن. ماهی یک بار آرایشگر می‌آمد و موها را کوتاه می‌کرد. امکان گردش و انجام ماساژ برای ریلکسیشن وجود داشت. نوازنده می‌آمد و برای بچه‌ها می‌نواخت. همه اینها خیلی در روحیه ما و خانواده‌های دیگر مؤثر بود.

مدیر خانه عماد می‌افزاید: یک نکته قابل توجه، نقش قوی کشیش در آرامش بخشیدن به آدمها بود. حرف‌های او بسیار آرام‌بخش بود و حتی وقتی والدین درباره مسأله‌ای مردد می‌شدند می‌گفت خداوند حقیقت را به دلتان الهام خواهد کرد. حتی در آنجا یک خانواده چند کودک مبتلا به سندرم داون را به فرزندی پذیرفته بودند. در کشور ما متأسفانه نقش آدمهای معنوی کمرنگ است.

وجود آن مرکز که همه خدمات را به‌رایگان در اختیار همراهان بیماران قرار می‌داد باعث می‌شد تنها دغدغه خانواده‌ها بودن در کنار فرزندشان باشد. ما تا آخرین لحظه زندگی عماد از بودن در کنار او لذت بردیم، چون نگرانی دیگری نداشتیم.

وداع با عماد

مدیر خانه عماد از انرژی فراوان دخترش برای ماندگارکردن لحظه‌لحظه زندگی عماد می‌گوید: «زینب ویلچر مخصوصی سفارش داده بود تا بتواند همه دستگاه‌های عماد را به آن وصل کند و او را به هرجا که خواست ببرد. می‌گفت نمی‌خواهم پسرم یک گوشه بخوابد و به‌عنوان مریض به او نگاه کنم. او را با خود به همه‌جا می‌برد، از کلاس قرآن گرفته تا بوستون، واشنگتن و اورلاندو.

روز بعد از شب چله سال گذشته بود که حال عماد بد شد و او را به بیمارستانی در اورلاندو بردیم. دکترها گفتند دور ریه‌اش مایعی جمع شده و وضعیتش وخیم است. زینب انتظار چنین چیزی را نداشت. عماد را به بهترین بیمارستان ریه در فیلادلفیا منتقل کردیم.»

خانم قوام‌شهیدی با بغضی در گلو و قطره اشکی در گوشه چشم، روزهای آخر زندگی کوتاه عماد را به‌خاطر می‌آورد. معلوم است که حتی یادآوری صورت معصوم و لبخند شیرین نوه کوچکش، دلش را تنگ می‌کند. او می‌گوید: شاید فقط دوبار گریه زینب را دیدم که آن دوبار هم ربطی به بیماری عماد نداشت. یک بار که عماد بستری بود و تولد زینب را در خانه رونالد مک‌دونالد جشن گرفته بودیم، او با بغض گفت جای عماد خالی است و کاش او هم پیش ما بود.

فرشته کوچک در اردیبهشت سال ۱۳۹۶ وقتی فقط یک‌سال و چهار روز از عمرش می‌گذشت به آسمان برگشت. از روی خطوط کف دست او که معمولاً در بچه‌های مبتلا به سندرم داون تنها شامل یک خط پررنگ است، یک قالب گچی درست کردند و به پدر و مادرش هدیه دادند. چهار پنج ساعت هم عماد را که با پوششی از لباس‌های حوله‌ای سفید شبیه فرشته‌های مُحرم شده در مکه شده‌بود، با خانواده‌اش تنها گذاشتند تا با همدیگر خداحافظی کنند.

سفر به ایران

خانم قوام‌شهیدی می‌گوید: زینب و یحیی در تمام دوران زندگی با عماد به خانواده‌هایی که در شرایط مشابه خودشان در ایران بودند فکر می‌کردند. بعد از فوت عماد در مراسمی که برایش گرفته بودند، تصمیمشان را در مورد تأسیس خانه عماد در ایران اعلام کردند و دوستانشان هم که می‌خواستند به‌رسم آمریکایی‌ها به‌یاد عماد به خیریه‌ای کمک کنند، اولین پول‌ها را برای خانه عماد جمع کردند.

مدتی بعد از آن خبر رسید که خواهرم از دنیا رفته است و من به ایران برگشتم. این خبر برای من که یک‌سال بود خواهرم را ندیده بودم شوک بزرگی بود و چیزی از آن روزها به یاد نمی‌آورم. یادم نیست چطور سوار هواپیما شدم و کجا هواپیما عوض کردم و چطور خودم را به ایران رساندم. آن‌قدر حواسم پرت بود که ممکن بود کتاب را در یخچال بگذارم.

زینب هم برای تسلای من که ده ماه بود پیش آنها بودم به ایران آمد، ضمن آن که می‌خواست کار تأسیس خانه عماد را پیگیری کند. هر روز از صبح تا شب به مراکز مختلف مثل خیریه‌های امید، دهش‌پور و محک سر می‌زد. به مرکز مهرانه زنجان، بیرجند و شهرهای دیگر رفت.

اول می‌خواست یک همراه‌سرا برای همراهان بیمار راه بیندازد و تجربه‌ای را که در آمریکا داشتیم به ایران منتقل کند، ولی پزشکان گفتند واجب‌تر از همراه‌سرا، مکان بهداشتی و مناسبی است که بشود از بچه‌ها بعد از پیوند مغزاستخوان در آنجا نگهداری کرد. بعد از پنج‌ماه زینب مجبور شد به آمریکا برگردد. دختر دیگرم دنبال کارها رفت و این ساختمان سه‌طبقه را با پانصدمیلیون تومان رهن کردیم. فوت خواهرم که فرزندی نداشت باعث شد اموال او را هم به این کار اختصاص بدهیم و ۹۰ درصد اسباب و اثاثیه‌اش را هم مردم اهدا کردند. مثلاً مادری فوت کرده بود و بچه‌هایش که در آمریکا زندگی می‌کنند و بعد از گذشت سه‌سال هنوز دلشان نیامده بود به خانه او دست بزنند، بعد از آشنایی با خانه عماد وسایل خانه مادرشان را به اینجا هدیه دادند.

لزوم همراهی با خانواده‌های بیماران

خانم قوام‌شهیدی می‌گوید: بعد از تولد عماد دخترم همیشه به‌فکر خانواده‌های بیماران بود. به من می‌گفت مامان! ماه رمضان به‌جای مهمانی دادن، غذا بپز و برای خانواده‌های بیماران در کنار بیمارستان‌ها ببر.

من می‌دیدم که خانم‌ها کنار بیمارستان روی مقوا نشسته‌اند و دیدنشان در آن شرایط دردناک بود. حتی یک‌بار برای تسلی دادن به خانواده کودکی که از دنیا رفته بود به بیمارستان رفتم و دیدم زیر آفتاب در حیاط روی پتو نشسته‌اند و عزاداری می‌کنند.

او می‌افزاید: زینب بروشورهای مربوط به سندرم داون را هم به من داده و گفته بود در ایران هنوز مادرها بچه‌های مبتلا به این سندرم را از دیگران پنهان می‌کنند. به خاطر همین یک فرد مبتلابه سندرم داون را می‌بینی که چهل ساله است اما کتش را هم نمی‌تواند بپوشد. درحالی که این بچه‌ها هم توانمندی‌های خودشان را دارند.

پزشک به زینب گفته بود بچه تو همان‌قدر توانمند است که تو باور داشته باشی و زینب به من می‌گفت این بروشورها را برای مادران ایرانی ببر تا در لحظه اول که با واقعیت مشکل فرزندشان مواجه می‌شوند کمتر غصه بخورند.

برنامه‌ریزی و مدیریت

خانواده‌هایی که در خانه عماد اقامت دارند، به‌نوبت و از روی برنامه اتاق‌ها را تمیز می‌کنند. اینجا درست مثل خانه خودشان است اما کارها باید برنامه داشته باشد. زینب از اول هم معتقد بود که کار باید به شکل سیستمی انجام شود نه هیأتی.

مدیر خانه عماد با بیان این موضوع می‌گوید: زینب با مسئولان خانه رونالد مک‌دونالد صحبت کرده بود و آنها اجازه داده بودند که او تمامی مدارک درباره نحوه اداره چنین مرکزی را بگیرد و استفاده کند.

زینب و یحیی دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف بودند و به کمک تیمی از بچه‌های این دانشگاه در رشته‌های مدیریت و مهندسی صنایع مدت‌ها وقت صرف ایجاد یک مدل یکپارچه مدیریتی برای همراه‌سراها و اقامت‌های بیماران کردند.

خانم قوام‌شهیدی بالبخندی از سر رضایت می‌افزاید: اگرچه ما امکانات همراه‌سراهای آمریکایی را نداریم اما من می‌گویم روح مرکز ما بهتر است. روزهایی که مربی پیلاتس داریم شوروشعف دراینجا موج می‌زند. کلاس چهل تکه‌دوزی و اوریگامی هم داریم.

گفتگو با مادر عماد

چقدر دل آدم باید دریایی باشد که تجربه دشوار بیماری و فقدان فرزندش را به تجربه‌ای خیرخواهانه پیوند بزند و بخواهد دیگران را در گذراندن روزهای دشواری مشابه آنچه خودش تجربه کرده است، یاری کند و امیدوار باشد که آنان با دل خوش از پیش او بروند؛ به‌جای آن‌که زانوی غم بغل کند و سرنوشت بچه‌های مردم دیگر برایش اهمیتی نداشته باشد؟

با زینب آذرمند، مادر عماد، در شبکه اجتماعی «واتس‌اپ» گفتگو می‌کنم. او می‌گوید از طرف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و شهرداری قول‌هایی به آنها داده شده و قرار است زمینی به خانه آرمان عماد اختصاص داده شود و اظهار امیدواری می‌کند که اگر چنین اتفاقی افتاد، مردم هم کمک کنند تا مرکزی مناسب و در خور خانواده همراهان کودکان بیمار ساخته شود.

از زینب می‌پرسم: آیا در دوران بارداری متوجه مشکل عماد نشدید؟ او پاسخ می‌دهد: در دوران بارداری دو سری آزمایش ممکن است انجام شود. یک سری آزمایش‌ها مثل «آمنیوسنتز» خطا ندارد و روش جدید دیگری هم درآمریکا هست که با نمونه برداری از جنین تمام مشکلات احتمالی او را تشخیص می‌دهند.

از آنجا که این روش‌ها خطر سقط جنین به‌همراه دارد، معمولاً در حالت عادی انجام نمی‌شود و فقط به مادرانی که بارداری پرخطر دارند توصیه می‌شود، مثلاً وقتی سن مادر بالاست یا مادر نگرانی بیش از اندازه یا مشکل ژنتیکی دارد.

نوع دوم آزمایش‌ها، آزمایش خون و سونوگرافی است که خطر ندارد ولی با درصد بسیار کمی خطا همراه است، با این حال سندرم‌های مختلف مانند سندرم داون را تا حد خوبی نشان می‌دهد.

خانم آذرمند می‌افزاید: من در آمریکا و ایران آزمایشات لازم را انجام دادم ولی دغدغه وسواس گونه نداشتم. نتایج آزمایش‌های من هیچ مشکلی را نشان نمی‌داد و من جزو درصد کمی از احتمال خطا بودم که ممکن است وجود داشته باشد. تا به امروز خیلی‌ها این موضوع را باور نکرده‌اند و فکر می‌کنند من موضوع را می‌دانستم و مخفی کردم اما واقعیت این بود که من پیش از تولد عماد نمی‌دانستم که پسرم مشکل دارد.

سخن آخر

زینب آذرمند می‌گوید: من فکر می‌کنم مردم در ایران خیلی سختگیرترند و والدین دغدغه پررنگی درباره این‌که به کدام پزشک مراجعه کنند و چه آزمایش‌هایی بدهند دارند. در انجام انواع آزمایش و سونوگرافی در دوران بارداری افراط زیادی در ایران وجود دارد. در آمریکا همه چیز ساده و روتین است، حتی در شهر ما یک مادر باردار یک دکتر مشخص ندارد، بیمارستان ده دکتر دارد که هربار یکی از آنها معاینات لازم را انجام می‌دهد. اما اگر کودکی که متولد می‌شود مشکلی داشته باشد، والدینش را خیلی خوب راهنمایی می‌کنند تا بدانند فرزندشان چه نیازهایی دارد و چطور باید بزرگ شود.

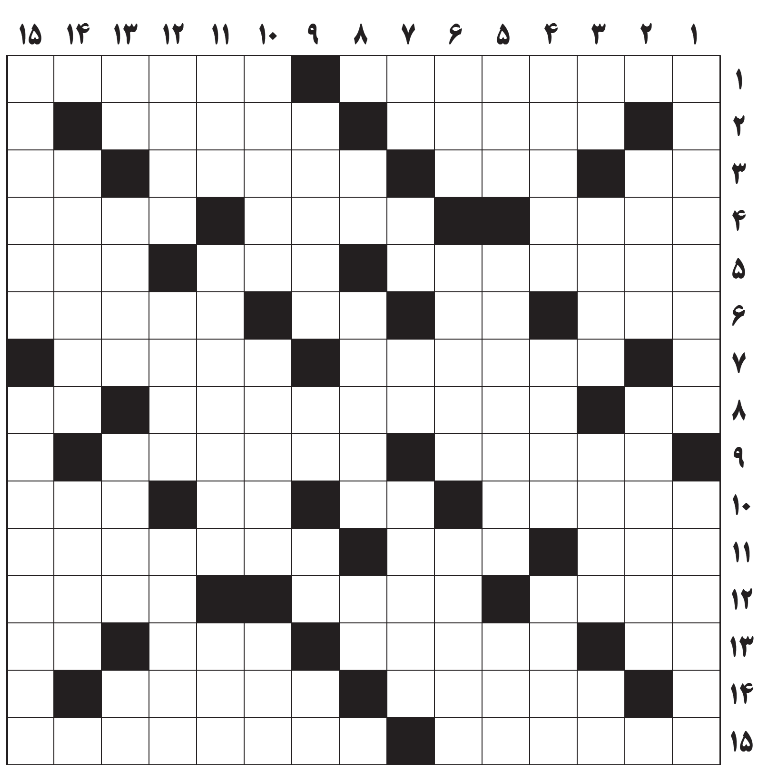
همچنین گروه‌های کمک کننده را به پدر و مادر معرفی می‌کنند تا آنها بهترین عملکرد را داشته باشند. به‌طور کلی پذیرش مردم آمریکا نسبت به کودکان دارای سندرم داون و مشکلات مشابه بیشتر است اما در ایران همه به شدت می‌خواهند هر مسأله‌ای را که قدری متفاوت باشد از زندگی خودشان دور کنند.

*خانه عماد در خیابان شریعتی، بالاتر از پل سیدخندان، خیابان مجتبایی، بن‌بست احسان، پلاک ٤ قرار دارد و شماره تلفن آن ۰۲۱۲۲۸۵۷۹٦٤ است.

ارمغان زمان‌فشمی

جدول ۲۳۵۸۹

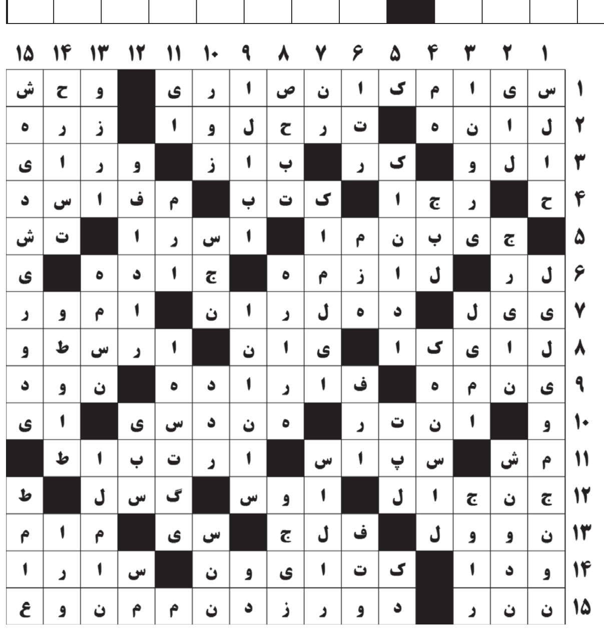
طراح: غلامحسین باغبان



افقی:
۱- همه پرسی - معادل فارسی کنسانتره
۲- فلک، روزگار - طلای کثیف!
۳- مردن از غصه - قدر و مرتبه - گاوچران آمریکایی - تخم مرغ فرنگی
۴- سرکش - از عناصر اصلی - رنگ آبی سیر، نیلی
۵- محترم و دارای آبرو - خرقه - بجز
۶- خروس مازندرانی - نت منفی - آش - شلوار زره دار جنگ های قدیم
۷- خواهران نویسنده انگلیسی - انسانیت
۸- موسیقی جوانان - کاشف آبله - علامت مفعولی
۹- شهر مذهبی عراق - از نژاد هند و اروپایی
۱۰- رشوه خواری - زمینه موسیقی - رود آرام - بلا
۱۱- همنشین برهمن - کرانه هر قلمرو سیاسی - انجمن علمی
۱۲- ایشان - حراف - سیاه
۱۳- عدد حرکت - نوعی الک - هر فصل کتاب - زیر و بم صدا
۱۴- ورق ها - پایتخت کشورمان
۱۵- نهال کاشتن - سازمان پیش بینی کننده وضع هوا

عمودی:
۱- مخزن آب خودرو - زینت کردن
۲- شایسته - مناسب یا مخصوص پسر ها
۳- جوی خون - کلاغ - آینده - عدد فوتبالی
۴- بایگانی - آرامش - خدای مصریان قدیم
۵- صدای بلند - نمایشنامه‌ای که دارای ویژگی های نمایشی و حرکات بدنی مبالغه آمیز باشد - دعای زیر لب
۶- پست - شاطر - نوار ابریشمی و زینتی
۷- درخت زبان گنجشک - پیش شماره - لنگه - عمل سرنگ
۸- آب شرعی - سیاره مریخ - حرص
۹- سرگردان و معطل - مروارید درشت - برآمدگی ته کفش - درون
۱۰- سد - فرو بردن سوزن، نیشتر و مانند آن ها در چیزی - قیمت
۱۱- بندری در عراق - رسته‌ای در ارتش - کمانگیر حماسی
۱۲- صدای تیراندازی - جمله دستوری - درخشان
۱۳- راه میانبر - بنیانگذار - عقیم و نازا - پیشوند نفی
۱۴- سزاوارتر - جوانمردی
۱۵- بخشی از قارچ - مرتب کردن دندان ها

حل جدول ۲۳۵۸۸



رژیم حقوقی دریاچه مازندران

سعید ملک‌زاده ـ سرتیپ بازنشسته و مدرس دانشگاه



با تمام تلاشی که در جهت احقاق حق مسلم ملت ایران و دفاع از منافع ملی، حیات اقتصادی و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران به عمل آمده، متأسفانه «کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر» در روز ۱۳۹۷/۵/۲۱ در کشور قزاقستان به امضای مسئولان کشورهای ساحلی رسید و موجبات بهت‌زدگی مردم شریف ایران و شادی و سرور و جشن و پایکوبی و... چهار کشور قائم مقام اتحاد جماهیر شوروی را فراهم آورد. اکنون امید مردم ایران بعد از خداوند متعال به نمایندگان ملت است که با یادآوری سوگند و متن قسم‌نامه مندرج در اصل ٦٧ قانون اساسی، ودیعه‌ای را که ملت به آنان سپرده به عنوان امینی عادل پاسداری نموده و در انجام وظایف وکالت، امانت و تقوا را رعایت کرده و همواره به استقلال و اعتلای کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پایبند باشند و با عنایت به اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد» و با توجه به اصل هفتاد و هشتم قانون اساسی مبنی بر این‌که: «هرگونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور به شرط این‌که یکطرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند و به تصویب چهارپنجم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد»، رسالت تاریخی و قانونی خود را به انجام برسانند.

کنوانسیون مورد بحث علاوه بر ابهامات عدیده، دارای ایرادات و اشکالات اساسی به شرح زیر است:

۱ـ تحدید حدود:

مقامات محترم وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران بارها فرموده‌اند که: «بحث تحدید حدود» به بعد موکول شده و ممکن است ۱۰ سال، ۲۰ سال و شاید ۵۰ سال به طول انجامد. تحدید حدود بستر و زیربستر بین چهار کشور قائم مقام شوروی سالهاست که به ناحق و برخلاف رژیم حقوقی موجود و علی‌رغم مخالفت جمهوری اسلامی ایران انجام شده و مشغول بهره‌برداری هستند و با عنایت به بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون، اقدامات آنها به تأیید جمهوری اسلامی ایران می‌رسد و رسمیت پیدا می‌کند.

بند ۱ ماده ۸ مقرر می‌دارد: «تعیین حدود بستر و زیربستر دریای خزر به بخشها باید از طریق توافق بین کشورهای با سواحل مجاور و مقابل، با در نظر گرفتن اصول و موازین عموماً شناخته‌شده حقوق بین‌الملل به منظور قادر ساختن آن دولت‌ها به اعمال حقوق حاکمه خود در بهره‌برداری از منابع زیربستر و سایر فعالیت‌های اقتصادی مشروع مرتبط با توسعه منابع بستر و زیربستر انجام شود.» و برابر ماده ۱: «بخش قسمت‌هایی از بستر و زیربستر است که به منظور بهره‌برداری از منابع زیربستر و سایر فعالیت‌های اقتصادی مشروع مرتبط با توسعه منابع بستر و زیر بستر بین طرفها تعیین حدود شده است.»

باقی می‌ماند تحدید حدود بین ایران و ترکمنستان و ایران و جمهوری آذربایجان که شاید ۵۰ سال به طول انجامد.

۲ـ موکول شدن تعیین خط مبدأ به بعد:

برابر اعلام مقامات محترم وزارت امور خارجه و صراحت ماده ۱ کنوانسیون روش تعیین خطوط مبدأ مستقیم باید در موافقتنامه جداگانه‌ای بین همه طرفها تعیین شود. این در حالی است که تعیین آبهای داخلی، آبهای سرزمینی، مناطق ماهیگیری انحصاری و پهنه دریایی مشترک، هر چهار مورد موکول است به تعیین خط مبدأ که ممکن است سالیان دراز به طول انجامد. سؤال این است که: تا تعیین خط مبدأ چه چیزی نصیب جمهوری اسلامی ایران می‌شود و چه اصراری وجود داشته که بدین صورت عمل شود؟ طبق اصول کلی حقوقی از جمله بند ۲ ماده ۲۳۳ قانون مدنی «شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود»، باطل و موجب بطلان عقد است؛ برای مثال کسی زمینی را به دیگری می‌فروشد مشروط به این که محل آن را بعداً مشخص کند، هم شرط باطل است و هم عقد.

ایران در فروپاشی شوروی چه نقشی داشته که باید طبق اصل «تغییر فاحش اوضاع و احوال»، حق مسلّم ما از یکدوم به یک‌پنجم تقلیل یابد؟ آیا اگر هر یک از این جمهوری‌ها به دو قسمت تقسیم شوند، باز هم به استناد همین اصل، حق ما به یک‌نهم تقلیل خواهد یافت؟ اگر این جمهوری‌ها تصمیم بگیرند که یکی شوند، آیا خواهند گفت به استناد اصل «تغییر فاحش اوضاع و احوال»، حق ایران به همان یکدوم قبلی برگردد؟

البته این در حالی است که بند ۳ ماده ۷ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «تعیین حدود آبهای داخلی و سرزمینی بین کشورهای دارای سواحل مجاور با توافق بین آن دولت‌ها با در نظر گرفتن اصول و موازین حقوق بین‌الملل انجام خواهد شد» و برابر بند ۱ ماده ۹: «... تعیین حدود مناطق ماهیگیری بین کشورهای دارای سواحل مجاور باید به موجب توافق بین آن دولت‌ها و با در نظر گرفتن اصول و موازین حقوق بین‌الملل انجام شود.»

۳ـ نبود ضمانت اجرای مؤثر برای کنوانسیون:

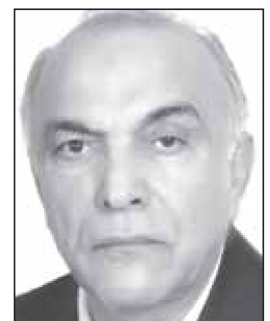
مواردی در خصوص مسائل دفاعی ـ امنیتی وجود دارد؛ از جمله در اختیار قرار ندادن قلمرو خود توسط هر یک از طرفها به سایر دولت‌ها برای ارتکاب تجاوز و انجام سایر اقدامات نظامی علیه هر طرف. سؤال مهم این است که: ضمانت اجرای این موارد چیست؟ ماده ۲۱ کنوانسیون مقرر می‌دارد:

«۱ـ اختلافات و مناقشات راجع به تفسیر و اجرای این کنوانسیون باید توسط طرفها از طریق رایزنی‌ها و مذاکرات حل و فصل شود. ۲ـ هر گونه اختلاف بین طرفها در رابطه با تفسیر یا اجرای این کنوانسیون که طبق بند ۱ این ماده حل و فصل نشود، می‌تواند با صلاحدید طرفها برای حل و فصل به سایر روشهای مسالمت‌آمیز که در حقوق بین‌الملل پیش‌بینی شده، ارجاع شود.»

یعنی چه؟ نه صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری پذیرفته شده و نه صلاحیت هیچ مرجع دیگری!

٤ـ نسخ ضمنی تمام قراردادها، اسناد، مدارک، مکاتبات و ضمائم مربوطه و نسخ رژیم حقوقی موجود:

به موجب این کنوانسیون همه قراردادهای گذشته به‌خصوص قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹٤۰ و ضمائم و اسناد آنها نسخ می‌شود و در نتیجه رژیم حقوقی موجود که جمهوری اسلامی ایران با حقوق مساوی، مشترک و مشاع در تمامی منابع و حقوق متصوره اعم از سطح



دریاچه، منابع آبی، بستر و زیربستر آن به نسبت پنجاه درصد ذی حق و سهیم است از بین می‌رود (البته با احترام به حق انحصاری ماهیگیری در ده مایل ساحلی).

توضیح این‌که بهره‌برداری مشاع و مشترک یعنی تشکیل یک نهاد منطقه‌ای جهت همکاری، هماهنگی، سیاستگذاری و بهره‌برداری مشاع و مشترک از تمامی منابع دریاچه مازندران به نسبت ۵۰درصد برای ایران و ۵۰درصد برای جمهوری‌های قائم مقام شوروی سابق. این روش قبلا هم در زمینه شیلات سابقه داشته و در بند ۳ ماده ۹ کنوانسیون حاضر نیز پیش‌بینی شده است.

برای مقایسه رژیم حقوقی موجود با کنوانسیون مورد بحث، رژیم حقوقی دریاچه مازندران را در سه بخش ۱ـ قبل از اتحاد جماهیر شوری، ۲ـ در زمان شوروی، ۳ـ بعد از فروپاشی شوروی بررسی می‌کنیم:

بخش اول: رژیم حقوقی دریاچه مازندران قبل از به وجود آمدن اتحاد جماهیر شوروی:

سوابق تاریخی نشان می‌دهد که دریاچه مازندران یا «دریای کاسپین» از عهد باستان به ایرانیان تعلق داشته و نام «کاسپین» از نام قوم آریایی کاسپی گرفته شده و پس از تثبیت قلمرو حاکمیت دولت‌های ایران و روس تا امتداد سواحل آن همواره بین دو کشور مشترک بوده است. قدیمی‌ترین قراردادی که بین ایران و روسیه منعقد شده و به مسائل دریای مازندران اشاره دارد، مربوط است به سال ۱۷۳۲م که مقرر می‌دارد: «چنانچه کشتی تجاری متعلق به اتباع روسیه در دریای مازندران آسیب دیده و بیم آن برود که خساراتی به اموال آن وارد شود، از دولت ایران انتظار می‌رود امکانات خود را به کار گیرد تا اموال آن مورد دستبرد قرار نگیرد و در حد امکان برای نجات کشتی کمک کند.» و همچنین از ایران خواسته شده که اجازه توقف کشتی‌های تجاری روسی در بنادر خود را جهت تخلیه کالاو بارگیری صادر کند. این قرارداد گویای استیلا و هژمونی آن روز نیروی دریایی ایران در دریای کاسپین بوده که روسها را ناگزیر از استمداد از ایران کرده است. نکته بسیار مهم این‌که حتی در «قرارداد ترکمانچای» جز محدود کردن حاکمیت ایران در استفاده از کشتی‌های جنگی، محدودیت دیگری برای ایران در بهره‌برداری از دریاچه مازندران وجود نداشته؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت در بهترین شرایط و اوج اقتدار افشاریه و در بدترین شرایط (یعنی در زمان قرارداد ترکمانچای)، خللی در اصل بهره‌برداری مشترک دو دولت از این دریاچه ایجاد نشده است. و از دیگر معاهدات منعقده بین ایران و روسیه در سده ۱۸ میلادی، حقوق مساوی و مشترک به صراحت مستفاد می‌شود.

بخش دوم رژیم حقوقی دریاچه مازندران در زمان اتحاد جماهیر شوروی:

با روی کار آمدن جمهوری سوسیالیستی در روسیه، معاهدات قبلی که ناقض حاکمیت نیروهای نظامی ایران در دریاچه مازندران بود، فسخ و حاکمیت کامل ایران بار دیگر اعاده شد. عمده معاهدات میان دو کشور در سده ۲۰ میلادی، معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹٤۰ است. به موجب قسمتی از فصل اول عهدنامه مودت ۱۹۲۱، دولت شوروی تمام معاهدات و قراردادهائی را که دولت روسیه با ایران منعقد کرده و حقوق ملت ایران را تضییع نموده، ملغی و از درجه اعتبار ساقط اعلان می‌نماید.

به موجب قسمتی از فصل سوم عهدنامه، «طرفین معظمتین متعاهدتین با حقوق مساوی از رودخانه اترک و سایر رودخانه‌ها و آبهای سرحدی بهره‌مند خواهند شد.»

به موجب فصل یازدهم، عهدنامه ترکمنچای را که حق داشتن بحریه را در بحر خزر از ایران سلب نموده، از درجه اعتبار ساقط دانسته، طرفین رضایت می‌دهند که از زمان امضای این معاهده، هر دو بالسّویه حق کشتیرانی آزاد در زیر بیرق‌های خود در بحر خزر را داشته باشند.

عهدنامه ۱۹۲۱ به طور آشکار بر «حقوق مساوی» طرفین تأکید نموده است. بعضی از نویسندگان مرقوم فرموده‌اند که عهدنامه ۱۹۲۱ بر حقوق مساوی طرفین با تصریح بر امر کشتی‌رانی تأکید نموده حال آن‌که این تصریح منحصر به کشتی‌رانی نیست، بلکه هر کجا که قبلا حقوقی از ایران تضییع گردیده، عهدنامه صراحتاً به حقوق مساوی تأکید نموده است. کما این‌که در فصل دوازدهم با دقتی خاص تصریح شده علاوه بر آنچه در فصول ۹ و ۱۰ ذکر گردیده، سایر امتیازات که دولت سابق تزاری عنفاً برای خود و اتباع خود از دولت ایران گرفته بود، از درجه اعتبار ساقط می‌شود.

در تاریخ پنجم فروردین ۱۳۱۹ش مطابق با ۲۵ مارس ۱۹٤۰ قرارداد دیگری با نام «قرارداد بازرگانی و بحرپیمایی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» در تهران به امضا رسید. این قرارداد نیز بر اساس «اصل تساوی حقوق» در مورد حضور مشترک و با حقوق مساوی در دریاچه مازندران منعقد شده است.

مواد ۱۲ و ۱۳ قرارداد ۱۹٤۰ حق کشتیرانی آزاد را برای طرفین در کلیه دریاچه تأکید نموده و تصریح شده با کشتی‌های هر یک از طرفین در بنادر طرف دیگر، از هر حیث مانند کشتی‌های خودی رفتار می‌شود. اصل «برابری رفتار» و «شرایط یکسان» در تمامی زمینه‌ها اعم از تردد کشتی‌ها، پذیرش در بنادر، اخذ عوارض، حق کابوتاژ و بهره‌مندی از مزایای دیگر برای کشتی‌های طرفین رعایت گردیده است.

از لحاظ ماهیگیری صرف نظر از یک نوار ده مایلی ساحلی که به طور انحصاری (فقط از لحاظ ماهیگیری) به کشور ساحلی تعلق دارد، صید ماهی در سرتاسر بقیه دریاچه برای هر دو کشور آزاد است.

لازم به یادآوری است که در زمان انعقاد عهدنامه‌های مورد بحث، نمونه‌های بارز حقوق متصوره در دریاچه، کشتیرانی و ماهیگیری بوده و هنوز منابع و ذخایر متنوع دیگر به‌ویژه نفت و گاز کشف نشده بوده است.

علاوه بر قراردادهای مذکور، در مکاتبات معموله بین دو کشور همواره به حقوق مشترک و مساوی طرفین در تمامی زمینه‌ها تصریح شده است؛ از جمله در قسمتی از مراسله شماره ۱۷۸۷ مورخه ٢٦ ایون ۱۹۱۹ کمیسر ملی امور خارجه روسیه به رئیس‌الوزراء ایران آمده است: «در تکمیل اصول مندرجه در این مراسله مبنی بر الغاء ابدی تمام عهود و قراردادهائی که دولت روسیه عنفاً به ایران تحمیل نموده، یا این‌که با اصل استقلال و مصونیت ایران مخالفت داشته، و یا این‌که آزادی در ترقی و انجام منظور ملت ایران را در اراضی متصرفه و دریاهای مجاور خود محدود و یا تضییق نموده، کاملا حاضر است برای انعقاد عقود جدیده داخل مذاکره شود» و در بند ۳ این نامه آمده است: «بحر خزر پس از پاک شدن از سفائن قطاع‌الطریق امپریالیزم انگلیس، برای کشتی‌رانی در تحت بیرق ایران آزاد اعلان خواهد شد.»

سند مهم دیگر این‌که در بند ۲ مراسله کمیسر ملی امور خارجه شوروی که در خصوص تسلیم بندر انزلی در تاریخ اول اکتبر ۱۹۲۷ مکاتبه شده، چنین آماده است: «همچنین دولت اتحاد جماهیر شوروی از دولت علّیه ایران خواهش می‌کند که منفعت مشترک را که بحر خزر منحصراً دریای ایران و شوروی باشد، در نظر گرفته و در مدت ۲۵ سال جز مستخدمین بندر از اتباع غیر ایرانی نداشته باشد.»

این سند به صراحت دریاچه مازندران را «منفعت مشترک انحصاری ایران و شوروی» می‌داند.

سند دیگر پاسخ سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی به تاریخ ۲۵ مارس ۱۹٤۰ در خصوص مکاتبات معموله در مورد فصل هفتم عهدنامه مودت ۱۹۲۱ بدین شرح است: «نظر به این که دریای خزر که طرفین متعاهدتین آن را دریای ایران و شوروی می‌دانند، برای طرفین دارای اهمیت خاصی می‌باشد، موافقت حاصل است که دولتین اقدامات لازم را به عمل آورند تا اتباع کشورهای ثالث که در کشتی‌های طرفین و در بندرهای واقع در دریای خزر مشغول خدمت هستند، از خدمت و توقف خود در کشتی‌ها و بنادر برای مقاصدی که خارج از حدود وظایف خدمتی محوله به آنها باشد، استفاده ننمایند.» از این سند این نتیجه حاصل می‌شود که دریاچه مازندران «دریای ایران و شوروی» است. بعضی‌ها تصور کرده‌اند که نام این دریاچه «دریای ایران و شوروی» است. حال آن‌که تأکید گردیده «طرفین آن را دریای ایران و شوروی می‌دانند» نه این‌که آن را دریای ایران و شوروی می‌خوانند.

علاوه بر معاهدات و اسناد موجود که بر مبنای «اصل تساوی حقوق» تنظیم گردیده و حتی به حقوق مساوی تصریح شده است، طبق اصول کلی حقوقی، در اموال مشترک اصل بر تساوی است، مگر این‌که خلاف آن تصریح شده باشد.

تا اینجای بحث از مجموع مدارک و اسناد ارائه شده این نتیجه حاصل می‌شود که دریاچه مازندران دارای رژیم حقوقی مدون و مشخص بوده و طرفین یعنی جمهوری اسلامی ایران و اتحاد جماهیر شوروی سابق با حقوق مساوی، مشترک و مشاع در تمامی منابع و حقوق متصوره اعم از سطح دریاچه، منابع آبی، بستر و زیربستر ذی‌حق بوده‌اند. البته با رعایت حق انحصاری ده مایلی ساحلی آن‌هم فقط برای ماهیگیری.

بخش سوم رژیم حقوقی دریاچه مازندران بعد از فروپاشی شوروی:

آیا فروپاشی شوروی می‌تواند حقوق حقه جمهوری اسلامی ایران را در دریاچه مازندران تضییع کند؟ بعد از فروپاشی ۱۹۹۱، لزوم پایبندی جمهوری‌های جدید قائم‌مقام اتحاد جماهیر شوروی به مفاد قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹٤۰ و احترام به رژیم حقوقی موجود نه تنها ناشی از اصول حقوق بین‌الملل عمومی است، بلکه رسماً نیز توسط آنها در «بیانیه آلماتی» مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ مورد تأیید قرار گرفته و کلیه دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع اجرای تعهدات ناشی از قراردادهای شوروی سابق را تضمین کرده‌اند و مستنداً به سند شماره A/٤٩/٤٧٥ مورخ ۵ اکتبر ۱۹۹٤ و نظریه رسمی فدراسیون روسیه به عنوان جانشین شوروی سابق، جمهوری‌های جدید ساحلی دریاچه مازندران نیز باید معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹٤۰ را بپذیرند؛ لذا بر اساس کنوانسیون ۱۹۷۸ وین در خصوص جانشینی معاهدات، کشورهای جانشین شوروی سابق جانشین معاهدات مذکور تلقی می‌گردند و نظر به این که معاهدات موصوف در بخش مربوط به دریاچه مازندران، معاهدات سرزمینی به شمار می‌روند، این معاهدات حتی در صورت عدم اعلامیهٔ جانشینی، برای کشورهای جانشین لازم‌الاجراست. علاوه بر این، کشورهای به‌جا مانده از فروپاشی شوروی، کشورهای جدید به شمار نمی‌روند، بلکه قائم‌مقام شوروی سابق هستند. از این رو همه اجزای معاهدات، بر این کشورها نیز اعمال می‌شود و کاربرد اصطلاح «لوح پاک» برای چنین کشورهایی بلاموضوع است.

پاسخ ما به کسانی که با استناد به اصل «تغییر فاحش اوضاع و احوال»، سعی در نفی رژیم حقوقی موجود و تضییع حقوق حقه ما را دارند، این است که:

اولا: اصل «تغییر فاحش اوضاع و احوال» شامل قراردادهای مرزی از جمله آبهای مشترک نمی‌شود و از طرفی آثار این اصل مربوط به منطقه قبلی آنهاست، نه کشورهای همسایه؛ به عبارت دیگر ماترَک مورّث بین ورثه تقسیم می‌شود نه اموال همسایه.

ثانیا: نظام حقوقی مشترک، در خصوص دریاچه‌های مشترک از سوی کشورها پذیرفته شده و آرای صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری نیز آنرا تأیید نموده است.

ثالثا: دیوان بین‌المللی دادگستری در رأیی که در سال ۱۹۷۳م صادر کرده، اعلام داشته که اصل تغییر فاحش اوضاع و احوال، شامل مواردی می‌شود که موجودیت یا توسعه حیاتی یکی از طرفهای معاهده را به مخاطره افکند. معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹٤۰ هیچ‌گاه موجودیت یا توسعه حیاتی طرفین معاهده را به مخاطره نینداخته است.

رابعا: موارد مورد بحث در واقع اقتباسی از کنوانسیون ۱۹٦۹ وین در خصوص حقوق معاهدات است که به‌صراحت ابراز داشته عطف به ماسبق نمی‌شود؛ لذا با در نظر گرفتن همه ضوابط و شرایط کنوانسیون ۱۹٦۹ و حقوق بین‌الملل عرفی معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹٤۰ معاهداتی سالم و معتبر به شمار می‌آیند.

خامسا: جمهوری اسلامی ایران در فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی چه نقشی داشته که باید طبق اصل «تغییر فاحش اوضاع و احوال»، حق مسلم ما از یک‌دوم به یک‌پنجم تقلیل یابد و چنانچه در آینده هر یک از این جمهوری‌ها فرضا به دو قسمت تقسیم شوند، باز هم به استناد همین اصل، حق ما به یک نهم تقلیل خواهد یافت؟! و یا برعکس اگر این جمهوری‌ها تصمیم بگیرند که یکی شوند (که البته بعید هم به نظر نمی‌رسد) آیا خواهند گفت به استناد اصل «تغییر فاحش اوضاع و احوال»، حق جمهوری اسلامی ایران به همان یک‌دوم قبلی برگردد؟

پاسخ ما به کسانی که سعی کرده‌اند یک امر مختومهٔ متروکه را مجددا مطرح نموده و خط موهوم و فرضی «آستارا ـ خلیج‌حسینقلی» را به عنوان مرز آبی ایران و اتحاد جماهیر شوروی سابق معرفی نمایند، این است که: این خط فرضی طبق موافقت‌نامه هوایی ۱۹٦٤ میان دو کشور صرفا برای تعیین «محدوده منطقه اطلاعات پرواز» (flight information region) به کار رفته و حتی به مسئله پرواز بر فراز دریاچه مازندران نیز اشاره‌ای ننموده است. نه تنها در هیچ یک از قراردادها، معاهدات و پروتکل‌های منعقده به مرز آبی بین دو کشور اشاره نشده، بلکه در موافقت‌نامه مسائل مرزی و مالی ایران و شوروی که در یازدهم آذر۱۳۳۳ مطابق با دوم دسامبر ۱۹۵٤ منعقد گردیده و همچنین در پروتکل‌های مربوطه، مرز ایران و شوروی از منتهی الیه غربی محل تلاقی مرزهای دولتی ایران و شوروی و ترکیه در نقطه التقای رود ارس با رود قره‌سوی سفلی قدم به قدم مشخص و معین گردیده و به دریاچه مازندران ختم شده و مجدداً از منتهی‌الیه شرقی، محل تلاقی مرزهای ایران، شوروی و افغانستان شروع شده و به دریاچه مازندران ختم شده و به‌هیچ وجه به مرز آبی بین دو کشور اشاره‌ای نشده است. متأسفانه در نقشه‌های رسمی و کتاب‌های درسی ایران فقط قسمت ساحلی و بسیار جزئی از دریاچه مازندران را جزء نقشه‌های ایران رسم می‌کنند، حال آنکه باید تمامی دریاچه مازندران جزء نقشه‌های ایران رسم گردد.

پیشنهادها:

۱ـ تأکید بر اصل «تساوی حقوق در تمامی زمینه‌ها» طبق قراردادهای موجود.

۲ـ پافشاری روی پنجاه‌درصد حقوق مشترک، مساوی و مشاع.

۳ـ موافقت ننمودن با افزایش عرض منطقه انحصاری ده مایلی موجود.

٤ـ تأکید بر این‌که حقوق انحصاری نوار ده مایلی ساحلی فقط مربوط است به ماهیگیری و نه غیر از آن.

۵ـ خودداری از به‌کاربردن عبارت «تعیین رژیم حقوقی دریاچه مازندران» و استفاده از عباراتی نظیر «تکمیل رژیم حقوقی» و یا «تحکیم رژیم حقوقی».

٦ـ اقدام لازم در جهت احقاق حق و دریافت سهم جمهوری اسلامی ایران از برداشت‌های یکطرفه اتحاد جماهیر شوروی سابق و کشورهای جدید از منابع انرژی دریاچه مازندران.

۷ـ سعی در تشکیل یک نهاد منطقه‌ای جهت همکاری، هماهنگی، سیاستگذاری و بهره‌برداری مشاع و مشترک از منابع دریاچه مازندران به نسبت ۵۰درصد برای جمهوری اسلامی ایران و ۵۰درصد برای جمهوری‌های قائم مقام شوروی سابق.

۸ ـ مخالفت جدی با احداث خط لوله از بستر دریاچه به دلایل زیست‌محیطی.

۹ـ تلاش در جهت تعیین مسئولیت کشورهای ساحلی در قبال خسارات وارده به محیط زیست.

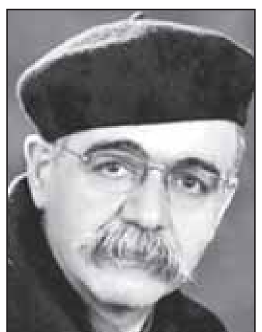
۱۰ـ تلاش در جهت غیرنظامی کردن دریاچه.

۱۱ـ تلاش در جهت جلوگیری از تردد کشتی‌های بیگانه به استناد ماده ۱۳ قرارداد ۱۹٤۰.

۱۲ـ ترسیم تمام دریاچه مازندران به طور کامل جزء نقشه جمهوری اسلامی ایران، در کتاب‌های درسی و نقشه‌های رسمی.

امیر کبیر و غرب ایران

دکتر محمدعلی سلطانی بخش چهارم



شورش حسن سلطان اورامی

اندکی پس از شهادت امیرکبیر بود که حسن‌سلطان اورامی قیام کرد و عزیزخان سردار کل مکری به دستیاری و حمایت از شورش اورامی‌ها متهم گردید. به قول صاحب تحفه ناصری، در اواخر سال ۱۲٦۸ق [سال عزل و قتل امیرکبیر] حسن سلطان اورامی به استظهار سردار کل [عزیزخان مکری] بنای شرارت و خودکامی نهاد و عَلم طغیان برافراشتهٔ والی [کردستان] تفصیل را به صدراعظم (میرزا آقاخان نوری) خبر داد... (۱۳٦٦: ۲۵۱) و بنا به گفته نادرمیرزا ـ مؤلف تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز ـ شورش اورامان بنا به اشاره و تحریک عزیزخان مکری سردار کل صورت گرفته و بعد نیز سندی در این باب از سردار کل مکری به دست آمد که به محمدبیگ اورامی نوشته بود و...

شورش شیخ عبیدالله شمزینی

با این‌که در شورش حسن سلطان، فوج نظامی کردستان تحت امر حکمران و نیروی اعزامی از تهران به نظارت فرهادمیرزا معتمدالدوله شکست خورد و فرهادمیرزا در هجوم تفنگچیان اورامی از محاصره گریخت، اما در مقابل دومین نیروی دولتی و طراحی نقشه جنگ به حدی توانا و مجهز بود و شدید عمل کرد و نیز از طریق مذاکره هم وارد عمل شدند و حسن سلطان را در مجلس مذاکره به قتل رسانیدند که تا مدتها آن مناطق در بهت و سکوت بود. در ۱۲۹۵ق ایران به دو بخش نفوذ روس و انگلیس تقسیم شد و مناطق غربی در محدوده چهارده ولایت به مسعودمیرزای ظل‌السلطان و مابقی به کامران‌میرزای نایب‌السلطنه واگذار شد، شورش شیخ عبیدالله نهری در ۱۲۹۷ق در راستای اعتراض به تصمیمات دولت مرکزی و اوضاع نابسامان اقتصادی، نظامی و سیاسی تهران بود. شورش شیخ عبیدالله نهری از جمله وقایع مهم عصر قاجاریه است که نگاه تک‌بعدی به آن، ستم تاریخی به مردم کُرد و خدشه‌دار کردن تعهد ملی و مسئولیت آنها نسبت به ایران و کرد و کردستان است. به سبب حساسیت موضوع و علاقه به تنویر افکار عمومی و بیان بدون خدشه، ضرورت است داده‌های تاریخی فهرست‌وار به عنوان شاهد ادعا ارائه شود.

همان طور که پیشتر گفتیم، نخستین فریاد اجتماعی بعد از شهادت امیرکبیر، از اورامان آغاز گردید و فرهادمیرزای معتمدالدوله عموی ناصرالدین شاه و مغز متفکر سیاسی و فرهنگی و نظامی قاجاریه، آن قیام را خوابانید؛ اما آتشی زیر خاکستر ماند که میدان را برای صفیر کشیدن و بیضه نهادن دول خارجی در ایران مهیا ساخت. برکار شدن میرزاآقاخان نوری به جای امیرکبیر و وقایع پس از آن، مسائل ایران و عثمانی از یک سو و رقابت عثمانی و روسیه تزاری به عنوان دو ابرقدرت منطقه از سوی دیگر، و نیز منافع و رقابت سیاسی روس و انگلیس در ایران، سمت سوم مسأله بود، به اضافهٔ ناتوانی، بی‌نظمی و گسیختگی امور در دولت ناصری، قیام شیخ عبیدالله را در پی داشت و به موازات آن خیزش‌های پیاپی در غرب و جنوب غربی ایران از ۱۲۹۵ تا ۱۳۰۵ق را موجب گردید.

به‌رغم نظر کسانی که مقصود شورش شیخ عبیدالله نهری را تجزیهٔ کردستان دانسته‌اند، باید گفت وی در پی انقراض حکومت قاجاریه و به قدرت رسانیدن دولتی صالح در مرکز ایران و یا دست‌کم انجام اصلاحاتی در کشور و ایجاد اتحادیه اسلامی میان ایران و عثمانی بود. این که بعضی از مآخذ دورهٔ قاجاریه و پیروان‌شان می‌کوشند به این ماجرا رنگ و بوی تقابل شیعه و سنی بدهند، به هیچ وجه اساس تاریخی ندارد؛ زیرا اگر حکایت مقابله مذهبی بود، هیچ‌گاه ایل بزرگ «قراپاپاق» که شیعه هستند، به این قیام نمی‌پیوستند و همزمان در خرم‌آباد لرستان شیعی، به هواخواهی شیخ عبیدالله فوج مراغه که به همراه مسعودمیرزای ظل‌السلطان بودند، سر به شورش برنمی‌داشتند و به پیروی از آنها، ایلات لُر قیام نمی‌کردند تا ظل‌السلطان در همان گیرودار یازده نفر از سران آنان را سر از تن جدا کند و به قلع و قمع آنها بپردازد و سپس شورش سیدرستم گوران اهل حق و ایل کلهر شیعی و جوانمیر هماوند (۱۳۷۷: ۱٦۲ـ۱۷۳) متعاقباً در کرمانشاهان و در همین راستا برپا نمی‌شد و در نهایت حسینقلی‌خان بختیاری ـ ایلخان بزرگ ایل بختیاری ـ جان بر سر این سودا نمی‌نهاد.

جز تواریخ نگاشتهٔ منشیان قاجاری، هیچ یک از منابع معتبر، به صبغهٔ مذهبی شورش شیخ عبیدالله کمترین اشاره‌ای نکرده‌اند و از بیم فراگیر شدن شورش، دستاویزی جز دمیدن به این اختلاف ساختگی نداشتند و چنانچه سخن دولت قاجاریه و شایعه‌پراکنان و منشیان آنان یک در هزار صحت می‌داشت، هیچ گاه مراجع عظام نجف و علمای تهران از کنار آن به‌سادگی نمی‌گذشتند. قیام شیخ عبیدالله و حرکات موازی و پیامدهای آن را باید مقدمه «تحریم تنباکو» و سپس «نهضت مشروطیت» دانست. متأسفانه اغلب نوشته‌ها دربارهٔ این حرکت، به نکاتی جزئی از کلیت ریشه‌دار موضوع دست زده و در پردازش وقایع به خطا رفته‌اند و به سبب بی‌توجهی به علت امر، با مبالغه در توصیف قضایا و نگارش یکسویه، از واقعیت قلب ماهیت نموده‌اند. امروز در بازبینی ارکان و اسکلت واقعی قیام‌های ده‌ساله (۱۲۹۵ـ ۱۳۰۵ق) باید ظواهر ساختگی را کنار نهاد.

اگر چنانچه برای ملت ایران این قبیل امور یا برتری شیعه و سنی، محلی از اعراب می‌داشت، هیچ‌گاه پس از سلطنت صد و پنجاه سالهٔ صفویان شیعی، غلبهٔ افاغنه سنی را نمی‌پذیرفتند و به سلطنت افشاریه سنی تن نمی‌دادند و قریب پانصد سال سلطهٔ سلسله‌هایی چون غزنویان و سلجوقیان و خوارزمیان سنی و تیموریان گاه سنی و گاه شیعه را به عنوان تاریخ برای خود ثبت و ضبط نمی‌کردند. به هر حرکت مخالفی رنگ اختلافات مذهبی می‌دادند تا از آب گل‌آلود ماهی بگیرند؛ اما قیام شیخ عبیدالله با شواهدی که آوردم، به هیچ روی در دایرهٔ مقوله اختلاف مذهبی نمی‌گنجد.

در این برهه فرهادمیرزای معتمدالدوله با مسعودمیرزای ظل‌السلطان در اصفهان و جنوب و امیرنظام گروسی در کنار ولیعهد مظفرالدین‌میرزا در تبریز، کارگردان سرکوب معترضان بالقوه و یا بالفعل بودند. ایران از ۱۲۹۵ق عملا به دو منطقه نفوذ روس و انگلیس تقسیم شده بود، ظل‌السلطان از این مقطع حاکم چهارده ایالت و ولایت یعنی جنوب غربی و غرب ایران بود و برای تعویض ولیعهد، دو کرور (یک میلیون تومان) به شاه پیشکش می‌داد و روزنامهٔ تایمز از وی حمایت می‌کرد! قسمت دیگر ایران نیز تحت نفوذ روسیه و قلمرو حکمرانی کامران‌میرزا نایب‌السلطنه بود. این تقسیم گام اول روسیه و انگلستان برای رسیدن به قرارداد بعدی سال ۱۳۲۵ق/ ۱۹۰۷م بود.

این اشغال نامرئی که سرآغاز و موجب شورش شیخ عبیدالله و علت‌العلل آن بود، از همین سال مسأله معادلات دولتین انگلیس و روس بود و روسها چون ایران را مرغ خانگی و شکار در تیررس خود می‌دانستند، به امتیاز دادن به انگلستان رضایت نمی‌دادند؛ اما بعدها جنگ روس و ژاپن، انقلاب ایران و اقتدار آلمان و نزدیک شدن آنها به مرزهای ایران به واسطهٔ راه‌آهن بغداد و نفوذ بیش از حد آن در خاور نزدیک، مجموعا موجب شدند که سرانجام روس وادار به همراهی با تمایل انگلستان شود و آنچه در این هنگام به عنوان اعتراض شیخ عبیدالله آغاز شده بود، سرکوب شود و سالها بعد به انعقاد قرارداد کذایی انجامد. ترورهای مشابه سران معترض در این سالها: در ۱۲۹۷ق توطئهٔ ترور حمزه آقای بلباس منگور توسط امیرنظام گروسی در مجلس مهمانی؛ در ۱۲۹۹ق توطئهٔ ترور حسینقلی‌خان بختیاری توسط ظل‌السلطان در مجلس مهمانی؛ در ۱۳۰۱ق توطئهٔ ترور جوانمیر «هماوند» توسط ناصرالملک قراگوزلو در مجلس مهمانی، که هر سه یادآور توطئهٔ ترور حسن سلطانی اورامی در مهمانی توسط فرهادمیرزای معتمدالدوله بعد از شهادت امیرکبیر بود، تطبیق و تطابق نقشه‌ها همه و همه حاکی از جاری بودن این توطئه‌ها از یک مجرا می‌باشد.

به هنگام شورش شیخ عبیدالله، ظل‌السلطان با افواج نظامی خود در خرم‌آباد بود و در تهران ـ مرکز سلطنت قاجاریه ـ از سپاه قدرتمند و فرماندهان کارآزموده و برنامهٔ صحیح سیاسی و نظامی خبری نبود و شیخ عبیدالله عزم تبریز ولیعهدنشین کرد که مسافتی با جبهه نظامی او نداشت، تا سپس عزم تهران کند. ظل‌السلطان که برای رسیدن به سلطنت و نیل به مقام ولایتعهدی تلاش می‌کرد، سپاهی برتر و بهتر از لشکریان پدر با پشتیبانی دولت انگلیس و پشتوانهٔ مالیات‌ها و مداخل برگرفته از ایلات و عشایر و اواسط الناس و تجار شهری فراهم ساخته بود.

ادامه دارد

دیوان حمیده شیبانیه

به اهتمام مهندس همایون پورسردار



ایران در طول تاریخ دراز بانوان شاعر متعددی داشته است؛ از رابعه قزداری تا مهستی گنجوی، مستوره کردستانی، ژاله اصفهانی، پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی، فروغ فرخزاد و شاعران دیگری که تا امروز مشعلبان شعر دری بوده‌اند. «حمیده شیبانی کاشانی» متخلص به «شیبانیه» (۱۲۵٦ـ۱۳۱۹ش) فرزند شاعر بلندآوازه ابونصر فتح‌الله کاشانی است. وی از خاندانی اهل شعر و ادب برخاست و در طول عمر نه چندان درازش مشغول خانه‌داری و خواندن و نوشتن بود.

شیبانیه در بیشتر قالب‌های کهن طبع جوشان خویش را آزموده، ولی بیشتر به قصیده و غزل گرایش داشته است. موضوع‌های گوناگونی چون اخلاق، دین، عرفان، عشق و دلدادگی، میهن‌دوستی، انتقاد اجتماعی، ستایش و سوگ در شعرهایش دیده می‌شود. او در بیشتر اشعار خود با روحیه‌ای مادرانه به پند و اندرز در زمینه‌های گوناگون پرداخته است. یکی از موضوع‌های مهم دیگر در شعرهای شیبانیه که نشان از آگاهی و روشن‌اندیشی تجددطلبانهٔ او دارد، حقوق زنان است. او بر دانش آموختن، آزادی و آگاهی زنان و پاسداشت جایگاه والای زن در خانواده و جامعه، تأکید دارد. راست‌نمایی و پرداختن به رویدادهای زندگی شخصی از ویژگی‌های برجستهٔ شعر شیبانیه است. دریغا که دیوان او بسیار دیر به طبع آراسته شد و با اینکه در ۷۸۰ صفحه است، باز کامل نیست. شیبانیه در قصیده، غزل، قطعه، مثنوی طبع آزموده، ولی در قصیده موفق‌تر بوده. از غزلیات اوست:

جانا، تو را که گفت که حال حزین مپرس؟
شادی به روزگار ز شخص غمین مپرس؟
بر آسمان عزت چون جای کرده‌ای
از آن که اوفتاده به روی زمین مپرس؟
از حال بندگان چو گرفتی همی خبر
از آن که داغ تو هست ورا بر جبین مپرس
مجنون و اوفتاده به صحرای نیستی
[illegible] مپرس
پرسید حال عاشق دلخسته از رقیب
گفتم که: حال عاشق [illegible] مپرس
احوال سحرکردن هاروت بابلی
جز از آن دو چشم جادوی سحرآفرین مپرس
شیبانیه شناسد احوال عاشقان
احوال عاشقانت از آن و از این مپرس

این هم بخشی از یک قصیده بلند او:

ای که [illegible] ز من به دل روانی
دور نباشی ز من که در دل و جانی
گرچه به صورت ز نزد من شده‌ای دور
پیش منی هر کجا روی که بمانی
گاه زنم در خیال، بوسه به رویت
گاه کنم قصه رازهای نهانی
گاه پریشان کنم به دست، دو زلفت
گاه ز بوسه نهم به دست، نشانی
من ز بهشتم چه حظ؟ که هست جهنم
گر بروم بی تو سوی باغ جنانی
روی نپیچم ز تو به مهر همانا
ور که به سینه درم زنی تو سنانی
یاد فراقت نموده با تن و جانم
آنچه به بستان نموده باد خزانی
قتل من از تیغ ابروان نگار است
گر که مرا باشدی ز مرگ قرانی
بر در تو میرم ار برانی‌ام از در
پیش تو آیم به سر، اگر که بخوانی
زود بیا، ترسم ار که دیر بیایی
هیچ نبینی ز من به دهر نشانی
دوش من و بار عشق تو هیهات
بر سر موری که بار کرده جهانی
یا که مرا مرهمی فرست بدین ریش
یا بفرستم برای سینه، سنانی
قامت شیبانیه ز بار غم صبر
بود اگرچه چو سرو، شد چو کمانی

ابرمرد جهاد و اجتهاد آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی

محمد شریف‌رازی و دیگران
به کوشش: سیدمحمود خسروشاهی
ناشر: کلبه شروق، قم
چاپ اول: ۱۳۹۷
۵۲۰ص ـ ۳۰هزار تومان



آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی، فقیه وارسته و مجتهد برجسته، زندگی سیاسی خود را در نجف اشرف با مبارزه مسلحانه علیه نیروهای اشغالگر انگلیسی آغاز نمود و در این راه، متجاوزان او را همراه آیت‌الله سیدمحمدتقی خوانساری، مرجع عالیقدر در دادگاهی قلابی محکوم به اعدام کدند، ولی برخلاف آیت‌الله خوانساری که دستگیر و به هند تبعید شد، او توانست از مرز عراق بگذرد وخود را به ایران برساند.

آیت‌الله کاشانی در ایران مورد توجه مراجع و علمای عظام و استقبال عامه مردم قرار گرفت و توانست در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و دینی، خدمات ارزنده‌ای را برای عموم انجام دهد و با توسعه فعالیت‌های سیاسی ـ اجتماعی، در واقع رهبری مبارزه بر ضداشغالگران انگلیسی در ایران را به عهده بگیرد و در همین راستا، در کنار گروهی از عناصر و گروه‌های مذهبی، نهضت ملی شدن صنعت نفت را پایه‌گذاری نمود و به‌تدریج توانست ضمن به تصویب رساندن لایحه ملی شدن صنعت نفت ایران در مجلس، به بیرون راندن به قول او «سگهای انگلیسی» اقدام کند و در این راه نیز موفقیت با او همراه بود.

استعمارگران انگلیسی که با ارزیابی حرکت آیت‌الله کاشانی منافع خود را نه تنها در ایران، بلکه در منطقه خاورمیانه در خطر می‌دیدند، توسط مزدوران داخلی و عوامل وابسته، با تخریب شخصیت ایشان، در واقع به نوعی ترور ناجوانمردانه شخصیت او دست زدند و هرچه خواستند، کردند و آنچه سفارت انگلیسی در به دنبال آن بود به ثمر رسید و آیت‌الله کاشانی منزوی و خانه‌نشین شد.

این کتاب گوشه‌هایی از زندگی و مبارزات آیت‌الله کاشانی را نشان می‌دهد و مشتمل بر عناوین زیر است: اسلام مذهب صلح و آشتی است (آیت‌الله کاشانی)، ابرمرد جهاد و اجتهاد، مجاهدات آیت‌الله کاشانی (آیت‌الله علی اکبر رفسنجانی)، روابط آیت‌الله بروجردی با آیت‌الله کاشانی، مبارزات آیت‌الله کاشانی و نهضت ملی شدن نفت (دکتر آگاه)، آیت‌الله کاشانی: آن طور که من می‌شناختم (جعفر زائد)، آیت‌الله کاشانی و مسئله فلسطین (دکتر سیدجلال‌الدین مدنی)، اصل تفکیک قوا، بحران سیاسی دیماه سال ۱۳۳۱ در ایران (دکتر محمود کاشانی)، آیت‌الله کاشانی و نامه مهندس حسیبی(مجاهد)، سندشناسی نامه آیت‌الله کاشانی به دکتر محمد مصدق (دکتر حسن سالمی)، گزیده‌ای از اسناد منتشرنشده آیت‌الله کاشانی، سندی جدید: توصیه‌ای درباره زرتشتی‌ها (محمد ترکمان)، آیت‌الله کاشانی و علامه شرف‌الدین (محمدرضا حکیمی)، آیت‌الله کاشانی و چگونگی روابط با دکتر مصدق (نصرالله شیفته)، از مطبوعات دوران نهضت ملی: آیت‌الله کاشانی و انگلیسی‌ها، دفاع از ارزش‌ها؛ امام خمینی و تعطیلی درس، طرح اعدام آیت‌الله کاشانی توسط هندرسن، شوارتسکف و اشرف پهلوی (حسینی مکی)، آیت‌الله کاشانی در زندان متفقین، چند دیدار با آیت‌الله کاشانی (علی حجتی کرمانی)، حزب توده، آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق (احسان طبری)، خلع ید، یک ضرورت ـ خلیل طهماسبی، مجری اداره قاطبه ملت(دلمر)، تصمیم ملت برای ملی کردن صنعت نفت(تمپو)، سالهای بحران! نامه کاشانی به مصدق (محمدعلی همایون کاتوزیان)، آیت‌الله کاشانی چگونه قیام ۳۰تیر را رقم زد؟ توصیه‌های آیت‌الله کاشانی (دکتر شمس‌الدین امیر علائی)، نگاهی به مبارزات زندگی آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی(از کودتای۲۸مرداد۱۳۳۲ تا رحلت)(مظفر شاهدی).

اما و اگرهای حذف صفر از پول ملی

یک کارشناس بانکی می‌گوید که اگر اصلاح پولی هر چه سریع‌تر در دستور کار قرار نگیرد، ممکن است پول‌های دیگر جای پول ملی را بگیرد؛ موضوعی که در اصطلاح به آن دلاری شدن اقتصاد گفته می‌شود. اما در این میان باید پرسید انجام این کار چه ضرورتی دارد؟

طرح اجرای حذف چهار صفر از پول ملی هم‌اکنون در قالب لایحه بانک مرکزی روی میز کمیسیون اقتصادی مجلس قرار گرفته است؛ طرحی که دو سال پیش به‌طور جدی‌تری در دستور کار دولت قرار گرفت و امروز از نظر کارشناسان به یک امر ناگزیر تبدیل شده است.

در این میان سال ۱۳۹۵ هیأت دولت در قالب لایحه بانک مرکزی ماده‌ای برای تغییر واحد پول کشور از ریال به تومان تصویب کرد. این لایحه به دلیل مخالفت‌ها و آماده نبودن دیگر مواد آن، هیچ گاه برای تصویب به بهارستان نرفت، اما نتیجه آن طرح مسأله و آغاز یک گفتگو در سطح کارشناسان، وکلای مردم و دولت برای رسیدن به یک راه‌حل در این زمینه بود. برآیند این گفتگوها این بود که به جای حذف یک صفر، نظرها به پاک کردن چهار صفر جلب شد.

در واقع نظر مخالفان تبدیل ریال به تومان این بود که به‌طور منطقی با هزینه‌هایی که برای اجرای این طرح گسترده صورت می گیرد، باید از اجرای آن نهایت بهره‌برداری را کرد، به‌طوری که واحد پولی کشور به کوچک‌ترین رقم ممکن برسد.

البته سکان‌دار پیشین بانک مرکزی در همان زمان اعلام کرد: جمع‌بندی‌ها این بود که پیشنهاد مستقلی از سوی دولت و بانک مرکزی به مجلس ارسال شود که اگر به تصویب برسد منجر به حذف چهار صفر از پول ملی می‌شود، اما در نهایت جمع‌بندی دولت این شد که فعلاً رفورم پولی انجام نشود.

آنچه در حال حاضر در این مرحله مد نظر قرار گرفته این است که فعلاً تومان را به‌عنوان واحد پول ملی کشور در نظر بگیریم و در یکی دو سال آینده و پس از استمرار و پایداری تورم تک‌رقمی، صفرها از پول ملی حذف شود. بنابراین اجرای این طرح به آینده موکول شده است.

از زمان اعلام این تصمیم دولت، دو سال می‌گذرد و اکنون لایحه بانک مرکزی به کمیسیون اقتصادی رسیده است و اگر به تصویب نهایی در صحن علنی بینجامد، باید پول فعلی به‌تدریج از چرخه مبادلات خارج و به جای آن از پول جدید استفاده شود.

کارشناسان معتقدند حذف صفر از پول ملی اقدامی است که در صورت فراهم بودن شرایط و اجرای اصلاحات اقتصادی می تواند به معنای کاهش تورم، تقویت پول ملی و افزایش ارزش اسمی آن باشد، اما این ظرفیت را هم دارد که به نتایجی کاملاً پیش بینی نشده منجر شود.

در همین زمینه رئیس کل بانک مرکزی ۱۶ دی در یادداشتی اینستاگرامی نوشت که در جلسه ای به‌دعوت فراکسیون ولایی مجلس ضمن تشریح برنامه‌های بانک مرکزی برای ایجاد ثبات در بازار ارز و حرکت تعادلی نرخ ارز و همچنین کنترل شتاب تورم این خبر را هم اعلام کردم که لایحه حذف ۴ صفر پول ملی را به دولت ارائه کرده‌ام و با توجه به عرف چند ده سال گذشته بین مردم پیشنهاد شده هر ده‌هزار ریال فعلی معادل یک تومان و هر تومان معادل یکصدریال جدید باشد.

نا گفته نماند: سابقه این بحث تقریباً به هفت سال پیش و در زمان دولت دهم باز می گردد. درآن زمان برای اولین بار با این استدلال که اگر چند صفر از اسکناس های ایران حذف شود، بطور قطع ارزش پول ملی ایران در برابر سایر ارزهای معتبر جهان افزایش می یابد و با اجرای این طرح قدرت خرید مردم هم افزایش پیدا می کند. کارشناسان معتقدند که این موضوع بدلیل اینکه از عقبه و پشتوانه درست علمی، فکری و اجرایی برخوردار نبود در حد حرف باقی ماند و به مرور فراموش شد.

بعد از آن در دولت اول تدبیر و امید مجدداً برای دومین بار داستان کم کردن صفرهای پول کشورمان مطرح شد که باز هم پس از بحث های فراوان به دلایلی مشابه کنار نهاده شد. البته در این مقطع دولت پیشنهاد حذف تنها یک صفر را ارائه کرده بود.



رئیس کل بانک مرکزی در خصوص پیشنهاد خود نکاتی را هم مطرح کرده است؛ از جمله اینکه حذف صفر به لحاظ حقوقی و فنی یک فرایند زمان‌بر بوده و بر مبنای برآورد کارشناسان ، اجرای آن نزدیک به دو سال طول می‌کشد. دیگر اینکه این اقدام در کنار سایر اقدامات اساسی بانک مرکزی برای اصلاح نظام بانکی و به کارگیری ابزارهای نوین سیاست‌های پولی و شیوه‌های جدید و کارآمد نظارت بر بانک‌ها خواهد بود و عملیاتی شدن آن عملاً متاخر بر اصلاحات بانکی خواهد بود.

همچنین طبق گفته های وی، بعد از قانونی شدن، پول‌های جدید به تدریج و با جایگزینی آنها با اسکناس‌های فرسوده قبلی وارد چرخه می‌شوند و هزینه آن قابل مقایسه با هزینه چاپ حجم زیاد اسکناس‌های فعلی نخواهد بود. بعلاوه، اصلاح نرخ برآوری پول ملی از طریق حذف صفرها وجهه پول ملی را در صحنه بین‌المللی ارتقا می‌بخشد و اقدامی است که در بسیاری از کشورها در کنار سایر اقدامات، سرآغازی برای اصلاحات جدی اقتصادی است و در نهایت اینکه اجرایی شدن آن، نیاز به تصویب دولت و تایید مجلس دارد.

بسیاری از صاحبنظران اقتصادی و همچنین مردم پول را به عنوان یک وسیله مبادله می نگرند. از نظر آنها پول ملی ابزاری است که انجام معاملات را در سطح اقتصاد ملی تسهیل می کند، به دولت ها در مدیریت مسایل کلان اقتصادی یاری می رساند و کشورها را قادر می سازد تا از طریق انتشار پول ملی برای خود درآمدهای ناشی از حق نشر کسب کنند.

برخی از متخصصان هم نگاه متفاوت تری به پول دارند و برای آن نقشی فراتر از یک ابزار اقتصادی قایل هستند. از دید این گروه، پول نه تنها تعاملات اقتصادی را آسان می سازد بلکه بر هویت ملی شهروندان هم اثر می گذارد. در نتیجه نشان دهنده مشروعیت ملی دولت هم هست. بعلاوه، برخی مانند "جرج زیمل" جامعه شناس آلمانی، پول را یک پدیده اجتماعی در نظر می گیرند.

وی معتقد است که استفاده از پول بیشتر از آنکه محاسبه عددی باشد، تسهیل کننده معاملات اقتصادی است. مبادله میان شهروندان می تواند بدون پول هم صورت گیرد، اما این وسیله به شهروندان اجازه می دهد تا مبادلات خود را کمی و یکسان سازند. بعلاوه معاملات پولی به شکل گیری جوامع هم کمک می کند.

پول می تواند هویت سیاسی ایجاد کند یا به آن استحکام ببخشد.در واقع طبق نگاه جامعه شناسان یکی از اهداف عمده انتشار پول های ملی در قرن نوزدهم تشکیل ملت به عنوان یک جامعه سیاسی و اقتصادی یکپارچه بود.

اهمیت ابعاد هویتی و اجتماعی پول بیانگر آن است که تصمیم درباره ارزش گذاری مجدد پول ملی می تواند بر دیدگاه شهروندان در مورد بازار و کشور آنها تأثیر بگذارد. ارزش گذاری مجدد پول ملی دیدگاه شهروندان درباره پول ملی و بازار را هم تغییر می دهد. بر اساس این منطق دولت ها باید هنگامی احساس نگرانی کنند که شهروندان شاهد باشند که پول ملی آنها هم از نظر اقتصادی و هم به لحاظ نمادین در حال از دست دادن ارزش خود است.

در همین خصوص یک کارشناس بانکی تأکید زیادی بر الزامی بودن اجرای این طرح داشته و می گوید: حذف صفر از پول ملی اگر چه از گذشته هم الزامی بوده، اما اکنون با توجه به تضعیف بیشتر پول به یک امر واجب تبدیل شده است.

اشاره این کارشناس بانکی به امواج تورمی است که از ابتدای امسال و به‌طور شدیدتر از تابستان سال جاری، اقتصاد کشور را درنوردید؛ به اندازه‌ای که بر اساس گزارشهای رسمی، قیمت برخی گروه های کالایی بیش از دو برابر رشد کرده است.

این کارشناس اعتقاد دارد که دیگر پول ملی نمی‌تواند نقش اجرایی خود را در زمینه واسطه مبادلات و ذخیره ارزش به‌خوبی ایفا کند؛ بنابراین از نظر وی هر چقدر حذف صفرها به تعویق بیفتد، ناهنجاری‌های آن بیشتر و اجرای آن سخت‌تر می‌شود.

وی در پاسخ به چرایی و چگونگی این مسأله توضیح می دهد که این سختی در دو سطح اجرایی و نظری می‌تواند اتفاق بیفتد. بخش اجرایی مسئله ابتدا به حجم تعویضها برمی‌گردد، بدین معنی که در حال حاضر هم حدود ۸ تا ۱۰ میلیارد قطعه اسکناس و ۵ میلیارد قطعه سکه در دست مردم وجود دارد که تعویض آن به یک زمان طولانی نیاز دارد و بر همین اساس هرچه زمان اجرای رفرم پولی به تعویق بیفتد، مسلماً این حجم بیشتر و این عملیات سنگینتر و پرهزینه تر می‌شود.

به گفته این کارشناس بانکی، ممکن است اجرای این طرح چهار تا پنج سال به طول بینجامد؛ به‌طوری که یک دوره زمانی در نظر گرفته شود که در آن هر دو پول جدید و قدیم در گردش قرار گیرند و در این مدت به‌طور تدریجی جایگزینی کامل صورت گیرد.

وی می افزاید: از این جهت که ظرفیت ضرب سکه و تولید اسکناس در کشور پایین است، فوریت اجرای این طرح بیشتر می‌شود.

این کارشناس بانکی درباره مسائل نظری عدم اجرای سریع این طرح هم می گوید: هر چقدر طرح مذکور دیرتر اجرا شود ممکن است پول‌های دیگر، جای پول کشور را بگیرند. این مسئله نه برای مردم، بلکه ممکن است در مبادلات شرکت‌ها، مؤسسات اقتصادی و دیگر بنگاههای اقتصادی که گردش پولی بالایی دارند، صورت گیرد؛ چیزی که در اصطلاح به آن دلاری شدن بازار گفته میشود. هرچند که یورو، درهم، یوان و حتی پولهای همسایه هم می‌تواند این نقش را ایفا کند.

البته وی به این موضوع هم اشاره میکند که



کاهش صفرهای پول ملی، هیچ تغییری در ارزش آن به وجود نمی آورد، اما هر چقدر صفرها کاهش یابد مشکلات حسابداری آن کمتر می‌شود. پول یک تمثیل و نماد است و ارزش آن به بازار مرتبط است، اما با این حال صفرهای بالای ریال باعث شده که سال به سال مشکلات حسابداری آن بیشتر شود به‌طوری که حتی نرم افزارهای کامپیوتری هم امکان حسابرسی آن را ندارند.

وی برای اجرای این طرح شرط هایی را هم لازم می داند که مهمترین آن‌ها پرهیز از سیاستهای جاری است، به‌طوری که اگر قرار باشد سیاستهای کنونی با پول جدید هم ادامه یابد همچنان مسائل کنونی وجود خواهد داشت؛ منظور از سیاستهای کنونی، سیاستهایی است که منجر به تضعیف پول ملی می‌شود.

این کارشناس بانکی همچنین تجدید ساختار حوزه های نرم‌افزاری و سخت افزاری، تدوین قوانین لازم برای هدایت و نحوه اجرای تبدیل و جایگزینی پول جدید و تنظیم آیین‌نامه‌ها برای متناسب سازی حوزه های اجرایی را از دیگر الزامات دیگر اجرای این طرح می داند.

باید اشاره داشت: حذف صفر از پول ملی به نوعی به معنای ارزشگذاری مجدد آن است. به اعتقاد محققان اقتصادی این امر از یک سابقه طولانی در سطح جهان برخوردار است. در قرن نوزدهم زمانی که دولت ها با کمبود طلا و نقره روبه رو می شدند، گاهی اوقات ارزش سکه های خود را تعدیل می کردند. همچنین از دهه ۱۹۶۰ به بعد بیش از ۶۰ کشور درحال توسعه به اجرای ارزش گذاری مجدد و حذف صفر از پول ملی دست زده اند.

در واقع، بعد از جنگ جهانی دوم کشورهای زیادی از جمله آلمان‌غربی به منظور مهار تورم لجام گسیخته تعدادی از صفرهای پول خود را حذف و حتی نسبت به تغییر نام واحد پول هم اقدام کرده‌اند.

در کنار تجربه های موفق، نمونه‌های زیادی از تجربه شکست برخی از این کشورها هم وجود دارد. برای مثال کشورهایی مانند ونزوئلا یا زیمبابوه نمونه‌های شکست کامل حذف صفر هستند که پس از مدتی دوباره مجبور به حذف صفر شده‌اند.

تجارب این کشورها از نظر بازه زمانی اجرای برنامه، تعداد صفرهای قابل حذف و تعداد دفعات حذف هم قابل توجه است. ارزش گذاری مجدد از لحاظ تعداد صفرهای حذف شده دارای تنوع زیادی بوده و از حذف یک صفر تا حذف شش صفر را در بر می گیرد. ولی به طور کل حد متوسط ارزش گذاری مجدد حذف سه صفر بوده است.

همچنین از نظر بازه زمانی برخی از کشورها با اختلاف زمانی چند ساله برنامه حذف صفر را به اجرا گذاشته اند. برای مثال بولیوی در فاصله سال های ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۷ ارزش گذاری مجدد پول ملی را اجرا کرده است. در برخی کشورها مانند پرو هم این کار خیلی سریع و در فاصله سال های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ اجرایی شده است.

با این وصف در نظر گرفتن یک بازه زمانی دوساله برای حذف چهار صفر از پول ملی کشورمان در مقایسه با تجربه سایر کشورها زمان بسیار کوتاهی به نظر می رسد.

از نظر تعداد دفعات اجرایی شدن این سیاست هم بین کشورهای مختلف تفاوت هست. در برخی کشورها یک و در بعضی چند بار اقدام به حذف صفر از پول ملی خود کرده اند. برای نمونه آرژانتین چهار بار و برزیل شش بار این کار را انجام داده اند.

کارشناسان معتقدند که میزان پذیرش این امر در کشورهایی که تجربه حذف صفر را در گذشته داشته اند آسان تر از کشورهایی است که چنین تجربه ای را نداشته اند. بنابر این از این جهت هم حذف صفر از پول ملی کشورمان قابل تأمل است و بایستی با در نظر گرفتن همه جوانب صورت گیرد.

به طور کل کشورهای مختلف تجارب متفاوتی در این زمینه داشته اند. در برخی از آنها مانند شیلی ارزش گذاری مجدد پول ملی بلافاصله بعد از ثبات اقتصادی اتفاق نیافتاده، بلکه به تدریج و در طول زمان صورت گرفته است. در برخی از کشورها به ویژه مواردی مانند آنگولا، جمهوری دموکراتیک کنگو و نیکاراگوئه که با مشکل درگیری های نظامی روبه رو بوده اند، چندین بار ارزش گذاری مجدد صورت گرفته است اما پیامدهای نرخ بالای تورم همچنان پا برجا مانده است. همچنین هنگامی که نرخ تورم در کشورها بالا بوده، مانند مورد غنا در دهه ۱۹۷۰ و اندونزی در دهه ۱۹۶۰ اجرای ارزش گذاری مجدد هم در آنها اجتناب ناپذیر بوده است.

به اعتقاد کارشناسان، ارزش گذاری مجدد پول ملی هنگامی می تواند نقش مؤثری را ایفا کند که در پایان برنامه های ثبات اقتصادی به اجرا درآید تا به شهروندان این پیام را بدهد که دوران تورم بسیار بالا به پایان رسیده است. استفاده از ارزش گذاری مجدد پول ملی در این حالت صورت نمادین دارد. به عبارت دیگر تورم مهار شده است و با حذف صفرها، شهروندان و سرمایه گذاران موفقیت در مهار تورم را درک می کنند و دوران تورم گذشته را به تاریخ می سپارند.در واقع کاهش چشمگیر نرخ تورم می تواند شانس موفقیت اجرای برنامه ها در ارزش گذاری مجدد پول ملی را افزایش دهد.

درعین حال نمونه‌های موفق بسیاری هم در دنیا وجود دارد. برای مثال یکی از این نمونه‌ها ترکیه است که در سال ۲۰۰۵ در قالب یک پروژه اصلاحی اقدام به اصلاحات بنیادی و ساختاری در نظام پولی خود کرد که حذف صفر هم یکی از بخش‌های آن بود. در واقع برای این که حذف صفر موفق شود پیش از آن باید اقدامات اصلاحی ساختاری از استقلال بانک مرکزی گرفته تا اصلاح سیاست‌های پولی را اجرا کرد که حذف صفر آخرین حلقه از زنجیره اصلاحات پولی محسوب می‌شود.

به اعتقاد کارشناسان، ترکیه یکی از کشورهایی است که در همسایگی کشور ما قرار داشته و به همین خاطر می تواند الگوی مناسبی در اجرای برنامه حذف صفر از پول ملی باشد. بانک مرکزی ترکیه قبل از آغاز سیاست ارزش گذاری مجدد پول ملی این کشور دو انگیزه اصلی را مشخص کرده بود: یکی اینکه از بعد فنی وجود چندین صفر در پول ملی می تواند آمارها و معاملات را پیچیده کند و دیگر اینکه به اعتماد سازی توجه جدی شد.

درواقع آنها بر این باور بودند که وجود ۲۰ میلیون برگ اسکناس لیر در سطح دنیا پدیده ای بی نظیر بود که بر مسئله اعتماد سازی پول ملی این کشور اثر منفی برجای می گذاشت. بنابر این، حذف صفر در چنین شرایطی می توانست به افزایش اعتماد کمک کند. با اجرای این سیاست در سال ۲۰۰۴ برای اولین بار از سال ۱۹۷۲ به بعد نرخ تورم در کشور ترکیه تک رقمی شد و شرایط را برای کاهش هرچه بیشتر تورم در سال ۲۰۰۵ فراهم ساخت. بعلاوه، برخی از برنامه های اصلاح اقتصادی ترکیه در قالب برنامه ثبات اقتصادی قرار داشت که حمایت صندوق بین المللی پول را هم در پی داشت و دو طرف از سال ۲۰۰۲ پس از وقوع بحران مالی جهانی پیرامون اجرای آن توافق کرده بودند. همچنین انگیزه قوی ترکیه مبنی بر پیوستن به اتحادیه اروپا محرک بسیار خوبی برای این کشور بود.

صاحبنظران اقتصادی معتقدند که مجموع عوامل فوق دست به دست هم داد تا این کشور نه تنها تجربه حذف صفر از پول ملی را با موفقیت پشت سر بگذارد، بلکه در سال های بعد به یکی از اقتصادهای برتر دنیا بدل شود.

بنابر این، هرگونه اقدامی در زمینه حذف صفر از پول ملی بایستی با مطالعه دقیق تجربه سایر کشورها (اعم از موفق و ناموفق) برای پرهیز از تکرار اشتباهات آنها و در عین حال استفاده از نکات مثبت شان و همچنین در نظر گرفتن شرایط کنونی کشور ، چه از نظر اقتصادی و چه به لحاظ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی صورت گیرد.

سهامداران ۸ شرکت به مجمع می روند

شرکت های صنعتی و کشاورزی شیرین خراسان، سیمان لار سبزوار، عمران و توسعه فارس، سرمایه گذاری صنایع ایران، سرمایه گذاری صنایع ایران، بانک دی، شرکت نئوپان ۲۲ بهمن و بیمه اتکایی امین مجامع عمومی عادی سالانه و فوق العاده خود را برگزار می کنند.

به گزارش پایگاه خبری بازار سرمایه (سنا)، شرکت صنعتی و کشاورزی شیرین خراسان از سهامداران خود برای حضور در مجمع عمومی عادی سالانه سال مالی منتهی به ۳۱ شهریور۱۳۹۷ در روز ۳۰دی امسال دعوت کرد.

شرکت سیمان لار سبزوار هم از سهامداران خود دعوت کرد تا در مجمع عمومی عادی سالیانه برای سال مالی منتهی به ۳۱ شهریور۱۳۹۷ در محل شرکت حضور یابند. مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت عمران و توسعه فارس در ۳۰ دی ۱۳۹۷ برگزار می شود و دستور جلسه آن بررسی صورت های مالی سال مالی منتهی به ۳۱شهریور۱۳۹۷ است.

این مجمع در روز ۳۰ دی ۱۳۹۷ در شیراز، خیابان اردیبهشت، برج الکترونیک(IT)، طبقه یازده تشکیل می شود.

همچنین مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت سرمایه گذاری صنایع ایران در ۳۰ دی ۱۳۹۷ در تهران، محله یوسف آباد، کوچه پله سوم، خیابان ولیعصر، پلاک ۲۲۲۴، برج سرو ساعی، طبقه ۱۴، واحد ۱۴۰۶ برگزار می شود.در این مجمع صورت های مالی سالانه، سال مالی منتهی به ۳۱ شهریور ۱۳۹۷ بررسی می شود.

ضمنا بانک دی مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده خود را در ۳۰ دی ۱۳۹۷ برای بررسی صورت های مالی سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ۱۳۹۶ برگزار می شود. بانک دی از سهامداران دعوت کرد تا در جلسه مجمع عمومی این شرکت که در محل سالن همایش های بین المللی هتل المپیک، واقع در تهران، جنب درب غربی استادیوم آزادی، هتل المپیک برگزار می شود، حضور بهم رسانند.مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت نئوپان ۲۲ بهمن هم در ۳۰ دی ۱۳۹۷ برای بررسی صورت های مالی سال مالی منتهی به ۳۱ شهریور ۱۳۹۷ برگزار می شود. ا

این مجمع در محل تهران،خیابان استاد مطهری، خیابان میرعماد، خیابان سیزده (شهید جنتی)، پلاک ۴۰ طبقه دوم واحد ۹ برگزار می شود.مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت بیمه اتکایی امین روز ۲۷ دی ۱۳۹۷ تشکیل و سهامدارن این شرکت در باره تقسیم سود مجمع عمومی عادی سالانه به بحث می پردازند. این مجمع در محل دفتر مرکزی شرکت، واقع در جزیره کیش، خیابان سنائی، بلوار اندیشه ، قطعه N.B.O۱۶ برگزار می شود.

بازار در یک نگاه



آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (یک شنبه ۹۷/۱۰/۲۳)

مجموع حجم معاملات	۲/۰۷۶ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۴/۴۹۱/۶۳۳ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۱۷۱/۷۱۵ معامله
ارزش بازار	- میلیارد ریال

جزئیات پذیره نویسی صندوق با در آمد ثابت



صندوق سرمایه گذاری بادرآمدثابت «آسمان امید» با نماد «آسامید» به مدت پنج روز کاری، از اول تا هفتم بهمن ۱۳۹۷ در فرابورس پذیره نویسی می شود.

محمد صدرایی مدیر عامل سبدگردان آسمان ضمن اعلام این مطلب به پایگاه خبری بازار سرمایه (سنا)، گفت: صندوق آسمان امید در تابلو ابزارهای نوین مالی فرابورس درج شده و واحدهای آن قابلیت معامله در این بازار را دارد.

صدرایی با بیان اینکه ارزش مبنای هر واحد سرمایه‌گذاری صندوق ۱۰ هزار ریال است، تاکید کرد که سود صندوق روز شمار است و به صورت ماهانه از طریق شرکت سپرده گذاری مرکزی پرداخت می شود.

مدیر عامل سبدگردان آسمان توضیح داد: نرخ بازده پیش بینی شده برای این صندوق ۱۶ درصد است و با عنایت به برنامه اعلامی بازارگردان،شیوه‌بازارگردانی‌صندوق در سه ماه آتی به شکلی خواهد بود که امکان کسب بازده سالانه ۲۰ درصد به صورت روزشمار برای سرمایه گذاران مهیا است؛ پس از این دوره با توجه به شرایط و سودآوری دارایی های صندوق، نرخ بازده قابل تجدیدنظر است.

صدرایی تصریح کرد: تمام تلاش ارکان اجرایی صندوق معطوف به کسب بالاترین نرخ بازده ممکن در هر دوره برای سرمایه‌گذاران و ایجاد روندی منظم و با ثبات در سوددهی است.

در این رابطه، بازارگردان صندوق، به صورت دوره ای و منظم برنامه خود را برای حداقل نرخ خرید واحدهای سرمایه گذاری از طریق وب سایت رسمی صندوق اطلاع رسانی می کند.

وی با اشاره به اینکه میانگین بازدهی یک ساله گروه صندوق های سرمایه گذاری با درآمد ثابت عددی حدود ۲۰ درصد است، ابراز امیدواری کرد که با سیاست ها و استراتژی های سرمایه گذاری، بازدهی بالاتر از این نرخ نصیب سرمایه گذاران صندوق آسمان امید شود.

مدیر عامل سبدگردان آسمان اظهار کرد که تا ۶۵ درصد ارزش واحدهای این صندوق می تواند به عنوان وجه تضمین معاملات اعتباری در پرتفوی های سرمایه گذاری مورد استفاده قرار گیرد. وی با اشاره به اینکه مطابق با مقررات، اولین دوره تقسیم سود صندوق از روز آغاز فعالیت صندوق تا پایان ماه جاری است، تصریح کرد: به سرمایه گذارانی که در پذیره نویسی صندوق آسمان امید شرکت می کنند، سود روز شمار دوره پذیره نویسی تا آغاز فعالیت صندوق هم تعلق می گیرد؛ یعنی در واقع هزینه فرصت وجوه سرمایه گذاران تا آغاز فعالیت صندوق توسط صندوق تأمین می شود. صدرایی در پایان خاطر نشان کرد: سرمایه گذاران می توانند از طریق شعب تمامی کارگزاری های دارای مجوز معاملات در فرابورس در سراسر کشور در این پذیره نویسی حضور پیدا کنند.

حل مشکل تامین مالی صنایع با بورس کالا



مدیرعامل شرکت تامین سرمایه تمدن معتقد است که ابزارهای مالی بازار سرمایه به ویژه اوراق سلف موازی استاندارد در بورس کالای ایران، از جمله ابزارهایی است که می تواند گره تامین مالی صنایع مختلف را باز کند.

به گزارش پایگاه خبری بازار سرمایه (سنا)محمودرضا خواجه نصیری در باره تامین مالی صنایع و بنگاه های اقتصادی از بستر بازار سرمایه، اظهار کرد: اوراق سلف موازی استاندارد که به پشتوانه محصول تولیدی بنگاه های اقتصادی قابل انتشار است، به عنوان ابزاری مناسب توسط مجموعه بازار سرمایه ایران به اقتصاد کشور معرفی شده و این اوراق مبتنی بر عقد پایه سلف بوده که به تایید کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار ایران رسیده است.خواجه نصیری افزود: آن دسته از بنگاه های اقتصادی بزرگ که نیازمند منابع مالی با حجم بالا برای پیشبرد فعالیت های اقتصادی خود هستند و نمی توانند به راحتی و با نرخ مناسب مبالغ مزبور را از طریق نظام بانکی تامین کنند، می توانند با مراجعه به بازار سرمایه، منابع مالی مورد نیاز خود را از طریق ابزارهای مالی اسلامی موجود فراهم کنند.

وی اظهار داشت: در این رابطه بورس کالای ایران به عنوان یکی از ارکان بازار سرمایه، زمینه تامین منابع مالی را برای بنگاه های اقتصادی بزرگ در حجم بالا و با نرخ مناسب فراهم کرده است؛ این بورس می تواند با کمک ابزارهای متنوعی که در اختیار دارد، بنگاه های اقتصادی را در تامین مالی بلندمدت و هم کوتاه مدت و سرمایه در گردش حمایت کند و اوراق سلف موازی استاندارد یکی از ابزارهای پرکاربردی محسوب می شود که از نظر مدت زمان انتشار از انعطاف پذیری مطلوبی برای واحدهای تولیدی و بنگاه های اقتصادی برخوردار است.

وی معافیت مالیاتی، نقدشوندگی بالا، ضمانت کالایی و دارا بودن تضامین معتبر را از مهمترین مزایای این اوراق برشمرد و گفت: بر اساس تبصره یک ماده هفت قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید در جهت تسهیل اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی و بنابر بخشنامه سازمان امور مالیاتی کشور، معاملات اوراق سلف استاندارد از معافیت مالیاتی برخوردار است.همچنین، با توجه به اینکه اوراق سلف موازی استاندارد هم مشابه سایر اوراقی که در بازار سرمایه منتشر می شود، دارای بازارگردان است و می توان به صورت آنی و از طریق سامانه های بورس به فروش برسد، بنابراین سرمایه گذاران می توانند به واسطه نقدشوندگی بالای این اوراق، در صورت نیاز به آسانی از اینسرمایه گذاری با سود معقولی خارج شوند.

به گفته خواجه نصیری، این اوراق به پشتوانه کالا صادر شده و به ضمانت نهادهای مالی معتبر و در برخی موارد حتی به پشتوانه دولت منتشر می شود؛ بنابراین، سرمایه گذاران از ضمانت و بازپرداخت اصل و سود آن خیال آسوده ای خواهند داشت.

مدیرعامل شرکت تامین سرمایه تمدن به امکان هدایت منابع و نقدینگی سرگردان در جامعه به سمت طرح های توجیه پذیر از طریق انتشار این اوراق اشاره کرد و گفت: با توجه به اینکه بازپرداخت اصل و سود این اوراق از سوی نهادهای مالی معتبر تضمین می شود، منابع مالی جذب شده به کمک این ابزار مالی در طرح های با توجیه اقتصادی هزینه شده و از ورود این منابع به امور بدون صرف اقتصادی پیشگیری می شود.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
سایپا	۱۴۰۴	۴۸
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۳۴۷۰	۱۸۵
سایپاآذین	۳۳۸۲	۱۶۱
پست بانک ایران	۲۲۲۷	۱۰۶
فنرسازی‌خاور	۴۲۶۵	۲۰۳
پارس‌سرام	۱۰۲۵۳	۴۸۸
سیمان‌سفیدنی‌ریز	۱۴۰۳۸	۶۶۸
صنایع‌شیمیایی‌سینا	۱۶۲۷۱	۷۷۴
نوردوقطعات‌فولادی	۸۵۷۷	۴۰۸
لعابیران	۲۶۹۹	۱۲۸
حمل ونقل پتروشیمی(سهامی عام)	۳۰۳۹	۱۴۴
فنرسازی‌زر	۱۴۲۴	۶۷
سرمایه گذاری پردیس	۱۶۷۳	۷۹
پمپ‌سازی‌ایران	۲۷۱۲	۱۲۹
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۲۰۷۰	۹۸
سرمایه گذاری نورکوثرایرانیان	۱۲۴۰	۳۵
لنت‌ترمزایران	۵۷۱۰	۲۷۱
بیسکویت‌گرجی	۵۳۱۷	۲۵۳
بهنوش‌ایران	۵۰۶۸	۲۴۱
کمباین‌سازی‌ایران	۱۰۵۶	۵۰
تولیدمحورخودرو	۲۸۶۱	۱۰۸
جام‌دارو	۸۷۳۳	۴۱۵
سرماآفرین	۲۹۳۴	۱۳۹
چرخشگر	۱۷۲۱	۶۲
تجارت الکترونیک پارسیان	۲۶۲۸	۱۲۱
فراورده‌های‌نسوزایران	۱۱۷۰۵	۵۵۷
قطعات‌اتومبیل‌ایران	۱۸۶۹	۶۵
نیرومحرکه	۲۲۳۶	۴۸
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۴۱۹۵	۱۲۸
حمل ونقل بین المللی خلیج فارس	۱۵۰۱۰	۷۱۴
رادیاتورایران	۲۵۸۹	۹۸
مهندسی‌نصیرماشین	۱۷۳۰	۲۳
سرمایه‌گذاری‌رنا(هلدینگ)	۹۳۲	۱۹
عمران‌وتوسعه‌فارس	۱۹۰۰	۷۳
الکتریک‌خودروشرق	۱۹۰۰	۵۰
سایپاشیشه	۲۵۴۶	۱۲۱
پلاسکوکار	۱۱۳۵	۲۵
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۲۳۵۷	۱۱۲
فیبرایران	۲۰۷۰	۹۸
ایران‌دارو	۱۸۷۴	۸۹
گروه‌بهمن	۱۱۰۰	۲۵
دوده‌صنعتی‌پارس	۹۱۹۲	۴۳۷
پارس‌خودرو	۹۷۲	۲۲
آلومینیوم‌ایران	۳۵۵۱	۱۶۹
رینگ‌سازی‌مشهد	۱۹۷۳	۴۶
کربن‌ایران	۱۳۳۵۷	۶۳۶
داروسازی‌فارابی	۷۷۷۰	۱۲۶
سرمایه‌گذاری‌سایپا	۹۲۳	۱۶
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۴۵۷۰	۲۰۵
ایرکاپارت صنعت	۱۶۵۰	۲۰
لیزینگ رایان‌سایپا	۱۳۸۵	۱۹
آلومراد	۴۸۴۶	۲۳۰
کارخانجات تولیدی شهیدقندی	۳۵۸۸	۱۷۰
معدنی‌دماوند	۲۰۸۳۷	۹۵۸
پارس‌خزر	۱۶۲۰۰	۷۲۱
صنایع‌آذرآب	۲۵۳۸	۱۲۰
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۲۰۸۵	۴۸
کاشی‌پارس	۷۴۰۰	-۹
کابل‌البرز	۲۳۰۰	۹۲
شیمی‌داروئی‌داروپخش	۴۱۳۰	۱۹۶
کمک‌فنرایندامین	۱۳۷۰	۲۱
سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۲۰۸۳	۹۹
تامین‌ماسه‌ریخته‌گری	۴۷۸۵	۱۵۲
سخت‌آژند	۲۳۴۰	۸۴
بانک سینا	۱۰۷۸	۵۱
پرداخت الکترونیک سامان کیش	۱۷۳۸۴	۶۶۹
صنایع‌شیمیایی‌فارس	۳۱۱۹	۱۲۴
لیزینگ ایرانیان	۱۱۷۹	۲۹
کشت‌وصنعت‌چین‌چین	۱۲۳۳۵	۴۹۳
بانک‌کارآفرین	۱۷۸۵	۸۵
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۴۹۰۱	۵۸
آهنگری‌تراکتورسازی‌ایران	۴۵۲۰	۱۲۵
ملی‌سرب‌وروی‌ایران	۵۰۳۰	۱۴۵
واسپاری ملت	۱۱۹۰	۲۸
سبحان دارو	۴۰۲۵	۷۶
صنایع‌کاشی‌وسرامیک‌سینا	۳۸۷۰	۴۹
پارس‌سویچ	۵۳۹۰	۱۳۲
داروسازی‌زهراوی	۱۶۰۶۰	۴۲۳
لیزینگ‌خودروغدیر	۱۵۰۱	-۱۳
سرمایه گذاری خوارزمی	۱۰۵۷	۲۶
مهندسی‌نصیرماشین	۳۱۳۰	۵
لیزینگ‌ایران	۹۳۱	۱۳
سرمایه‌گذاری‌مسکن	۹۰۷	۲۵
سیمان‌قائن	۱۲۲۳۸	۵۸۲
کشاورزی‌ودامپروری‌مگسال	۴۲۴۱	-۳
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۹۱۷	۲۵
ایران‌ترانسفو	۶۹۸۱	۱۳۲
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۴۴۵۰	۷۵
گروه‌صنعتی‌بارز	۳۵۵۱	-۳۵
بیمه پارسیان	۱۴۰۰	۳۱
مارگارین	۳۴۰۰	۵۶
تولیدی‌کاشی‌تکسرام	۱۸۳۸	۴۲
گروه دارویی سبحان	۱۶۲۳	۱۴
صنایع‌ریخته‌گری‌ایران	۱۶۹۲	-۷
کارت اعتباری ایران کیش	۳۱۰۰	۴۶
سرمایه‌گذاری‌پارس‌توشه	۳۰۴۴	۸۶
فرآورده‌های‌نسوزآذر	۲۴۱۰	۸۲
پارس‌مینو	۲۷۱۰	۱۷
سرمایه‌گذاری‌ملی‌ایران	۲۲۲۰	۸۳
بانک ملت	۲۶۱۹	۴۰
سرمایه گذاری مسکن شمال شرق	۹۰۹	۱۴
داروسازی‌جابرابن‌حیان	۵۰۶۰	۶

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
فولادخوزستان	۸۷۲۳	۱۲۹
داروسازی‌اکسیر	۷۴۰۰	۸۷
بانک تجارت	۱۶۳۲	۳۲
توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۲۱۰۵	۳۷
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱۳۷۰	۳۱
سازه‌پویش	۱۸۶۰۰	۴۶۹
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۲۸۲۹۹	۲۳۴
فولادمبارکه اصفهان	۴۹۷۳	۳۵
شهد	۱۰۲۵۳	۱۲۲
سیمان‌کرمان	۳۵۶۷	۱۳۷
گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۴۳۶۵	-۹
گسترش نفت وگازپارسیان	۳۷۱۴	-۱۷
لبنیات‌کالبر	۱۹۱۰	۹
کاشی‌الوند	۳۴۲۹	۵۰
صنعتی‌آما	۲۶۵۹	۸۵
لبنیات‌پاک	۱۶۴۷	۲۱
سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۳۱۳۸	۱۲
داروسازی‌ابوریحان	۶۸۴۷	۹۳
سیمان‌فارس‌وخوزستان	۱۵۶۵	۳
سیمان‌اصفهان	۵۹۰۰	۲۴۱
ملی کشت وصنعت ودامپروری پارس	۷۹۷۸	۵۸
پتروشیمیشازند	۵۱۶۸	۶۸
سرمایه‌گذاری‌صنعت‌ومعدن	۱۲۱۰	۱۴
قندمرودشت	۵۷۶۴	۱۳۸
سرمایه‌گذاری صنعت‌نفت	۴۶۹۰	۷۸
داروسازی زاگرس فارمدپارس	۱۱۵۰۰	۲۵۴
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۲۵۶۰	۸
شکرشاهرود	۲۹۸۸	۸۸
تولیدمواداولیه‌داروپخش	۵۵۷۲	۱۰۶
بیمه آسیا	۱۶۹۹	۱۶
سرمایه‌گذاری‌البرز(هلدینگ)	۲۰۲۹	۳۶
سیمان‌تهران	۱۵۵۵	۱۸
نیروکلر	۶۰۶۵	-۲۹
نوردآلومینیوم	۲۶۴۶	-۴۴
پارس‌الکتریک	۶۲۵۶	۱۸
گلتاش	۹۳۰۰	-۳
سرمایه‌گذاری‌شاهد	۱۱۶۸	۵
فرآورده‌های‌نسوزپارس	۵۹۵۰	۷۸
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱۲۱۳	-۳۰
البرزدارو	۴۷۷۹	۱۰۲
پارس‌دارو	۱۲۳۵۲	۱۳۸
سیمان‌دورود	۱۱۴۱	۸
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۹۸۱۰	۳۸
سیمان‌شرق	۹۱۵	۸
آبسال	۳۶۵۴	۴
سرمایه گذاری دارویی تامین	۵۸۰۰	-۸۲
گروه‌صنعتی‌بوتان	۸۵۳۰	۵۸
سیمان‌بهبهان	۲۴۱۰۰	۶۹
داروسازی‌اسوه	۶۶۳۰	۳۰
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۱۰۹۸۹	۱۱۵
تایدواترخاورمیانه	۴۳۶۷	۸۳
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ)	۱۷۲۸	-۶
دارویی‌رازک	۱۰۳۹۹	۲۴۴
سیمان‌خاش	۹۳۰۰	۱۷
دشت‌مرغاب	۱۳۱۰۲	۶۲۳
بانک صادرات ایران	۱۲۹۸	۱
معدنی وصنعتی گلگهر	۶۷۰۱	-۷۴
سامان‌گستراصفهان	۱۵۵۱	-۱۴
تراکتورسازی‌ایران	۳۷۲۳	-۴
توسعه‌صنایع‌بهشهر(هلدینگ)	۲۱۶۵	۲۰
فولادخراسان	۸۹۰۶	۹۹
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۴۵۶۸	۳۵
لابراتوارداروسازی‌دکترعبیدی	۲۵۹۲۵	۱۲۳۴
داروپخش(هلدینگ)	۱۱۴۷۰	۲۲۷
گروه صنعتی پاکشو	۲۱۸۰۰	-۲۸۱
فولادامیرکبیرکاشان	۱۱۰۰۰	-۱۱
سرمایه گذاری اعتبارایران	۲۷۹۰	۴۷
سالمین	۶۶۷۱	-۳۴۶
به پرداخت ملت	۱۱۰۰۰	۰
سرمایه‌گذاری‌رنا(هلدینگ)	۹	۰
خوراک‌دام‌پارس	۷۰۰۰	-۳۰۹
کاشی‌وسرامیک‌حافظ	۵۱۶۸	-۲۷۱
داروسازی‌سینا	۱۷۵۰۰	-۲۱۲
صنایع سیمان دشتستان	۲۴۶۲	-۱۲۹
داروسازی‌روزدارو	۲۰۵۰	-۲
مدیریت صنعت شوینده ت.ص.بهشهر	۶۹۲۰	-۱۴
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۱۶۰۰	-۲۱
پتروشیمی فناوران	۴۳۷۶۵	-۹۹۳
پتروشیمی مبین	۷۶۰۰	-۲۹
سیمان‌داراب	۱۶۰۰	۱
فرآورده‌های‌تزریقی‌ایران	۷۰۰۰	-۹۶
گروه دارویی برکت	۱۴۶۵	۰
کیمیدارو	۳۵۶۰	۰
ذغال‌سنگ‌نگین‌طبس	۵۰۷۰	۳۹
خدمات‌انفورماتیک	۱۱۳۸۲	-۱۱۶
بیمه البرز	۱۰۹۳	۳
به پرداخت ملت	۱۲۷۹۷	-۱۳۱
مخابرات ایران	۲۳۲۰	۴
سیمان‌فارس	۵۸۰۳	-۳۰۵
شرکت ارتباطات سیارایران	۱۹۰۰۸	-۵۲
سیمان‌ایلام	۲۸۳۱	-۴۷
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۴۴۲۸	-۲۳۳
پتروشیمی جم	۹۹۰۰	-۳۱
بیمه دانا	۲۱۴۵	-۴
سیمان‌شمال	۱۲۹۱	-۷
گروه مپنا(سهامی عام)	۵۶۸۰	-۵۳
گروه دارویی سبحان	۲۷۸۶	-۱۲
قندثابت‌خراسان	۳۶۴۰	-۲۵
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۴۴۲۹	-۳۸
سرمایه گذاری ساختمان ایران	۲۹۳۶	-۴۱
همکاران سیستم	۵۴۶۵	۹
بانک‌اقتصادنوین	۲۲۶۰	-۱۹

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
سرمایه گذاری توسعه صنایع سیمان	۱۲۹۰	-۲۷
تامین سرمایه امید	۱۵۷۰	-۱۰
سیمان‌هرمزگان	۶۳۹۲	-۷۱
پاکسان	۱۰۲۹۳	۳۱
فولادآلیاژی ایران	۲۶۳۳	۱۹
پتروشیمی پردیس	۱۲۶۰۰	-۱۳۲
سیمان‌خزر	۲۷۳۰	-۳۰
پتروشیمی‌شیراز	۵۸۹۷	-۷۰
سیمان‌هگمتان	۲۴۳۴	۰
سیمان‌آرتااردبیل	۶۹۷۰	۱۱۵
سرمایه گذاری صندوق بازنشستگی	۲۱۶۱	-۱۰
ریخته‌گری‌تراکتورسازی‌ایران	۳۴۱۰	-۹۸
بانک‌پارسیان	۱۱۲۵	-۱۶
داروسازی‌کوثر	۲۰۴۵	-۵۲
معدنی‌املاح‌ایران	۲۲۸۰۰	۳۷۴
سرمایه‌گذاری‌سپه	۲۲۲۰	۰
سیمان خوزستان	۳۸۹۶	-۴۶
سیمان‌غرب	۴۵۲۰	-۲۷
حمل‌ونقل‌توکا	۱۸۳۳	۴
بانک پاسارگاد	۱۳۲۸	-۵
قندهکمتان	۹۸۲۳	۱۰۸
کاشی‌سعدی	۱۹۸۱	۱۵
توسعه‌معادن‌وفلزات	۴۶۷۳	۴۱
پتروشیمی‌خارک	۳۹۹۷۸	-۷۶
گروه‌صنعتی‌سپاهان	۴۷۶۱	-۸۱
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۴۹۹۰	-۳۷
پتروشیمی جم	۱۱۵۰۰	-۳۲۶
س.صنایع‌شیمیایی‌ایران	۴۶۵۰	-۴۸
سپنتا	۳۶۹۹۹	۹۴۵
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۱۱۶۴۵	۱۶۷
ایران‌تایر	۴۱۰۰	-۱۶
صنایع لاستیکی‌سهند	۳۲۲۰	-۱۹
صنعتی‌بهشهر	۳۵۳۵	-۵
ایران‌ارقام	۳۴۳۲	-۵۴
سیمان‌ارومیه	۲۸۹۱	-۵۲
سیمان‌شاهرود	۱۴۸۰	-۲۸
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۱۶۲۳۵	-۱۸۳
بیمه ما	۲۱۶۶	-۴۳
بانک خاورمیانه	۲۵۵۹	۳
شیشه‌وگاز	۷۰۰۰	۲۵
مس‌شهیدباهنر	۷۴۰۰	-۲۸
معادن‌منگنزایران	۶۰۷۹	۴۰
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۱۵۴۶	۱۴
سرمایه‌گذاری‌آتیه‌دماوند	۱۸۴۹	-۲۰
داروسازی‌امین	۳۰۵۵	-۵۵
تکنوتار	۴۰۹۸	-۴۹
پالایش نفت بندرعباس	۱۰۵۵۰	-۲۰۵
حفاری شمال	۲۷۸۷	-۳۸
توسعه‌معادن‌روی‌ایران	۴۴۹۴	-۱۶
توسعه معدنی وصنعتی صبانور	۴۵۸۲	-۹۶
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۱۸۶۰	۲۴
ملی‌صنایع‌مس‌ایران	۲۷۹۵	-۳۲
قنداصفهان	۱۲۷۵۰	-۳۳۷
کارخانجات‌قندقزوین	۷۲۷۰	۲۸
سیمان‌سپاهان	۹۸۳	-۱۰
داده گسترعصرنوین-هایوب	۶۵۸۰	-۱۰۵
دارویی‌لقمان	۲۱۳۱	-۲۷
پتروشیمی‌آبادان	۳۹۲۱	-۳۹
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۲۹۸۲	-۱۴
نفت‌بهران	۱۴۸۰۷	۱۲۷
سیمان‌صوفیان	۲۱۷۰	-۲۸
فروسیلیس‌ایران	۶۴۳۱	-۱۶۵
نیروترانس	۴۴۱۰	-۳۰
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱۱۹۱	-۲۳
سیمان کردستان	۹۹۷	۰
نفت‌پارس	۹۱۳۰	-۳۹۰
پالایش نفت تبریز	۱۵۴۰۰	-۲۵۷
لامپ‌پارس‌شهاب	۴۶۵۰	-۸۴
سرمایه گذاری شفادارو	۳۷۷۱	-۸۴
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۲۷۵۵	-۱۹
قندلرستان	۶۲۰۱	-۱۵۹
داده‌پردازی‌ایران	۳۳۰۰	-۸۸
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ)	۱۷۲۸	-۳۶
فولادکاوه جنوب کیش	۳۶۰۰	-۵۸
پالایش نفت تبریز	۱۵۱۴۰	-۵۱۷
ایران‌یاساتایرورابر	۲۸۰۰	-۶۷
سیمان فارس نو	۵۶۸۳	-۲۵۱
باما	۸۷۶۰	-۲۶۹
س.نفت وگازوپتروشیمی تأمین	۲۰۸۰	-۶۶
تولیدی چدن سازان	۴۴۰۰	-۴۲
پتروشیمی پارس	۳۳۹۷۰	-۷۸۹
پالایش نفت تهران	۵۱۱۳	-۱۸۶
پالایش نفت اصفهان	۷۸۵۰	-۲۱۰
کالسیمین	۷۷۷۷	-۲۳۵
ایران‌مرینوس	۷۵۳۸	-۳۹۶
سیمان‌مازندران	۱۵۶۰	-۴۷
نفت سپاهان	۲۸۰۰۰	-۹۶۴
پشم‌شیشه‌ایران	۵۸۹۰	-۱۷۱
پتروشیمی فجر	۷۳۱۹	-۱۰۶
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۴۸۶۰	-۱۴۳
کویرتایر	۴۹۲۰	-۲۲۵
صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۶۱۶۰	-۲۷۳
افست	۵۷۵۰	-۱۶۵
بیمه ملت	۲۴۴۰	-۱۲۷
داروسازی‌ابوریحان	۵۴۴۵	-۲۲۰
شیشه‌همدان	۳۴۷۰	-۷۵
درخشان‌تهران	۹۱۵۳	-۴۸۱
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۸۱۴۴	-۱۶۱
گلوکوزان	۱۱۱۹۱	-۵۸۹
سیمان‌بجنورد	۷۲۴۱	-۲۶۶
تولیدی‌مهرام	۳۳۸۵۲	-۱۷۸۱
دارویی‌لقمان	۹۵۰	-۱۰۵

برگزاری جلسه هم اندیشی ساماندهی و برنامه ریزی اطلاعات و اخبار بابلسر

بابلسر ـ خبرنگار اطلاعات: فرماندار شهرستان بابلسر در جلسه هم اندیشی ساماندهی و برنامه ریزی اطلاعات و اخبار شهرستان در جمع خبرنگاران و مدیران روابط عمومی ادارات گفت: خبرنگاران همسو و غیرهمسو بازوان توانمند مسئولین هستند و یقینا نقد سازنده برای مدیران و نظام مفید است.

مهندس اسماعیل حسن زاده افزود: در این جلسه اظهارداشت: به منظور آشنایی بهتر در جهت ارائه خدمات مناسب به شهروندان نشست‌های تلفیقی بین روابط عمومی‌ها و رسانه‌ها برگزار خواهد شد.

حسن زاده به بیان اهمیت رسانه و خبر اشاره و اضافه کرد: اهمیت رسانه و خبر بر همه روشن است و اکنون در دهه چهارم و در آستانه جشن چهل سالگی انقلاب افتخار می‌کنیم که مردم ما همچنان با قدرت و صلابت پشتیبان نظامی هستند که در راه آن ایثار و جانفشانی‌ها انجام شد.فرماندار بابلسر افزود: از آنجا که هر روز در رسانه اتفاق جدیدی روی می‌دهد و ابزار رسانه تغییر می‌کند از این رو پیشکسوتان عرصه رسانه نیز نیاز به آموزش‌های جدید دارند.وی با بیان اینکه عرصه رسانه محدود به زمان نیست اذعان داشت: وقایع نگری به ثانیه و دقیقه رسیده است که شاید در آینده‌ای نزدیک به کسری از ثانیه هم برسد.

آغاز به کار ششمین جشنواره عکاسی وقف در فارس

شیراز ـ خبرنگار اطلاعات: پوستر ششمین جشنواره ملی عکس با عنوان وقف چشمه همیشه جاری در شیراز رونمایی شد.

حجت الاسلام سید عباس موسوی مدیرکل اوقاف وامور خیریه فارس گفت: جشنواره در دو بخش عکاسی حرفه‌ای و موبایلی برگزار خواهد شد.وی افزود: متقاضیان می‌توانند تا پنجم اسفندماه ۹۷ آثار خود را برای شرکت در این جشنواره به آدرس اینترنتی www.oghaffestival.ir ارسال یا به دبیرخانه این جشنواره در معاونت فرهنگی اداره کل اوقاف و امور خیریه استان فارس به صورت حضوری مراجعه کنند.موسوی اضافه کرد: متقاضیان شرکت در این جشنواره می‌توانند آثار خود را در ارتباط مردم با سنت وقف، شامل وقف در محیط‌زیست، وقف و درمان، وقف و سبک زندگی، وقف و بقاع متبرکه، وقف و مشارکت، وقف و ترویج معارف قرآنی، وقف و اقتصاد و توسعه علم و فناوری، وقف و ازدواج و... به دبیرخانه این جشنواره ارسال کنند.مدیرکل اوقاف و امور خیریه فارس با بیان اینکه اختتام این جشنواره در اردیبهشت سال ۹۸ در شیراز برگزار خواهد شد افزود: در بخش عکاسی حرفه‌ای این جشنواره به نفرات اول تا سوم بطور مشترک تندیس زرین، دیپلم افتخار و به ترتیب شش، چهار و دو میلیون تومان وجه نقد پرداخت خواهد شد.

وی تاکیدکرد: در بخش موبایلی این جشنواره به آثار برتر اول تا سوم بطور مشترک تندیس زرین، دیپلم افتخار و به‌ترتیب سه، دو و یک میلیون تومان وجه نقد پرداخت خواهد شد.

موسوی همچنین گفت: برای هر عکس راه یافته به این جشنواره نیز مبلغ دویست هزار تومان بابت حق تالیف به صاحب اثر پرداخت خواهد شد. ششمین دوره جشنواره عکاسی با عنوان وقف چشمه همیشه جاری با هدف گسترش فعالیت‌های فرهنگی و هنری،جریان سازی برای تولید آثار فاخر برای وقف، تشویق هنرمندان جهت تولید آثار با موضوع وقف برگزار خواهد شد.

تسطیح و زیرسازی سایت کمک ناوبری LOC فرودگاه ساری

ساری – خبرنگار اطلاعات: عملیات تسطیح و زیرسازی سایت کمک ناوبری LOC فرودگاه ساری بمنظور بهره برداری از سامانه ILS از پیشرفت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است.

مدیرکل فرودگاههای مازندران با اعلام این خبر افزود: براساس برنامه ریزی بعمل آمده ظرف ۴ ماهه اول سال ۹۸عملیات نصب و بهره‌برداری از سامانه ILS به اتمام خواهد رسید وطن خواه گفت: در قراردادی با اعتباری بالغ بر یک میلیارد تومان عملیات تسطیح، خاکبرداری، زیرسازی و آماده سازی سایت‌های مربوط آغاز شده است و امیدواریم از دهه مبارک فجر انقلاب اسلامی شاهد نصب سیستم‌های لوکولایزر و گلایدپس باشیم.وی، ارزش طرح‌های در دست اجرای فرودگاه ساری را بیش از ۵۰ میلیارد تومان اعلام کرد و افزود: ظرف ۶ ماه آینده اقدامات خوب و قابل قبولی در فرودگاه ساری در راستای توسعه فرودگاه و ارتقای سطح ایمنی و استاندارد سازی فرودگاه بین المللی ساری بلحاظ ایمنی پروازی و خدمات فرودگاهی انجام خواهد شد.

هدف‌گذاری صادرات یک میلیارد دلاری از همدان

همدان ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل دارایی و امور اقتصادی استان همدان گفت: ۱۳ طرح به ارزش ۱۱۶/۶میلیون دلار سرمایه گذاری خارجی در دولت تدبیر و امید در استان همدان انجام شده است.

سید ناصر محمودی در نشست ستاد اقتصاد مقاومتی استان همدان گفت: ۸ طرح از این تعداد با اعتبار ۸۴/۵میلیون دلار به بهره برداری رسیده و ۴ طرح به ارزش ۳۲/۱میلیون دلار در حال اجرا است. طرح «فرنچ فرایز» منجمد سیب زمینی رزن نیز با سرمایه گذاری ۸ میلیون دلار و ۱۷۵ نفر اشتغالزایی در دست اجرا است.

وی با بیان اینکه تاکنون ۶۷ میلیون دلار سرمایه‌گذاری خارجی در همدان جذب شده است، بیان کرد: بیشترین میزان سرمایه‌گذاری خارجی در همدان مربوط به آلمان با ۶۲/۴میلیون دلار است و کشورهای آمریکا، ایرلند، استرالیا، هلند، عراق، لبنان هم در همدان سرمایه گذاری کرده‌اند.

محمودی گفت: اجرای ۷ طرح نیروگاه خورشیدی با اعتبار ۶۵/۱میلیون دلار و توان تولیدی ۵۰/۹ مگاوات برق مصوب شده است. همچنین تاکنون ۵ نیروگاه با توان تولیدی ۳۶/۹مگاوات به بهره برداری رسیده و ۲ طرح دیگر با توان ۱۴ مگاوات در دست اجرا است.

وی با یادآوری این که۹۶۶ شماره حساب راکد و غیرضروری دستگاه‌های اجرایی استان همدان مسدود شده است، اعلام کرد: دولت با کنترل این حساب‌ها از دارایی‌های خود مطلع می‌شود و می‌تواند آن‌ها را مدیریت کند.



سیدسعید شاهرخی استاندار همدان نیز در ستاد اقتصاد مقاومتی این استان گفت: اگر به دنبال ارتقاء معیشت مردم هستیم، باید سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را با جدیت دنبال کنیم و در راه تحقق آن گام برداشت. رویکرد دولت توجه به معیشت مردم و اشتغال است و برای تحقق این رویکرد راهی به جز حمایت از بخش خصوصی و تولید نیست.

استاندار همدان از فراهم بودن بستر فعالیت‌های بخش خصوصی خبرداد و بیان کرد: استان همدان با همکاری بخش خصوصی در مسیر توسعه قرار دارد و استانداری نیز برای رونق تولید از هیچ کمکی دریغ نمی‌کند.سرمایه یک جریان سیال است که اگر موانع را کنار نزنیم و قوانین را اصلاح نکنیم، سرمایه گذار را از دست می‌دهیم.

شاهرخی با بیان اینکه رهبر معظم انقلاب و رئیس‌جمهوری کشورمان بر این مهم تاکید دارند، گفت: همه مسئولان دغدغه معیشت مردم را دارند و مدیران و مسئولان دستگاه‌های اجرایی نوک پیکان این خط مقدم هستند

وی بر استفاده بهینه از امکانات تاکید کرد و افزود: برای تحقق اقتصاد مقاومتی برش ۳ ساله استانی در مسیر برنامه ششم توسعه در دست اجرا است و مراحل پایانی را می گذراند.

استاندار همدان افزود: اولویت بندی در طرح‌ها از ضرورت‌های مصرف بهینه منابع و اعتبارات است و اکنون تمامی طرح‌های نیمه تمام استان برای تامین اعتبار در اولویت بندی قرار گرفته‌اند.

وی گفت: ارزش صادرات استان همدان در سال گذشته ۸۶۱ میلیون دلار بود که صادرات امسال نیز یک میلیارد دلار هدف گذاری شده است.

۳۸هزار تن محصول فولاد آلیاژی ایران صادر شد

یزد ـ خبرنگار اطلاعات:مدیر عامل شرکت فولاد آلیاژی ایران اعلام کرد: در ۹ ماه امسال ۳۸ هزار تن تولیدات این مجموعه با ارزآوری حدود ۲۰ میلیون یورو صادر شده است. علیرضا چایچی در جمع خبرنگاران با اشاره به بیستمین سالگرد تأسیس این شرکت افزود: فولاد آلیاژی سال ۱۳۷۷ به عنوان یک شرکت دولتی با قابلیت تولید ۱۱۸ گرید و ظرفیت ۱۴۰ هزار تن تولید راه اندازی شد.

وی گفت: ظرفیت سالانه تولید این شرکت با استفاده از توان متخصصان داخلی به بیش از ۵۰۰ هزار تن انواع فولادهای آلیاژی و قطعات تولید به ۳۵۰ گرید در اندازه‌های مختلف رسیده است.

او با اشاره ظرفیت اولیه ۱۰ تن در ابتدای تأسیس گفت: این میزان با شناسایی بازارهای جدید صادراتی تا پایان سال گذشته به بیش از ۷۳ هزار تن افزایش یافته است.

چایچی درباره وضع اشتغال در این شرکت هم گفت: در مجموع یکهزار و ۵۰۰ نفر اشتغال مستقیم و ۵۰۰ نفر غیرمستقیم ایجاد شده و زندگی بیش از ۴۰ هزار خانواده را به فعالیت این واحد گره زده؛ با این حال حدود ۷۰ درصد آنها نیز بومی استان بوده که ۳۰۰ نفر آنها از اهالی شهرستان اشکذر هستند.

وی درباره وضع صادرات شرکت با اشاره به وجود تحریم‌های ظالمانه علیه ایران و موانع مبادلات بانکی افزود: علاوه بر صادرات ۳۸ هزار تن در ۹ ماه امسال به کشورهای اتحادیه اروپا، ترکیه و کشورهای همسایه، صادرات ۱۲ هزار تن در سه ماه پایانی سال را در دستور کار داریم او ادامه داد: در چشم انداز ۱۴۰۴ فولاد آلیاژی، تولید ۲ برابر ظرفیت فعلی و رسیدن به ظرفیت ۱/۲ میلیون تن را پیش بینی کرده‌ایم که امیدواریم به آن برسیم

وی افزود: از سوی دیگر با توجه به پیشرفت فیزیکی ۴۱ درصدی طرح توسعه فولادسازی یزد یک و بهره‌برداری از آن تا اوایل سال ۱۳۹۹ امیدواریم این پیش بینی محقق شود.

او افزود: این طرح سه بار با تحریم مواجه شده ولی ۷۰ درصد تجهیزات مورد نیاز آن که عمدتا ساخت یک شرکت فرانسوی است، وارد کشور شده و بقیه یا در حال ورود و یا در حال ساخت است.چایچی با بیان اینکه هفت درصد هزینه‌های فولاد یزد یک برای کاهش مخاطرات زیست محیطی در نظر گرفته شده است، افزود: میزان مصرف این مجموعه ۲۵ لیتر در ثانیه البته با میزان آب پسماند آن برای فضای سبز تعهد داده شده، پیش بینی شده است.

وی تأکید کرد: از مجموع تولید ۲۵ میلیون تن فولاد کشور، سه درصد به فولاد آلیاژی، معادل ۸۰۰ هزار تن مربوط می‌شود و کمترین میزان مصرف آب نیز در فولاد آلیاژی ایران است.

این مسئول در ادامه درباره عملکردهای امسال شرکت هم گفت: امسال با تلاش‌های پرسنل این مجموعه و همدلی همه آنها بسیاری از رکوردهای فولاد آلیاژی شکسته شده که مهمترین آن تولید ۲ برابر مجموع سال ۹۶ در طول ۹ ماه ۹۷ بوده است.

چایچی با اعلام تولید بسیاری از محصولات مشابه خارجی افزود: فولاد آلیاژی با ایجاد بخش بومی سازی، به عنوان مهد بومی سازی فولاد کشور با بهره‌گیری از توان متخصصان داخلی بیش از هشت هزار و ۵۰۰ دفترچه ساخت قطعات تهیه و تدوین و بیش از چهار هزار و ۳۰۰ قطعه ساخته است.مدیرعامل فولاد آلیاژی ایران درباره وضع محیط زیستی این مجموعه هم با بیان سرمایه‌گذاری ۳۳ میلیون دلاری و هشت میلون یورویی این شرکت در راستای استقرار امکانات و تجهیزات دارای کمترین میزان آلایندگی گفت: سالانه ۶ میلیارد تومان برای نگهداری از تجهیزات محیط زیستی این شرکت اعم از تصفیه‌خانه، فیلترها و نوار نقاله‌ها هزینه می‌شود که نتیجه آن دریافت چهار سال لوح تقدیر صنعت سبز به این واحد بود.

وی همچنین از راه اندازی نخستین پویش (کمپین) انرژی صنایع کشور در این مجموعه خبر داد و افزود: با توجه به اهداف این طرح امیدواریم در یک سال آینده چهار تا ۱۰ درصد در مصرف انرژی صرفه جویی داشته باشیم ضمن آنکه بهینه سازی مصرف آب در حال انجام است.

چایچی همچنین با بیان اینکه آلودگی‌های فولاد آلیاژی ایران با توجه به بهره‌گیری از تکنولوژی روز دنیا حتی بسیار کمتر از استانداردهای جهانی است، افزود: دود زرد رنگ پیرامون این واحد مربوط به نیروگاه‌های سیکل ترکیبی و دود سیاه رنگ اطراف هم مربوط به کوره‌های القایی شرکت‌های مستقر در شهرک فولاد و در پشت کارخانه فولاد آلیاژی ایران است.

وی در ادامه درباره وضع جاده فولاد آلیاژی نیز گفت: این جاده از ۲۵ سال قبل به صورت اختصاصی و ویژه فولاد آلیاژی ساخته شده ولی به مرور به دلیل افزایش تردد و روستایی شدن آن و نیز ایجاد شرکت دیگر در مسیر، با مصوبه سال ۸۶ استانداری باید رسماً از حالت اختصاصی خارج و به راه‌های عمومی کشور اضافه شود.

اوادامه داد: به دلیل اجرا نشدن این مصوبه، بار دیگر درخواست بررسی ارائه شده که بعد از اعلام هزینه‌های ترمیم، آسفالت و بهسازی جاده به میزان ۱۲۰ میلیارد ریال، سهم حدود ۵۵ میلیارد ریالی برای فولاد آلیاژی در نظر گرفته شد.

چایچی گفت: این در حالی است که تنها حدود ۲۵ درصد تردد این جاده مربوط به فولاد آلیاژی، ۵۰ درصد مربوط به روستاهای مجاور و مابقی مربوط به سایر شرکتهاست از این رو تقاضا داریم عمومیت این جاده به رسمیت شناخته شود وی در پایان با اشاره به ظرفیت بالای تولید فولاد آلیاژی در کشور گفت: تنها سه درصد تولید فولاد کشور مربوط به فولاد آلیاژی است در حالی که متوسط این آمار در دنیا ۱۱ درصد است و امروز بهترین شرایط برای صادرات البته با حمایت‌های دولت است.

شرکت فولاد آلیاژی ایران بزرگترین تولید کننده انواع فولاد آلیاژی در ایران و خاورمیانه است که در سال ۱۳۷۸ به بهره برداری رسید که محصولات این شرکت در صنایع هوافضا، نفت و پتروشیمی، نیروگاه‌ها، ابزارسازی، لوازم پزشکی و جراحی، خودروسازی، ماشین سازی و سایر صنایع ویژه، کاربرد دارد.

فعالیت‌های کمیته امداد به مردم واگذار می‌شود

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: بسیاری از فعالیت‌های کمیته امداد امام‌خمینی(ره) در سال آینده برای جذب بیشتر مشارکت‌های مردمی و هم‌افزایی، در قالب برون سپاری، به مردم و خیریه‌های نیکوکاری واگذار می‌شود و این نهاد فقط نقش نظارتی خواهد داشت.

معاون توسعه مشارکت‌های مردمی کمیته امداد امام‌خمینی(ره) با اعلام این مطلب و با اشاره به اینکه ترمیم فرایندهای اصلی این نهاد همچون صدقات، جشن‌های نیکوکاری و اعیاد از دیگر برنامه‌های اصلی سال آینده کمیته‌امداد است گفت: ۸۰ درصد درآمدهای صدقات در مدت ۳ سال باید به روش‌های نوین و الکترونیکی جمع‌آوری شود.

علیرضا عسکریان با اعلام اینکه بیش از ۲ میلیون خانوار مددجو زیر پوشش کمیته امداد امام‌خمینی(ره) هستند افزود: به‌رغم اینکه قرار بود هر ساله با شیب ملایمی شماری از مددجویان به واسطه ایجاد شغل و خودکفا شدن از زیر پوشش خارج شوند اما امسال به دلیل شرایط بد اقتصادی و کاهش قدرت خرید مردم، نزدیک به ۵۰۰ هزار خانوار به شمار مددجویان کمیته امداد کشورمان اضافه شده اند.

اوبابیان‌اینکه۱۵۰۰مرکزنیکوکاری‌کمیته‌امدادامام‌خمینی(ره)درکشور فعالیت‌دارندافزود:این‌مراکزنیکوکاری‌تاپایان‌امسال‌به۲۰۰۰مرکزافزایش می‌یابد.

وی با اشاره به اینکه این نهاد هر سال حدود ۱۴۰ هزار شغل برای خودکفایی مددجویان خود ایجاد می کند گفت: پارسال ۱۵۰ هزار مددجو به واسطه خودکفا شدن از زیرپوشش کمیته امداد خارج شدند.

عسکریان از افزایش ۳۵ درصدی مجموع درآمدهای این نهاد در ۷ ماهه امسال نسبت به مدت مشابه پارسال خبر داد و افزود: هر نفر در کشور روزانه و به طور متوسط ۱۰۸ ریال صدقه به صورت نقدی می‌دهد.

او با بیان اینکه میزان صدقه‌های زوار مراسم اربعین امسال در مرزهای مهران و چزابه نسبت به پارسال ۲/۵ برابر رشد داشته است، پرداخت هرگونه صدقات جمع‌آوری شده در خارج از کشور را رد کرد و گفت: صدقات هر استان مختص به مددجویان همان استان است.

عسکریان در ادامه افزود: میزان پرداخت زکات استان اصفهان در ۸ ماهه امسال ۴۴ درصد رشد و میزان کمک‌های مردمی این استان در طرح اکرام ایتام و محسنین نیز در این مدت ۴۳ درصد افزایش یافته است.

زنگ گل نرگس در مدارس بهبهان نواخته شد

بهبهان ـ خبرنگار اطلاعات: همزمان با آغاز فصل برداشت گل نرگس، زنگ گل نرگس در مدارس شهرستان بهبهان نواخته شد.

به مناسبت فرارسیدن فصل برداشت گل نرگس در نرگسزارهای شهرستان بهبهان در مراسمی با حضور فرماندار این شهرستان، شهردار،رئیس شورای شهر، رئیس اداره آموزش و پرورش و دیگر مسئولان این شهرستان، زنگ نمادین گل نرگس در دبستان آزاده بهبهان به صدا در آمد.در این مراسم حسینوند رئیس سازمان تبلیغات اسلامی شهرستان بهبهان، عطر گل نرگس را شمیمی از حضرت مهدی موعود (عج)خواند و از دانش آموزان خواست برای ظهور ایشان دعا کنند و در راه ائمه‌اطهار ثابت قدم و استوار باشند.در ادامه مراسم نیز دانش آموزان با شاخه‌های گل نرگس در دست و سر دادن اشعار محلی، آغاز فصل برداشت گل نرگس بهبهان را با سرور و شادمانی جشن گرفتند.

هفتمین جشنواره گل نرگس بهبهان همراه با برنامه‌های متنوع فرهنگی و آموزشی از ۱۹ تا ۲۸ دی ماه ۹۷ در نرگسزار بهبهان، واقع در کیلومتر ۲ جاده سیمان برگزار می‌شود.

پیش فروش انشعاب فاضلاب شهر فیروزکوه آغاز شد

فیروزکوه ـ خبرنگار اطلاعات: مراسم افتتاح طرح پیش‌فروش انشعاب فاضلاب در شهرستان فیروزکوه با حضور مهدی یوسفی جمارانی فرماندار و مجتبی صفدری مدیر عامل آبفای شرق استان تهران و هیات همراه، امرایی معاون سیاسی انتظامی فرمانداری، جعفر پرچ شهردار، اعضای شورای اسلامی شهر، احمدی رئیس آب و فاضلاب فیروزکوه و خبرنگاران رسانه‌ها در سال اجتماعات فرمانداری برگزار شد.

فرماندار فیروزکوه در این مراسم اظهارداشت: شرق استان تهران از اهمیت ویژه‌ای در حوزه زیست‌محیطی برخوردار است چرا که آب آشامیدنی کلانشهر تهران توسط منابع آب این منطقه تأمین می‌شود.

مهدی یوسفی جمارانی ادامه داد: امروز شاهد بهره‌برداری از بیش از یکصد تصفیه خانه در کشور هستیم که نشانگر اقدامات بسیار خوبی در این زمینه است.

وی اضافه کرد: شایسته بود در گذشته مناطق شرق استان تهران توسط وزارت نیرو و شرکت‌های آب و فاضلاب در اولویت قرار می‌گرفت، اما امروز شروع این اقدام را به فال نیک می گیریم.

یوسفی جمارانی افزود: امروزه سازمان‌های بین‌المللی یکی از تهدیدات جدی در تهران را بالاآمدن سطح آب‌های زیرزمینی می‌دانند.

وی افزود: با توجه به شرایط اقلیمی فیروزکوه، دغدغه جدی در زمینه مذکور وجود دارد که می‌طلبد شهروندان با جدیت بیشتر در جهت تحقق هرچه سریعتر این طرح گام برداریم. مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب شرق استان تهران نیز در این جلسه اظهار داشت: در سال ۱۳۴۲ در کلانشهر تهران اولین تصفیه خانه (صاحبقرانیه) ساخته شد که مطالعات آن به ۱۳۲۸ بر می گردد. مجتبی صفدری گفت: به دلیل نبود اعتبارات کافی تا سال ۱۳۸۱ اقدام موثری به جز چند تصفیه‌خانه صاحبقرانیه، محلاتی و زرگنده در این زمینه انجام نشده بود.

وی بیان داشت: از سال ۱۳۸۱ در شرکت آب و فاضلاب استان تهران تدابیری اتخاذ شد تا با تأسیس شرکت‌های تخصصی فاضلاب تهران کار آغاز شود و به دلیل عدم اعتبار بیش از این تأخیر نداشته باشد.

او ادامه داد: ۶ هزار کیلومتر شبکه فاضلاب در تهران اجرا شد، تصفیه‌خانه‌ای گسترده در جنوب تهران احداث و تصفیه‌خانه‌های قبلی نیز ارتقا ظرفیت داشته‌اند.

صفدری بیان کرد: ۷۰ درصد جمعیت تهران زیر پوشش شبکه فاضلاب شهری قرار دارد. وی اضافه کرد: تصفیه‌خانه فیروزکوه در زمینی بالغ بر ۲ و نیم هکتار که خریداری شده‌است احداث می‌شود؛این تصفیه خانه کاملاً پیشرفته و دارای تمام مجوزات لازم است.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب شرق استان تهران با تأکید بر انجام هر چه سریعتر این طرح ابراز کرد: تمام تلاش خود را خواهیم کرد تا در روند اجرای پروژه کمترین مزاحمت را برای شهروندان ایجاد کنیم.

او اظهار داشت: در شرق استان این امکان برای متقاضیان فراهم شده است تا در صورت خرید انشعاب تا پایان سال جاری بتوانند از اقساط ۴۸ ماهه بهرمند شوند اما از آغاز سال ۹۸ این شرایط به ۳۶ قسط کاهش می‌یابد.صفدری افزود: متقاضیان می‌توانند از طریق حضور در اداره آب و فاضلاب شهری یا وب سایت آب و فاضلاب شرق استان تهران انشعاب فاضلاب را خریداری کنند. وی یادآورشد: جهت تکریم شهروندان دعوت‌نامه ارسال خواهد شد تا متقاضیان برای ثبت‌نام اقدام کنند.

۱۲۰ اثر به جشنواره ملی ذکر و ذاکرین راه یافت

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان گفت: ۶۷ اثر در زمینه موسیقی آیینی برای شرکت در جشنواره ملی ذکر و ذاکرین به دبیرخانه ارسال شد که پس از بازبینی و بررسی محتوایی ۱۴ اثر در بخش گروهی و ۶ اثر در بخش انفرادی برای هنرنمایی در بخش پایانی انتخاب شد.

حسین مسگرانی در نشست خبری با اصحاب رسانه اظهار داشت: پس از سال‌ها وقفه در برگزاری جشنواره ذکر و ذاکرین امسال سیستان و بلوچستان به عنوان استان میزبان برای برگزاری این جشنواره انتخاب شد.

وی افزود: آثار راه یافته به جشنواره متعلق به هنرمندان استان‌های خراسان شمالی، خراسان رضوی، کردستان، آذربایجان شرقی، هرمزگان، کرمان و سیستان و بلوچستان است.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان تاکید کرد: چهار اثر در بخش گروهی و یک اثر در بخش انفرادی مربوط به هنرمندان این استان است.وی اظهار داشت: این جشنواره ۱۹ و ۲۰ دی ماه در تالار اشراق و سینما هلال زاهدان برگزار شد.

کاشت ۸۰۰ اصله چنار در حاشیه بلوار دانش و باغ سیب مهرشهر

کرج ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس سازمان سیما،منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرج گفت: در فصل گذشته با همکاری منطقه ۴ شهرداری کرج ۸۰۰ اصله نهال چنار در حاشیه بلوار دانش و باغ سیب مهر شهر کاشته شده است.

پیمان بضاعتی افزود: فعالیت‌های این سازمان محدود به هفته درختکاری نیست و از فصل گذشته با آغاز پویش «جای درختان کرج را خالی نخواهیم گذاشت» برنامه‌های ویژه‌ای با هدف توسعه فضای سبز و ترویج فرهنگ درختکاری از سوی این سازمان برنامه ریزی شده و در حال اجرا است.او با اشاره به اجرای این پویش گفت: پویش یاد شده با چند هدف برگزار می‌شود که این اهداف شامل افزایش سرانه فضای سبز، افزایش حس مسئولیت پذیری مردم و توسعه فرهنگ مشارکتی شهروندان است ومهم این است که بتوانیم شهروندان را در حفظ و نگهداشت درختان با خود همراه کنیم.وی اظهار داشت: با اجرای این طرح درختان آسیب دیده‌ای که دیگر امکان احیای آنها مقدور نیست با درختان شاداب و جوان جایگزین می‌شود و در همین زمینه ۱۴۵۰ اصله نهال چنار در منطقه جهانشهرنیز با همکاری منطقه ۸ شهرداری کرج درحال کاشت است که این عدد تا پایان سال به ۶۰۰۰ اصله می‌رسد.

افزایش ۶ درصدی صادرات غیرنفتی هرمزگان

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات:از ابتدای امسال تا پایان آذر یک میلیارد و ۱۶۹ میلیون دلار کالا غیرنفتی هرمزگان صادر شد که نسبت به مدت مشابه پارسال ۶ درصد افزایش دارد.

رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت هرمزگان درسیزدهمین نشست کارگروه توسعه صادرات غیرنفتی استان گفت: بیشترین کالاهای صادراتی در بخش صنعت و معدن و کشاورزی است که به کشورهای امارات متحده عربی، چین، هند، عمان و تایلند صادر شده است.وی هدف گذاری صادرات غیرنفتی امسال هرمزگان را سه میلیارد دلار اعلام کرد.خلیل قاسمی افزود:اعزام هیات‌های تجاری و برپایی نمایشگاه در کشورهای حاشیه خلیج فارس، ساخت جاده‌های دسترسی به بندر شیو پارسیان و محوطه بندر کرگان در دستور کار است.استاندار هرمزگان نیز در این نشست بر لزوم تدوین برنامه عملیاتی برای حضور بیشتر تجار و بازرگانان هرمزگان در بازار کشور عمان تاکید کرد.فریدون همتی خواستار ارائه تحلیل‌های آماری از میزان صادرات و واردات هرمزگان شد و گفت: سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت استان، جهاد کشاورزی و گمرک تحلیل‌های آماری دقیقی را برای تصمیم گیری‌های بهتر در حوزه صادرات و واردات استان ارائه دهند.

وی افزود: جهاد کشاورزی این استان باید زمینه حضور بیشتر تجار و بازرگانان هرمزگان در بازار ۵۰۰ میلیون دلاری محصولات کشاورزی کشور عمان را فراهم کند.استاندار هرمزگان گفت: اداره کل راه آهن استان بنگاه‌های بزرگ اقتصادی هرمزگان را به مسیر ریلی متصل کند.همتی خواستار تدوین برنامه‌ای برای استفاده از فرصت حضور گردشگران ورزشی برای رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۲ قطر شد و افزود: ایجاد زیرساخت‌های لازم شامل خط مسافری دریایی و هوایی و هتل‌های مناسب منجر به درآمد زایی برای استان می‌شود.وی افزود: با توجه به همسایگی استان با کشورهای حاشیه خلیج فارس، نمایندگی وزارت خارجه در هرمزگان برای فراهم کردن زمینه‌های صادرات در استان فعال‌تر عمل کند.مدیرکل گمرک شهید رجایی و ناظر گمرکات استان هرمزگان گفت: ۹۷ درصد از پیش بینی هدف صادرات گمرکات استان تا کنون محقق شده است.

رایزنی نمایندگان مجلس و استاندار چهارمحال و بختیاری درباره منابع و مصارف زاینده‌رود

شهرکرد – خبرنگار اطلاعات: نمایندگان چهارمحال و بختیاری در مجلس شورای اسلامی ضمن دیدار از حوضه زاینده رود در محدوده این استان، بر تامین آب شُرب مردم چهارمحال و بختیاری تأکید کردند و خشکسالی‌های اخیر را باعث کاهش شدید منابع آبی استان دانستند.

در این دیدار که رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی به همراه استاندار، نمایندگان مردم چهارمحال و بختیاری در مجلس شورای اسلامی، تعدادی از مدیران کل دستگاه‌های اجرایی استان چهارمحال و بختیاری و مسئولان شهرستانی حضور داشتند، حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: در زمان کنونی رعایت موازین زیست محیطی به عنوان اصل نخست برای توسعه کشورها و کنوانسیون‌ها مطرح است.

وی افزود: در قانون برنامه ششم توسعه کشور توجه به شرایط زیست محیطی از مهمترین اصول پیش بینی شده است و در این مورد مجلس شورای اسلامی به رعایت حقابه‌های زیست محیطی حساسیت بالایی دارد.

وی یادآور شد: در صورت نیاز حوضه زیردست به آب، می‌توان آب مازاد در یک منطقه را براساس اصول علمی و کارشناسی واگذار و منتقل کرد و به همین منظور دومین دیدار اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس از حوضه زاینده رود در استان‌های چهارمحال و بختیاری و اصفهان انجام شده است.

وی با بیان این که استفاده هوشمند و بهینه از آب در هر ۲ استان چهارمحال و بختیاری و اصفهان ضرورت دارد، گفت: پس از جمع آوری مباحث کارشناسی، نتایج دیدارها و اسناد ارائه شده از سوی استان‌های یادشده، موضوع در قالب یک اصل حاکمیتی بررسی می‌شود و تمامی تصمیمات در قالب قوانین و براساس روش‌های صرفه‌جویی و بهره‌وری بهینه از منابع آبی صورت می گیرد.

فلاحت‌پیشه یادآور شد: گزارش کمیسیون امنیت ملی از دیدار زاینده‌رود از طریق نمایندگان چهارمحال و بختیاری در مجلس شورای اسلامی، به اطلاع مردم می‌رسد.

اقبال عباسی، استاندار چهارمحال و بختیاری نیز در این دیدار اظهار کرد: منابع و مصارف زاینده رود برای این استان مهم است، چرا که میانگین منابع زاینده‌رود در ۳۰ سال گذشته از ۲/۲ میلیارد متر مکعب به ۴۰۰ میلیون متر مکعب در سال گذشته کاهش یافته است.

وی افزود: ۱۰ درصد آورد زاینده‌رود سهم چهارمحال و بختیاری است که از ۲/۲ میلیارد متر مکعب ۲۳۷ میلیون متر مکعب بود و اکنون هیچ برداشت اضافی در این استان وجود ندارد، ضمن این که ۹۰ درصد آب زاینده‌رود از چهارمحال و بختیاری خارج می‌شود و به پایین دست می‌رود، در چنین شرایطی چهارمحال و بختیاری حتی اگر ۱۰ درصد سهم خود را مصرف نکند باز هم مشکل استان پایین‌دست رفع نخواهد شد.

استاندار چهارمحال و بختیاری گفت: بیش از ۹۰ درصد کنتورهای برداشت آب در حوضه زاینده‌رود این استان هوشمند شده و تمامی باغات چهارمحال و بختیاری در حوزه زاینده‌رود نیز به شبکه آبیاری نوین مجهز و پمپ‌های اضافه برداشت آب، پلمپ و جمع‌آوری شده است.

عباسی تاکید کرد: تمامی مسئولان و نمایندگان اقشار مختلف مردم در هر۲ استان چهارمحال و بختیاری و اصفهان باید با همدیگر در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وحدت داشته باشند.

خدیجه ربیعی فرادنبه، نماینده مردم شهرستان بروجن در مجلس شورای اسلامی نیز در دیدار میدانی رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی از حوضه زاینده‌رود چهارمحال و بختیاری تاکید کرد: برخی از مباحث و اظهارات در خصوص منابع و مصارف آبی در این حوضه آبخیز صحیح نیست. چهارمحال و بختیاری به عنوان یکی از منابع اصلی تامین کننده آب بود که اکنون با مشکل کم‌آبی و خشکسالی شدید در نقاط مختلف استان مواجه شده است.

ربیعی فرادنبه گفت: نبود مدیریت صحیح و توزیع نامتناسب آب در حوضه آبخیز و آبریز زاینده‌رود از مهمترین عوامل دیدار میدانی رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی از حوضه زاینده‌رود چهارمحال و بختیاری است.

وی یادآور شد: برای بررسی موضوع و رسیدن به نتیجه مطلوب، ادامه جلسات مرتبط با مسایل آب چهارمحال و بختیاری در مجلس شورای اسلامی و دولت پیگیری می شود.اندیشیدن تدابیر درست و اصولی برای رفع مشکلات آب، به خصوص در حوزه آب آشامیدنی باید مورد توجه مسئولان باشد. به دلیل خشکسالی‌های یک دهه اخیر و کاهش شدید منابع آب در چهارمحال و بختیاری، کشاورزی این استان در حال نابودی است.

علی کاظمی باباحیدری، نماینده مردم شهرستان‌های اردل، فارسان، کوهرنگ و کیار در مجلس شورای اسلامی نیز گفت: تمامی طرح‌های مرتبط با حوضه زاینده‌رود چهارمحال و بختیاری از سوی استان همجوار مبهم، بدون مجوز زیست محیطی و بدون ردیف‌های اعتباری مشخص است و مشخص شدن ردیف اعتباری و ارائه مستندات دریافت مجوزهای زیست محیطی مرتبط با این طرح‌ها، ضرورت دارد و این در حالی است که بسیاری از پروژه‌های دارای مجوز مرتبط با چهارمحال و بختیاری در حوضه زاینده‌رود، اجرایی نشده است.

کاظمی باباحیدری، تامین آب آشامیدنی مرتبط با بهره‌برداران حوضه زاینده‌رود را پُراهمیت دانست و تاکید کرد: هم اینک بیش از ۵۰۰ هزار نفر از جمعیت چهارمحال و بختیاری برای تأمین آب آشامیدنی سالم و بهداشتی مشکل دارند.

وی یادآور شد: طرح انتقال آب بن –بروجن چهارمحال و بختیاری دارای مجوزهای اعتباری، زیست محیطی و قانونی است که هنوز به بهره برداری نرسیده است.

اردشیر نوریان، نماینده مردم شهرستان‌های شهرکرد، سامان و بن در مجلس شورای اسلامی هم گفت: دیدار میدانی رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی از حوضه زاینده رود چهارمحال و بختیاری می‌تواند برای کاهش مشکلات اجتماعی و اقتصادی ناشی از این طرح مؤثر باشد و بررسی دقیق‌تر ابعاد مرتبط با مسایل آب استان‌های بهره‌مند از زاینده‌رود، از برنامه‌های مورد تاکید مجلس شورای اسلامی و دولت است.

وی اظهار داشت: رئیس و اعضای کمیسیون امنیت ملی دهمین دوره مجلس شورای اسلامی تاکنون ۲ مرتبه برای بررسی علمی مسایل آب حوضه زاینده‌رود، در استان‌های چهارمحال و بختیاری و اصفهان حضور یافته‌اند.



برگزاری همایش ستاد راهبردی بزرگداشت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در استان کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: دومین همایش ستاد راهبردی بزرگداشت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی استان کرمان در سالن شهید مرتضوی استانداری با حضور مسئولان استان برگزار شد.

نماینده ولی فقیه و امام جمعه کرمان در این همایش گفت: خداوند در قرآن کریم قانون کلی را برای ما آورده است و مقدرات هر انسانی به دست‌خودش رقم می‌خورد و شانس و اقبال مبنای علمی و شرعی ندارد.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین علیدادی‌افزود:دشمنی‌های دشمن جدی است و هیچ وقت متوقف نمی‌شود و دشمن از هر شیوه‌ای برای دشمنی استفاده می کند تا مسیر انقلاب و مسیر اصلاح جامعه را تغییر بدهد.

نماینده ولی فقیه در استان کرمان با بیان این که هر تغییر برونی متکی بر تغییر درونی است، اضافه کرد: اگر می‌خواهیم با سلطه مبارزه کنیم ابتدا باید با سلطه درون خود مبارزه کنیم و مردم ایران خودشان خواستند که سرنوشت خود را به رهبری امام(ره) تغییر دهند. امام جمعه کرمان گفت: پیشرفت و توسعه در فرهنگ قرآنی آدابی دارد و باید به خدا ایمان و اعتقاد داشته باشید، صبر و استقامت پیشه کنید، در همه امور تقوا را رعایت و با خدا معامله کنید و خدا را ناظر برکار خود بدانید.

او به چند رخداد بزرگ که در پیش داریم از جمله راهپیمایی۲۲بهمن و کنگره۶۵۰۰شهید و دیگر مناسبت‌های مهم اشاره کرد و گفت: این روز برای دشمن اهمیت زیادی دارد و در این صحنه‌ها اگر به طور جدی حضور پیدا کنیم، دشمن را مأیوس خواهیم کرد.

استاندار کرمان در این همایش با بیان اینکه برگزاری مراسم چهل‌سالگی انقلاب اسلامی باید سبب انرژی بیشتر در جامعه شود، افزود: فضاسازی شهرها بسیار اهمیت دارد و باید با استفاده از پرچم‌ها و نمادهای انقلاب رنگ و بوی شهرها را به سمت دهه فجر ببریم و خاطرات انقلاب را زنده کنیم.فدایی افزود: این برنامه‌ها باید اثرگذار و پرمحتوا و بار معنوی داشته باشد و همدلی بین مسئولان و مردم در اجرای برنامه‌ها مورد تأکید است. مردم باید این همدلی را حس کنند همچنین مسئولان باید افتتاح پروژه‌ها را در این ایام برنامه‌ریزی و زمینه رفاه و آسایش بیشتر مردم در جامعه را فراهم کنند.

در پایان مسئول شورای هماهنگ تبلیغات استان کرمان هم گفت: ۵۰ تا ۶۰ درصد برنامه‌های اجرایی تاکنون از شهرستان‌ها دریافت و ۲۶کارگروه ذیل ستاد استانی تشکیل شده است که تاکنون از شهرستان‌ها دریافت و ۲۶کارگروه ذیل ستاد استانی تشکیل شده است که تاکنون۹۰درصد برنامه‌های خود را اعلام کرده‌اند.سرهنگ صدفی تأکید کرد: تاکنون حدود پنج‌هزار برنامه در ۱۵۰ عنوان برنامه به ستاد ارسال شده است که برنامه‌های ستاد در قالبت فعالیت‌های علمی، قرآنی، فرهنگی، رسانه‌ای نمایشگاهی، ورزشی، مراسم و مسابقه‌ای اجرا می‌شود.

تفاهمنامه همکاری‌های شرکت پالایش گاز ایلام و جهاد دانشگاهی

ایلام ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل شرکت پالایش گاز ایلام از انعقاد تفاهم‌نامه همکاری‌های مشترک شرکت پالایش گاز ایلام و جهاد دانشگاهی واحد ایلام خبر داد و گفت: این تفاهم‌نامه به منظور گسترش همکاری‌های صنعت و دانشگاه منعقد شده است.

مهندس شهریار داری‌پور در دیدار با رئیس جهاد دانشگاهی واحد ایلام، افزود: به منظور توسعه همکاری‌های آموزشی، انجام پژوهش‌های کاربردی، استفاده بهینه از امکانات، استعدادها و ظرفیت‌ها، رفع نیازهای پژوهشی و تحقیقاتی و مشارکت مؤثر اساتید و پژوهشگران دانشگاهی، این تفاهم‌نامه امضاء شده است. سید غلامرضا حسینی رئیس جهاد دانشگاهی ایلام نیز به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های جهاد دانشگاهی اشاره کرد و گفت: جهاد دانشگاهی یک نهاد آموزشی و پژوهشی بسیار گسترده در سطح کشور است که با ظرفیت‌های شبکه‌ای خود در زمینه‌های گوناگون فناوری و اشتغال، نقش مؤثری ایفا کرده است.

مدیرعامل شرکت پالایش گاز ایلام از استقرار دفتر پژوهش و فناوری این شرکت در مرکز رشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام خبر داد و گفت: به منظور توسعه پژوهش‌های کاربردی، استفاده بهینه از امکانات، استعدادها و ظرفیت‌ها،رفع نیازهای پژوهشی و تحقیقاتی و مشارکت‌های مؤثر اساتید و پژوهشگران دانشگاهی، این دفتر تأسیس شده است.

مهندس شهریار داری‌پور در مراسم افتتاح دفتر یاد شده که با حضور رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام و جمعی از اساتید برگزار شد، افزود: هدف از ایجاد دفترپژوهش و فناوری شرکت پالایش گاز ایلام برقراری ارتباط مؤثر میان صنعت و دانشگاه، انجام فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقاتی، تعامل علمی شرکت پالایش گاز و دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام و برگزاری نشست‌های علمی و کاربردی و ایجاد فناوری‌های جدید است.

در این مراسم رئیس واحد پژوهش و فناوری شرکت پالایش گاز ایلام نیز گفت: به منظور افزایش اثر بخشی و تسهیل ارتباط با استادان و دانشجویان دانشگاه، دفتر پژوهش و فناوری این شرکت در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام تأسیس و به عنوان سومین دفتر حوزه پژوهش و فناوری بعد از دانشگاه‌های ایلام و رازی کرمانشاه، افتتاح و راه‌اندازی شده است.

دکتر احسان نوراللهی افزود: کارشناسان حوزه پژوهش و فناوری با حضور در این دفتر پاسخگوی سؤالات و موضوعات مورد نظر اساتید و دانشجویان در حوزه‌های گوناگون خواهند بود. دکتر محمد میرزایی حیدری رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام هم در این مراسم گفت: استقرار این دفتر برای استفاده از توان کاربردی ـ عملیاتی و تلفیقی از علم و تجربه در کنار هم با هدف توسعه و پیشرفت ۲ مجموعه است.

بزرگداشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در شهریار

شهریار: آیین بزرگداشت دومین سال درگذشت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در اردوگاه شهید منتظری شهریار برگزار شد.

فرزند آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در مراسم بزرگداشت وی با اشاره به تشریح برخی خصوصیات مرحوم‌هاشمی گفت: وی با تألیف و انتشارکتاب‌هایی ازابتدای جوانی خود،راه مبارزه با استکبار را برگزید.

محسن‌هاشمی با بیان این که احساس مسئولیت یک سیاستمدار و شور و شوق آن می‌تواند فرد را به هدفش نزدیک کند، گفت: آیت‌الله هاشمی همواره در کنار فعالیت‌های سیاسی و مبارزات انقلابی، به شرکت در کلاس‌های درس و فعالیت‌های مذهبی و معنوی اهتمام می‌ورزید.رئیس شورای اسلامی شهر تهران با اشاره به این که سیاستمدار نباید خود ستایی کند گفت:هم اکنون کتاب‌ها و دست نوشته‌های مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در دست انتشار است و همگان می‌توانند از آن استفاده کنند.بزرگداشت دومین سال ارتحال آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی با حضور جمع زیادی از مسئولان محلی و برخی چهره‌های سیاسی در اردوگاه شهید منتظری شهریار برگزار شد.

۷۲ پروژه از سفر پیشین رئیس جمهوری در استان گلستان به بهره‌برداری رسید

گرگان ـ خبرنگار اطلاعات: محمد ولی روزبهان، رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گلستان در آستانه سفر دکتر روحانی به این استان گفت: ۷۲ پروژه از سفر پیشین رئیس جمهوری در استان گلستان به‌طور کامل به بهره‌برداری رسیده است.

وی افزود: از مجموع ۱۲۱ پروژه مصوب سفر پیشین رئیس جمهوری به گلستان، ۷۲ طرح ازجمله مرکز پیشگیری و درمان سرطان گوارش گرگان، بیمارستان‌های مینودشت، آزادشهر و بندرگز، دادسرای عمومی گرگان، ۲ تصفیه‌خانه فاضلاب صنعتی گرگان، دانشکده علوم پایه و علوم انسانی دانشگاه گلستان و زهکشی ۲۲ هزار هکتاری شمال آق قلا به طور کامل به بهره‌برداری رسیده است. برای بهره‌برداری از این پروژه‌ها، اعتباری بالغ بر ۶۳۰ میلیارد تومان تعیین شده بود که با توجه به تورم سال‌های اخیر تاکنون با تحقق اعتبار ۱۲۰ درصدی، ۷۵۰ میلیارد تومان هزینه شده است و در عین حال از مجموع پروژه‌های سفر قبلی رئیس محترم جمهوری به استان گلستان، ۱۲ طرح پیشرفت ۸۰ تا ۹۰ درصدی،۹ طرح پیشرفت ۶۰ تا ۷۹ درصدی و ۲۸ طرح پیشرفت تا ۶۰ درصدی داشته‌اند.

برداشت ۲۰۰۰ تن میگو پرورشی از مزارع شهرستان دشتی

کاکی ـ خبرنگار اطلاعات: بیش از ۲ هزار تن میگو از ۵۷۰ استخر در سایت پرورش میگو «مند» شهرستان دشتی برداشت شد.

احمد یزدی، رئیس دامپزشکی شهرستان دشتی با اعلام این خبر اظهارکرد: این میزان برداشت میگو تحت نظارت دامپزشکی و طی بیش از ۷۳۰ فقره گواهی بهداشتی قرنطینه‌ای از مزارع پرورش به مقصد حمل شده است.

وی افزود: امسال برای سومین سال متوالی طرح کدینگ و ردیابی میگو در مزارع پرورش استان بوشهر انجام می‌شود که در این طرح برای هر محموله، گواهی حمل بهداشتی توسط دامپزشک مسئول بهداشتی سایت صادر و پس از بازدید در مقصد، تخلیه می‌شوند.

وی ادامه داد: در سال جاری ۴۲ مزرعه در سایت پرورش میگو مند دشتی اقدام به لاروریزی تحت نظارت شبکه دامپزشکی شهرستان دشتی در بیش از ۵۷۰ استخر کرده‌اند که اولین لاروریزی اواخر اردیبهشت بوده و در مجموع بیش از ۱۶۰ میلیون قطعه لاروریزی در سایت انجام شده است. امسال در سایت «مند» شاهد یکی از طولانی‌ترین فصل‌های پرورش میگو بوده‌ایم.

موافقت با پرورش آرتمیا در دشت فسندوز میاندوآب

ارومیه ـ خبرنگاراطلاعات: با تخصیص آب مورد نیاز اجرای پروژه پرورش آرتمیا در اراضی دشت فسندوز میاندوآب موافقت شد.

در دیدار محمدمهدی شهریاری استاندار آذربایجان غربی و عیسی کلانتری رئیس سازمان حفاظت محیط زیست و دبیر ستاد احیای دریاچه ارومیه که در سازمان حفاظت محیط زیست در تهران ترتیب یافت، درخواست دانشگاه ارومیه مبنی بر تخصیص آب برای اجرای پروژه پرورش آرتمیا در ۲۰۰ هکتار از اراضی دشت فسندوز میاندوآب از سوی استاندار آذربایجان غربی مطرح شد که مورد موافقت ستاد احیای دریاچه ارومیه قرار گرفت. پرورش آرتمیا در استخرها و زهاب‌ها روشی جایگزین برای احیای آرتمیای دریاچه ارومیه است که در استان و برخی از مناطق کشور موفقیت‌آمیز بوده است.



شرایط اشتغال به شغل وکالت و چالش‌های پیشِ‌رو

محمود اخوان وکیل پایه یک دادگستری — بخش اول

مقدمه: شغل وکالت دادگستری یکی از مشاغل خدمات عمومی تخصصی است که در کشـــور ما به صورت نوین، حدود یک قرن ســـابقه دارد. در این شغل فعلاً دارندگان مدرک کارشناسی و بالاتر رشته حقوق قضایی، فقه و مبانی حقوق اسلامی و دارندگان مدرک حوزوی با شرایطی که در ذیل توضیح داده خواهد شد، اشتغال دارند. دست اندرکاران این صنف با وجود نقاط قوت و ضعف در طول این ســـالها مشغول خدمت رســـانی بوده و هستند. اما با توجه به اوضاع و احوال سیاســـی و اقتصادی و اجتماعی در کشور، خصوصاً مسایل مربوط به اقتصاد از جمله بیکاری دانش‌آموختگان رشته‌های مختلف، گروهی به دلیل لزوم اشتغال جوانان تحصیل کرده در رشـــته حقوق در شغل وکالت با ارائه نظریات مختلف مثـــل رفع موانع ورود به شـــغل وکالت و ورود آزاد دارندگان دانشنامه حقوق به شغل وکالت دادگستری و ممانعت بازنشستگان قضایی و اداری و نظامی و دانشـــگاهیان از ورود به شغل وکالت، تقاضای تغییر در قوانین و تصویب قوانین جدید را دارند. البته اصلاح قوانین و به روز کـــردن آنها با توجه به حدوث مسایل جدید امری بدیهی و مسلم است. اما این مسائل و پرداختن به آنها باعث شده دغدغه اصلی شغل وکالت یعنی استقلال وکیل و اســـتقلال مرکزیت صنف وکلا (کانون وکلا) تحت‌الشعاع موضوع اشتغال دارندگان مدرک تحصیلات حقوق قرار گیرد. اولویت دادن این موضوعات فرعی نهایتاً ممکن است آسیب جدی به رسالت شغل وکالت و استقلال وکیل و مرکزیت این صنف وارد کرده، حتی موجب نفی استقلال کانون‌های وکلا گردیده و مرکزیت صنف وکالـــت را هم به صورت یکی از سازمان‌های عمومی در زمره ادارات مربوط به خدمات عمومی درآورد. اگرچه برای پرداختن به مسائل مربوط به وکالت نوشتن یک کتاب هم ناکافی است، اما نویسنده در این نوشـــتار کوتاه قصد دارد به این مســـاله بپردازد که آیا شغل وکالت یک شـــغل خاص، آزاد و غیردولتی است یا خیر به خاطر ماهیت و کاربرد این شغل، آیا تنها وســـیله ارتزاق و معیشت است؟ یا اصلی ترین کاربرد این شـــغل، دفاع از حقوق مظلومین و کمک به احقاق حق کسانی اســـت که حقوق آنها در معرض تضییع قرار گرفته است؟ کاربرد فرعی و غیر اصلی آن وسیله بودن برای ارتزاق و معیشت اســـت؟ این شغل به عنوان یک شـــغل خاص در اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فصل حقوق ملت مورد تاکید قرار گرفته است و شاید قضاوت و وکالت تنها مشاغلی است که در این فصل به آن پرداخته شده است. نتیجتاً داشتن شرایط قابل قبول برای ورود به این شغل به طوری که بتواند به رسالت آن جامهٔ عمل بپوشاند شرط اصلی است و داشتن مرکزیت صنفی مستقل از دولت، لازمه‌ی استقلال این شغل است. مجزا بودن آن از قوای سه گانه از مسلمات است. علاوه بر آن به نظر می‌رسد با توجه به رسالت اصلی این شغل نمی‌توان آن را در ردیف کسبه‌ای قرار داد که برای قوت لایموت خود روزانه تلاش می‌کنند.

بنا بر مراتب باید در وضع قانون برای شرایط ورود به این شغل تمام این مسائل مورد توجه قرار گیرد. اولاً داشتن شرایط خاص و احراز آن، لازمه ورود به این شغل اســـت. از طرفی شغل وکالت یک شغل غیردولتی و آزاد است و نمی‌توان اشخاص واجد شرایط را از ورود به آن مطلقاً منع کرد و شرایط ورود به شغل وکالت باید دقیقاً تعریف و بدون تبعیض باشد و امتیازات نامتوازن و ورود آزاد گروه‌ها در این شغل باید مورد بازنگری قرار گیرد. در این مقاله پس از بیان اهمیت شغل وکالت و توضیح شرایط قبلی و فعلی ورود به شغل وکالت به چالش‌های پیش روی آن می پردازیم. آیا امکان ورود همـــه دارندگان مدرک حقوق و بازنشستگان مشاغل قضایی و اداری و نظامی دارنده‌ی دانشنامه حقوق و اعضای هیات علمی گروه‌های حقوق در دانشگاه‌ها به شغل وکالت دادگستری وجود دارد؟ آیا هر تحصیل کرده در رشته حقوق و دارندگان دانشنامه حقوق از هر مرکز آموزش عالی بدون بررسی و آزمون، می‌تواند به این شغل وارد شود؟ آیا تاسیس مدرسه حقوق می تواند بدون برنامه‌ریزی توسط دولت و آزاد باشد؟ آیا دولت الزام دارد همه‌ی تحصیل کردگان رشته حقوق را به شغل وکالت وارد کند؟

موقعیت وکالت و وکیل در کشورهای جهان:

شـــغل وکالت یک شغل خاص و متفاوت از مشاغل عادی است. زیرا رسالت این شغل، رسالتی والا و کمک به اجرای عدالت است و در اهمیت این شغل گفته شـــده که نیمی از امضاکنندگان اعلامیّه استقلال آمریکا وکلای دادگستری بودند و مهاتما گانـــدی و جواهر لعل نهرو که اســـتقلال هند را رقم زدند هر دو وکیل دادگستری بودند. دموستن مشهور ترین خطیب یونان باســـتان وکیل بود. در روم باســـتان به وکلا، ادوکاتی می گفتند و به شغل وکالت مشـــغول بودند ولی هرگز هدیه و حق‌الوکاله دریافت نمی کردند زیرا انتخاب شغل وکالت برای آنها افتخاری بزرگ بود. ناپلئون شخصاً مخالف آزادی وکلای دادگســـتری بود. زیرا صراحت و شـــهامت آنها را در دفاع، مخل قدرت استبدادی و انحصاری خود می دانست و فراموش نکرده بـــود در موقع مراجعه به آرای عمومی در ســـال ۱۸۰۴ میلادی از بین دویســـت نفر وکلای عضو کانون وکلای پاریس، فقط ســـه نفر با برقراری نظام امپراتوری به جای جمهوری موافقت کرده بودنـــد. به همین جهت وقتی وزیر دادگستری (کامباسیرس) لایحه مربوط به تشـــکیل مجدد کانون وکلا را به ناپلئون تسلیم کرد او عین لایحه را همراه با یک نامه پرخاشجویانه برای او بازگردانید و در این نامه چنین نوشته بود: «این لایحه عاقلانه نیست. هرگونه راه مواخذه و اقدام علیه وکلا را مسدود می کند. اینان آشوب طلبانی هستند که مسبب جنایت و خیانت هستند. تا وقتی که اختیار شمشیرم را دارم هرگز چنین قانونی را امضا نخواهم کرد. من می خواهم زبان هر وکیلی را که علیه دولت به کار افتد قطع کنم» در سال ۱۸۱۰ بالاخره ناپلئون ناچار شد لایحه مربوط به وکلای دادگستری را امضا کند. در سال ۱۸۲۲ هنگام تسلیم لایحه استقلال کانون وکلا به شارل دهم، وزیر دادگستری که قبلاً یکی از وکلای معروف شهر بوردو (فرانسه) بود در مقدمه نوشت: «وکلای مدافع هیچ پشتیبانی ندارند جز منطق و حقیقت....»

امروز انتخاب وکیـــل دعاوی در کشورهای مختلف از جمله در انگلستان و آمریکا بر اساس گذراندن امتحانات بسیار ســـخت و دشوار صورت می گیرد که به هیچ وجه عملاً ورود تمام دارندگان مدرک حقوق به شغل وکالت ممکن نیست. زیرا قانون گذار با پیش‌بینی آزمون‌های بسیار ســـخت ورود متقاضیان را به این شغل دشوار کرده است و نتیجتاً ورود همگان به آسانی در این شغل میسر نیست. نظر به اینکه بیان و توضیح شرایط و انتخاب وکیل دادگستری در کشورهای مختلف محتاج به مقاله دیگری است، امیدوارم در مقاله دیگری شرایط ورود به وکالت در کشورهای مختلف را در معرض مطالعه خوانندگان محترم قرار بدهم.

الف. قوانیـــن اولیه راجع به وکالت: نخســـتین قانون گذاری مربوط به امر وکالت در قانون اصول تشکیلات عدلیه در تاریخ ۱۲۹۲/۰۴/۲۶ به عمل آمد و در مواد ۲۳۶ تا ۲۶۳ قانون اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و محاکم صلحیه به موضوع وکالت در دادگستری و شرایط آن پرداخته شده است. قانون بعدی که به وکالت عدلیه پرداخته است قانون اصول محاکمات حقوقی ســـال ۱۲۹۲است که از مواد ۱۷۴ تا ۱۸۵ نیز راجع به مســـائل مربوط به وکالت اســـت. سپس در قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب سال ۱۳۰۷ خورشـــیدی از مواد ۹۸ تا ۱۱۳ در مورد مسائل مربوط به وکالت قانونگذاری شده اســـت. این قوانین مختص به امر وکالت نبوده بلکه در مســـائل حقوقی از جمله وکالت تجمیعاً قانونگذاری شده است.

ب. بخشی از قوانین خاص راجع به وکالت: غیر از قانونگذاری عمومی راجع به موضوعات حقوقی، بخشی از امور وکالت هم در آن داخل شـــده بود؛ راجع به امور مربوط به وکالت، قوانین خاصی هم مورد تصویب قرار گرفته است که بخشی از آنها به قرار زیر است:

۱. نظامنامه وکلای رسمی مصوب سال ۱۳۰۰. ۲.قانون راجع به لیسانسیه‌های حقوق و وکلا مصوب سال ۱۳۰۹.

۳. قانـــون وکالت مصوب ســـال ۱۳۱۴. ۴. قانون وکالت مصوب ســـال ۱۳۱۵. ۵.لایحه قانونی استقلال کانون‌های وکلای دادگستری مصوب سالهای ۱۳۳۱و ۱۳۳۳. ۶. لایحه قانونی راجع به تسویه و پاکسازی در کانون‌های وکلای دادگستری مصوب سال ۱۳۵۹. ۷. قانون نحوه اصلاح کانون‌های وکلای دادگســـتری مصوب سال ۱۳۷۰. ۸. مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصـــوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا مصوب سال ۱۳۷۰. ۹. قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب سال ۱۳۷۶. ۱۰.ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹ و آیین‌نامه این قانون مصوب سال ۱۳۸۱.

موارد فوق تنها قوانین مربوط به وکالت نیستند. مقررات دیگری راجع به وکالت چه به صورت عمومی یا اختصاصی راجع به وکالت تصویب شده که برای رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌کنیم.

درجات وکلا در قوانین ســـابق:

طبق ماده ۱ قانون وکالت سال ۱۳۱۵ برای وکالت دادگســـتری سه درجه پیش بینی شـــده بود. وکلای درجه یک و درجه دو و درجه سوم. در کنار آنها گروهی وکالت می کردند که فاقـــد درجات فوق بودند و «کارگشا» نامیده می شدند. صلاحیت وکلا در درجات مختلف تعریف شـــده بود. صلاحیـــت وکلای درجه یک که به آنها وکلای پایه یک می گفتند محدود و محصور نبود و در تمام مراجع قضایی اعم از دادسرا و دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر و دیوانعالی کشـــور وکالت می کردند و وکالت وکلای درجه دو و درجه ســـه محدودتر بود. مثلاً وکلای درجه دوم، حق وکالت در دیوان تمییز (دیوانعالی کشور) را نداشـــتند که این تقسیم بندی اصلاح شده و وکیل درجه سوم و کارگشا فعلاً وجود ندارد.

قبل از تصویب قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگســـتری مصوب سال ۱۳۷۶ ورود بـــه وکالت نیازی به آزمون نداشت و کسانی که دارای مدرک لیسانس حقوق و بالاتر از دانشـــگاه‌های داخل و خارج یا ســـوابق قضایی بودند با شرایط تعریف شـــده در قانون، پروانه وکالت دادگستری دریافت می‌کردند.

شرایط ورود به وکالت دادگستری در قانون سال ۱۳۱۵:

۱. مـــاده ۳ قانـــون ووکالت ۱۳۱۵ می‌گویـــد وزارت عدلیه می‌تواند بدواً به اشـــخاص ذیل اجازه وکالت درجه اول بدهد:

۱. اشخاصی که سابقاً صلاحیت آنها را محکمه انتظامی برای تمام مراحل قضایی تصدیق نموده باشد و محکومیت انتظامی درجه سه نداشته باشند.

۲. به اشخاصی که لااقل دارای رتبه پنج قضایی بوده و پنج ســـال متوالی و متناوب سابقه خدمات قضایی داشته باشند. یا به اشخاصی که شاغل خدمات قضایی در طبقـــه دوم مقامات قضایی گردیده و مدت پنج سال متوالی یا متناوب به خدمات مزبور اشتغال داشته و در هر صورت سلب صلاحیت قضایی از آنها نشده باشد.

۳. به اشخاصی که از دانشکده‌های حقوق و (علوم) سیاسی داخله یا خارجه، دانشنامه لیسانس یا دکتری هستند و یک سال قضاوت یا دوسال وکالت کرده‌اند.

۴. کســـانی که قبل از اجرای قانون سال ۱۳۱۵، نه سال سابقه شغل وکالت دارند یا اینکه مجموع اشـــتغال ایشان در شغل قضایی یا وکالت نه سال باشد و محکومیت درجه سه انتظامی به بالا نداشته و در حین اجرای قانون وکالت ســـال ۱۳۱۵ اجازه وکالت برای تمام مراحل را داشته باشند.

در مواد ۴و ۵ قانون سال ۱۳۱۵ برای پروانه درجه دو و ســـه هم شرایطی درنظر گرفته شده بود. مثلاً برای پروانه درجه دوم، سه سال ســـابقه قضایی یا داشتن دانشنامه لیســـانس یا دکتری حقوق از دانشگاه‌های داخل و خارج کافی بود و یا در ماده ۸ این قانون پیش بینی شده بود برای این اشخاص که ســـابقه قضاوت و وکالت نداشتند باید حداقل یک سال کارآموزی می کردند و این دوره کارآموزی «دوره آموزش» نامیده می شد و «دوره آموزش» مختص دارندگان دانشنامه لیسانس و دکتری حقوق برای پروانه درجه اول بود. در قانون وکالت سال ۱۳۱۵ امور وکالت تحت نظر وزیر دادگســـتری قرار داشت و از طریق دفتر بازرسی و تشکیلات امور وکالت انجام می شد.

ادامه دارد

اصول حاکم بر تعقیب، بازداشت و محاکمه براساس قانون اساسی

دکتر علی جوان‌بخت لاله (دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی)

قانون اساسی به عنوان مادر قوانین هر کشور، پارادایم و الگوهای کلی در زمینه‌های مختلف را تعیین می‌کند. این امر در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت بیان گردیده که قانون اساسی مبیّن نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. بنابراین هر نهادی اعم از حقوقی، اقتصادی، سیاسی باید براساس قانون اساسی شکل بگیرد و چنانچه تخلفی از لحاظ کارکردی و یا ســـاختاری در نهادی شکل گرفته باشد می‌بایست مطابق قانون اساسی اصلاح و یا حذف شود. اصول محاکمات عادلانه در نهاد حقوقی کشورمان یکی از مهمترین چالشهایی بود که نویسندگان قانون اساسی به آن اهتمام می‌ورزیدند چرا که در دوره قبل از انقلاب، عدهٔ کثیری از نویسندگان قانون اساسی طعم تلخ عدم رعایت اصول محاکمات را چشیده بودند. اصول حاکم طبق قانون اساسی عام و مطلق است. به عبارت دیگر عمومیّت اصول حاکم شامل تمام افراد اعم از مسلمان و غیرمسلمان اســـت که در اصل ۱۴ قانون اساسی به این امر تصریح شده اســـت و اطلاق به این معنی که اصول محاکمات، استثناءپذیر و قابل تفسیر به ضرر متهم نیســـت. با توجه به این که محاکمه، بعد از ایراد اتّهام، تحقیق و بازجویی صورت می گیرد، قانون اساسی برای تمام مراحل اصول خاص خود را داشته که می‌بایستی در هر مرحله صورت عینی و عملی به خود گیرد.

۱ـ عدم امکان ایراد اتهام به افراد بدون داشـــتن مـــدارک قانونی: با توجه به اینکـــه خود ایراد اتهام فی‌نفسه قابلیت مخدوش کردن حیثیت افراد را دارد، قانون اساسی در اصل ۲۲ به این امر پرداخته و تعرّض به حیثیّت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص را غیرقانونی اعلام کرده است. بنابراین ایراد اتهام فقط و فقط زمانی می‌تواند متوجه شخص شود که مدارک مثبته قانونی دال بر ایراد اتهام وجود داشته باشد.

۲ـ اصل عدم امـــکان اخذ مدارک جهت ایراد اتهام به اشـــخاص، به‌صورت غیرقانونی: در اصل «۲۴ـ قانون اساسی» عدم امکان استراق سمع، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس و عدم امکان هرنوع تجسّس و در اصل «۲۳» عدم امکان تفتیش عقاید، و در اصل «۲۴» اعلام آزادانه مطالب قانونی در نشـــریّات و مطبوعات، و در اصل «۲۶» عدم امکان مداخله حاکمیّت در عضویت افراد در احزاب و انجمن‌های سیاسی و صنفی قانونی، همگی دلالت بر این مطلب دارند که با استراق سمع و یا تفتیش عقاید دیگران و ســـایر اقدامات غیرقانونی مصرّح در قانون اساســـی نمی‌توان برای افراد، جهات ایراد اتهام درست کرد.

۳ـ مرحله دســـتگیری، بازداشت و اصول حاکم بر این مرحله: با توجه به بند «۴» اصل «۱۵۶» که اشـــعار می‌دارد؛ کشف جرم و تعقیب از وظایف قوه قضائیه است و بر طبق اصل «۳۲» که اعلام کرده است هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم قانون، فلذا حکم تعقیب و دستگیری افراد حتماً می‌بایست توسط قاضی صورت گرفته باشد. درصورت عدم رعایت مفاد این اصل، متخلّف طبق ماده «۶۲۱» ق.م.ا. مجازات خواهد شد. علاوه بر این بعد از دستگیری طبق صراحت اصل «۳۹» قانون اساسی، حرمت افراد دستگیرشده می‌بایست حتماً رعایت شود.

درصورت بازداشـــت، موضوع اتهام باید با ذکر دلیل بلافاصله و کتباً به متّهم ابلاغ و همچنین تفهیم گردد و حداکثر ظرف مدت ۲۴ســـاعت پروندهٔ مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال شود(اصل ۳۲). براساس اصل «۳۸» هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. هرگونه اقرار و یا کسب اطلاع بر اثر اجبار، غیرقانونی است و از طرف فرد بازداشت شده قابل تعقیب کیفری است.

۴ـ مرحله دادرســـی و صدور حکم و اصول حاکم برآن: مهمترین اصل حاکم در مرحله دادرسی، اصل عدم ایراد اتهام و اصل برائت است. براساس اصل «۳۷» قانون اساســـی اصل برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شده باشد. با توجه به اینکه در جرایم عمومی دادستان و در جرایم خصوصی شاکی خصوصی ایراد اتهام می‌کنند، لذا افراد مذکوراند که قانوناً باید جرم را اثبات کنند و متهم هیچ وظیفه‌ای در خصوص رفع اتهـــام از خود ندارد. اصل برائت، حامیِ وی در دادگاه اســـت. علاوه بر اصل ۳۷ قانون اساسی، طبق اصل «۳۵» متهم می‌تواند برای خود بدون هیچ محدودیتی وکیـــل انتخاب کند و در صورت عـــدم توانایی باید امکانات انتخاب وکیل در اختیار او گذارده شـــود. با توجه به اطلاق و عمومیت اصل ۳۵ قانون اساسی، هیچ بخشنامه‌ای نمی‌تواند اختیار انتخاب وکیل را محدود، مضیّق و یا سلب کند. همچنین طبق اصل «۱۶۵» قانون اساسی محاکمات علنی انجام می‌گیرد و در خصوص جرایم مطبوعاتی و سیاسی علاوه بر علنی بودن محاکم حضور هیأت منصفه نیز ضروری اســـت. لازم به ذکر اســـت که محاکمات حتماً می‌بایست توسط قاضی (مَنْ بیـــدِهِ الحُکم) صورت بگیـــرد. از طرف دیگر قاضیِ طبقِ اصل «۱۶۷» نمی‌توانـــد به دلیل اجمال، تعارض،سکوت، نقص قانونی، از رسیدگی و صدور حکم امتناع ورزد و هـــرگاه در اثر تقصیر قاضی و یا اشـــتباه وی در خصوص تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی و یا معنوی متوجه کسی شود در صورت تقصیر قاضی ضامن بوده و در صورت اشتباه خسارت به‌وسیله دولت (طبق اصل ۱۷۱ قانون اساسی) جبران می‌شود. مضافاً اینکه احکام دادگاهها طبق اصل «۱۶۶» باید مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است. طبق مفاد این اصل مبنی بر قانونی بودن جرم و مجازات، عدم امکان تفسیر موسّع در قوانین کیفری و عدم عطف به ماسبق شدن قوانین ماهوی و امکان عطف به ماســـبق شدن قوانین شکلی در صورت ایجاد شرایط بهتر برای متهم، در تمام مراحل منجمله در مرحله دادرسی حاکم و ساری است (اصل۱۶۹). هیچ محکمه‌ای طبق اصل ۴۱ نمی‌تواند به عنوان مجازات علیه اشخاص مبادرت به لغو تابعیت نماید. بنابراین مداقّه در اصول قانون اساســـی و لزوم اجرای آن در عمل و ضرورت محاکمه عادلانه، ایجاب می‌کند که اولاً تمام محاکم و ضابطین قوه قضائیه اصول قانون اساسی را در عمل اجرا نمایند و ثانیاً عموم آحاد مردم با آگاهـــی از حقوق حقّه خود در اصول مصرّح قانون اساسی در عمل و با دفاع از حقوق خود جلوی پایمال شـــدن احتمالیِ حقوق خود را بگیرند. چرا که رعایت قانون مخصوصاً قانون اساســـی در هر کشور، رابطه دو سویه بوده و در صورت ناآگاهی افراد نمی‌توان از اجرای قانون در کشور مطمئن بود.



پزشک در ردای نخست وزیر

یادداشت‌های دکتر «ماهاتیر محمد»
نخست وزیر مالزی طی ۲۲ سال (۲۰۰۳ـ۱۹۸۱م.)
ترجمه: محمّد مقدّس

۵۷۸

"انور" در حال حاضر به بهره‌برداری از خشم مردم پرداخته است و می‌گوید سیاست ادغام حقیقی نژادی در کشور را پیشنهاد خواهد کرد. او با سخنان لیبرال‌منشانه و ظاهراً پیشروانه خود، ذهن بسیاری را درگیر کرده ولی در بررسی دقیق تر موضوع خواهیم دید که در این سخن او هیچ جنبه پیشرویی وجود ندارد. او تنها از زبان نژادپرستان افراطی در هر مجموعه نژادی سخن می گوید تا حمایت آنها را کسب کند. او همواره اسرائیلی‌ها را تأیید کرده ولی وقتی متوجه شد که دولت، سیاست های ضد اسرائیلی خود را مورد تجدیدنظر قرار می‌دهد، اسرائیل را محکوم کرد.

در نهم اکتبر ۲۰۰۸م.، "تون عبدالله" اعلام کرد که برای ماندن در پست خود، در مجمع عمومی که قرار شده بود در مارس ۲۰۰۹م. برگزار شود، کاندیدا نخواهد شد؛ بدین ترتیب فرصتی فراهم شد تا معاونش "داتوک سیری نجیب تون رزاق" به عنوان رئیس "امنو" و ششمین نخست وزیر "مالزی" جانشین او شود. حال سوال این است که آیا این برای نجات "امنو" و "جبهه ملی" کافی است؟

آنچه روشن است اینکه ما نیازمند رهبری قوی هستیم که ما را از این باتلاق بیرون آورد. اگر تدابیر ریشه‌ای اتخاذ نشود، در انتخابات عمومی بعدی، اثری از جبهه ملی نخواهد ماند. در پیشگفتار این کتاب یادآور شدم که خردمندی پدران بنیانگذارمان بود که ما را به نظام حکومتی همه‌جانبه و متعادلی رساند که در سایه "جبهه ملی" از آن برخوردار شدیم و به رغم معایبی که دارد، توانستیم برخی از مشکلات تعدد نژادی و قومیتی و دینی کشور را به روش‌های دموکراتیک و خالی از خشونت، حل و فصل کنیم. به همین دلیل آمادگی این را داشتم که به "امنو" باز گردم تا به بازیابی همبستگی و انسجام ائتلاف، کمک کنم. از اینکه می‌بینم کشور در پناه دولت بی خاصیتی چون این دولت دستخوشِ بی مبالاتی است، دلم به درد می‌آید ولی تحولات سیاسی که اخیراً پدید آمد نشان داد که شکاف‌ها در جامعه مالزی همچون گذشته، عمیق است. با رسیدن به پایان این یادداشت‌ها، جهان همچنان ناتوان از رهایی از رکود مالی است. بانک بزرگ سرمایه‌گذاری "لیهان برودرز هلدینگ" در "ایالات متحده آمریکا" اعلام ورشکستگی کرده و قرار شد با بسته پولی میلیاردها دلاری "میرین لینش" و "امریکن نشنال گروپ" نجات یابد. این روند به یک‌سری سقوط های پیاپی در بازار سهام مالی سراسر جهان انجامید و دولت‌ها در آمریکا و اروپا تدابیر ریشه‌ای متعددی برای پیشگیری از فروپاشی بانک ها و مؤسسات مالی اتخاذ کردند. مدتی به نظر رسید که بحران، بیشتر شبیه فروپاشی مالی است که جز برای قوی‌تر، نجاتی از آن متصور نیست. با اینکه دولت "نجیب"، سخن از دو بسته اقتصادی تشویقی بزرگ به میان آورده بود، معلوم نیست آیا "مالزی" هم واقعاً در شمار نجات یافتگان قرار می‌گیرد یا خیر، با این حال باید گفت تا اینجای کار، عملکرد دولت "نجیب" بسی بهتر از عملکرد دولت "عبدالله" بود.

از تمامی افرادی در "مالزی" که حمایت‌های آنها به من امکان داد کشور عزیزمان را طی ۲۲ سال رهبری کنم، سپاسگزارم. کوشیدم هر آنچه در توان دارم را به کار گیرم هرچند خودم قادر به داوری در مورد عملکرد خود نیستم و این داوری متعلق به مردم در حال و آینده است. من به نوبه خود وقتی دلایل ملموس موفقیتِ برنامه‌ها و سیاست‌ها در دوران نخست وزیری‌ام را دنبال می کنم، عمیقاً احساس آرامش و خشنودی می‌کنم. من مدعی نیستم که این نتایج، تنها حاصل کار من است زیرا در این کارها افراد زیادی از تمامی اقشار و طبقات جامعه، کارمندان دولتی، همکارانم در دولت و اعضای حزبم سهیم بودند و شرکت داشتند. خدای تبارک و تعالی را سپاس که لطف و کرمش بر من ارزانی شد و مرا پدر و مادری بخشید که پرورشم دادند و ارزش‌هایی را در من به ودیعه گذاشتند که روند زندگی حرفه‌ای‌ام را ممکن ساخت.

پایان

تصمیم غافلگیر کننده ترامپ و شوک به شرکای منطقه ای

*شبکه ۱۰ تلویزیونی رژیم صهیونیستی: آمریکا سوریه را ترک می کند و تنها برگه چانه زنی برای خروج ایرانی ها از سوریه را می گیرد

*اعلام خروج نیروهای آمریکایی از سوریه، ترکیه به عنوان همسایه شمالی سوریه، رژیم صهیونیستی به عنوان یک نیروی اشغالگر و مخل امنیت این کشور و تروریست هایی که عامل بی ثباتی و بحران در سوریه هستند، را با نوعی شوک مواجه کرده است



تصمیم مستاجر کاخ سفید در اعلام خروج نیروهای آمریکا از پر مناقشه ترین منطقه خاورمیانه بازیگران در زمین بازی سوریه را با نوعی شوک مواجه کرده است مساله‌ای که خواسته یا ناخواسته این میهمانان ناخوانده را بیش از پیش درگیر بحران خواهد کرد.

به گزارش ایرنا، سال میلادی را در شرایطی به پایان بردیم که با یک غافلگیری جدید از سوی سلبریتی مستاجر در کاخ سفید مواجه بودیم و همچون دیگرتصمیم‌هایی که با واکنش و مقاومت روبرو بود اما همچون سایر تجربه‌ها با لجبازی و یکدندگی اجرایی شد هر چند که این تصمیم برخلاف سایر آنها که با اقبال از سوی برخی شرکا مواجه شده بود کام همپیمانان واشنگتن را با تلخی همراه کرد تا سال نوی میلادی را با اضطراب به سال جدید گره بزنند.

اعلام خروج نیروهای آمریکایی از سوریه، ترکیه به عنوان همسایه شمالی سوریه، رژیم صهیونیستی به عنوان یک نیروی اشغالگر و مخل امنیت این کشور و تروریست‌هایی که عامل بی ثباتی و بحران در سوریه هستند، را با نوعی شوک مواجه کرده است؛ مساله ای که خواسته یا نخواسته آنها را بیش از گذشته درگیر در این بحران خواهد کرد.دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا اعلام کردکه دیگر قرارنیست نیروهای آمریکایی در خاک سوریه حضور داشته باشند و با وجود برخی مخالفت‌ها در درون آمریکا این گونه تصمیم خود را توجیه کرد که داعش در سوریه شکست خورده پس دیگر نیازی برای حضور آمریکا نیست.

برخی رسانه‌ها پس از اعلام این خبر گزارش دادند که تصمیم ترامپ پس از گفت وگوی تلفنی اخیر وی با رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری ترکیه گرفته شد و آنچه که از این گفت وگوی تلفنی به بیرون درز کرد حاکی از آن بود که ترامپ در جریان این گفت‌وگو سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه را تغییر داده و یک چهارم از خاک سوریه را ترک کرده و این کار را به آنکارا واگذار کرد تا کار داعش را تمام کند. اما این تصمیم ترامپ بیش از همه ترکیه، رژیم صهیونیستی و گروه‌های تروریستی را که تحت حمایت آمریکا بودند تحت تاثیر قرار داده است.

ترکیه حالا دیگر باید تصمیم مهمی بگیرد و آن هم این است که یا بایستی پس از خروج نیروهای آمریکایی به صورت گسترده به داخل خاک سوریه تجاوز کند و با عبور از سد نیروهای کُرد به بخش‌هایی که داعش حضور دارد حمله و این مناطق را پاکسازی کند و این یعنی عبور از ۲۵۰ کیلومتر قلمروی که تحت کنترل «نیروهای دموکراتیک سوریه» است و تقابل مستقیم با ارتش سوریه که قطعا به این سادگی نیست یا اینکه منتظر بماند تا نیروهای سوری وارد مناطق تحت کنترل کُردها شوند و سپس این مناطق از سوی دولت سوریه اداره شود و این یعنی منتظر نتایج مذاکرات گروه‌های کُرد و دولت سوریه ماندن. شاید اظهارات اردوغان پس از ورود ارتش سوریه به شهر منبج در استان حلب و اعلام حمایت نیروهای دمکراتیک سوریه (قسد) از ورود ارتش سوریه به این شهر، نشان از تمایل دولت ترکیه برای دنبال کردن مذاکرات احتمالی آینده میان دولت سوریه و کُردها درباره سرنوشت مناطق شمالی سوریه باشد. اردوغان گفته بود که در وضعیت کنونی، ما همچنان از تمامیت ارضی سوریه حمایت می‌کنیم. این مناطق به سوریه تعلق دارند. اگر سازمان‌های تروریستی (یگان‌های مدافع خلق) منطقه را ترک کنند، ما دیگر کاری در آنجا نداریم . موضوع دیگر سرنوشت گروه‌های تروریستی است که در مناطق جنوب شرقی سوریه حضور دارند گروه‌های تروریستی که مورد حمایت نیروهای آمریکایی مستقر در پایگاه التنف قرار داشتند و خروج آمریکایی‌ها از این پایگاه سرنوشت آن‌ها را بیش از پیش مبهم می کند.التنف که نام منطقه ای در صحرای سوریه (البادیه) در منطقه مثلث مرزی میان سوریه، عراق و اردن است، برای مدت‌ها مامن گروه‌های تروریستی مانند گروه موسوم به 'مغاویر الثوره' بود و تصمیم خروج آمریکا از این منطقه باعث دو دستگی در میان گروه‌های تروریستی شده است. رسانه‌های سوری پیش تر گزارش کرده بودند شماری از گروه‌های تروریستی مستقر در اطراف پایگاه التنف آماده این هستند تا خود را تسلیم ارتش سوریه کنند، گروه‌هایی که عناصر آن‌ها سوری‌ها و عراقی‌هایی هستند که به عضویت گروه‌های تروریستی درآمدند .از سوی دیگر گروه‌های تروریستی دیگری از جمله 'مغاویر الثوره' نیز هستند که همچنان حاضر به تسلیم شدن نیستند و خواستار ایجاد گذرگاهی برای عبور عناصر این گروه به شمال سوریه هستند. اعضای این گروه‌ها بیشتر عناصر خارجی هستند که به سوریه منتقل شدند.به نظر می رسد که این گروه‌های تروریستی دو راه پیش روی خود خواهند داشت و آن هم این است که خود را تسلیم ارتش سوریه کنند و سلاح‌های خود را به دولت سوریه تحویل دهند یا درگیری با نیروهای سوری و در پایان نابودی خود.اما شاید خروج آمریکا از سوریه بیش از همه به مذاق متحد اصلی این کشور در منطقه یعنی رژیم صهیونیستی خوش نیامده باشد، رژیمی که از آغاز بحران سوریه به شکل‌های مختلفی از تروریست‌ها حمایت کرده و می کند .تنها ساعاتی پس از اعلام تصمیم دولت آمریکا برای خروج از سوریه، شبکه ۱۰ تلویزیونی رژیم صهیونیستی در گزارشی اعلام کرد که این اقدام آمریکا سیلی محکمی به اسرائیل است. به نظر می رسد که صهیونیست‌ها انتظار نداشتند که واشنگتن از سوریه خارج شود و در این رابطه کارشناس امور نظامی شبکه ۱۰ تلویزیونی رژیم صهیونیستی گفت: آمریکا سوریه را ترک می کند و تنها برگه چانه زنی برای خروج ایرانی‌ها از سوریه را می گیرد.براساس گزارش این رسانه صهیونیستی، خروج آمریکا از سوریه به تلاش‌های این رژیم برای برخورد هدفمند با حزب الله لبنان آسیب خواهد زد.این شبکه صهیونیستی افزود: خروج آمریکا از سوریه و خالی کردن عرصه برای روسیه و ایران خبر بدی برای اسرائیل است. هرچند که نتانیاهو در واکنش به تصمیم دولت آمریکا برای خروج نیروهایش از سوریه گفته بود: پیامدهای خروج آمریکا و تاثیر آن بر امنیت اسرائیل را بررسی می کنیم. حملات هوایی اخیر رژیم صهیونیستی به اطراف دمشق، شایدحکایت ازتشدید حمایت این رژیم از تروریست‌های مستقر در سوریه دارد و همچنین نشان از تداوم این سیاست خصمانه رژیم صهیونیستی در کوتاه مدت است، اما به نظر نمی رسد که با توجه به تحولات اخیر در سوریه صهیونیست‌ها در نهایت راه به جایی برده و این تحولات باعث خشنودی آن‌ها شود.به نظر می رسد که آغاز سال جدید میلادی همراه با تحولات بیشتری در موضوع سوریه باشد و چراغ سبز کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس از جمله امارات متحده بحرین برای آغاز مناسبات دیپلماتیک خود با دولت سوریه حکایت از پر رنگ تر شدن مواضع دولت سوریه دارد. خبر برگزاری اجلاس سران تروییکای آستانه (سه کشور حامی روند صلح آستانه) شامل ایران، روسیه و ترکیه در نیمه نخست ماه ژانویه سال ۲۰۱۹ در روسیه و اعلام سفر جان بولتون مشاور امنیت ملی کاخ سفید به ترکیه و سرزمین‌های اشغالی در همین ماه، نشان از روزهای حساس پیش رو دارد .

سرگردانی راهبردی آمریکا در افغانستان

۱۶ ماه پس از اعلام استراتژی جدید واشنگتن در افغانستان و افزایش نظامیان آمریکایی، «دونالد ترامپ» خبر داده هزاران تن از نیروهای کشورش را از افغانستان بیرون خواهد کشید.

به گزارش گروه تحلیل، تفسیر و پژوهش‌های خبری ایرنا، حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله به برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی در شهر نیویورک و ساختمان پنتاگون بهانه ای شد تا «جرج دبلیو بوش» رئیس جمهوری وقت آمریکا دستور حمله به افغانستان را برای نابودی القاعده صادر کند؛ رخدادی که از آن نزدیک به دو دهه می‌گذرد اما آمریکا تاکنون نتوانسته از باتلاقی خودساخته خود را بیرون بکشد. ایالات متحده و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) چهار سال پیش (۲۰۱۴) در دوره «باراک اوباما» رئیس جمهوری دموکرات آمریکا به طور رسمی ماموریت خود را در افغانستان پایان یافته اعلام کردند اما باز هم این کشور جنگ زده در تصرف بیگانگان باقی ماند. اخیرا رسانه‌های آمریکایی از تصمیم جدید «دونالد ترامپ» در این باره خبر دادند. بر پایه این گزارش‌ها، رئیس جمهوری آمریکا با ارسال حکمی به پنتاگون خواستار آغاز خروج نیروهای نظامی این کشور از افغانستان شده است. گفته می شود از حدود ۱۴ هزار نیروی آمریکایی مستقر در افغانستان باید نیمی از آنها افغانستان را ترک کنند.

از دید برخی ناظران یکی از مهمترین دلایل عقب نشینی آمریکا و اعتراف غیرمستقیم ترامپ به شکست در پرونده افغانستان به هزینه‌های بالای این ماموریت دو دهه ای بر می گردد. متن توئیت رئیس جمهوری را می توان در این راستا تحلیل کرد که نوشته بود «آمریکا با پلیس شدن در خاورمیانه و هزینه کردن تریلیون‌ها دلار، چیزی را نصیب خود نکرده و فقط به ایران و روسیه کمک می کند.» آمریکا از همان سال اول هزاره سوم که به بهانه نابودی القاعده، به افغانستان حمله کرد تاکنون با هزینه‌های جانی و مالی چشمگیری مواجه شده است. بر پایه برخی گزارش‌ها، کشته شدن بیش از دو هزار و ۴۰۰ سرباز آمریکایی و هزینه ای بالغ بر ۹۰۰ میلیارد دلار از آن جمله به شمار می رود. آمریکا با وجود هزینه‌های بالا در انجام ماموریت اعلانی خود یعنی انهدام گروه‌های تروریستی و برقراری امنیت در افغانستان، ناموفق عمل کرده است. طالبان در سال‌های اخیر به مراتب قدرتمندتر از سال‌های نخست حمله آمریکا به افغانستان ظاهر شده و مناطق گسترده ای را در اختیار گرفته اند. ضمن این که برخی از عناصر گروه تروریستی داعش نیز با ورود به افغانستان، این کشور را به صحنه جنایات خود تبدیل کرده اند. با مرور این مسائل، راهبرد کاخ سفید در قبال کابل در دولت ترامپ بارها تغییر پیدا کرده که نشان از سردرگمی رئیس جمهوری آمریکا دارد. وی که در رقابت‌های انتخاباتی بر ضرورت توقف جنگ‌های خارجی تاکید می‌کرد با ورود به کاخ سفید تغییر رویه داد و شمار نیروهای آمریکایی در افغانستان را از هشت هزار و ۴۰۰ نفر به حدود ۱۵ هزار نفر افزایش داد.

وی اواخر مردادماه پارسال راهبرد ایالات متحده را در قبال افغانستان تشریح کرد و گفت: نیروی نظامی آمریکا از ۱۶ سال پیش در افغانستان حضور دارد و این حضور چند سال دیگر نیز ادامه خواهد یافت. در جریان این ماموریت قرار است مبارزه با تروریست‌های القاعده و داعش تشدید و از قدرتگیری اسلام گرایان افراطی طالبان در افغانستان فعالانه جلوگیری شود. اینک بار دیگر شاهد تغییر استراتژی کاخ سفید در ارتباط با تحولات افغانستان هستیم. ترامپ در ظاهر قصد دارد به تدریج با خروج از افغانستان، ماموریت مقابله با تروریست‌ها را بر عهده ۳۵۰ هزار سرباز افغان بسپارد؛ ماموریتی که برخی آن را دشوار و حتی نامکن می پندارند و گروهی نیز از آن استقبال می کنند و به آن خوشبیند. مقامات آمریکایی و همپیمانان منطقه ای آمریکا، از این تصمیم ترامپ ناخرسند و معتقدند که با خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان، کشورهایی چون روسیه، چین، ایران و غیره خلأ ایجاد شده را پر خواهند کرد. ضمن این که از نگاه آنها، مقابله با گروه‌های تروریستی در افغانستان که طی ماه‌های گذشته تحرکات آنها افزایش یافته و خرابکاری‌های زیادی را بانی شده‌اند، امر دشواری است. در این میان، مقامات کابل بر تامین امنیت به دست افغانستانی‌ها و به عبارتی دستیابی به امنیت درون زا تاکید دارند. اخیرا«هارون چخانسوری» سخنگوی رئیس جمهوری این کشور گفته است «خروج نیروهای آمریکایی تاثیر سوئی بر امنیت این کشور نخواهد داشت زیرا در چهار سال و نیم گذشته کنترل کامل اوضاع در دست نیروهای افغان بوده است.» با وجود تحلیل‌هایی که از چرایی عقب نشینی کاخ سفید از جبهه افغانستان در رسانه‌های مختلف جهان ارائه می شود برخی کارشناسان اظهارات ترامپ در این زمینه را با واقعیات عمل آمریکایی‌ها متعارض می دانند. از نگاه آنها، رهاسازی پایگاه‌های استراتژیک نظامی و واگذاری حوزه نفوذ به رقبا و دشمنان از سوی ترامپ منطقی به نظر نمی رسد.

جهانگیری: دوران سخت را با تدبیر می‌گذرانیم

بقیه از صفحه اول

و در حال اجرا است مثبت و امیدوارکننده است.

وی با انتقاد از برخی سیاه نمایی‌ها در کشور افزود: مطمئنا یکی از اصلی‌ترین اهداف و برنامه‌های آمریکا در شرایط فعلی این است که مردم را نسبت به آینده کشور و نظام مأیوس کنند. جهانگیری اظهار داشت: وقتی مردم یک کشور به ویژه نسل جوان نسبت به آینده خود مأیوس باشند، ممکن است دست به اقدامات و حرکاتی بزنند که نتیجه آن ناخوشایند است.

نباید با دشمن همراهی کرد

وی ادامه داد: گاهی برخی از افراد در زمینی بازی می‌کنند که خواست دشمن است و به دنبال بزرگ کردن نقاط منفی و مشکلات در شرایط سختی و فشار دشمنان هستند. البته اگر بیان این نقاط منفی درباره مشکلات حقیقی کشور باشد باز جای امیدواری است که مشکلات واقعی کشور در حال بیان شدن است اما زمانی درد آور است که می‌بینیم مجموعه‌ای از مطالب دروغ و خلاف واقع از سوی افراد و مسئولان در مجموعه‌ای از نظام بیان می‌شود و رسانه‌ها از جمله رسانه ملی هم آن مطلب را منتشر می‌کند.

او اظهار داشت: هنگامی که مردم این سخنان را می‌شنوند و تصور می‌کنند که در تمام سطوح فساد وجود دارد و امور کشور پیش نمی‌رود و دشمنان هم دست از دشمنی خود بر نمی‌دارند نسبت به آینده ناامید می‌شوند در حالی که نباید با دشمن همراهی کنیم.

وی تاکید کرد: خوشبختانه امروز تمامی طرح‌های بزرگ صنعتی از طراحی و مهندسی و محاسبات آن تا ساخت، تجهیزات و بهره‌برداری در ایران انجام می‌شود.

کشوری قدرتمند هستیم

معاون اول رئیس‌جمهوری با اشاره به توانمندی متخصصان کشور در اجرا و ساخت سکوهای بزرگ نفتی، گفت: هنگامی که پس از برجام شرکت توتال فرانسه می‌خواست یک فاز از پارس جنوبی را انجام دهد، برای ساخت سکوی ۲۰ هزار تنی پس از بازدید از شرکت‌های ایرانی ساخت این سکو را به مهندسان و شرکت‌های ایرانی واگذار کرد.

وی افزود: امروز توانمندی بسیار بالایی در کشور شکل گرفته و کشوری قدرتمند هستیم.

دوران سخت را با تدبیر پشت سر می‌گذاریم

جهانگیری تاکید کرد: باید با انسجام، وحدت، همدلی و همراهی و تدبیر این دوران دشوار و سخت را پشت سر بگذاریم و با تدبیر روشی را پیش بگیریم که اداره کشور، اقتصاد، زندگی مردم و اشتغال را در کشور پیش برده و آمریکایی‌ها را در رسیدن به اهداف خود ناامید کنیم.

معاون اول رئیس‌جمهوری



اجرای طرح‌های مورد نیاز کشور را نمونه‌ای از تدابیر مورد نیاز برای مقابله با دشمنی آمریکایی‌ها دانست و گفت: این طرح‌هایی که امروز در شهرستان کاشان به بهره‌برداری رسید، توسط مدیران صنعتی دولتی کشور که از دولت جدا شده‌اند به انجام رسیده که با تجربه خوب و مثبت خود در عرصه‌های مختلف در این عرصه گام نهادند و این در حالی است که حدود بیش از ۲۷۰۰ میلیارد تومان برای انجام این پروژه‌ها سرمایه‌گذاری و هزینه شده است.

جهانگیری اضافه کرد: باید در مصرف آب در این منطقه بهترین بهره وری‌ها را مدنظر قرار دهیم و طرح‌ها و پروژه‌هایی در این راستا دنبال کنیم.

معاون اول رئیس‌جمهوری ساخت پروژه تصفیه و بازچرخانی آب را از اصلی‌ترین اقداماتی دانست که باید برای بهره‌وری آب در مناطق کویری به انجام برسد، او گفت: بخش خصوصی با علاقه آمادگی سرمایه‌گذاری در این گونه پروژه‌ها به ویژه در شهرستان‌های کویری ایران را دارد.وی افزود: هیچ آبی برای صنعت کشور مطمئن‌تر از آب بازچرخانی پساب شهری نیست و می‌تواند کمک بسیار خوبی به صنعت باشد.

جهانگیری در بدو ورود به فرودگاه کاشان با اشاره به این که کاشان یکی از مناطق تاریخی کشور است که از ویژگی‌های منحصر بفردی برخوردار است، گفت: مردم کاشان انسان‌هایی مومن و انقلابی هستند که همواره پشتیبان نظام جمهوری اسلامی و انقلاب بوده و در این راه فداکاری کرده‌اند.

وی افزود: کاشان در زمینه‌های مختلف صنعتی نیز ویژگی‌های خوبی دارد و یکی از مهمترین مراکز صنعتی کشور به شمار می‌رود.جهانگیری با اشاره به این که در آستانه چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی فرصتی پیش آمد تا طرح‌های مهمی در بخش‌های مختلف آب و برق و فاضلاب را در این شهرستان به بهره‌برداری برسانیم، گفت: حجم سرمایه گذاری در این طرح‌ها بیش از ۲ هزار میلیارد تومان است.

بهره‌برداری از پروژه مدول دوم تصفیه‌خانه فاضلاب کاشان

جهانگیری در جریان سفر به کاشان با حضور در تصفیه خانه فاضلاب این شهر پروژه مدول دوم تصفیه خانه فاضلاب و بخشی از شبکه جمع‌آوری فاضلاب را با اعتبار ۱۳۳۰ میلیارد ریال افتتاح کرد.

معاون اول رئیس‌جمهوری از قسمت‌های مختلف این پروژه دیدن کرد و با حضور در ساختمان کنترل مایع تصفیه خانه فاضلاب کاشان با توضیحات مسئولان در جریان روند اقدامات انجام شده در این پروژه قرار گرفت. با بهره‌برداری از پروژه تصفیه خانه فاضلاب کاشان که بخشی شبکه جمع‌آوری این شهرستان به شمار می‌رود ظرفیت تصفیه خانه به میزان۲۰ هزار متر مکعب در شبانه روز افزایش یافته که موجب افزایش پوشش جمعیت به تعداد ۱۰۰ هزار نفر را به همراه دارد.

توسعه شبکه فاضلاب کاشان به ۱۱۷ کیلومتر از دستاوردهای این پروژه به شمار می‌رود. همچنین نخستین خط تولید پایه‌های چدن نشکن توزیع برق و روشنایی با حضور معاون اول رئیس‌جمهوری در شرکت‌هامون نایزه کاشان به بهره‌برداری رسید.

تشییع پیکر آیت‌الله حقیقت در شیراز



سرویس شهرستان‌ها: پیکر آیت‌الله عبدالکریم حقیقت ارسنجانی امروز در شیراز تشییع و تدفین می‌شود.

مراسم تشییع و خاکسپاری این عالم برجسته با حضور مردم ولایتمدار فارس از مسجد حاج عباس به سمت حرم مطهر علی‌بن حمزه(ع) برگزار خواهد شد.

مراسم بزرگداشت این حکیم فقید عصردیروز در دارالقرآن حرم علی بن حمزه(ع) برگزارشد.

آیت‌الله حاج عبدالکریم حقیقت ارسنجانی از استادان حوزه‌های علمیه فارس شنبه در ۹۲سالگی بر اثر کهولت سن دعوت حق را لبیک گفت.

تشییع پیکر یک جانباز شهید در مشهد

مشهد- خبرنگار اطلاعات: پیکر شهید علیرضا فریضه خلیل‌آبادی جانباز قطع نخاع ۷۰ درصدی در مشهد تشییع و در گلزار شهدای بهشت رضا(ع) به خاک سپرده شد.

این مراسم با شکوه با حضور مردم، مسئولان نظامی و مدیران بنیاد شهید از حسینیه پیروان دین نبوی این شهر تا حرم مطهر برگزار و پس از طواف در حرم رضوی به خاک سپرده شد.

این شهید گرانقدر سال ۱۳۴۷ چشم به جهان گشود و ۲۸ دی ۱۳۶۴ در منطقه هورالعظیم بر اثر اصابت ترکش از ناحیه شکم، قطع نخاع شد که پس از تحمل ۳۳ سال عوارض جانبازی به یاران شهیدش پیوست.

دلجویی شهردار کرمان از کودک مظلوم

سرویس شهرستان‌ها: دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان کرمان درباره آخرین جزئیات کلیپ کودک آزاری منتشر شده در فضای مجازی گفت: به عنوان مدعی‌العموم به موضوع ورود کرده‌ایم و متهمان تحت تعقیب قضایی قرار گرفته‌اند و متهم اصلی بازداشت شده است.

به گزارش روابط عمومی دادگستری کل استان کرمان، دادخدا سالاری افزود: با توجه به مشاهده و رصد فیلمی در فضای مجازی توسط معاونت امور فضای مجازی دادسرای عمومی و انقلاب مرکز استان با موضوع کودک‌آزاری، بلافاصله از سوی معاونت مربوطه اعلام جرم شد.

دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان کرمان تاکید کرد: تمام افرادی که در این رابطه کوتاهی، قصور و جرمی انجام داده‌اند تحت تعقیب قضایی قرار خواهند گرفت. وی اضافه کرد: فضای مجازی به صورت مستمر و شبانه‌روزی کنترل و رصد می‌شود و در صورت وقوع جرم اقدامات مقتضی در جهت مقابله با جرائم انجام خواهد گرفت.



کلیپی حاوی تصاویری از آزار و اذیت با محتوای خورانیدن گل به ۲ کودک کار در فضای مجازی استان کرمان منتشر شد و موجب رنجش و تخریب افکار عمومی در شهر کرمان شده است.

به دنبال این گزارش در شبکه‌های اجتماعی محمد جواد فدایی استاندار کرمان دستور لازم برای پیگیری موضوع را از طرق مختلف از جمله شهرداری کرمان و مدیران کل حراست و بازرسی استانداری صادر کرد و خواستار برخورد شدید با خاطیان شد.

شهردار کرمان هم با بررسی لازم سریعا دستور اخراج فرد خاطی را که از کارمندان یکی از شرکت‌های پیمانکاری شهرداری کرمان بود صادر کرد و دستور پیگیری‌های لازم را داد و همچنین از کودکان آزار دیده دلجویی کرد.

پرورش روح عدالتخواهی باید در رأی قاضی متبلور باشد

سرویس شهرستان‌ها: دادستان انتظامی قضات گفت: ۹۹درصد قضات در سلامت کامل اخلاقی، عملکردی و رفتاری هستند.

حجت الاسلام و المسلمین محمد موحد دادستان انتظامی قضات، در آیین تجلیل از قضات برتر استان مرکزی که در سالن شهید بهشتی دادگستری این استان برگزار شد، افزود: آسیب قضات ما در استان‌ها کمتر از یک درصد است. ۹۹درصد قضات در سلامت کامل اخلاقی، عملکردی و رفتاری هستند و بازرسی انجام شده در استان مرکزی نیز همین آمار را نشان می‌دهد.

او اظهارداشت: رأی باید به جامعه روح عدالتخواهی را القا کند. پرورش روح عدالتخواهی باید در رأی ما متبلور باشد، اگر صدور رأی با این شاخصه‌ها همراه نباشد، رأی اسلامی نیست. در پرورش روح عدالتخواهی همه سهیم هستند. از این بین سهم قضات از همه بیشتر و سنگین‌تر است.

وی گفت: قضاوت دارای اهمیت و قداست است، اهمیتش در قالب توجه قاضی به آبروی افراد در خانواده و محله صدق می‌کند.

موحد با اشاره به ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی، اضافه کرد: هر چه داریم از فرهنگ نبوی، علوی، خمینی و خون شهدا داریم. دشمن از مدت‌ها قبل اعلام کرده است اجازه نخواهیم داد انقلاب به ۴۰سال خود برسد؛ اما به کوری چشم دشمنان امسال جشن پیروزی انقلاب را با شکوه‌تر از سال‌های قبل برگزار خواهیم کرد.

وی افزود: مردم برای انقلاب سرمایه گذاشتند و از همه چیز گذشتند. ما در مقابل سرمایه‌های عظیم چه می‌کنیم؟ چه مقدار به ارزش‌های انقلاب و ثمرات خون شهدا توجه می‌کنیم؟ نماز جمعه یکی از ثمرات خون شهداست، برای حضور در این آیین عبادی ـ سیاسی چقدر تلاش می‌کنیم؟ حضور قضات و دیگر مجموعه دادگستری‌ها در راهپیمایی‌های روز قدس و ۲۲ بهمن امری ضروری است.

کشف ۱۱۷هزار تن کالای قاچاق در ۹ ماه

سرویس خبر: ۱۱۷ هزار تن کالای قاچاق در ۹ ماه امسال در شبکه حمل و نقل ریلی کشف شده است.

فرمانده پلیس راه آهن کشور گفت: به منظور اجرای طرح‌های مبارزه با قاچاق کالا و ارز، پلیس راه‌آهن در برنامه‌های عملیاتی امسال، مبارزه با قاچاق کالا و ارز را در ۱۹یگان تابعه خود در زمره اولویت‌های این نیرو قرار داد و در این زمینه در ۹ ماه امسال نیروهای پلیس راه‌آهن موفق شدند ۱۱۷هزار تن کالای قاچاق به ارزش ۷۴۹ میلیارد و ۵۹۸ میلیون و ۸۸۲ هزار ریال را در شبکه حمل و نقل ریلی کشف کنند.

سرهنگ حشمت الله ملکی با بیان این که مأموران پلیس راه‌آهن با حساسیت ویژه در این زمینه ۴۷۵ نفر را به اتهام حمل و جابه جایی کالای قاچاق شناسایی و دستگیر کردند، افزود: شمار دستگیر شدگان در این زمینه نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۸ درصد رشد داشته است.

وزیر اسبق فردا محاکمه می‌شود

سرویس خبر: جلسه رسیدگی به اتهامات پرویز کاظمی وزیر دولت نهم و دو متهم اقتصادی دیگر برگزار می شود.

به گزارش میزان، در جلسه رسیدگی به اتهامات این متهمان که فردا در شعبه سوم دادگاه ویژه جرائم اقتصادی به ریاست قاضی مسعودی مقام برگزار می‌شود، علی بخشایش فرزند روح الله به اتهام مشارکت در اخلال عمده در نظام اقتصادی کشور از طریق اخلال در نظام پولی و بانکی و مشارکت در ۴۶فقره خیانت در امانت، پرویز کاظمی فرزند درویش به اتهام مشارکت در اخلال عمده در نظام اقتصادی کشور از طریق اخلال در نظام پولی و بانکی و مشارکت در ۴۱فقره خیانت در امانت و محمدرضا توسلی فرزند غلامرضا به اتهام مشارکت در اخلال عمده در نظام اقتصادی کشور از طریق اخلال در نظام پولی و بانکی و مشارکت در ۴۰فقره خیانت در امانت پای میز محاکمه قرار می‌گیرند .

اجاق گاز فرسوده خوابگاه،۳ دانشجو را روانه بیمارستان کرد

سرویس شهرستانها: عدم تعویض به موقع اجاق گاز فرسوده، سبب سوختگی سه نفر از دانشجویان مقیم خوابگاه دانشگاه مذاهب اسلامی هرمزگان شد.

در پی بی‌توجهی و سهل‌انگاری مسئولان دانشگاه مذاهب اسلامی واحد بندرعباس، سه دانشجوی این دانشگاه از ناحیه سر و صورت، مصدوم و به بیمارستان منتقل شدند.

این آتش‌سوزی زمانی رخ داد که دانشجویان دختر در آشپزخانه خوابگاه در حال آشپزی بودند که ناگهان اجاق گاز با پخش شعله شدید سه دانشجو را روانه بیمارستان کرد.

حادثه‌ای که به خیر گذشت

همچنین در حادثه دیگری اتوبوس حامل دانشجویان دانشگاه فنی ـ مهندسی بوئین زهرا به دلیل تصادف با یک پراید از جاده خارج و یک نفر مصدوم شد.به گفته دانشجویان، این اتوبوس پیش از این هم، چند بار به علت نقص فنی در حاشیه جاده متوقف شده بود.فرمانده پلیس راه استان قزوین نیز در خصوص این حادثه گفت: در حادثه تصادف بین پراید و اتوبوس حامل دانشجویان در جاده بویین زهرا-قزوین یک نفر به صورت سطحی مصدوم شد و مشکلی برای سایر مسافران ایجاد نشد.

سرهنگ نصرالله بیگلری سانحه اتفاق افتاده را از جمله حوادث با خسارت مالی اعلام کرد و گفت: طبق اطلاعات اولیه، مقصر این حادثه راننده پراید بوده است.

بارش سنگین برف در اروپا ۲۱قربانی گرفت

اروپا: بارش شدید برف و ریزش بهمن بخش‌هایی از اروپا را فلج کرد و شمار تلفات این حوادث طبیعی به۲۱ نفر افزایش یافت.

نیروهای امداد در تلاش برای پاکسازی جاده‌ها و برقراری جریان برق، پیش از بارش مجدد برف هستند. پیست‌های اسکی تعطیل شده و پس از آنکه بارش برف راه‌های ارتباطی و جریان برق را قطع کرد، روستاهای کوهستانی در خاموشی فرو رفتند. پیش‌بینی می‌شود برخی کشورهای اروپایی از شنبه شب تا صبح دوشنبه شاهد بارش‌های بیشتر باشند.

وزارت امور خارجه انگلیس به گردشگران این کشور درباره سفر به اتریش هشدار داده است. ۶۶ نوجوان برای چندین روز در یک مهمانخانه کوهستانی در اتریش گیر افتاده بودند تا این که بالگردهای ارتش موفق به نجات آنها شدند.

در سوئیس هم بهمن روی هتلی فرو ریخت وبرف از پنجره‌ها وارد رستوران شد.در این حادثه ۳ نفر مجروح شدند. در حادثه سقوط بهمن در کوه‌های پیرین بلغارستان هم ۲ اسنوبرد سوار جان باختند.

اعدام ۳ سارق مسلح طلافروشی در یاسوج

یاسوج- خبرنگاراطلاعات: سارقان طلافروشی در یکی از میادین شهر یاسوج به دار مجازات آویخته شدند. به دنبال تایید حکم محاربه سارقان طلافروشی استان‌های فارس و کهگیلویه و بویراحمد در دیوان عالی کشور، این حکم دیروز با حضور جمعی از مردم یاسوج اجرا شد.سارقان با نام‌های کیکاووس جمال سیرت، رستم رضایی و عبدالله جوهری به زور سلاح و با ارعاب و تهدید، اقدام به سرقت می کردند و در برخی موارد به سوی افراد عادی نیز تیراندازی می کردند.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می کنیم:

* موضوع پیام‌ها جنبه‌های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
* پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
* خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند .
* چاپ پیام‌ها براساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

چگونه درآمد شهرداری از عوارض طرح ترافیک کاهش یافته است؟

دبیر کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای اسلامی شهر تهران اعلام کرده که درآمد شهرداری از محل فروش طرح ترافیک نسبت به مدت مشابه سال قبل میلیاردها تومان کاهش یافته است. سال گذشته از طریق سازمان نظام‌پزشکی مجوز طرح ترافیک دریافت کردم و بابت آن از اردیبهشت‌ماه ۹۶ تا یک سال مبلغ ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان پرداختم و از ابتدای امسال نیز از این بابت تاکنون حدود ۴ میلیون تومان پرداخته‌ام که تا اردیبهشت‌ماه آینده احتمالاً به ۶ میلیون تومان می‌رسد. با این حال چگونه می گویند که درآمد شهرداری از محل وصول عوارض محدوده ترافیک کاهش یافته است؟

پزشک دارنده مجوز طرح ترافیک

پای شهروندان را به سردر تاریخی مشق باز نکنند!

این‌که شهرداری تهران تصمیم گرفته است «میدان مشق» پایتخت را از اول بهمن‌ماه بر روی مردم بگشاید، به نظر من تصمیم نادرستی است که موجب آسیب‌دیدن دروازه تاریخی این میدان می‌شود. امروزه در منطقه ۱۲ شهرداری و مرکز تهران تعداد خیلی کمی از آثار و بناهای تاریخی دوران قاجار باقی مانده است که نیاز به حفاظت و نگهداری دارند و در مورد «میدان مشق» هم بهتر است از خیابان ۳۰ تیر راهی به این محل باز شود تا سر در تاریخی آن برای نسل‌های آینده هم سالم باقی بماند.

یک شهروند قدیمی تهرانی

چرا فروشگاه‌های قدس بازگشایی نمی‌شود؟

چند سالی است که به دلایل نامعلوم فروشگاه‌های زنجیره‌ای قدس در خیابان ولی‌عصر (عج) تقاطع زرتشت و میدان‌های امام‌حسین(ع) و خراسان تعطیل شده‌اند و ساختمان‌هایشان خاک می‌خورند. مالک یا مالکان این فروشگاه‌ها که گفته می‌شود بنیاد مستضعفان است، ضمن اطلاع‌رسانی درباره دلایل تعطیلی این فروشگاه‌ها، بهتر است در مورد بازگشایی آن‌ها که به سهم خود نقش قابل ملاحظه‌ای در تأمین و توزیع مایحتاج مردم به قیمت مناسب دارند، اقدام کنند.

شهروندی از تهران

پخش برنامه‌های مسابقات فوتبال آسیا همزمان نباشد

در رابطه با مسابقات فوتبال جام ملت‌های آسیا ۲ برنامه «فوتبال آسیایی» از شبکه ورزش و برنامه دیگری در همین زمینه از شبکه ۳ سیما به صورت همزمان پخش می‌شود که بینندگان را برای تماشای آن‌ها بر سر دو راهی قرار می‌دهد! ضروری است صداوسیما زمان پخش یکی از برنامه‌های یاد شده را تغییر دهد تا تماشای هر ۲ برنامه برای علاقه‌مندان فوتبال امکان‌پذیر باشد.

پرویز کهنسال ـ اسلامشهر

یک پیام به خواننده روزنامه اطلاعات!

از خواننده گرامی روزنامه اطلاعات در همدان تقاضا می‌شود هنگام بیان پیام‌های خود رادیو را خاموش و یا صدای آن را آنقدر کم کند که همراه با پیام ایشان، همزمان در پیامگیر خط ارتباطی ضبط نشود و قابل شنیدن و پیاده‌سازی باشد!

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

چرا امدادرسانی با تأخیر انجام گرفت؟

پنجشنبه ۱۳ دی ماه از حوالی ساعت ۱۲ ظهر به مدت تقریبی ۶۰ دقیقه در جاده دماوند ـ فیروزکوه در برف و بوران گرفتار شدیم که در آن هوای خیلی سرد تماس‌های‌مان با اورژانس و پلیس ۱۱۰ برای دریافت کمک به جایی نرسید و فقط هلال‌احمر دماوند ما را دلداری داد که اگر وضعیت خیلی اضطراری است، به محل آمبولانس بفرستند که تشکر کردیم. سؤال اینجا است که امدادگران طرح زمستانی جاده‌ها در چنین مواقعی چرا دیر به محل می‌رسند و به مسافران در راه مانده کمک می‌کنند؟

مسافری از استان مازندران

دلیل انتشار بوی نامطبوع در تهران را اعلام دارند

از روزی که بویی نامطبوع در تهران پخش شد تاکنون علیرغم وجود نهادها و سازمان‌هایی مانند محیط زیست، آتش‌نشانی و پدافند غیرعامل، دلیل آن اعلام نشده است که امیدواریم برای پایان دادن به شایعات، نظر کارشناسان در این مورد اعلام شود.

شهروندی از تهران

آیا مسئولان هم در افزایش قیمت‌ها سهیم هستند؟

یک شیشه مایع دستشویی اوه را ۲۰ روز پیش به قیمت ۷ هزار و ۲۰۰ تومان خریدم که همین محصول ۸ هزار و ۶۵۰ تومان شده و قیمت آن هم روی شیشه‌اش درج شده است. آیا مسئولان با این قیمت‌گذاری‌ها موافقند و به افزایش نرخ اجناس کمک می‌کنند یا تولیدکنندگان خودسرانه قیمت محصولاتشان را بالا می‌برند؟

مصرف کننده محصولات بهداشتی

سارقان حرفه‌ای هم مانند مفسدان اقتصادی اعدام شوند

به عنوان یک کشتی‌گیر پیشکسوت و ملی‌پوش سابق معتقدم وقتی مفسدان اقتصادی که علیرغم خلافکاری‌هایشان برای عده‌ای اشتغال هم ایجاد کرده‌اند اعدام می‌شوند، چرا باید سارقان حرفه‌ای پس از اینهمه آزار و اذیت مردم و وارد ساختن خسارت‌های قابل توجه مالی و روحی به شهروندان، هرچند وقت یکبار در زندان بخورندو بخوابند و دگربار جرایم‌شان را تکرار کنند؟ اگر این سارقان جنایت‌پیشه هم مانند مفسدان اقتصادی به جرم فساد فی‌الارض اعدام شوند، به تأمین امنیت مردم کمک بزرگی خواهد شد.

عضو سابق تیم ملی کشتی

گشت مشترک بازرسان تعزیرات و بهداشت و درمان

بهتر است بازرسان سازمان تعزیرات و وزارت بهداشت و درمان همراه باهم به بازدید از واحدهای صنفی و بررسی عملکرد آن‌ها بپردازند تا در عین حال که قیمت مصوب محصولات‌شان بررسی می‌شود، مسائل بهداشتی واحدها هم مورد توجه قرار گیرد.

تلفن به خط ارتباطی

مسئولان با شکنجه‌های روحی مردم هم مبارزه کنند!

به نظر من مسئولان صرفاً نباید به شکنجه‌های جسمی افراد توجه نشان دهند، بلکه برای مبارزه با شکنجه‌های روحی مردم هم باید فکری کنند! ازجمله بعضی از برنامه‌هایی که تلویزیون پخش می‌شود و یا افزایش تورم و گرانی‌ها و همچنین جلوگیری از ورود خانم‌ها به استادیوم‌های ورزشی برای تماشای مسابقات هر کدام به نوعی شکنجه روحی محسوب می‌شود که باید خاتمه یابند!

شهروندی از تهران

پاسخ مسئولان

پاسخ شرکت مترو درباره تعویض کتاب در ایستگاه‌ها

احتراماً، خواهشمند است درخصوص مطلب مندرج در آن روزنامه، شنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۵ با عنوان« اسامی ایستگاه‌های تعویض کتاب در مترو را اعلام کنند» پاسخ زیر به چاپ برسد:

ضمن تشکر از آن روزنامه وزین به اطلاع می‌رساند. درخصوص طرح تعویض کتاب‌های کهنه با کتاب‌های چاپ جدید در ایستگاه‌های مترو در حال حاضر از سوی این شرکت هیچ اطلاعیه‌ای صادر و یا اقدام رسمی انجام نشده است. گفتنی است که در هفته موسوم به «کتاب و کتاب خوانی» این شرکت با هدف تشویق و ترغیب مردم و همچنین ترویج فرهنگ مطالعه با مشارکت و هماهنگی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، اقدام به توزیع رایگان کتاب بین مسافران محترم در تعدادی از ایستگاه‌های منتخب کرده است.

محسن محمدیان
مشاور مدیرعامل و مدیر ارتباطات و امور بین‌الملل

پاسخ شرکت واحد اتوبوسرانی در خصوص موارد پیاده کردن مسافران خارج از ایستگاه‌ها

با سلام، احتراماً با عنایت به مطلب مندرج در آن روزنامه به تاریخ ۹۷/۱۰/۱۰ با عنوان «خارج از ایستگاه‌ها مسافر سوار و پیاده نکنند»، ضمن تشکر از دقت نظر شهروند گرامی اعلام می‌دارد نظارت بر ارائه خدمات حمل و نقلی به شهروندان محترم در تمامی خطوط اتوبوسرانی طبق برنامه زمانبندی، به وسیله سامانه هوشمند مدیریت ناوگان و همچنین سایت نظارت تصویری انجام می‌شود و در صورت انحراف از برنامه زمانبندی و تخلفات دیگر به عوامل مربوطه تذکر داده می‌شود. لذا جهت رفاه حال شهروندان گرامی و تکریم ارباب رجوع به عوامل مربوطه در خصوص نظارت بیشتر بر اجرای برنامه زمانبندی و سرویس‌رسانی مطلوب توجه داده شد.

محمدرضا رضایی‌منش ـ مشاور فرهنگی و اجتماعی مدیرعامل و مدیر روابط عمومی

اخبار کوتاه داخلی

تیم کشتی امید جایگزین بزرگسالان در جام جهانی روسیه

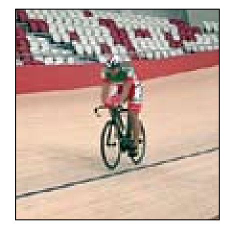


تیم ملی کشتی آزاد امید در رقابت‌های جام جهانی روسیه شرکت می‌کند.به گزارش ایسنا و به نقل از روابط عمومی فدراسیون کشتی، پس از برگزاری نشست مشترک حمید بنی تمیم سرپرست فدراسیون با اعضای کادر فنی تیم ملی بزرگسالان و سرمربی تیم ملی امید و با بررسی صورت گرفته مقرر شد با توجه به درخواست علیرضا رضایی سرمربی تیم ملی امید، این تیم به نمایندگی از کشتی ایران در جام جهانی ۲۰۱۹ روسیه شرکت کند.قرار است پس از هماهنگی میان کادر فنی تیم ملی بزرگسالان و امید، ترکیب تیم اعزامی برای حضور در جام جهانی اعلام شود.رقابت های جام جهانی کشتی آزاد روزهای ۲۵ و ۲۶ اسفندماه در یاکوتسک روسیه برگزار خواهد شد.

قهرمانان پارالمپیک نشان های خود را به موزه ملی اهدا می کنند

پیشکسوتان پارالمپیک ایران روز سه شنبه هفته جاری در مراسمی نشان و یادبودهای افتخارآفرین خود را به موزه ملی ورزش المپیک و پارالمپیک اهدا می کنند.به گزارش ایرنا؛ بخش نخست موزه ملی ورزش المپیک و پارالمپیک بهمن امسال همزمان با چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی افتتاح می‌شود. به همین منظور چند تن از قهرمانان معلول ایران در این مراسم هدایای خود به موزه اهدا می‌کنند.در این موزه مجموعه دستاوردها و ظرفیت‌های ورزشکاران مدال آور و قهرمان در این موزه به تصویر کشیده می‌شود تا گام مهمی در ثبت و نگهداری خاطرات افتخار آفرینی ورزشکارانی که در ادوار مختلف پرچم ایران را به اهتزاز درآورند یادگاری ارزشمند را برای نسل کنونی و آینده کشورمان در این گنجینه بگذارند.

پایان رقابت‌های دوچرخه‌سواری بدون مدال برای تیم ایران



آخرین روز از مسابقات دوچرخه سواری پیست قهرمانی آسیا در اندونزی بدون کسب مدال برای تیم ایران برگزار شد.به گزارش خبرنگار مهر، مسابقات دوچرخه سواری پیست قهرمانی آسیا از ۱۹ دی ماه در جاکارتا اندونزی آغاز و دیروز با معرفی برترین ها به کار خود پایان داد.در مسابقات آخرین روز علی لبیب در اومینیوم جوانان در مجموع نهم شد. فروزان عبداللهی در همین رده سنی و در بخش بانوان در ماده اسکرچ نتوانست مسابقه خود را به پایان برساند.در ماده مدیسون بزرگسالان تیم دو نفره ایران متشکل از محمد رجبلو و محمد گنج خانلو چهارم شده و از کسب مدال بازماندند.در پایان این رقابت ها تیم دوچرخه سواری ایران موفق به کسب مدال نشد. تنها مهدی محمدی رکابزن معلول ایران در ماده تعقیقی انفرادی و در بخش پاراسایکلینگ صاحب یک نشان نقره شد.

شکست مقصودلو در دور اول مسابقات شطرنج تاتا استیل

شکست پرهام مقصودلو در جدول دوم و همچنین توقف مگنوس کارلسن و ممدیاروف در جدول اول رقابت ها، مهمترین اتفاقات دور اول هشتاد و یکمین دوره تورنمنت معتبر تاتا استیل هلند بود.به گزارش خبرگزاری فارس و به نقل از روابط عمومی فدراسیون شطرنج، تورنمنت تاتا استیل در هلند آغاز شد. پرهام مقصودلو رقابت های خود را در جدول دوم مسابقات آغاز کرد تا در صورت کسب عنوان قهرمانی بتواند سال آینده در جدول شماره یک یا همان استادان حضور یابد.او در دور اول مغلوب آنتوان کربف از اوکراین شد.

محمودی: مجمع انتخاباتی والیبال باید قبل از عید برگزار شود



کارشناس والیبال گفت: صلاح والیبال این است تا قبل از عید مجمع انتخاباتی برگزار و تکلیف رئیس مشخص شود.بهنام محمودی در گفتگو با خبرنگار مهر درباره برگزاری هر چه سریعتر مجمع انتخاباتی والیبال گفت: افشین داوری در حال حاضر به عنوان سرپرست در فدراسیون حضور دارد. او را از زمانی که در فدراسیون های مختلف بوده می شناسم. توقع ما این است تا مجمع را هر چه سریعتر برگزار کند. صلاح والیبال ایران در این است تا قبل از عید، انتخابات برگزار و رئیس آینده مشخص شود. چرا که نیاز والیبال ما این است و سال آینده مسابقات مهمی را پیش رو داریم. داوری بـه وزارت تعهد دارد که انتخابات را به خوبی برگزار کند و برود. توقع ما نیز از داوری همین است.

ادامه کار با کولاکوویچ در ادامه چندگانگی‌های وزارت ورزش

تصمیمات عجیب و غریب، بی‌حساب و کتاب و یک بام و دوهوایی‌ها در ورزش کم نیست که البته مسئولیت مستقیم آن با متولیان ورزش است هرچند که علی‌رغم تمام شواهد و قراین و حتی صحبت‌های خود آنان که در زمینه‌های مختلف کرده و سپس آن را عملی نکرده و بعضاً حتی خلاف آن را انجام داده‌اند، هیچگاه نه تنها مسئولیت این تصمیمات را به عهده نمی‌گیرند بلکه توجیهاتی برای فرار از آن هم دارند. نمونه آن هم ماجرای بازنشسته‌هایی که بعضاً استعفا هم داده‌اند اما میزشان را ترک نکرده‌اند یا یک بام و دو هوایی که وزارت ورزش با توجیهات مختلف در قبال سرپرستان فدراسیون‌ها از خود نشان داده یا بی‌تفاوتی‌هایی که نسبت به انتخابات برخی از تعیین‌کننده‌ترین فدراسیون‌ها دارد در حالی که پیش از این مدعی شده بود اولویت کار با چنین فدراسیون‌هایی خواهد بود و موارد دیگری که متولیان ورزش برای برخی توجیهاتی غیرقابل قبول دارند و البته برای برخی هم حتی به خود زحمت نمی‌دهند جوابی در حد توجیه هم در قبال سؤالات داشته باشند اما همیشه مدعی هستند که در ورزش، همیشه همه چیز، آرام است و هیچ دلواپسی خاصی برای هیچ ورزشی وجود ندارد. این بی‌تفاوتی‌ها تا آنجا پیش می‌رود که در قبال خواسته چندین و چند باره خانواده بزرگ ورزش اول کشور، یعنی کشتی هم کوچکترین عکس‌العملی و کمترین جوابی نمی‌دهند در حالیکه پس از استعفای خادم وعده‌های چپ و راستی نبود که برای اولویت دادن به کار ورزش اول ایران، نداده باشند.

قضیه والیبال هم در همین مقوله جا می‌گیرد. ورزشی شناخته شده در جهان و المپیک که پس از کنار زدن پرحاشیه رئیس بازنشسته آن، سرپرستی تعیین شد که برخلاف ادعاهای مطرح شده از سوی وزارتخانه ورزش مبنی بر اینکه سرپرستان به خصوص آنان که وزارت ورزشی هستند فقط برای ادامه برنامه‌های جاری فدراسیون‌ها و البته مهمتر از آن، برای برنامه‌ریزی انتخابات ریاست فدراسیون‌ها به کار گمارده شده‌اند، اما ظاهراً در والیبال، سرپرست مأموریتی دارد که آنچه را باید رئیس آینده انجام دهد، انجام می‌دهد در حالیکه اولویت‌های مهمتری از آن هم وجود دارد، حتی اگر قرار باشد والیبال، استثنایی باشد از نظر ادامه امور جاری و برنامه‌ریزی انتخابات رئیسی که باید سرپرست تمام هم و غم خود را صرف آن بکند. اولویت‌هایی مثل جمع و جور کردن اتفاقات و حاشیه‌ها و درگیری‌های لیگ برتر که قبل از عقد یا تمدید بندی از قرارداد سرمربی خارجی، می‌تواند اهمیت داشته باشد چون انتخاب سرمربی فقط از اختیارات رئیس فدراسیون است و از جمله مهمترین مواردی که باید رئیس آینده فدراسیون در مورد آن تصمیم‌گیری کند نه سرپرستی موقتی که اتفاقاً از جنس آن ورزش هم نیست و حتی نمی‌تواند حائز شرایطی استثنایی باشد که برای حمید بنی تمیم در کشتی از سوی داورزنی معاون ورزش قهرمانی وزارت ورزش، مطرح شد. اهمیت کار آنجا مشخص می‌شود که شواهد و قراین نشان می‌دهد که چنانچه ماجرای قانون منع به کارگیری بازنشستگان مطرح نمی‌شد، امروز ضیایی همچنان رئیس فدراسیون بود و بعید بود که او و دبیرش تمایلی به ادامه کار با سرمربی خارجی تیم‌ملی را پس از آن نتیجه ضعیف، داشته باشند. با این وجود افشین داوری، سرپرست فدراسیون، اولین اولویت کاری خود را بر توافق با بندی از قرارداد کولاکوویچ، قرار داد تا نشان دهد سرپرستی است که می‌تواند هم نظر با رئیس فدراسیون ـ که البته هنوز استعفا هم نداده و شاید تبعاتی برای فدراسیون هم داشته باشد ـ نبوده و قاعدتاً در ادامه امور جاری فدراسیون هم تغییراتی به وجود آورده است. و از طرف دیگر، برای رئیس بعدی فدراسیون والیبال هم تعیین تکلیف کرده و یک مربی را که می‌تواند مورد تأیید او نباشد، به وی تحمیل کند. اما تمام این ماجراها در یک صورت می‌تواند باطل شود که در انتخابات آینده، داوری هم جزو استثنائات وزارت ورزش به حساب بیاید و بتواند یکی از داوطلبان احراز پست ریاست فدراسیون باشد. البته چنانچه این احتمال، قطعیت پیدا کند این موضوع هم اضافه می‌شود بر تصمیمات چندگانه‌ای که اخیراً در وزارت ورزش، حساب و کتابی ندارد.

در هر حال بازگشت «کولاکوویچ» به ایران و تمدید قرارداد او با سرپرست فدراسیون والیبال در پی بندی که هیچکدام از طرفین را ملزم به ادامه کار نمی‌کرد، بهانه‌ای شد برای یادآوری تصمیمات چند گانه و یک بام و چند هوایی‌هایی که در ورزش کشور، وجود دارد اما متولیان ورزش با اعتماد به نفس و اطمینان از بابت اینکه هیچکس نمی تواند آنان را ملزم به پاسخگویی در این زمینه کند، این ماجراها را همچنان ادامه می‌دهند.

علی ای حال علیرغم نتایج بسیار ضعیف کولاکوویچ و در حالیکه کمتر کارشناسی فکر می‌کرد فدراسیون والیبال به فکر ادامه کار با او باشد، اما سرپرست فدراسیون، به دنبال او



رفت تا او در قسمتی از اظهارنظرهایش به نکته‌ای اشاره کند که از این پس می‌تواند بدعتی باشد برای مربیانی که در صورت ناکامی در رشته‌های مختلف، به آن توسل جویند. کولاکوویچ مدعی شد در قبال نتیجه ضعیف تیم‌ملی، مسئولیت را می‌پذیرد اما تقصیر را برعهده نمی‌گیرد. یک موضع‌گیری کاملاً مبهم که نمی‌تواند مرزی بین مسئول و مقصر بودن، باشد.

ایگور کولاکوویچ: دوست ندارم جایی باشم که من را نخواهند



سرمربی تیم ملی والیبال با بیان اینکه با دستیارانش در ایران اختلافی نداشته است، گفت: بازیکنی که حضورش در تیم ملی را مشروط به بازگشت امیر خوش‌خبر کند اصلا دعوت نمی‌کنم.

به گزارش خبرنگار مهر ایگور کولاکوویچ در جمع خبرنگاران گفت: می دانم سئوال شما این است چرا بعد از قهرمانی جهان به ایران نیامدم. امروز اینجا هستم تا سوالات شمارا هر سئوالی که باشد جواب دهم.او در پاسخ به این سوال که در زمان ضیایی چه مشکلی وجود داشت که ممکن بود قراردادش تمدید نشود واینکه آیا الان با وجود سرپرست جدید فدراسیون، قراردادش تا المپیک ۲۰۲۰ تمدید شده است؟ گفت: من با افشین داوری سرپرست فدراسیون قرارداد را تمدید نکردم. همانطور که می دانید قراردادم با ضیایی پیوست داشت. در حقیقت الان داریم آن پیوست را قانونی می کنیم.سرمربی تیم ملی والیبال تاکید کرد: ضیایی اگر راضی نبود می توانست قرارداد من را فسخ کند. اولین سئوال من از داوری این بود که دوست دارید قراردادم را تمدید کنید؟ شخصا دوست ندارم جایی باشم که من را نخواهند. در پیوست قراردادم تبصره ای برای اجبار قبول من نداشتند. داوری گفت وقتی شما را دعوت به مذاکره کردیم یعنی علاقه مند به همکاری هستیم.

کولاکوویچ در پاسخ به این سئوال که چرا ضیایی مایل به همکاری با شما نبود؟ گفت: باید از خود ضیایی بپرسید ولی فکر نکنم که ضیایی مایل به ادامه همکاری با من نبود. سرمربی تیم ملی والیبال درباره برنامه هایش برای این تیم در سال پیش رو که سال سختی هم هست، گفت: سال سختی است. هدف ما این است در المپیک نتایج خوبی کسب کنیم. تقویم مسابقات پیچیده است و تیم ملی کار فشرده ای دارد. در مرحله مقدماتی المپیک با کوبا، مکزیک و روسیه بازی داریم. بعد هم مسابقات قهرمانی آسیاو جام جهانی در ژاپن. اگر در مقدماتی المپیک موفق نشویم باز در رقابت‌های انتخابی قاره‌ای هستیم. مسابقات مختلفی هست و به اندازه کافی زمان نداریم. ۹ بازیکن ملی خارج از ایران بازی می کنند و اگر آنها را به تیم ملی دعوت کنم تازه اواسط ماه می می توانند به تیم ملحق شوند. این شرایط برای بازی‌های دوستانه سخت است و زمان کافی نداریم. سعی می‌کنیم حداقل یک بازی دوستانه با تیمی قدرتمند داشته باشیم. مشکل دیگر حضور تیم جوانان در مسابقات است که در ماه جولای برگزار می شود. همانطور که دیدید بیشتر سعی کردم از جوانان استفاده کنم ولی چون آنها در رقابت های جهانی هستند نمی توانم این کار را انجام بدهم.

کولاکوویچ در خصوص اینکه چرا در مصاحبه با سایت فدراسیون والیبال هیچ سهمی برای خود در ناکامی تیم ملی قایل نبود؟ گفت: من گفته بودم از اینکه رتبه سیزدهم را کسب کردم راضی نیستم. از روز اول تا آخر با تمام قدرت کار کـردم. نمـی توانم بگویم من مقصر آن نتایج بودم. به سایت فدراسیون گفتم احساس می کنید من مقصر بودم؟ خیر مقصر نبودم.

وی در خصوص بالارفتن توقعات مردم از تیم ملی و اینکـه قول چه نتایجی را می دهد، گفت: به مردم ایران و فدراسیون بسیار احترام می گذارم. قدرت واقعی والیبال ایران مردم و طرفداران هستند. طبیعی است که توقعات بالا برود به همین دلیل به آنها طرفدار می گویند چون دوست دارند بهترین نتیجه برای تیم ملی کسب شود. تنها قولی که می دهم این است که من و کادرم بهترین نتیجه را کسب کنیم.

کولاکوویچ در پاسخ به این سوال که آیا خودش از نتایج کسب شده رضایت داشته یا خیر؟ گفت: فقط از رتبه‌ای که در مسابقات جهانی کسب شد راضی نیستم. وقتی درباره نتایج صحبت می کنید باید حاشیـه های اطرافش را هم بدانید. دوسـت ندارم از خودم و نتایج کسب شده تعریف کنم چون کار تیمی بوده است. یکی از نتایج قابل قبول مدال برنز در قهرمانی قاره ها بود که جای تعریف دارد. همانطور که می‌دانید فقط به برزیل باختیم و آمریکا، ایتالیا، فرانسه و ژاپن را شکست دادیم. در تاریخ والیبال ایران این اولین مدال جهانی بود. هیچ وقت یادآوری نمی کنید که این اولین مدال جهانی تیمی در رشته های ایرانی بوده است.

او درباره احتمال بازگشت امیر خوش خبر سرپرست تیم ملی والیبال گفت: وقتی درباره خوش خبر صحبت می‌شود می‌گویم احترام بسیاری برای او قائلم. کار کردن با خوش خبر افتخار بزرگی برای من بود. همانطور که می‌دانید خوش خبر فقط در ایران شناخته شده نیست؛ تمام دنیا او را می شناسد و این برای والیبال خوب است. رفتار، دانش و روانشناسی او اینقدر کامل است که می تواند به تیم کمک کند. با داوری سرپرسـت فدراسیون راجع به خوش خبر صحبت کردم. نمی خواهم بگویم شرط ولی یکی از خواسته هایم همکاری خوش خبر با تیم بود. به جرات و دانش داوری اعتقاد دارم و فکر کنم تصمیمات خوبی خواهد گرفت. دوسـت دارم خوش خبر جزو تیم باشد.

سرمربی تیم ملی والیبال در پاسخ به این سوال که از کارهای مثبت استفاده از جوانان در تیم بود، برنامه او برای استفاده بیشتر از جوانان چیست؟ گفت: زمانی که برای اولین بار ایران آمدم فدراسیون از من جوانگرایی خواست. همانطور که می دانید جوانگرایی آرام انجام شد. این نسل نوجوانان یکی از بهترین نسل هایی است که طلای جهان را گرفت. از این نسل استفاده می کنم. من تمام مدت از جوانان استفاده خواهم کرد. معتقدم که فقط در استفاده از جوانان می توانیم نتایج خوب استفاده کنیم. در جهانی از شریفی، حضرت پور و توخته استفاده کردیم، در ایران کسانی هم سن اینها هستند که با استعداد هستند و می توان از آنها هم استفاده کرد. با اینکه تیم جوانان رقابت های جهانی دارد باید راه حل خوبی برای استفاده از این جوان ها پیدا کنیم. تنها چیزی که میخواهم به جوانان بگویم این است که صبر آنها و شما خبرنگاران زیاد شود. ما نیز جوان بودیم و در زندگی بالا و پایین زیاد داشتیم. ایران باید بداند نسل بسیار خوبی دارد.

کولاکوویچ درباره اینکه آیا تایید می کند به خاطر طلب هایش، ضیایی راضی به بازگشتش نبوده و اینکه آیا قولی برای پرداخت مطالباتش داده شده است؟ گفت: طلب من ربطی به بازگشتم نداشت. هر روز منتظر بازگشت به ایران و تماس از فدراسیون بودم. شخصا نامه ای به ضیایی زدم که تکلیف چیسـت؟ اما پاسخ نداد. از روزی که آمده ام با داوری هر روز در تماس بودم. به همین دلیل بسیار با فدراسیون نزدیک هستم. درباره گرفتن طلبم فکر نکردم. حرفه ای فکر می کنم و مطمئنم فدراسیون هم حرفه ای عمل می کند.

کولاکوویچ درباره بحث بازیکن سالاری و دخالت های سعید معروف در تیم گفت: در زندگی من بازیکنانی مثل معروف بوده اند. برای همه آنها احترام قائلم. یکی از جاهایی که احساس می کنم به کار من احترام گذاشته می شود از طرف بازیکنان ایرانی بوده است. آنها به کار من احترام می گذارند و در آینده نیز همینطور است. اگر در آینده ناخدای کشتی باشم و نتوانم کشتی را خودم هدایت کنم از کشتی پیاده می‌شوم. قبلا هم چنین شایعاتی را شنیده بودم ولی چنین چیزی نیست. من خودم کار می کنم و کسی دخالتی ندارد.

«بعضـی از بازیکنان اعلام کرده اند در صورت نبودن خوش خبر به تیم ملی نمی آیند. استراتژی شما برای چنین شـرط هایی چیست؟» کولاکوویچ در پاسخ به این سئوال گفت: نمی دانم چه کسی گفته که اگر خوش خبر نباشد به تیم ملی نمی آید. به این دلیل از خوش خبر نخواسـتم به تیم ملی بیاید چون خوش خبر کارش را بلد است. اگر بازیکنی چنین فکری می کند اصلا او را به تیم ملی دعوت نمی کنم. اگر چنین تصمیمی گرفته اند باید به مردم ایران توضیح بدهند. این مردم هستند که آنها را به تیم ملی دعوت می کنند. این صحبت ها اصلا عاقلانه نیست چون زمانی کـه بازیکنان برای تیم ملی بازی می کنند برای ۸۰ میلیون ایرانی بازی می کنند.

«شـما اعلام کردید مقصر نتایج تیم ملی نیستید. پس چه کسی مقصر است؟» کولاکوویچ در پاسخ به این سئوال گفت: من گفتم مسئول نتایج هستم ولی مقصر نیستم. مقصر با مسـئولیت فرق دارد. ما هیچ کم کاری نکردیم و تمام تلاش خود را انجام دادیم. پس از ۹ سال از هدایت تیم ملی صربستان به دلیل یک تصمیم اشتباه استعفا کردم چون خودم را مقصر می دانستم.

وی درباره حضور ایران در المپیک توکیو و کسب عنوان در المپیک گفت: حق ایران حضور در المپیک است ولی کار سختی در پیش دارد. وقتی وارد المپیک شویم می‌توانیم درباره مقام کسب شده حرف بزنیم. در مرحله مقدماتی بازی‌های بسیار سختی داریم.

اخبار کوتاه

پیروزی پر گل قطر مقابل کره شمالی

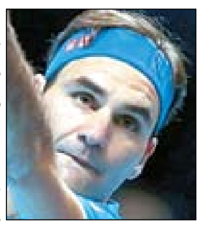


تیم ملـی فوتبال قطر با برتری برابر کره شمالی توانست صعود خود را به مرحله حذفی جام ملت‌های آسـیا قطعی کند.به گزارش ایسنا، در ادامه دیدارهای جام ملت‌های آسیا قطر به دیدار کره شمالی رفت و خیلی زود توانست برتری خودش را به حریفش دیکته کند. المعز علی در دقیقه ۹ بازی توانست برای تیمش گلزنی کند. این مهاجم دو دقیقه بعد گل دوم خود و تیمش را وارد دروازه کره شمالی کرد تا خیلی زود عنابی‌ها برتری خودشان را به حریفشان دیکته کنند. در ادامه گلزنی قطری ها با المعز ،خوخی وعبدالکریم حسـن تداوم یافت تا ۶ بر صفر پیروز شوند.

ژاپن در جمع ۱۶ تیم پایانی

ژاپن با کسب دومین برد متوالی مسیر صعودش به یک شانزدهم نهایی را هموار کرد. به گزارش خبرگزاری فارس، در چارچوب مرحله گروهی جام ملت‌های آسیا و در دور دوم عمان و ژاپن در ورزشگاه زاید به مصاف هم رفتند.ژاپن در نهایت در این دیدار با نتیجه یک بر صفر به پیروزی رسید و نام خود را در جمع ۱۶ تیم پایانی ثبت کرد. برای ژاپن گنکی هاراگوچی ۲۸ از روی نقطه پنالتی گلزنی کرد.

واکنش فدرر به خداحافظی ماری



تنیسـور سوئیسی مطرح جهان نسبت به خداحافظی اندی ماری از دنیای قهرمانی واکنش نشان داد.به گزارش خبرگزاری فارس راجر فدرر تنیسـور مطرح جهان که تاکنون ۲۵ بار از جمله در ویمبلدون و فینال المپیک ۲۰۱۲ لندن با اندی ماری روبه‌رو شده، درباره خداحافظی ماری واکنش نشان داد.وی در این باره اظهار داشـت: فکر می‌کنم شرایط بدنی او باعث شد تا ماری متاسفانه چنین تصمیمی بگیرد. این آسیب‌دیدگی طولانی حدود ۲ سال است که او را آزار می‌دهد.من امیدوارم او بتواند در مسابقات آزاد استرالیا خوب مسابقه دهد و ویمبلدون را آن طور که دوست دارد به پایان برساند.نواک جوکوویچ تنیسور شماره یک جهان نیز از شنیدن خبر خداحافظی اندی ماری ابراز ناراحتی کرد. وی در دیداری دوستانه به مصاف ماری رفت.

سایت کوره: شروع خوب ایران انتقادات از کی‌روش را کم کرده است

سـایت عربی کوره به سـتایش تیم کارلوس کی‌روش پرداخت و تاکید کرد که شـروع خوب تیم ملی ایران باعث شـده انتقادات از سرمربی پرتغالی کم شود.به گزارش ایسنا، روزنامه عربی کوره نوشت: کارلوس کی‌روش قبل از جام ملت‌های آسیا گفت که رسیدن به نیمه نهایی رویای فوتبال ایران است و این باعث شد بسیاری مثل خداداد عزیزی از او انتقاد کنند اما شـدت این انتقادها این روزها با نمایش خوب ایران در امارات کم شده است.این سایت در ادامه آورده است: اگر ایران به درخشـش خود در جام ملت‌ها ادامه دهد این انتقادات از کی‌روش به کلی از بین می‌رود. ایران نمایش بسیار خوبی در جام ملت‌ها داشته و این باعث شده بعضی سخنان کی‌روش را قبل از شروع بازی‌ها به باد تمسخر گیرند البته این تمسخر باعث خشم سرمربی تیم نمی‌شود.

والورده به دنبال مهاجمی جدید برای بارسلونا



سـرمربی بارسـلونا مدعی شده به دنبال جانشینی برای مونیر است و توضیح داده بازیکنی که مد نظر اوسـت باید چه شرایطی داشته باشد.به گزارش خبرگزاری مهر، ارنسـتو والورده سرمربی تیم فوتبال بارسلونا درباره احتمال خرید یک مهاجم در مـاه ژانویه صحبت کرده تا بتواند او را جانشین مونیر کند که این هفته از بارسلونا به سـویا خواهد رفت. والورده گفته باشگاه چندین گزینه را مد نظر دارد.والورده همچنین مدعی شـده اگر نتوانند مهاجمی را به خدمت گیرند بازیکنی را از تیم دوم بارسـلونا به تیم اصلی منتقل خواهند کرد. هرچند که به این موضوع هم اشـاره کرده که ابل رویز مصدوم اسـت و رافا موجیکا محروم و هر دو بازی مقابل ایبار را از دسـت خواهند داد.

برنامه سوم شهرداری تهران با محوریت شفاف‌سازی و کاهش بوروکراسی اداری

رئیس شورای شهر تهران از تصویب برنامه پنجساله شهرداری خبر داد و گفت: بودجه سال ۹۸ براساس برنامه پنجساله تدوین می شود.

به گزارش مهر، محسن هاشمی در حاشیه جلسه علنی دیروز شورای شهر تهران با اشاره به تصویب کلیات برنامه سـوم توسعه گفت: در این جلسه کلیات برنامه سوم به تصویب رسید و در جلسه عصر و صبح امروز هم ۱۰۰ حکم این برنامه مطرح و به تصویب خواهد رسید.

وی با بیان این که با توضیحات الویری نایب رئیس کمیسیون تلفیق، شورا وارد بررسی کلیات برنامه پنجساله شد، اظهار داشت: اعضای شورا به تک تک احکام ورود پیدا کرد و پیشنهادات خود را در زمینه احکام ارائه کردند که امیدواریم روند بررسی جزئیات تا ظهر امروز به پایان برسد و از آن به بعد، شورا و شهرداری جزئیات آن را منتشر کند. همچنین بودجه سـال ۹۸ شهرداری تهران براساس برنامه پنجساله تدوین خواهد شـد و بهمن ماه روند تصویب راخواهیم داشت.هاشمی در پاسخ به این پرسش که براساس قانون، ۲۹ دی ماه آخرین فرصت شـهرداری برای ارسال بودجه است، تصریح کرد: در گذشته هم این موضوع که بودجه با تأخیر به شورا بیاید را داشته ایم و ما تا اسفندماه می توانیم به بودجه رسیدگی و به فرمانداری ارسال کنیم؛ بنابراین در زمانبندی بودجه شهرداری نگرانی وجود ندارد.

رئیس شورای شهر تهران در باره آخرین وضع لایحه مدیریت واحد شـهری خاطرنشـان کرد: به نظر می آید تحقق مدیریت هماهنگی شهری از مدیریت واحد شهری آسانتر باشد.

وضعیت پولی «درمان» در لایحه بودجه ۹۸

معاون درمان وزارت بهداشت درباره وضعیت اعتبارات «تحول در درمان» در بودجه سال ۱۳۹۸، گفت: در زمینه ارائه منابع تحولی حوزه درمان مانند ۱۰ درصد هدفمندی یارانه‌ها و یک درصد ارزش افزوده در لایحه بودجه سال آینده مشکلی وجود ندارد.

دکتر قاسـم جان‌بابایی در گفت‌وگو با ایسـنا، گفت: درحال حاضـر لایحه بودجه در مجلس شـورای اسلامی در حال بررسی اسـت. از طرفـی باید بدانیم که بالأخره در این شـرایط کشور، دولت در بودجه‌نویسی برای همه حوزه‌ها با محدودیت‌هایی مواجه خواهد بود.

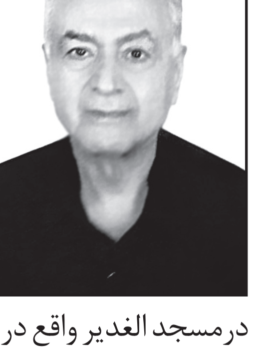
وی افزود: به هرحال ما هم وزارتخانه‌ای هستیم که منابع‌مان به سازمان برنامه و بودجه وابسته است. مانـنـد پول‌هایی که به بیمه‌ها ارائه می‌شود. براساس شرایط مملکت تصمیماتی برای بودجه گرفته شده است و دولت هم بر اساس شرایط و میزان فروش نفت و محل مالیات کشور تصمیم‌گیری می‌کند.

جان‌بابایی ادامـه داد: البته وزارت بهداشت منابعی را هم در حوزه درمان از محل طرح تحول نظام سلامت دارد. مانند ۱۰ درصد هدفمنـدی یارانه‌ها و یک درصد ارزش افـزوده که تقریباً در زمینه ارائه این منابع برای وزارت بهداشت در لایحه بودجه سال آینده مشکل جدی وجود ندارد.

وی گفت: بنابراین درباره منابع حوزه درمان که شـامل بسته‌های تحولی است، خوشبختانه نهایت همکاری انجام شـده و قول‌هایی هم داده‌اند که در مواردی که اعتبار کمتری پیش‌بینی شـده، نهایت همکاری را انجام دهند.

ترحیم

هوالباقی

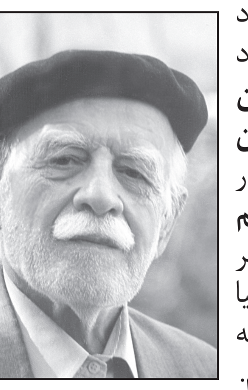


بدینوسیله فوت مرحوم مغفور **جناب آقای حاج احمدعلی ثالثی** از مؤسسین و رئیس هیئت مدیره صندوق قرض‌الحسنه باب‌الحوائج را به اطلاع می‌رساند.
مجلس ختم آن مرحوم روز سه‌شنبه ۹۷/۱۰/۲۵ از ساعت ۱۵:۱۵ الی ۱۶:۴۵ در مسجد الغدیر واقع در خیابان میرداماد برقرار است.

هیئت مدیره و کارکنان
صندوق قرض‌الحسنه باب‌الحوائج

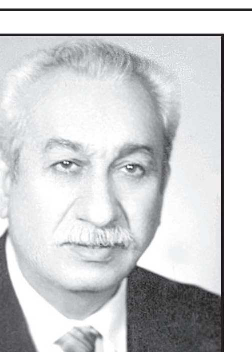
یادبود

هو ۱۲۱



در هفتمین سالگرد فقدان پدر، مرشد و استاد گرانقدرمان **شادروان حاج عبدالصالح جواهریان** یاد و خاطره او و مادر فقیدمان **(حاجیه خانم کبری پیروزنیا)** و سایر درگذشتگان خاندان پیروزنیا را گرامی می‌داریم و به روانشان درود می‌فرستیم.

از طرف بازماندگان عبدالحسین جواهریان

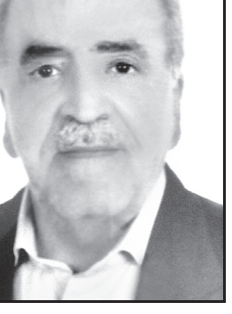


حیف میدانم که دگر
برنمی‌داری
از این خواب گران، سر
... یاد تو اما
بغضی‌ست در گلو
که به کلام در نمی‌آید

بیست و پنجم دیماه در آستانه نهمین سال درگذشت همسر و پدر عزیزمان **مرحوم سید کاظم ابریشم‌چیان لنگرودی** بر کنار مزارش در بهشت سکینه گردهم می‌آییم و یاد آن عزیزترین را گرامی می‌داریم.

ملوک پورنوربخش
امیر، نژلا و علیرضا ابریشم‌چیان

چهل روز گذشت



آیین چهلمین روز درگذشت **هوشنگ عابدی** چهره‌ی خدوم، دلسوز و پرتلاش فرهنگی که سالها در روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش و همچنین تحریریه روزنامه آفرینش، در عرصه‌ی اطلاع رسانی خدمات شایسته‌ای داشت، روز پنج‌شنبه ۲۷ دیماه ۹۷ از ساعت ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰ بر سر مزارش در قطعه ۲۱۵ (ردیف ۱۳۱) بهشت زهرا (س) برگزار می‌شود.

همکاران و دوستانش: شمس الدین انوار، محمدصالحی آرام، فیروز دیندار، کرابی، مهدوی، دادستان، باباخانیان، خلیلی، دادار، دشتکی، سالاریان، صولتیان، شفیعی، هدهدی، حسن زاده، نوبخت، بدر، غلامی

در هوایت بی‌قرارم جای تو خالیست
تا ابد، هستی تو یارم جای تو خالیست
جای جای خانه‌ام مملو از عطر توست
با صدای مهربان با من بگو کجایی
میل دیدار تو دارم کجایی

روز سه‌شنبه چهل روز است در فراق **دکتر مرتضی اسماعیل‌زاده** به سوگ نشسته‌ایم. روحش شاد و یادش گرامی باد.
هزینه مراسم بنا به وصیت آن مرحوم صرف امور خیریه خواهد شد.

همسر همیشه داغدارت ـ عادله بایگان

تسلیت

جناب آقای
محمدعلی کبریت‌ساز توکلی

درگذشت پدر گرامیتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و آرزوی صبر و سلامتی برای شما و بازماندگان آن عزیز از دست رفته دارم.

از طرف سعید جابری

سرکار خانم شکیبایی همکار محترم

مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نماییم.

جمیله صمدپور ـ علی محمودآبادی ـ رضا عزیزی

جناب آقای فارسی‌زاده
سرپرستی محترم روزنامه اطلاعات
در استان خوزستان

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت شوهر خواهر گرامیتان را حضور جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان برای آن مرحوم غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نماییم.

دایی‌زاده
نمایندگی اطلاعات در شهرستان بهبهان

دوست و همکار گرامی
جناب آقای دکتر پیرحسینی

از دست دادن مادر غم بزرگی‌ست، تسلیت عرض می‌نمایم.

دکتر احمد معنوی تهرانی

جناب آقای مهندس علی شادرس

با کمال تأسف درگذشت برادر بزرگوارتان **جناب آقای حاج حسین شادرس** را به جنابعالی و خانواده محترم صمیمانه تسلیت عرض می‌نماییم.

مهندسین فارغ‌التحصیل سال ۵۰
دانشکده فنی دانشگاه تبریز

بازگشت همه به سوی اوست
جناب آقای مهندس ساکی
مدیرکل محترم دفتر توسعه منابع فیزیکی و امور عمرانی
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
فقدان مادربزرگ گرامیتان بر آنجناب و بازماندگان آن خانواده محترم عرض تسلیت باد.
از خدای بزرگ برای آن مرحومه آمرزش روح و برای آنجناب صبر و شکیبایی آرزو می‌کنیم.
با احترام ـ کوشافر

همکار محترم
جناب آقای آبی

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را خدمت جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نماییم.

سازمان آگهی‌ها

انالله و انا الیه راجعون
همکار گرامی
سرکار خانم دکتر زهره بهروزی

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت خواهر گرامیتان را به شما تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحومه علو درجات و برای جنابعالی و خانواده محترم صبر و سلامتی مسألت می‌نماییم.

هیئت مدیره، سهامداران و کارکنان بیمارستان چشم‌پزشکی نگاه

جناب آقای مهندس مهدی ثقة‌الاسلامی

با اندوه فراوان مصیبت درگذشت **جناب آقای مهندس توکلی** را تسلیت عرض نموده، ما را در غم خود شریک بدانید.

دکتر سعید آراد

سخنرانی

برنامه‌های علمی ـ دینی ـ فرهنگی حسینیه ارشاد
هفته چهارم دی

نشست‌ها: ✓ مهارت‌های داده‌ای در عصر دیجیتال
کلاس‌ها: ✓ تفسیر قرآن ✓ تزکیه و اخلاق
نمایشگاه‌هایی با موضوعات: ✓ سوگند در قرآن ✓ ایمان (اسلام) ✓ ادبیات عامه
اطلاعات بیشتر: ۲۲۸۶۶۴۶۵

سپاسگزاری

به نام خدا

بدین‌وسیله مراتب قدردانی و تشکر خود را از یکایک شما سروران، دوستان، آشنایان و بستگان ارجمند به ویژه از کلیه همکاران پزشک و پرستاران و پرسنل محترم بیمارستان جم و مهراد که در مراسم تشییع، تدفین، ترحیم و یادبود شادروان **تقی پارسا** شرکت نموده و با ابراز همدردی و ارسال تاج گل، پیام تسلیت موجب تسلی خاطرمان شده‌اند صمیمانه تشکر و سپاسگزاری می‌نمائیم. از اینکه به علت تألمات روحی توفیق تشکر حضوری میسر نشده قلباً پوزش می‌طلبیم و از پروردگار بزرگ برای یکایک شما عزیزان سلامتی و شادکامی را مسئلت داریم.

پارسا ـ مومنی

آگهی تغییرات
شرکت ایما همراه سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۵۱۰۷۱ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۹۳۲۶۲۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۶/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. موسسه حسابرسی وخدمات مالی حافظ گام به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۸۴۰۳۵ به سمت بازرس اصلی و آقای محمودرضا کوشنده فر با کد ملی ۰۰۴۶۰۲۶۰۹۶ به عنوان بازرس علی البدل برای یکسال انتخاب شدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب شد. اعضای هیات مدیره عبارتند از آقای حمید رضا رحمتی به شماره ملی ۰۰۳۳۹۵۶۷۱۵ به سمت رئیس هیات مدیره، آقای علیرضا علی اکبر آهوان به شماره ملی ۰۰۴۶۷۰۰۵۱۱ به سمت عضو هیات مدیره به نمایندگی از شرکت همراه سرویس خاورمیانه و آقای محمدرضا خوشنویسان به شماره ملی ۰۰۴۳۸۷۲۰۶۹ به سمت نائب رئیس هیات مدیره به نمایندگی از شرکت کاریان همراه و آقای جعفربهشتی فروتن به شماره ملی ۰۰۳۵۰۵۰۰۸۱ به سمت مدیر عامل (خارج از اعضاء) برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقوداسلامی با امضاء متفق مدیرعامل و یکی از اعضاء هیات مدیره همراه با مهر شرکت و در غیاب مدیر عامل با امضاء متفق دو نفر از اعضاء هیات مدیره با مهر شرکت و اوراق و مکاتبات عادی با امضاء منفرد مدیر عامل با مهر شرکت معتبر می باشد.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۲۲۷۸۹)

آگهی تغییرات
شرکت ثامن سازه عرش سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۷۷۲۱۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۲۸۳۴۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۱۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: تعداد اعضاء هیات مدیره از ۵ نفر به ۳ نفر کاهش یافت و در نتیجه ماده ۳۱ اساسنامه به شرح فوق اصلاح گردید. ماده ۳۰ اساسنامه به شرح ذیل اصلاح گردید: اختیارات مجمع عمومی فوق العاده: با هرگونه تغییر در اساسنامه، سرمایه شرکت و همچنین ادغام و ترکیب شرکت و انحلال شرکت منحصرا در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می باشد. اساسنامه جدید شرکت مشتمل بر ۶۴ ماده و ۱۱ تبصره به تصویب رسید و جایگزین اساسنامه قبلی گردید.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۲۲۷۸۷)

آگهی تغییرات
شرکت بانک آینده سهامی عام
به شماره ثبت ۴۴۲۳۲۵ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۹۴۸۷۸

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۲۰ و مجوز شماره ۹۷/۲۲۰۲۵۴ مورخ ۹۷/۶/۲۷ بانک مرکزی تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضای هیأت مدیره به شرح ذیل تعیین سمت شدند: آقای قاسم بختیاری فر ش م ۰۴۹۰۲۳۶۱۶۲ به سمت رئیس هیأت مدیره آقای جلال رسول اف ش م ۲۵۷۱۵۹۱۳۴۷ به سمت مدیر عامل و عضو موظف هیأت مدیره آقای مرتضی شاکری سیاوشانی ش م ۰۰۴۲۱۱۷۶۹۰ به سمت نایب رئیس هیأت مدیره آقای ناصر کریمی ش م ۰۰۴۶۱۹۹۱۳۶ به سمت عضو هیأت مدیره آقای افشین تیرداد لسکو کلایه ش م ۲۷۳۹۱۱۵۱۲۱ به سمت عضو موظف هیأت مدیره و آقای سعید قهرمان پور ش م ۰۰۳۵۸۱۰۷۸۵ به سمت عضو علی البدل هیأت مدیره تعیین گردیدند. امضای مجاز اسناد و اوراق تعهدآور با امضای متفق رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل و در غیاب رئیس هیأت مدیره و یا مدیر عامل، با امضای یکی از آنها به اتفاق یکی از اعضای هیأت مدیره و در غیاب رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل، با امضای متفق دو نفر از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر بانک معتبر می باشد.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۲۲۷۸۱)

آگهی تغییرات شرکت ریخته گری آلومینیوم ایران خودرو سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۶۵۶۷۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۸۲۲۹۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۱۳ و اجازه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۸/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سرمایه شرکت از مبلغ ۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۴۰۶۶۵۶۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۴۰۶۶۵۶۰۰۰ سهم ۱۰۰۰ ریالی با نام از محل تجدید ارزیابی افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید. ذیل ثبت به لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق الذکر تکمیل امضا گردید.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۲۲۷۷۹)

آگهی تغییرات شرکت طراحی و مهندسی ماشین آلات
صنایع دنا میلاد شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۳۱۷۰۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۴۹۹۹۹

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: آقای محمود پرهیزکار به کد ملی ۲۲۹۱۱۹۵۳۰۱ به سمت رئیس هیئت مدیره آقای سید مجتبی صفوی همامی با با کد ملی ۶۲۰۹۹۰۲۲۷۸ به سمت مدیر عامل و نائب رئیس هیئت مدیره خانم ارمغان احمدزاده کد ملی کد ملی ۰۰۶۱۲۵۹۲۲۵ به نمایندگی از شرکت تولیدی لاستیک دنا با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۱۵۵۷۱ به سمت عضو هیئت امضای کلیه اوراق تعهد آور و بهادار و قراردادها و اوراق عادی و اداری با امضای مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت میسر می باشد.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۲۲۷۷۶)

آگهی تغییرات
شرکت نفت سپاهان سهامی عام
به شماره ثبت ۱۵۵۰۷۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۷۸۳۲۹

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای حسن وفایی با کد ملی ۱۷۵۳۱۰۰۲۸۳ به نمایندگی از شرکت توسعه نفت و گاز صبا کارون به شناسه ملی ۱۴۰۰۴۶۷۸۹۸۴ به جای آقای محمد زالی و آقای غلام عباس ترابی با کد ملی ۰۰۵۲۳۵۵۹۵۰ به نمایندگی از شرکت گروه پتروشیمی تابان فردا به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۸۰۴۱۰۴ به جای آقای پیمان شاه علی به عنوان عضو هیئت مدیره انتخاب گردیدند بخشی از اختیارات هیئت مدیره ذیل ماده ۳۷ اساسنامه به شرح ذیل به مدیرعامل تفویض گردید: نمایندگی شرکت در برابر، کلیه ادارات دولتی و غیر دولتی، مؤسسات عمومی، مراجع قضایی و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی. - پیشنهاد ارائه آیین نامه های داخلی شرکت جهت تصویب به هیئت مدیره - افتتاح هرنوع حساب و استفاده از آن به نام شرکت نزد بانک هاو موسسات قانونی دیگر. - دریافت مطالبات و پرداخت دیون شرکت. - صدور، ظهرنویسی، قبولی، پرداخت و واخواست اوراق تجارتی. - انعقاد هر نوع قرارداد، تغییر، تبدیل، فسخ و یا اقاله آن در مورد اموال منقول و غیر منقول که مرتبط با موضوع شرکت باشد و انجام کلیه عملیات و معاملات مذکور در ماده ۲ این اساسنامه و اتخاذ تصمیم در مورد کلیه ایقاعات، بارعایت آیین نامه های شرکت و مصوبات هیئت مدیره. - اقامه هرگونه دعوای حقوقی و کیفری و دفاع از هر دعوای حقوقی و کیفری اقامه شده، در هر یک از دادگاه ها، دادسرها، مراجع قضایی یا غیر قضایی اختصاصی یا عمومی و دیوان عدالت اداری، از طرف شرکت، دفاع از شرکت در مقابل هر دعوای اقامه شده علیه شرکت چه کیفری و چه حقوقی در هریک از مراجع قضایی یا غیر قضایی اختصاصی یا عمومی و دیوان عدالت اداری، استیفای کلیه اختیارات مورد نیاز در دادرسی از آغاز تا اتمام، از جمله حضور در جلسات، اعتراض به رای، درخواست تجدید نظر، فرجام، واخواهی و اعاده دادرسی، استرداد اسناد یا دادخواست یا دعوا، ادعای جعل یا انکار و تردید نسبت به سند طرف و استرداد سند، درخواست صدور برگ اجرایی و تعقیب عملیات آن و اخذ محکوم به و وجوه ایداعی و تعقیب آن ها، جلب ثالث و دفاع از دعوای ثالث، دعوای متقابل و دفاع در مقابل آنها، ورود شخص ثالث و دفاع از دعوای ورود ثالث قبول یا رد سوگند، تامین خواسته، تامین ضرر و زیان ناشی از جرائم و امور مشابه دیگر. -تنظیم و پیشنهاد بودجه ی سالانه شرکت جهت تصویب هیئت مدیره - تنظیم صورت های مالی سالانه و گزارش فعالیت هیئت مدیره و ارائه آن به بازرس و حسابرس پس از تصویب هیئت مدیره -تنظیم صورت های مالی میان دور های در مقاطع سه ماه و ارائه صورت های مالی ۶ ماهه به به حسابرس و بازرس پس از تصویب هیئت مدیره.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۲۲۷۷۸)

آگهی تغییرات شرکت آویژه صنعت طوس سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۵۲۲۰۱ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۹۶۷۲۸۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۹۶ مورد تصویب قرار گرفت. موسسه سامان اندیشان یکتا با شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۸۳۶۸۳ به عنوان بازرس اصلی و مهدی نصیری با کد ملی ۰۰۶۳۹۴۴۴۷۲ به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت انتخاب گردید.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۲۲۷۸۰)

آگهی تغییرات
شرکت فناوری و ساخت هوا کاران صنعت سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۸۵۵۲۹ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۵۳۰۹۹۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۰۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۵ به تصویب رسید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب شد.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۲۲۷۷۲)

آگهی تغییرات شرکت تاو گستر فرتاک شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۰۸۹۳۸ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۰۸۴۴۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۲۲ سرمایه شرکت از مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۰۰۰ سهم ۱۰۰۰۰ ریالی با نام از طریق نقدی افزایش یافته و مبلغ ۹۹۰۰۰۰۰۰ ریال بموجب گواهی شماره ۱۰۹۰۶۸۷۶ مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۲۷ بانک ملت شعبه دکتر بهشتی پرداخت گردیده است. ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح وذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق الذکر تکمیل امضاء گردیده است.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۲۲۷۸۴)

آگهی تغییرات شرکت زرین ذرت شاهرود سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۶۴۶۶۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۱۰۲۰۹۷

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس تهران - بخش مرکزی - شهر تهران-محله میدان فردوسی-خیابان انقلاب اسلامی-خیابان ایرانشهر-پلاک ۴۷ طبقه اول-واحد ۶ کدپستی ۱۵۸۱۶۳۳۹۳۴ تغییر یافت

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۲۲۷۸۳)

آگهی تغییرات شرکت مهندسی و فن آوری حرارتی دمافین سهامی عام به شماره ثبت ۱۰۳۶۰۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۷۵۱۸۷

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقایان سید آرمان وزیری بزرگ با کدملی ۰۰۲۱۶۲۱۰۷۱ سید محمدحسین وزیری بزرگ با کدملی ۳۶۲۰۸۹۲۲۵۳، مرادعلی سیاهپوش با کدملی ۴۱۸۹۴۴۱۹۷۱، خانم ها سولماز فرحبخش با کدملی ۰۰۶۸۵۵۸۴۸۱ و سحر فرحبخش با کدملی ۰۰۱۴۸۷۲۴۹۸ بعنوان اعضاء هیئت مدیره انتخاب شدند سید محمدحسین وزیری بزرگ به سمت رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و سحر فرحبخش به سمت نائب رئیس هیئت مدیره تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار از قبیل چک، سفته و برات و قراردادها با امضاء مدیر عامل و یکی از اعضاء هیئت مدیره و در غیاب مدیرعامل با امضاء دو نفر از اعضاء هیئت مدیره با مهر شرکت معتبر میباشد. مکاتبات عادی و اداری با امضاء مدیرعامل و در غیاب ایشان با امضاء یکی از اعضاء هیئت مدیره معتبر خواهد بود.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۲۲۷۷۵)

آگهی تغییرات شرکت طراحی و مهندسی ماشین آلات
صنایع دنا میلاد شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۳۱۷۰۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۴۹۹۹۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل برای مدت دو سال انتخاب گردیدند: آقایان محمود پرهیزکار به کد ملی ۲۲۹۱۱۹۵۳۰۱ سید مجتبی صفوی همامی با کد ملی ۶۲۰۹۹۰۲۲۷۸ خانم ارمغان احمدزاده با کد ملی ۰۰۶۱۲۵۹۲۲۵ به نمایندگی از شرکت تولیدی لاستیک دنا (سهامی عام) تراز نامه وحساب سود وزیان منتهی به سال ۹۶/۸/۳۰ بتصویب رسید. آقای سید سعید صفوی با کد ملی ۳۸۷۴۴۸۸۴۶۲ به سمت بازرس اصلی و آقای سید علی افضلی با کد ملی ۲۵۳۹۸۶۲۶۹۱ بسمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۲۲۷۷۴)

آگهی تغییرات شرکت تامین ترابر ایرانیان شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۶۲۷۰۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۵۱۰۹۱۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - اشخاص ذیل برای مدت ۲ سال به عنوان اعضاء هیات مدیره شرکت انتخاب شدند: - آقای مهرداد خواجه نوری به شماره ملی ۰۰۴۱۵۶۶۶۶۱ - آقای احمدعلی شامبیاتی به شماره ملی ۰۰۳۹۷۵۴۱۳۸ - آقای پیام ایزدپناه به شماره ملی ۰۰۵۴۶۳۵۳۸۱

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۲۲۷۷۱)

آگهی تغییرات شرکت توسعه فناوری و ساخت توربو سیل (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۱۴۲۴ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۹۴۱۷۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۰۱: -آقای ذبیح اله کارگر شورکی به شماره ملی ۴۴۸۹۵۱۲۲۳۶ و آقای حمید رضا ملک محمدی بیدهندی به شماره ملی ۰۰۴۵۶۸۰۲۵۶ به سمت اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.

حجت اله قلی تبار
سرپرست اداره ثبت شرکتها وموسسات غیرتجاری شهرستانهای استان تهران
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری پردیس (۳۲۲۷۶۴)

آگهی تغییرات شرکت تامین ترابر ایرانیان شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۶۲۷۰۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۵۱۰۹۱۱

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - آقای مهرداد خواجه نوری به شماره ملی ۰۰۴۱۵۶۶۶۶۱ به عنوان رئیس هیأت مدیره - آقای احمد علی شامبیاتی به شماره ملی ۰۰۳۹۷۵۴۱۳۸ به عنوان نایب رئیس هیأت مدیره - آقای پیام ایزدپناه به شماره ملی ۰۰۵۴۶۳۵۳۸۱ به عنوان عضو هیأت مدیره ۲- آقای وحید حایری به سمت مدیر عامل شرکت انتخاب شدند کلیه اوراق و اسناد تعهد آور شرکت از جمله چک، سفته، بروات و قراردادها، با امضاء دو نفر از اعضاء هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر است و اوراق عادی با امضاء منفرد هریک از اعضاء هیأت مدیره یا مدیر عامل شرکت معتبر میباشد.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۲۲۷۷۰)

آگهی تغییرات شرکت بانک آینده سهامی عام به شماره ثبت ۴۴۲۳۲۵ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۹۴۸۷۸

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۲۰ و مجوز شماره ۹۷/۲۲۰۲۵۴ مورخ ۱۳۹۷/۶/۲۷ بانک مرکزی تصمیمات ذیل اتخاذ شد: حدود اختیارات مدیر عامل به شرح ذیل، به تصویب رسید: نمایندگی بانک در برابر صاحبان سهام، اشخاص حقیقی و حقوقی ثالث، ادارات و مؤسسات دولتی و خصوصی داخلی و خارجی، ضمن رعایت مقررات موضوعه. - تصویب دستورالعمل ها و مقررات داخلی بانک از هر قبیل. - تصویب ساختار تفصیلی سازمانی براساس طرح کلی تشکیلات (نمودار سازمانی) مصوب هیأت مدیره و تعیین شرایط استخدام و میزان حقوق و دستمزد کارکنان. - اتخاذ تصمیم در مورد تأسیس و انحلال نمایندگی ها و شعبه ها در هر نقطه ای در داخل و یا خارج از ایران، پس از اخذ مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب برنامه سالانه گسترش شعب، مصوب در هیأت مدیره. - استخدام، نصب و عزل مأموران و کارکنان بانک و تعیین شغل، حقوق، دستمزد، ترفیع، تنبیه و سایر شرائط استخدام، معافیت و خروج آنان از خدمت، مرخصی، بازنشستگی و مستمری وراث آنان در چارچوب قوانین و آئین نامه های مربوطه. پیشنهاد بودجه بانک به هیأت مدیره و انجام اصلاحات لازم در آن. - افتتاح هرگونه حساب و استفاده از آن به نام بانک، نزد بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری داخل و خارج از کشور. - دریافت مطالبات بانک و پرداخت دیون آن اعم از اصل و متفرعات. - تعهد، ظهرنویسی، قبولی، پرداخت و واخواست اوراق تجاری. - انجام هر نوع معامله و انعقاد هر نوع قرارداد و تغییر و تبدیل یا فسخ و اقاله، ابطال و واگذاری و اجرای آن نسبت به اموال منقول و غیر منقول و حقوق و اسناد و اوراق بهادار به هر شکل و با هر شخص حقیقی و حقوقی، تحت هرگونه شرایط در حدود موضوع بانک و بطور کلی انجام کلیه عملیاتو معملات مذکور در ماده ۲ این اساسنامه. واگذاری یا تحصیل هر گونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی) در ارتباط با بانک. - مبادرت به تقاضا و اقدام برای ثبت هرگونه علامت تجاری.اجاره یا استیجاره و واگذاری و فسخ اجاره و تقاضای تعدیل اجاره بها و دفاع از آن در تمام مراحل و مراجع و تخلیه عین مستأجره و تقاضای تجدید نظر در رأی صادره یا اجرای آن. - به امانت گذاردن اسناد و مدارک و وجوه و اوراق بهادار در صندوقهای دولتی و خصوصی و استرداد آنها و قبول و نگهداری اسناد و اوراق بهادار و وجوه و امانات. ۱. منظور از واژه کارکنان اعم از کلیه اشخاصی است که به صورت موقت یا دائم، پاره وقت و یا تمام وقت، به نوعی با بانک همکاری می نمایند.تحصیل وام و اعتبار از بانک ها و مؤسسات اعتباری داخلی و خارجی و هر گونه استقراض و اخذ وجه به هر مبلغ و به هر مدت و با نرخ سود مناسب در چارچوب اصول کلی مصوب هیأت مدیره. - رهن گذاردن اموال بانک اعم از منقول و غیر منقول و فک آن ولو کراراً. - احداث هر گونه ساختمان که مورد نیاز بانک باشد در چارچوب بودجه مصوب بانک. - اقامه هرگونه دعوی و دفاع از هرگونه دعوی یا تسلیم به دعوی یا انصراف از آن اعم از حقوقی و کیفری با داشتن تمام اختیارات راجع به امر دادرسی اعم از حق تجدید نظر، فرجام، مصالحه، تعیین وکیل، سازش، ادعای جعل نسبت به سند طرف و استرداد سند، تعیین جاعل، ارجاع دعوی به داوری و تعیین داور با یا بدون حق توکیل ولو کراراً و عزل و تجدید انتخاب او با تعیین وکیل دیگری بجای او با یا بدون توکیل و توکیل در توکیل غیر ولو کراراً، تعیین مصدق یا کارشناسان، اقرار خواه در ماهیت دعوی و خواه به امری که کاملاً قاطع باشد، دعوی خسارت، دعوی جلب شخص ثالث و دفاع از دعوی ثالث، اقدام به دعوی متقابل و دفاع از آن تأمین مدعی به تقاضای توقیف اشخاص و اموال از دادگاهها، اعطای مهلت برای پرداخت مطالبات بانک، درخواست صدور اجرائیه و تعقیب عملیات اجرائی و اخذ محکوم به در دادگاهها و ادارات و دوایر ثبت اسناد. - تعین میزان استهلاک در چارچوب مقررات و مصوبات شورای پول و اعتبار. - تنظیم خلاصه صورت دارائیها و بدهی های بانک پس از انقضاء سال مالی و همچنین ترازنامه و حساب سود و زیان بانک براساس سرفصل های تعیین شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. - پیشنهاد هر نوع اندوخته های قانونی و احتیاطی به هیأت مدیره بانک. - تصویب دستورالعمل ها و شیوه های اجرائی، اداری، مالی، استخدامی و تشکیلاتی در چارچوب آئین نامه های مصوب هیأت مدیره. - اجرای برنامه تأمین نیروی انسانی و ایجاد انگیزش لازم برای نگهداری آنها در چارچوب بودجه مصوب. - اعطای حق امضای مجاز به کارکنان بانک. خرید و فروش اموال منقول و غیر منقول با رعایت منافع و مصالح بانک. - انجام اقدامات لازم برای ایفای مسئولیت های اجتماعی بانک در جامعه. - انتخاب و اعزام کارکنان بانک به داخل و خارج از کشور. - اتخاذ تصمیم در مورد خرید و فروش سهام، اوراق قرضه، گواهی سپرده عام و خاص، اوراق مشارکت و مشارکت در شرکتها، واحد های صندوق های مختلف و ابزار های مشابه تا سقف مصوب هیأت مدیره. - ارزیابی عملکرد دوره ای، موردی و سالانه بانک و کارکنان و اتخاذ تصمیم های لازم در جهت حسن اداره امور بانک ایجاد مراکز لازم اطلاع رسانی، تحقیقاتی و مطالعاتی و اجرائی در جهت ارتقای بهره وری و حسن اداره امور بانک. صدور دستور اجرای کلیه تصمیم های هیأت مدیره و نظارت بر حسن اجرای آن.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۲۲۷۸۲)

آگهی تغییرات شرکت صنعتی کیمیدارو سهامی عام
به شماره ثبت ۱۰۰۸۰ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۸۲۴۳۹۸

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقایان: رامین زارع به کد ملی ۰۰۳۹۳۶۰۰۳۲ به نمایندگی از طرف شرکت جابر ابن حیان سهامی عام به شماره ثبت ۷۶۴۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۳۹۹۲۱، سیاوش گل محمدی به کد ملی ۰۰۵۰۰۳۶۴۷۵ به نمایندگی از طرف شرکت دارو سازی اسوه سهامی عام به شماره ثبت ۱۱۲۳۴ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۵۱۷۸۰، محمد قاسم ابراهیمی به کد ملی ۴۵۹۱۹۸۱۷۰۳ به نمایندگی از سوی شرکت دارو سازی راموفارمین سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۱۵۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۰۲۳۵۴، مهدی بخشایش به کد ملی ۰۰۵۱۲۸۵۸۴۳ به نمایندگی از سوی شرکت سرمایه گذاری شفا دارو سهامی عام شماره ثبت ۲۳۷۵۶۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۸۴۴۷۲ برای بقیه دوران تصدی هیئت مدیره بسمت اعضا هیئت مدیره تعیین و آقایان: محمد قاسم ابراهیمی به سمت رئیس هیئت مدیره و مهدی بخشایش به عنوان مدیر عامل و نایب رئیس هیات مدیره انتخاب گردیدند. کلیه اوراق و اسناد رسمی تعهد اور از قبیل چک سفته برات با امضای متفق مدیر عامل و یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و در غیاب مدیر عامل با امضای دو نفر ازاعضای هیئت مدیره با مهر شرکت و اسناد و مکاتبات عادی با امضای مدیر عامل همراه با مهر شرکت و درغیاب مدیر عامل با امضای یکی از اعضای هیئت مدیره ههمراه با مهر شرکت معتبر است. حدود اختیارات مدیر عامل به شرح لیست پیوست در ۱۹ بند به شرح ذیل تعیین گردید: ۱) اجرای مصوبات هیئت مدیره و مجامع صاحبان سهام ۲) نمایندگی شرکت در برابر اشخاص حقیقی و حقوقی کلیه ادارات دولتی موسسات شرکتها ی خصوصی دادگا هها و سایر مراجع تجاری قضایی و غیره ۳)تنظیم آیین نامه های داخلی شرکت و ارائه آنها برای بررسی و تصویب هیئت مدیره ۴) استخدام عزل و نصب کارکنان شرکت براساس چارت سازمانی تصویب شده توسط هیئت مدیره و همچنین تنبیه و تشویق انان طبق ایین نامه مربوطه توضیح عزل و نصب مدیران یامعاونین بلافصل با پیشنهاد مدیر عامل و تصویب هیئت مدیره انجام می شود ۵)تعیین حقوق و مزایای کلیه کارکنان شرکت و پرداخت مخارج و هزینه های مربوطه در چارچوب قوانین کشور و بودجه و ضوابط مصوب هیئت مدیره ۶) انجام هزینه های شرکت در قالب بوددجه و اعتبارات مصوب هیئت مدیره اعم از جاری و سرمایه ای با رعایت ایین نامه های ذیربط شرکت ۷) تنظیم و پیشنهاد بودجه سالانه شرکت اعم ازجاری و سرمایه ای براساس برنامه زمانبندی پروژه ها و ارایه ان به هیئت مدیره جهت بررسی و تصو یب ۸) افتتاح حساب و استفاده از آن باامضا های مجاز بنام شرکت نزد بانکها و موسسات مالی و اعتباری مورد تایید بانک مرکزی ایران توضیح افتتاح حساب نزد بانکها ی خارج از کشور با تصویب هیئت مدیره امکان پذیر می باشد ۹)دریافت مطالبات و پرداخت دیون شرکت اعم از اصل ،کارمزد، سود و هزینه های متعلقه ۱۰) پشت نویسی اوراق تجاری جهت واریز به حسابهای شرکت نزد بانک و موسسات و واخواست اینگونه اوراق ۱۱) اخد هرگونه تسهیلات بانکی و ایجاد تعهدات با تصویب هیئت مدیره ۱۲) تنظیم آیین نامه خرید و فروش محصولات مواد اولیه جانبی و بسته بندی موضوع فعالیت شرکت با تصویب هیئت مدیره ۱۳) انعقاد هر نوع قرار داد در رابطه با موضوع فعالیت شرکت براساس مصوبات هیئت مدیره یا چهارچوب ایین نامه های مصوب هیئت مدیره مربوطه ۱۴)تعیین برنامه تولید محصولات شرکت در قالب بودجه مصوب هیئت مدیره ۱۵)تقاضا و اقدام برای ثبت هرگونه علامت تجاری پس از تصویب هیات مدیره ۱۶) تعیین و انتصاب هر نوع نماینده ،وکیل ،مشاور و تعیین جانشین آنها و دادن وکالتنامه به غیر ۱۷)اقامه دعوی و دفاع هرگونه دعاوی له و و یا علیه شرکت با اختیارات کامل برای تعقیب دعوی تا نتیجه نهایی و در خواست استیناف و حق اعتراض به رای دادگاهها و طرح مجدد دعوی ۱۸)تهیه و تنظیم صورتحساب های عملکرد سودوزیان و همچنین ترازنامه و صورت ریز داراییها و دیون شرکت و گزارش ان به هیات مدیره ۱۹)سایر اختیارات پیش بینی نشده در این لیست با تصویب هیئت مدیره تفویض خواهد شد.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۲۲۷۸۸)

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ (مؤسسه اطلاعات)
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سر دبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان مصدق جنوبی (نفت‌جنوبی سابق)
ساختمان اطلاعات - کدپستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی‌ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی‌ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com
منشور اخلاقی: http://www.ettelaat.com/ftp/manshoor.pdf

اطلاعات

سال نود و سوم

تقویم اطلاعات

دوشنبه ۲۴ دی ۱۳۹۷
۷ جمادی الاول ۱۴۴۰ - ۱۴ ژانویه ۲۰۱۹

ظهر شرعی	۱۲ و ۱۳ دقیقه
غروب آفتاب	۱۷ و ۱۳ دقیقه
اذان مغرب	۱۷ و ۳۳ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۲۹ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۵ و ۴۵ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۷ و ۱۴ دقیقه

نخست‌وزیر پیشین قطر: ایران، دشمن اعراب نیست

سرویس خارجی: نخست وزیر پیشین قطر در مصاحبه‌ای با شبکه خبری «روسیا الیوم» ضمن پرداختن به مسائل مهم منطقه‌ای اعلام کرد: کشور ایران دشمن اعراب نیست بلکه یک شریک در منطقه است.«حمد بن جاسم»در سخنانی ضمن تاکید بر ضرورت مذاکره و گفتگو با کشورمان در منطقه گفت:باید ایران را یک شریک در منطقه دانست نه دشمن .

بن جاسم همچنین گفت: ما مخالف نظام سوریه نیستیم بلکه تنها با عملکرد آن مخالف هستیم .وی در بخش دیگری از سخنانش نسبت به جوانانی (بن سلمان) که زمام امور را در منطقه به دست گرفته‌اند، ابراز ناامیدی کرد و گفت: ما همیشه بر این باور بودیم که جوانان، کشورهای عربی را رهبری می‌کنند یا حداقل سن رهبران کمتر می‌شود اما در عین حال مشاهده می‌کنیم که این جوانان به دنبال «نابودی» هستند. به گفته بن جاسم، منطقه شاهد ماجراجویی‌های بسیاری است که بهای آن را تنها ملت ها می‌پردازند.بن جاسم ادامه داد: ترس و قدرت فردی مقامات سعودی موجب به وجود آمدن وضعیت کنونی عربستان شده است. نخست وزیر پیشین قطر افزود: رهبری (بن سلمان) با این گستاخی و تندی غیرممکن است، اگر ترس بر منافع غلبه داشته باشد، خطراتی این کشور (عربستان) و منطقه را تهدید خواهد کرد.وی با اذعان به شکست میانجی‌گری ها برای حل بحران شورای همکاری خلیج فارس افزود: میانجیگری ها به دلیل اتخاذ مواضع دوگانه آمریکا و لجاجت برخی از کشورها(عربستان) شکست خورد.وی گفت: موجودیت شورای همکاری خلیج فارس از هم فروپاشیده و تشکیل دوباره آن به شکل سابق کار دشواری است زیرا آنچه روی داده یک جراحت روحی بزرگی را بر جا گذاشته است.نخست‌وزیر سابق قطر همچنین آغاز جنگ یمن توسط عربستان را «اشتباهی فاحش» خواند و گفت: نمی دانم چگونه کسانی که تصمیم به راه‌اندازی جنگ علیه یمن گرفته‌اند، شبها راحت می‌خوابند.

اسلام آباد: به دنبال ایجاد روابط راهبردی با ایران هستیم

سرویس خارجی:وزیر خزانه‌داری پاکستان از تلاش کشورش برای برقراری روابط راهبردی با ایران خبرداد.

«اسد عمر» اعلام کرد: به دنبال برقراری روابط استراتژیک پایدار با ایران هستیم و اشتباهات دولت‌های قبلی را تکرار نخواهیم کرد.

وی با بیان این که دولت جدید اسلام آباد در ابتدای کار با مشکلات اقتصادی زیادی مواجه بوداما کشورهای دوست برای کمک وارد عمل شدند، اظهار داشت: سیاست خارجی دولت با کشورهای همسایه‌می تواند تأثیر مستقیم بر اقتصاد پاکستان داشته باشد.

در این حال،«حنا ربانی‌کهر» وزیر امور خارجه اسبق پاکستان گفت: اسلام‌آباد قبل از اندیشیدن به بهبود روابط با آمریکا برای حل مشکلات منطقه با کشورهای همسایه به‌ویژه ایران ارتباط برقرار کند.ربانی تأکید کرد: ایران مهمترین کشور برای حل بحران‌های منطقه به ویژه افغانستان است.

احتمال دیدار ترامپ و اون در ویتنام قوت گرفت

سرویس خارجی: منابع رسانه ای با اشاره به پیشنهاد دولت آمریکا به کره شمالی برای برگزاری دومین نشست میان ترامپ و «کیم جونگ اون» در راستای خلع سلاح هسته ای پیونگ یانگ در ویتنام ،از احتمال برگزاری این دیدار در این کشور خبر دادند.در همین رابطه،روزنامه «یومیوری شیمبون»ژاپن در گزارش اعلام کرد:دولت آمریکا به کره شمالی پیشنهاد داده است که نشست بعدی میان رهبر کره شمالی و رئیس جمهوری آمریکا، اواسط فوریه در ویتنام برگزار شود. این روزنامه همچنین به نقل از منابع آگاه نوشت که پیونگ یانگ در حال بررسی این پیشنهاد است.

رأی الیوم: جبهه ضدصهیونیستی به رهبری ایران، اسرائیل و آمریکا را به وحشت انداخته است

سرویس خارجی: یک روزنامه فرامنطقه‌ای عربی‌زبان نوشت که تحرکات دیپلماتیک آمریکا و رژیم صهیونیستی در مقطع کنونی ناشی از هراس آنها از اتحاد جبهه‌های ضد اسرائیلی به رهبری ایران است.

«رای الیوم» در یادداشتی با عنوان «افزایش نگرانی اسرائیل از عراق» نوشت: اسرائیل با جدیت و نگرانی به نفوذ و قدرت گروه‌های نظامی وابسته به ارتش عراق نگاه می‌کند و در حال آماده‌سازی خود برای مواجهه با خطر آتی از سوی عراق است.این روزنامه نوشت: بر اساس دیدگاه اسرائیل، قدرت مازاد متعلق به گروه‌های عراقی پس از آن که مبارزه با داعش در عراق را با شایستگی به پایان رساندند، در وهله اول، خطری برای اسرائیل خواهد بود.

رای الیوم آورده است: در تازه‌ترین اظهارات مقامات تل‌آویو، ژنرال «تمیر هایمن» رئیس رکن اطلاعاتی ارتش رژیم صهیونیستی تهدید کرد اگر نیاز باشد مانند سوریه، علیه عراق نیز حملاتی انجام خواهند داد. این ژنرال صهیونیست با ادعای اینکه ایران می‌تواند از عراق به‌عنوان سکوی پرتاب موشک‌هایش به سمت اسرائیل استفاده کند، افزود: عراق تحت نفوذ روزافزون ایران است.

هایمن تصمیم رئیس‌جمهور آمریکا برای خروج از سوریه را فرصتی برای تثبیت نظامی ایران در منطقه دانست و گفت: ایرانی‌ها شاید عراق را به عنوان عرصه مناسبی برای تثبیت نظامی خود ببینند، مانند آنچه در سوریه انجام دادند. وی گفت: حضور ایران به همراه بازگشت سوریه به ثبات تحت چتر حفاظتی روسیه، چیزی است که ما به‌دقت مراقب آن هستیم. رای الیوم نوشت: از زمانی که رئیس جمهور آمریکا اعلام کرد نظامیان این کشور را از سوریه خارج می‌کند، اسرائیل نگران تبعات این موضوع بر افزایش نفوذ ایران در سوریه و عراق است و اعتقاد دارد که این موضوع، راه را برای گسترش ارتباطات جغرافیایی بین تهران، بغداد، دمشق و بیروت باز می‌کند و بدین ترتیب ایران را قادر می‌سازد که جبهه‌های ضد اسرائیل را متحد کند. طبق این گزارش، گروه‌های عراقی به دنبال تشدید تنش رژیم صهیونیستی علیه نوار غزه در اکتبر گذشته، رژیم صهیونیستی را تهدید کردند؛ از جمله گردان‌های حزب الله عراق تهدید کرد به تجاوز اسرائیل علیه نوار غزه پاسخ خواهد داد.در چنین شرایطی «آویگدور لیبرمن» وزیر مستعفی جنگ رژیم صهیونیستی گفت که دولت بنیامین نتانیاهو به صدا درآمدن آژیر خطر در شهرک های صهیونیستی را برای شهرک نشینان به یک امر رایج تبدیل کرده است. لیبرمن افزود: این دولت سزاوار کارت قرمز یعنی اخراج و برکناری است. در این حال ارتش رژیم صهیونیستی از حمله موشکی به شهرک های صهیونیستی در مرز با غزه خبر داد. ارتش رژیم صهیونیستی اعلام کرد که در پی این حمله موشکی صدای آژیر خطر در دو شهرک صهیونیستی «سدوت هانقف» و «عزاتا» واقع در مرز با غزه به صدا درآمد. ارتش رژیم صهیونیستی از شهرک نشینان هم مرز با غزه خواست تا در پناهگاه ها و اماکن امن پناه بگیرند. این درحالی است که ارتش رژیم صهیونیستی بار دیگر مناطقی در نوار غزه را آماج حملات جنگنده‌های خود قرار داد.هواپیماهای جنگی اسرائیل، مناطقی در شرق اردوگاه «جبالیا» در نوار غزه را هدف قرار دادند. گزارش‌ها حاکی است که جنگنده‌های اسرائیلی با پرواز در آسمان مناطق مختلف نوار غزه، برخی مواضع در اطراف «مقبره الشهدا» در شرق جبالیا را بمباران کردند و همچنین برخی مناطق در شرق و شمال این باریکه را هدف قرار دادند.

جنگنده‌ای اسرائیلی پایگاه «الیرموک» متعلق به «گردان‌های القسام»- شاخه نظامی جنبش حماس- را نیز در شرق محله «الشجاعیه» در شهر غزه هدف قرار دادند. در خبری دیگر وزارت دفاع کرواسی در واکنش به تصمیم رژیم صهیونیستی مبنی بر خودداری از فروش ۱۲ فروند اف-۱۶ به زاگرب، قرارداد تسلیحاتی خود با این رژیم به مبلغ نیم میلیارد دلار را لغو کرد. نخست وزیر کرواسی در این باره گفت: تصمیم گرفته ام علاوه برمعامله خرید هواپیماها، سایر موارد مندرج در قرارداد تسلیحاتی امضاء شده میان زاگرب و تل آویو را هم لغو کنم.

این قرارداد شامل فروش سلاح و مهمات ساخت رژیم صهیونیستی به کرواسی می شد. در رویدادی دیگر خبرگزاری صدا و سیما به نقل از خبرگزاری اسپوتنیک، اعلام کرد که پلیس اسرائیل از انفجار یک نارنجک دودزا در ساختمان وزارت امور خارجه این رژیم خبر داد که در پی آن شماری از اعضای نیروهای امنیتی زخمی شدند.



تظاهرات هزاران نفری در رام‌الله علیه «معامله قرن»

هزاران فلسطینی در کرانه باختری به خیابان‌ها آمدند و در اعتراض به طرح آمریکایی «معامله قرن» دست به راهپیمایی زدند. هزاران نفر در رام‌الله طی برگزاری تظاهرات به طرح ادعایی آمریکا برای حل نزاع فلسطینی-اسرائیلی موسوم به «معامله قرن» اعتراض کردند. شرکت‌کنندگان همچنین خواستار پایان اختلافات داخلی میان فتح و حماس شدند.

واشنگتن پست ابعاد تازه ای از ارتباطات پنهانی ترامپ با پوتین را افشا کرد

سرویس خارجی: روزنامه واشنگتن پست در گزارشی از زوایای تازه ای از روابط پنهانی رئیس جمهوری آمریکا با همتای روسی خود پرده برداشت. واشنگتن پست در گزارشی به نقل از مقامات فعلی و سابق آمریکا اعلام کرد: دونالد ترامپ بارها به دنبال پنهان کردن جزئیات تعاملات شخصی خود با پوتین بوده است. این نشریه نوشت:دونالد ترامپ، پس از نشست سال ۲۰۱۷ با رئیس جمهوری روسیه که در آلمان صورت گرفت، به مترجم خود دستور داد که هیچ جزئیاتی را درباره آنچه در این دیدار رخ داده است، به مقامات دولتی ایالات متحده ارائه ندهد. به گفته واشنگتن پست،این اقدام ترامپ زمانی آشکار شد که یک مشاور کاخ سفید و مقام ارشد وزارت خارجه آمریکا، علاوه بر گزارشی که از سوی رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه وقت که در این نشست حضور داشت تنظیم شده بود، از مترجم اطلاعات بیشتری درخواست کرد.یک سخنگوی کاخ سفید نیز که نخواست نامش فاش شود به واشنگتن پست گفت: پس از آن که دولت باراک اوباما، با یک سیاست ناقص به دنبال ایجاد شراکت در قبال شراکت" با مسکوبود، دولت ترامپ برای توسعه روابط با روسیه اقدام کرد.

اردوغان: برخی کشورها درصدد پیاده سازی پروژه «بهار عربی» در ترکیه هستند

سرویس خارجی: رئیس جمهوری ترکیه از تلاش برخی کشورها برای ایجاد زمینه های لازم در راستای پیاده کردن پروژه عربی در کشورش خبر داد.

رجب طیب اردوغان اعلام کرد:کسانی که تلاش کردند بهار عربی را به ترکیه تحمیل کنند و این کشور را به روز سیاه بنشانند، اکنون خود به همان درد گرفتار شده اند.وی تصریح کرد: هرکس که برای انتقال بهار عربی به ترکیه تلاش کرد، ناکام ماند.اردوغان همچنین گفت: گروه‌های تروریستی «پ.ک.ک»، «ی.پ.گ»، «فتو» و«داعش» که توسط برخی محافل برای تهدید کردن ترکیه حمایت و تسلیح شده اند روزی بلای جان آنها خواهند شد.

ارتش یمن: در صورت تداوم حملات عربستان، از موشک‌های جدید رونمایی می کنیم

سرویس خارجی: سخنگوی نیروهای مسلح یمن اعلام کرد: اگر حملات ائتلاف متجاوز سعودی به رهبری عربستان متوقف نشود، موشک‌های بالستیک جدید خود را در سال جاری میلادی رونمایی خواهیم کرد. «یحیی سریع»، سخنگوی نیروهای مسلح یمن در سخنانی گفت: اگر حملات ائتلاف سعودی متوقف شود، عملیات نظامی ارتش و انصارالله یمن نیز متوقف خواهد شد اما اگر حملات این ائتلاف به یمن همچنان ادامه یابد، ما از موشک های بالستیک جدید خود رونمایی می کنیم.

به گفته وی، ارتش و انصارالله یمن توانایی ساخت روزانه یک «پهپاد» را دارد. «یحیا سریع» با تاکید بر پیشرفت قابل ملاحظه صنعت دفاعی این کشور اعلام کرد: سال جدید میلادی ، «سال پهپادی» یمن است و ارتش و انصارالله انبارهای بزرگی از هواپیماهای بدون سرنشین «قاصف۲K» و همچنین موشک‌های بالستیک جدید در اختیار دارد که جزئیات آن بعدا فاش خواهد شد.

رهبر سابق معارضان سوریه خواستار دیدار با مقامات دولت اسد شد

سرویس خارجی: «احمد الجربا» رهبر سابق گروه‌های معارض سوری، در سفر به بغداد از مقامات عراقی برای میانجیگری میان وی و دولت سوریه کمک خواست.

الجربا گفت آماده اعزام هیاتی به دمشق برای دیدار با مقامات سوری است و وی حتی آماده است با مقامات سوری در بغداد یا دیگر مناطق دیدار کند. به گفته منابع آگاه، الجربا خواستار استقرار نیروهای عشایری در مناطق عربی تحت پرچم سوریه پس از عقب نشینی آمریکا شده و گفته که این درخواست با دیدگاه دولت عراق برای حل بحران سوریه هماهنگ است. الجربا درحالی برای گفت وگو با مقامات دولت سوریه دست به دامن بغداد شده که مخالفان سوری طی بحران سوریه با حمایت عربستان و آمریکا سعی در دامن زدن به بحران این کشور داشتند. احمد الجربا در سال های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ رهبری ائتلاف معارضان سوریه را بر عهده داشت.در چنین شرایطی مدیر شرکت خطوط هواپیمایی سوریه از آمادگی امارات، عمان و بحرین برای از سرگیری پروازهای مستقیم خود به دمشق خبر داد. «شفاء النوری» اعلام کرد که شرکت های هواپیمایی امارات، عمان و بحرین آماده اند پروازهای هوایی مستقیم خود را به دمشق از سر بگیرند. وی افزود: یک هیأت از سوی شرکت هواپیمایی عمان اخیرا از فرودگاه دمشق بازدید کرد تا شرایط را برای از سرگیری پروازها به مقصد دمشق بررسی کند. شرکت های هواپیمایی بحرین و امارات نیز درخواست بازدید از فرودگاه دمشق را به طرف سوری ارائه کرده اند.

نهمین تظاهرات اعتراضی جلیقه زردها، در فرانسه سرکوب شد

سرویس خارجی: پلیس پاریس در نهمین هفته از اعتراضات متوالی علیه اصلاحات اقتصادی امانوئل مکرون، با آب پرفشار و گاز اشک‌آور معترضان جلیقه زرد را که اطراف طاق نصرت تجمع کرده بودند، متفرق کرد.

راهپیمایی هزاران تن از معترضان فرانسوی در پاریس پر سر و صدا بود اما حرکتشان عمدتا به صورت مسالمت‌آمیز برگزار شد. با این حال خبرگزاری رویترز گزارش داد که گروه کوچکی از معترضان از مسیر اصلی جدا شد و بطری و سایر اشیاء به سمت پلیس پرتاب کرد.به گفته شاهدان، پلیس ضد شورش فرانسه در نزدیکی طاق نصرت، از آب پر فشار و گاز اشک‌آور علیه معترضانی که اقدام به پرتاب سنگ و ریختن رنگ می‌کردند، استفاده کرد.

گروهی از معترضان هم در داخل و اطراف شانزلیزه که در هفته‌های اخیر شاهد اغتشاشات بود، تجمع کردند و بسیاری از آنها خواستار استعفای امانوئل مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه شدند. روی بنر یکی از معترضان نوشته شده بود: "مکرون، ما کاخ شما را ویران می‌کنیم." براساس برآورد وزارت کشور فرانسه، حدود ۸۴هزار معترض در سراسر این کشور به خیابان‌ها آمدند که ۵۰هزار تن بیش از اعتراضات هفته گذشته بود اما به رکورد ۲۸۲هزار معترض ۱۷نوامبر که اولین روز از آغاز اعتراضات بود، نرسید. این وزارتخانه همچنین شمار معترضان در پاریس را ۸۰۰۰تن برآورد کرد.

موافقت ضمنی «خارطوم» با احداث پایگاه نظامی روسیه در آب های سودان

سرویس خارجی: پارلمان سودان از احتمال احداث پایگاه نظامی روسیه در آب‌های منطقه‌ای سودان در دریای سرخ خبر داد.

پارلمان سودان اعلام کرد: در راستای توسعه توافقنامه تسهیل اقدامات برای ورود کشتی‌های جنگی روسیه و سودان به بنادر دو کشور، احتمال احداث پایگاه نظامی روسیه در آب‌های منطقه‌ای سودان در دریای سرخ وجود دارد.«الهادی آدم»، رئیس کمیته دفاع و امنیت پارلمان سودان در اظهاراتی که خبرگزاری اسپوتنیک آن را منتشر کرد، اظهار داشت: این توافقنامه اقدامی در راستای برقراری روابط استراتژیک میان دو کشور است.«متوکل محمود»، نایب رئیس کمیته روابط خارجی در پارلمان سودان نیز به المیادین گفت: این توافقنامه ، روابط «خارطوم» با «مسکو» را تقویت خواهد کرد. وی افزود: توافقنامه را می‌توان توسعه داد و این بدان معنا نیست که در حال حاضر تلاشی برای احداث پایگاه‌های روسی در سودان در جریان است.این در حالی است که پیشتر نیز «دیمیتری مدودف»، نخست وزیر روسیه با پیش‌نویس این توافقنامه موافقت کرده بود.

ابراز امیدواری کابل نسبت به گفتگوی مستقیم با طالبان در آینده ای نزدیک

سرویس خارجی: نماینده ویژه رئیس جمهوری افغانستان در امور صلح، درباره مذاکرات مستقیم دولت کابل با طالبان در راستای ایجاد صلح در این کشور در آینده ای نزدیک ابراز امیدواری کرد.

«عمر داودزی» اعلام کرد: طالبان همیشه با این بهانه که در گام اول خواهان مذاکره با ایالات متحده و سپس با دولت کابل است، مذاکره با مقامات افغان را به تعویق می انداخت و به منظور اتمام چنین بهانه هایی دولت افغانستان به آمریکااجازه مذاکره مستقیم با این گروه را داد.داود زی با بیان این که توافق میان واشنگتن و کابل به این صورت بود که پس از چند دوره برگزاری اجلاس میان نمایندگان آمریکا و طالبان، این دیدارها به صورت رو در رو میان دولت افغانستان و این گروه انجام شود،تاکید کرد: امید خود را از دست نداده ایم و امیدواریم به زودی طی چند ماه آینده دولت کابل و طالبان بر سر میز مذاکره بنشینند.

عراق استقرار نظامیان آمریکایی در موصل را تکذیب کرد

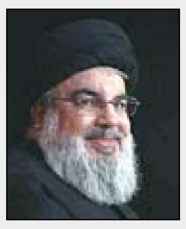
سرویس خارجی: مرکز پوشش‌دهی اخبار امنیتی عراق در بیانیه‌ای، استقرار نیروهای آمریکایی در «موصل» را تکذیب کرد.

این مرکز در بیانیه‌ای که شبکه سومریه‌نیوز آن را منتشر کرد، آورده است: هرچند وقت یک بار برخی سایت‌ها که به امانت‌داری در انتقال اخبار پایبند نیستند اطلاعات اشتباهی را منتشر می کنند که آخرین آن استقرار نیروهای آمریکایی در مقرهای موصل و بیرون کردن نیروهای الحشد الشعبی و وزارت کشور از آنجا بود.این مرکز همچنین از رسانه‌ها و شهروندان خواست اخباری را که از سوی یک منبع رسمی منتشر نشده ، باور نکنند.

در چنین شرایطی، ارتش عراق در حملاتی هوایی، دو مخفیگاه گروه تکفیری داعش را در ارتفاعات «حمرین»، واقع در استان «دیاله» منهدم کرد.مرکز اطلاع رسانی امنیتی عراق در بیانیه ای اعلام کرد: جنگنده های نیروی هوایی ارتش عراق توانستند در ارتفاعات «حمرین» نزدیک منطقه «البحیره» در شمال شرق دیاله، دو مخفیگاه تروریست ها را به همراه یک تراکتور و یک خودروی نظامی آنان منهدم کنند. نیروهای امنیتی عراق همچنین یک گور جمعی دیگر در موصل که پیکرهای ۲۸ نظامی این کشور را در خود جا داده بود، کشف کردند.

کوتاه از سراسر جهان

ادعای صهیونیست ها درباره حمله قلبی «نصرالله» دروغ از آب درآمد



ایسنا: دستیار ویژه رئیس مجلس کشورمان در امور بین‌الملل، به ادعای صهیونیست ها مبنی بر بیماری و حمله قلبی دبیرکل حزب الله لبنان واکنش نشان داد. حسین امیرعبداللهیان در صفحه شخصی خود در توییتر نوشت: ادعای صهیونیست ها مبنی بر بیماری و حمله قلبی سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان، دروغ بزرگ سال جدید میلادی است؛ بی تردید روزی که سید حسن نصرالله و رهبران مقاومت فلسطین در مسجدالاقصی نماز خواهند گذارد، صهیونیست ها وجود ندارند. دو روز قبل برخی رسانه‌های اسرائیلی ادعا کردند که سید حسن نصرالله بعد از حمله قلبی به بیمارستانی در لبنان انتقال یافته است.

بروز جنگ داخلی در فیلیپین

ایرنا: منابع خبری گزارش دادند که جنگ داخلی در فیلیپین علیه شورشیان ضد دولتی در مرکز این کشور شدت گرفته به طوری که این درگیری ها منجر مجروح شدن ۱۰نیروی نظامی و تخلیه اجباری تعداد زیادی از ساکنان این مناطق شده است. سخنگوی ارتش فیلیپین اعلام کرد که شورشیان گروه شبه نظامی «ارتش جدید خلق» به طور مستمر اقدام به بمب گذاری های متعدد در این منطقه می کنند که این امر سبب شده ساکنان بومی به دلیل درگیری های متعدد ناگزیر به خروج از منطقه شوند. گروههای چپگرا در فیلیپین در ۵۰ سال اخیر با دولت مرکزی این کشور جنوب شرق آسیا در جنگ بوده اند.

برزیل: دیگر «مادورو» را به رسمیت نمی شناسیم

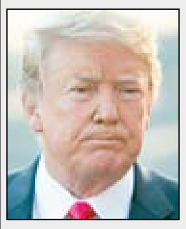


تسنیم: دولت برزیل در راستای تداوم فشار علیه ریاست جمهوری نیکلاس مادورو در ونزوئلا بیانیه‌ای صادر و اعلام کرد رئیس مجلس ونزوئلا که رهبر مخالفان است را به عنوان رئیس جمهوری قانونی ونزوئلا به رسمیت می‌شناسد و دیگر مادورو را به رسمیت نمی شناسد. گفتنی است مادورو که هفته گذشته رسما دوره دوم ریاست جمهوری خود را آغاز کرد از جانب آمریکا و دیگر کشورهای نزدیک به آن تحت فشار قرار دارد. از سویی آمریکا در اظهاراتی مداخله جویانه دولت مادورو را غیرمشروع خواند و خواستار تشکیل دولت جدید در این کشور شد.

هزاران معترض در باسک اسپانیا خواستار انتقال زندانیان گروه «اتا» شدند

ایسنا: ده‌ها هزار تن از مردم منطقه خودمختار باسک در اسپانیا دست به تظاهرات زده و خواستار انتقال زندانیان مرتبط با گروه جدایی‌طلب "اتا" به زندان‌هایی در نزدیکی این منطقه شدند. در شهر بیلبائو ۷۶ هزار نفر به خیابان‌ها آمدند و انتقال زندانی‌های گروه مسلح "اتا" به زندان‌هایی در نزدیکی شهر خود و همچنین عفو آنان را خواستار شدند. سیاست دولت اسپانیا این بوده که اکثر زندانیان وابسته به این گروه را در زندان‌هایی نگه دارد که صدها کیلومتر از این منطقه دور هستند و همین امر موجب شده ملاقات با این زندانیان برای خانواده‌های آنان بسیار دشوار باشد.

ترامپ: اوباما، بایدن را از داخل زباله بیرون کشید!



ایسنا: همزمان با انتشار اخباری مبنی بر اینکه جو بایدن، معاون رئیس جمهوری سابق آمریکا قرار است کاندیداتوری خود را برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ اعلام کند، ترامپ مدعی شد که وی در تلی از زباله بود تا اینکه اوباما او را برای معاونتش انتخاب کرد! دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا مدعی شد که جو بایدن، در صورت نامزد شدن در انتخابات تنها می‌تواند یک درصد رای بیاورد و یک بازنده یک درصدی خواهد بود. ترامپ گفت: بایدن دو یا سه بار نامزد شده اما هرگز بالاتر از یک درصد رای نیاورده تا اینکه اوباما آمد و او را از انبار آشغالها بیرون کشید و معاون خودش کرد.

مصرف گرایی، راه جدید مقابله چین با جنگ تجاری آمریکا

ایرنا: بررسی ها نشان می دهد چین در حال تشویق مردم خود به مصرف بیشتر است تا بتواند پول بیشتری را در اقتصاد به گردش درآورد و بخشی از زیان های وارده در جنگ تجاری با آمریکا را جبران کند.این اتفاق در شرایطی می افتد که تعرفه های فزاینده آمریکا روی ۲۵۰ میلیارد دلار از کالاهای صادراتی چین باعث شده میزان خریدهای مردمی در این کشور کاهش یابد. آمارها نشان می دهد نرخ خرده فروشی در چین در ماه نوامبر سال گذشته کاهش زیادی داشته و به پایین ترین رقم در ۱۵ سال گذشته رسیده است.

تغییر نام مقدونیه، سبب استعفای وزیر دفاع یونان شد



فارس: وزیر دفاع یونان در پی ادامه اختلافات در دولت این کشور در خصوص تغییر نام مقدونیه، استعفا کرد. «پانوس کامنوس» وزیر دفاع یونان اعلام کرد که اختلاف نظرها درباره نام مقدونیه عامل این استعفا بوده است. کامنوس پس از دیدار با نخست‌وزیر یونان درباره استعفایش به خبرنگاران گفت: موضوع مقدونیه به من اجازه نمی‌دهد بیشتر از این در این سمت باشم. چند ماه پیش و به رغم شکست همه‌پرسی تغییر نام مقدونیه، پارلمان این کشور به آغاز روند تغییر نام این کشور به «مقدونیه شمالی» رای مثبت داد و سرانجام دو روز قبل پارلمان مقدونیه به تغییر نام این کشور رای داد. تشابه اسمی مقدونیه با یکی از استانهای یونان به همین نام، سبب شد یونان کشور مقدونیه را برای تغییر نام، تحت فشار قرار دهد.

سفیر سابق آمریکا در ناتو: ایالات متحده دیگر مهم‌ترین بازیگر دنیا نیست

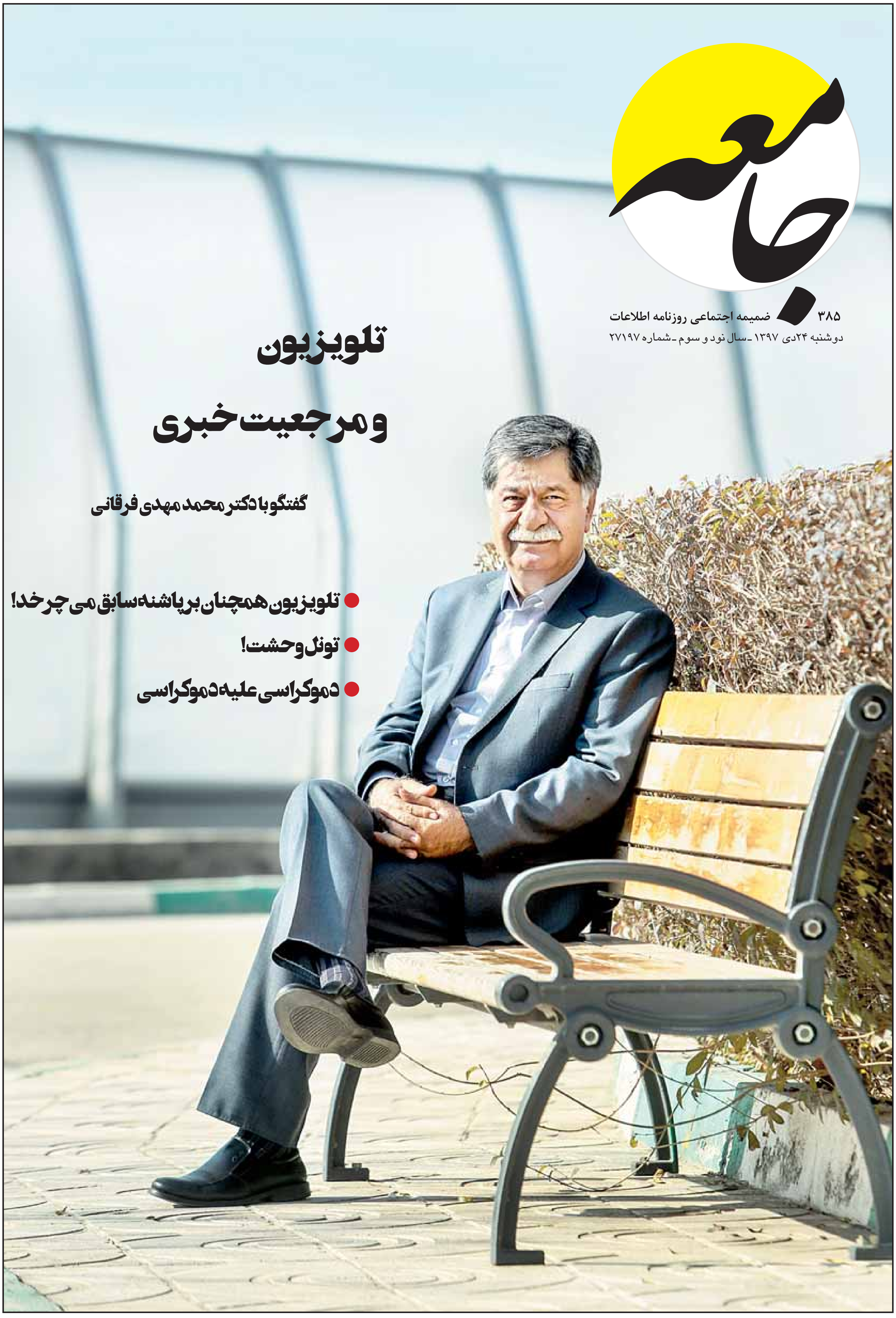
فارس: سفیر سابق آمریکا در ائتلاف ناتو گفت که ایالات متحده دیگر مهم‌ترین بازیگر در عرصه مسائل جهانی به شمار نمی‌رود. «ایو دالدر» سفیر آمریکا در ناتو بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ در مصاحبه‌ای با سی‌ان‌ان گفت: در سال ۲۰۱۷ ایالات متحده در ذهن رهبران دنیا حضوری بسیار پررنگ داشت و اینکه آمریکا چی فکر می‌کرد، چه کاری انجام می‌داد یا چه کاری انجام نمی‌داد، اهمیت داشت. این دیپلمات گفت: مطمئن نیستم که در سال ۲۰۲۱، برای رهبران دنیا هنوز هم اهمیتی داشته باشد که ایالات متحده می‌خواهد چه کاری انجام دهد.

جامعه
۳۸۵ ضمیمه اجتماعی روزنامه اطلاعات
دوشنبه ۲۴دی ۱۳۹۷ ـ سال نود و سوم ـ شماره ۲۷۱۹۷

تلویزیون و مرجعیت خبری

گفتگو با دکتر محمد مهدی فرقانی

- تلویزیون همچنان بر پاشنه سابق می چرخد!
- تونل وحشت!
- دموکراسی علیه دموکراسی



عکس از: احسان کاظملو

میدان مشق

تونل وحشت!

● ارمغان زمان فشمی

مدتـی قبـل پکیج کامل سـریال تلویزیونی «سـلطان و شبان» را به‌عنوان هدیه برای مادرمان خریدیم و یک روز عصر همگی با خوشحالی به تماشای آن نشستیم. این سریال در ذهن من یادآور روزهای شیرین کودکی بود و خاطره خوبی از آن داشتم. افسوس که این تصورات با دیدن قسمت اول سریال فروریخت.

ترکیب فضای مه‌آلود و غریب داستان با گریم‌های اغراق‌شده سلطان (مهدی هاشمی) و اطرافیانش را اضافه کنید به موسیقی هولناکی که شنیدنش ته دل آدم را خالی می‌کرد! صدای راوی داستان را به‌یاد بیاورید که با لحنی هولناک می‌گفت: امروز دوشنبه اول ماه سرطان است!

از خودم پرسیدم من که آن روزها دختربچه‌ای بیش نبودم از چه‌چیز این سریال خوشم می‌آمد؟ دیدن چنین صحنه‌هایی چه به روز روح یک طفل خردسال می‌آورد؟

بعد به یاد بقیه فیلم‌ها، سریال‌ها و کارتون‌های دوره کودکی‌ام افتادم که موقع دیدنشان پلک هم نمی‌زدیم. هر صبح با موسیقی برنامه «تقویم تاریخ» در رادیو بیدار و رهسپار مدرسه می‌شدیم؛ موسیقی معروف «زمان» که اگرچه از شاهکارهای گروه «پینک فلوید» بود اما برای یک کودک می‌توانست دلهره‌آور باشد.

در کارتون‌ها همیشه پسر بچه‌ای به‌دنبال مادرش می‌گشت یا دختربچه‌ای به استثمار کسی مثل خانم تناردیه در می‌آمد. زن و شوهرها در سریال «آینه» دعوا می‌کردند، «آتقی» در سریال «آینه عبرت» تریاک می‌کشید و «اوشین» به‌دلیل فقر و نداری، ترب می‌خورد.

عروسک‌های «چاق و لاغر» آن‌قدر شبیه بچه‌دزدها بودند که مادرها، بچه‌هایشان را با استفاده از آنها می‌ترساندند و می‌گفتند اگر درستان را نخوانید می‌گوییم چاق و لاغر بیایند شما را ببرند! عروسک‌های دیگر هم دست‌کمی از این دو نداشتند؛ یکی از یکی زشت‌تر!

سرودهای برنامه کودک را بچه‌هایی با گردن کج می‌خواندند که قرار بود ما را از دشمنانمان متنفر کنند؛ چون باباهای بچه‌هایی مثل «علی کوچولو» برای جنگیدن با آنها رفته بودند و علی کوچولو خیلی غصه می‌خورد.

چه کردیم آن سال‌ها با روح و روانمان؟ چه کرده بودند با روح و روانمان که این برنامه‌های دهشت‌انگیز با پیام‌های گل‌درشتشان را با لذت می‌بلعیدیم تا خوراک مغزمان باشند؟ ما از نظر برنامه‌سازان صداوسیما، کودکانی بودیم که باید پیام‌های اخلاقی مورد نظر آنها را می‌آموختیم، کودکانی که با یک اخم خانم مجری باید دو متر از تلویزیون فاصله می‌گرفتیم تا برایمان کارتون پخش کند.

ذهن ما هنوز توان تحلیل و تفسیر نداشت و هرچه می‌گفتند و هرچه نشان می‌دادند مستقیم برآن حک می‌شد، اما چرا باید در اوج نشاط و شادابی و بی‌خیالی کودکی آن حجم از غصه به ما تحمیل می‌شد؟

چند روز پیش در شبکه‌های اجتماعی متوجه شدم که برنامه کودک هنوز و حتی با شدت بیشتری دارد همان کار را می‌کند، یعنی سعی در تزریق چیزهایی دارد به کودکانی که هنوز در سن تشخیص نیستند.

دست‌کم در زمان ما چند کارتون سانسورشده اما همچنان جذاب وجود داشت که بقیه برنامه‌ها را بشوید و ببرد اما حالا چه دلیلی دارد که وسط یکی از برنامه‌های شبکه پویا، مجری با لحنی کودکانه به بچه‌های خردسال یادآوری کند که امروز سالگرد تولد فلان شخصیت سیاسی بزرگسال است؟ چرا می‌خواهیم مغز بچه‌ها را از سن کم هدف رگبار سلیقه‌های خودمان قرار بدهیم؟

بی‌دلیل نیست که هرچه گذشت نسل نو بیشتر از صداوسیمای داخلی فاصله گرفت و امروز حتی کودکانمان هم بعضاً کارتون‌های شبکه‌های ماهواره‌ای را تماشا می‌کنند.

زیرگذر اینترنت

مروری بر گفتمان‌هایی که در فضای مجازی درباره سوژه هفته شکل گرفته‌اند

وقتی بیست و سی، سه می‌کند!

با گسترش روزافزون شبکه‌های اجتماعی، صداو سیما دیگر تنها منبع خبری مردم نیست اما ظاهرا مسئولان این سازمان همچنان در خیال تکتاز بودن در عرصه خبر هستند که زحمت ایجاد هیچ‌گونه تغییری در سیاست‌های اشتباه را به خودشان نمی‌دهند. تفاوت آنچه از این رسانه دیده و شنیده می‌شود با آنچه مردم واقعا در کوچه و خیابان و کوی و گذر و گوشی‌های تلفن همراهشان می‌بینند به‌شدت آزاردهنده شده است.

مردمی که صبح تا شب با مشکلات و گرفتاری‌های مختلف دست به‌گریبان هستند، هر شب می‌بینند که رسانه ملی زحمت کشیده و به انعکاس آن مشکلات و گرفتاری‌ها پرداخته است، منتها در کشورهای



دیگر! آمار بیکاری در کشور خودمان بالاست اما بیست و سی درباره رکود اقتصادی در ایتالیا گزارش تهیه می‌کند.

کسانی که با اعتماد بیجا به برخی مؤسسات مالی و اعتباری پولشان را از دست داده‌اند در کنار بانک مرکزی تجمع کرده‌اند اما بیست و سی تصاویری از تظاهرات در فرانسه پخش می‌کند.

ناظم یک مدرسه به چند دانش‌آموز تجاوز کرده اما تمرکز بیست و سی روی خبر بارداری و زایمان یک زن آمریکایی است که سال‌هاست در کما مانده.

کارگرها در برخی کارخانجات ایران ماه‌هاست حقوق نگرفته‌اند اما رسانه ملی از سانسور نشدن فیلم جکی‌چان در تلویزیون کیش سخن می‌گوید.

تورم بیداد می‌کند و جان مردم به لب آمده اما بیست و سی به اعترافات دختر تهرانی که در فضای مجازی با پسری آشنا شده و تا سیرجان رفته تا از او کتک بخورد می‌پردازد.

این شائبه برای مردم ایجاد می‌شود که رسانه ملی مشکلاتشان را نمی‌بیند یا عمدا با تهیه خبرهای نامربوط می‌خواهد حواس آنها را پرت کند.

آنچه در این میان به‌سادگی از بین می‌رود، سرمایه اجتماعی یا همان اعتماد مردم به رسانه ملی و سخنان مسئولان است. برای همین وقتی کارگری سخن بگوید و مسئولی سخن او را تکذیب کند، مردم سخن کارگر را باور می‌کنند، نه مقام مسئول را! کاش مسئولان صداو سیما اندکی وقت می‌گذاشتند و با جستجو در اینترنت، متوجه جایگاه واقعی برنامه‌های این سازمان عریض و طویل در میان مردم می‌شدند. در اینجا به برخی نظرات مردم درباره بخش خبری شبکه دو تلویزیون یعنی برنامه «بیست و سی» اشاره می‌کنم. کاربر «نازنین» فیلمی از کتک‌خوردن یک نوجوان دستفروش و به‌هم زدن بساط او توسط مأموران شهرداری را به اشتراک می‌گذارد و می‌پرسد:

این ترازو گر ترازوی خداست

این کژی و نادرستی از کجاست؟

کاربر «فرهاد» در واکنش به این فیلم می‌نویسد: الان بیست و سی یک گزارش می‌گیرد [و اعلام می‌کند] که اینها بازیگرند و این سکانسی از یک فیلم است. یک کارگردان هم نشان می‌دهد که می‌گوید کاااات!

وقتی در بسیاری از محلات تهران بوی ناخوشایندی احساس شد، کاربر «احسان» نوشت: مسئولان در مرحله اول همان‌طور که انتظار می‌رفت، خبر بوی بد تهران را تکذیب کردند؛ الان منتظریم که در مرحله دوم این اتفاق را به گردن دشمن بیندازند، بیست و سی هم یک گزارش تهیه کند که مردم در آن بگویند بوهایی می‌آید ولی همه چیز مرتب است!

خیلی وقت‌ها همین که بخش خبری بیست و سی، خبری را تأیید کند، مردم می‌فهمند که آن خبر صحت ندارد و برعکس! «هادی» می‌نویسد: بیست و سی خبر ممنوع‌التصویری [حجه‌الاسلام محمدرضا]زائری را بدون اسم بردن از او و فقط با عبارت «مهمان یک برنامه» تکذیب کرد. این یعنی واقعا ممنوع التصویر شده!

«فرانکو» می‌نویسد: در این مملکت هر بلای آسمانی نازل شود، باز هم بیست و سی یک گزارش تهیه می‌کند که مردم از آن واقعه بسیار خوشحالند و از مسئولان تشکر می‌کنند!

کار به جایی رسیده است که برخی کاربران مثل «فریاد بامداد»، برنامه‌های بی‌بی‌سی فارسی و بیست و سی را همراستا با یکدیگر ارزیابی می‌کنند. «حامد کشاورز» می‌نویسد: برای تست اعصاب واقعی باید قبل از استفاده از دستگاه اعصاب سنج، به مدت پانزده دقیقه بیست و سی تماشا کرد!

نمی‌دانم این ساده‌انگاری و توهین به شعور مخاطب در رسانه ملی که با بودجه عمومی کشور و از درآمد مالیات همین مردم اداره می‌شود تا کجا قرار است ادامه داشته باشد اما مسئولان این رسانه باید حواسشان باشد که صدای مردم را به‌موقع شنیدن هنر است!

تماشاخانه



● رسانه می‌تواند واقعیت را کاملا وارونه نشان بدهد!

تلویزیون همچنان بر پاشنه سابق می چرخد!




● تاج محمد کاظمی

... «و اما شما بینندگان و شنوندگان عزیز! اگر قسمتی از برنامه را مطابق سلیقه خود نیافتید با در نظر گرفتن اشکالات و این نکته مهم که ذوق و سلیقه‌ها مختلف‌اند بر ما ببخشایید. به علاوه از شما تمنا داریم که ما را در اجرای این خدمت یاری کنید و نه تنها معایب و نقایص را گوشزد فرمایید بلکه ما را از آنچه برای بهبود و تکمیل برنامه‌ها به نظرتان می‌رسد کتبا یا شفاها برخوردار و قرین امتنان نمایید. ما برای این گونه پیشنهادها جوایزی ترتیب خواهیم داد که در آینده به اطلاع شما خواهد رسید» ...

این عبارات، بخشی از صحبت‌هایی است که درست ۶۰سال پیش در صفحه جادویی تلویزیون ظاهر شد و آغاز به کار اولین شبکه خصوصی تلویزیون را در ایران اعلام کرد.

در سخنرانی وی، این کلید واژه‌ها قابل تعمق‌اند:

– مطابق سلیقه خود نیافتید
– اشکالات
– ذوق و سلیقه‌ها مختلف‌اند
– بر ما ببخشایید
– معایب و نقایص را گوشزد فرمایید
– بهبود و تکمیل برنامه‌ها
– ما برای این گونه پیشنهادها جوایزی ترتیب خواهیم داد

از خلال این کلید واژه‌ها، سه عنصر اساسی که جوهره اصلی کارکرد یک رسانه به شمار می‌روند به این شرح قابل دستیابی‌اند:

– قبول تکثر آرا و سلایق مردم
– عذرخواهی از مخاطبان بابت ضعف برنامه‌ها
– تقاضای مشارکت از مردم برای توسعه برنامه‌ها

حال اگر بخواهیم عیار وجود این عناصر را در تلویزیون کنونی محک بزنیم به چه نتایجی دست خواهیم یافت؟

یک روزنامه‌نگار پیش کسوت در پاسخ به این پرسش با اشاره به اینکه مخاطبان و شهروندان ایرانی امروز بیش از همه دوره‌های فعالیت تلویزیون ایران، نسبت به آن بی‌اعتنا و بی‌اعتماد هستند و این نه تنها به زیان تلویزیون بلکه به ضرر منافع ملی است، می گوید: عملاً چنین تلویزیونی فرصت و امکانی برای تأثیر گذاری در بزنگاه‌های مهم اجتماعی را ندارد.

فریدون صدیقی می‌افزاید: چنان که در یک دهه اخیر دیدیم در رویدادهایی مانند انتخابات، اعتراض‌ها و اتفاق‌های دیگر، مردم به رسانه‌ای غیر از تلویزیون برای پاسخ به نیازهای‌شان مراجعه می کنند.

وی با بیان اینکه وقت تجدید نظر فرارسیده و تلویزیون برای اینکه دیده شود و بتواند مخاطب‌هایش را حفظ کند راهی ندارد مگر اینکه به خواست و سلیقه عمومی اعتنا کند، عنوان می کند: اعتنا به واقعیت‌های جامعه، توجه به مؤلفه‌های حرفه‌ای کار رسانه‌ای و پرهیز از هراس، راهگشای گذار تلویزیون از روزگار افول به اوج است.

یک مدرس علوم ارتباطات نیز تصریح می کند که برنامه‌های تلویزیون در بخش‌های خبری و سیاسی مطابق همه سلیقه‌های موجود در جامعه فعلی ایران نیستند و اساسا چون تنوع سیاسی موجود در هر جامعه بسیار زیاد است، تلویزیون هم نمی‌تواند پاسخگوی همه این سلیقه‌ها باشد.

دکتر گیتا علی‌آبادی، لازمه برنامه‌سازی و سیاستگذاری برای تولید محتوای مناسب را نیازسنجی و استفاده از افراد متخصص می‌داند و می گوید: در این راستا تلویزیون باید بداند که مردم به دنبال دیدن چه نوع برنامه‌هایی هستند و از چه طریقی می توان مخاطبان را به دیدن برنامه‌های آن جذب کرد.

وی معتقد است که اگر این مهم رخ ندهد خواهی نخواهی مخاطبان به رسانه‌های دیگر مراجعه می کنند و اخبار رویدادهای مورد توجه خود را از رسانه‌های دیگر پی می گیرند.

علی‌آبادی وجود سمت گیری را در برخی از برنامه‌های تلویزیون رد نمی کند و درباره نقش و تأثیر رسانه‌های جدید از جمله شبکه‌های اجتماعی در کاهش مخاطبان تلویزیون هم می گوید: رسانه‌های جدید به دلیل سرعت عملی که دارند باعث شده‌اند تا رسانه‌ای همچون تلویزیون با مشکل مخاطب مواجه شود.

به گفته وی رسانه‌های جدید با توجه به تعاملی بودنشان با تلویزیون متفاوت هستند و از این رو جذابیت بیشتری برای مخاطبان خود به وجود می‌آورند.

در هر حال به نظر می‌رسد که تلویزیون امروز با توسعه فزاینده تکنولوژی های ارتباطی و فناوری های اطلاعاتی با رقبای سرسخت و تازه نفسی در عرصه فضای مجازی مواجه شده که همه ساختارها و بافته‌های انحصار محور آن را با چالش های بسیار جدی مواجه ساخته است و به گفته کارشناسان و متخصصان ارتباطات، اگر سیاستگذاران و مسئولان این رسانه واقع‌بینانه با این پدیده برخورد نکنند فرجام خوبی در انتظار تلویزیون نخواهد بود.

به نظر این کارشناسان گرچه در سال های اخیر سیاستگذاران و تصمیم گیران تلویزیون به زعم خودشان به تغییرات و تحولات کمی و کیفی در شبکه‌ها و برنامه‌ها تن داده‌اند و ساعات زیادی به برنامه‌های گفتگو محور اختصاص یافته تا این رسانه از یک صدایی به چند صدایی تغییر رویکرد بدهد، اما با توجه به محتوای این برنامه‌ها می توان نتیجه گرفت که در تلویزیون همچنان به همان پاشنه سابق می چرخد و گفتمان حاکم در این رسانه تغییر محتوایی چندانی نکرده است.

دلیل اینکه تلویزیون در تلاش‌های خود برای تبدیل شدن به یک رسانه چند صدایی موفق نبوده و مخاطبان به‌رغم تنوع و تکثر شبکه‌ها و حجم بالای برنامه‌های گفتگو محور، همچنان به رسانه‌های غیر از تلویزیون اقبال نشان می‌دهند و به برنامه‌های خبری، تحلیلی و گزارشی این رسانه اعتماد چندانی نمی کنند به‌زعم کارشناسان به نبود یک اراده قوی در نزد مدیریت کلان این رسانه برمی گردد.

به عنوان مثال وقتی رییس اسبق سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، به عنوان بالاترین مقام تلویزیون در بحث نزدیک کردن سیاست‌های تلویزیون به سلیقه مردم، نحوه مدیریت خود را در این عرصه توضیح داد، معلوم شد نه تنها اراده‌ای برای نیل به این مهم در نزد مدیران این سازمان دیده نمی‌شود بلکه اساسا روش‌های پذیرفته شده علمی در دنیا برای مقوله مهمی چون نظارت در قاموس مدیریت این سازمان محلی از اعراب ندارد.

به این بخش از صحبت‌های رییس اسبق سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران که در روزنامه‌های آن دوران به خوبی منعکس شد، توجه فرمایید: «... با اشاره به نظارت مستمر خود بر برنامه‌های رادیو و تلویزیون افزود: من خودم شب‌ها که به خانه می‌روم کارم نظارت است.

دایم شبکه‌ها را چک می کنم و اگر موردی نیاز به تذکر داشته باشد، تذکر می‌دهم.

البته سلیقه‌های مردم متفاوت است و ممکن است این برنامه‌ها سلیقه افراد را ۱۰۰درصد تأمین نکند ولی ما بازهم سعی می کنیم برنامه‌ها تا آنجا که امکان دارد به سلیقه مردم نزدیک باشند.»

بدیهی است که وقتی ریاست یک سازمان عریض و طویلی مانند صدا و سیما مقوله بزرگی مانند نظارت را که نقش حیاتی در پیشرفت یا پسرفت یک مجموعه ایفا می کند به آن درجه از نزول و حقارت می‌رساند که آن را جزئی کوچک از امور روزمره زندگی شخصی خود تلقی می کند، به قول معروف، تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

از نقطه نظر کارشناسان مسائل اجتماعی، انحصاری بودن تلویزیون باعث شده است مسئولان این رسانه با دادن عنوان «رسانه ملی» به خود، منویات، آرزوها و علایق خود را از زبان فرد یا افراد معدودی تحت عنوان مردم یا ملت در صفحه تلویزیون بیان کنند و چون رسانه مشابه رقیبی در کشور وجود ندارد که حرفی متفاوت با آنها را در جامعه منعکس کند، این تصور و توهم در اذهان مدیران تلویزیون نهادینه شود که خودشان عین ملت و منتقدان آنها مقابل ملت هستند!

گفتگوی «اطلاعات» با دکتر محمد مهدی فرقانی

تلویزیون و مرجعیت خبری

• گفتگو: تاج محمد کاظمی

اشاره:
در چهار دهه بعد از انقلاب بدون تردید تلویزیون از جمله رسانه‌هایی بوده است که علاوه بر نقش‌آفرینی در عرصه خبر و اطلاع‌رسانی، طورشگفت‌انگیزی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه حضوری فعال داشته و توانسته در تحولات مختلف تأثیرگذار باشد.

یکه تازی، دربرگیری بالا، تأثیرگذاری فوری و مهم‌تر از همه انحصاری‌بودن این رسانه باعث شده است همه کنشگران در عرصه‌های مختلف از سیاست، اقتصاد و فرهنگ گرفته تا ورزش، محیط‌زیست و امور بین‌الملل نسبت به برنامه‌های تلویزیون حساس باشند و با توجه به موضعگیری‌های این رسانه به تعریف و تمجید یا انتقاد و شکایت از آن بپردازند.

عمده نظرات این کنشگران اما نشان می‌دهد تلویزیون با وجود جایگاه ویژه‌اش خیلی کم به رسالت، وظایف و کارکردهای حرفه‌ای و تخصصی خود به عنوان یک رسانه عمومی که خود از آن به عنوان رسانه ملی نام می‌برد، توجه دارد و به جای مشارکت دادن اهل فن در تولید برنامه‌ها و لحاظ کردن خواست‌ها و سلایق اکثریت مخاطبان، به آنچه که خود تشخیص می‌دهد عمل می‌کند و ضرورتی هم احساس نمی‌کند که در قبال عملکردش به افکار عمومی پاسخگو باشد.برای بررسی جایگاه و عملکرد تلویزیون و میزان پاسخگویی مسئولان این رسانه با دکتر محمد مهدی فرقانی، روزنامه نگار پیشکسوت، استاد علوم ارتباطات و عضو هیأت علمی و رییس دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی به گفتگو نشستیم.

***

• یک رسانه چگونه می‌تواند به مرجع قابل اعتماد مردم تبدیل شود؟

برای تبدیل‌شدن یک رسانه به مرجع چندین عامل مهم و تأثیرگذارند که بعضی از آنها اهمیت بیشتری دارند و بعضی‌ها نیز در درجات بعدی،شأن و اهمیت می‌یابند. به بیان دیگر بایستی بسته‌ای ازعوامل شکل بگیرد تا یک رسانه تبدیل به مرجع شود. هر رسانه به مرور و در طول زمان و به واسطه عملکردش، مرجع می‌شود ولی می‌تواند در طرفه العینی مرجعیتش را از دست بدهد یا با یک عملکرد ضعیف و غیرحرفه‌ای، مرجعیتش زیر سئوال برود.

شاید به‌دست آوردن مرجعیت نسبی آسان‌تر از حفظ آن در دراز مدت باشد ولی درهر صورت برای به‌دست آوردن مرجعیت رسانه‌ای لازم است آن رسانه قبل ازهرچیز درچارچوب اخلاق حرفه‌ای عمل کند. این اخلاق حرفه‌ای در روزنامه‌نگاری حرفه‌ای مبتنی برچند عنصر است:

۱ـ رعایت صحت، دقت و امانتداری
۲- احترام به حقوق مخاطب
۳- توجه به اعتبار منبع
۴- تأمین نیازهای مخاطب
۵- قرارداشتن در جبهه مردم، نه در جبهه قدرت
۶- رعایت حرمت، حیثیت و آبروی افراد و گروها و حراج نکردن این ارزش‌ها

بنابراین جلب اعتماد مخاطب در دراز مدت اتفاق می‌افتد و وقتی مردم اطمینان پیدا می‌کنند که این رسانه صدای آنها و بازتاب دهنده نیازها، علایق و منافع آنهاست که منافع و مصالح عمومی حرف اول را در آن رسانه بزند، چه آن منافع با منافع قدرت هم راستا باشند و چه نباشند. به بیان دیگر، محور و اساس در کار رسانه‌ای، مردم و حقوق و مصالح آنها و داشتن اعتبار به عنوان مرجع خبری، مرجع اطلاعاتی و مرجع دانشی است و اگرهرکدام ازاین اصول نقض شوند، می‌توانند به کلیت داستان لطمه بزنند.

اخلاق حرفه‌ای به زبان رسانه نیز برمی‌گردد، یعنی زبان رسانه نباید زبان توهین کننده، و خصمانه باشد یا هتک حرمت کند، بلکه باید زبان تفاهمی، توأم با احترام به حقوق مخاطب، رعایت راستی، عدالت، توازن و انصاف باشد. اینها مهم‌ترین اصول روزنامه‌نگاری حرفه‌ای هستند.

و بالاخره این که یک رسانه زمانی به یک مرجع قابل اعتماد تبدیل می‌شود که مخاطب در زندگی روزمره و به تدریج به این نتیجه برسد که می‌تواند به این رسانه اعتماد کند.

• با این تعریف مرجعیت تلویزیون ایران (سیمای جمهوری اسلامی ایران) را چگونه ارزیابی می کنید؟

در کلام نهایی به نظر من تلویزیون از این حیث موفق نبوده است، حتی اگرآمار و ارقامی که اعلام می‌شوند خلاف این را بگویند؛ چرا که ما در تجربه حرفه‌ای و زندگی روزمره‌مان مشاهده می کنیم که تلویزیون مرجع نیست. اگر مرجع بود، این همه گرایش و علاقه احیانا به رسانه‌های برون مرزی نبود و مردم حتی برای کسب اطلاعات روزمره، رسانه‌های بیگانه را به رسانه‌های داخلی ترجیح نمی‌دادند.این مسأله، نشانه شکاف و بی‌اعتمادی و ناشی از تجربه‌ای است که مخاطب در طول زمان در مواجهه با رسانه‌ای مانند تلویزیون کسب کرده است. اگر رفتار تلویزیون با دولت‌ها و مراجع قدرت از یک طرف و با شهروندان از طرف دیگر، رفتار تعریف شده و ثابتی نباشد بلکه فقط برخی از مراجع قدرت را نمایندگی کند و مردم، چه در قالب نهادهای مدنی و چه به صورت فردی و عمومی درتولید محتوا مشارکت نداشته باشند، با گذشت زمان این رفتار محک می‌خورد و ارزشگذاری می‌شود.

رفتار یک رسانه به ویژه در بزنگاه‌ها، محک می‌خورد و گرنه درحالت عادی که هر رسانه کار خودش را می کند و خبرش را می‌دهد. در بزنگاه‌ها یعنی در شرایطی که رویداد و اتفاق مهمی در جامعه مطرح می‌شود که می‌تواند در سرنوشت عمومی تأثیر بگذارد، متأسفانه تلویزیون ما با آنچه که تلقی عمومی اقتضا می کند همراهی ندارد و در نتیجه، این بحران اعتماد که الان به نظر می‌رسد وجود دارد در رابطه بین مخاطب با تلویزیون ایجاد شده است.

از سوی دیگر اگرمردم به فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، سریال‌ها و برنامه‌های سرگرمی اقبال نشان می‌دهند، معیار خیلی خوبی برای سنجش اعتماد عمومی نسبت به تلویزیون نیست،چرا که اعتماد با اخبار، تفاسیر و گزارش‌های مرتبط با حوزه‌های سیاسی و اجتماعی شکل می گیرد و تلویزیون دراین زمینه طبیعتا چندان موفق نبوده است.



> **• در زندگی روزمره ما تلویزیون مرجع نیست؛ اگر مرجع بود، مردم حتی برای کسب اطلاعات روزمره، رسانه‌های بیگانه را به رسانه‌های داخلی ترجیح نمی‌دادند**
>
> **• تلویزیون کارشناس نماها را به جای کارشناسان واقعی می نشاند، چون کارشناس نماها یاد گرفته‌اند که گفتمان‌های تلویزیون را بازنشر کنند**

همچنین آمار مراجعه به برنامه‌های خبری ماهواره و فضای مجازی و مرجعیتی که اخبار نه چندان معتبر کسب کرده‌اند، نشانه وجود خلاء در حوزه رسانه‌های رسمی کشورند. اگر رسانه‌ای خود را «رسانه ملی» می‌داند باید دید به چه صفتی این عنوان را برای خودش زیبنده می‌بیند؟ آیا به اعتبار اینکه از بودجه عمومی استفاده می کند خود را رسانه ملی می‌داند یا اینکه رسانه‌ای است که در جبهه ملت قراردارد و در واقع نیازها، علایق و مصالح عمومی برایش مهم است و مردم را در تولید محتوا و داوری نسبت به برنامه‌ها مشارکت می‌دهد و خط قرمز زیادی به آن معنا ندارد و جامعه را به خودی و غیرخودی تقسیم نمی کند؟

امروز می‌بینیم خیلی از نخبگان سیاسی، اجتماعی و علمی به دلیل اینکه گفتمان متفاوت با گفتمان تلویزیون را نمایندگی می کنند به این رسانه راهی ندارند؛ چرا که خطوط قرمز این رسانه تعیین می کنند چه کسانی حق دارند و چه کسانی حق ندارند در این تلویزیون حضور داشته باشند و نظرشان و چهره‌شان در تلویزیون بازتاب پیدا کند.

• مهم‌ترین انتقادها به تلویزیون به بخش‌های خبر، تبلیغات(آگهی‌ها)، بحث های کارشناسی و سرگرمی‌ها وارد می‌شوند. نگاه جنابعالی به نحوه پرداخت تلویزیون به این مباحث چگونه است؟

در بخش خبر، به‌ویژه در زمان‌های خاص که حساسیت‌هایی ایجاد می‌شود، موضع گیری تلویزیون نسبت این شکل که چه خبرهایی منعکس شود یا منعکس نشود و چه خبرهایی چارچوب بندی شود،خیلی نمود پیدا می کند؛ البته همه رسانه‌ها در همه جای دنیا اخبار را چارچوب‌بندی و مواضع و خط مشی خودشان را اعمال می کنند.

اما رفتار یک رسانه دولتی قاعدتاً باید با رفتار یک رسانه خصوصی متفاوت باشد. رسانه خصوصی حق دارد که براساس سیاست و نگرش‌های خود پیش برود و طبیعتا این مخاطب است که آن را قبول کند یا قبول نکند.

اگر تلویزیون دولتی بخواهد یک پوشش عمومی داشته باشد و به نوعی خود را مدعی نمایندگی افکار عمومی نشان می‌دهد، باید مواضعش بی‌طرفانه‌تر، مردمی‌تر و عینی‌تر باشد و درمورد اخبار جبهه‌گیری و جهت‌گیری خاصی نداشته باشد.

• در مورد تبلیغات چطور؟

در مبحث تبلیغات وضعیت تلویزیون بحرانی‌تر است. روش تلویزیون در این بخش عملا تقلیدی از تلویزیون‌های غربی است؛ همان تلویزیون‌هایی که خیلی از آنها انتقاد می کردیم و می کردند که خبر چاشنی آگهی‌ها شده، نه آگهی‌ها چاشنی خبر و جذب آگهی هرنوع و به هر قیمتی در تلویزیون مجاز است.

در این بحث، بدتر ازهمه اتفاقی است که در چند سال اخیر در تلویزیون، رادیو و البته به نوعی در مطبوعات روی داده و آن «برنامه‌فروشی» است؛ به این معنا که این اصل اخلاقی که خبر را باید از تفسیر و آگهی جدا کرد، متأسفانه دچار خدشه شده است. طبق این اصل، آگهی باید به گونه‌ای برای مخاطب منعکس شود که تشخیص آن از محتوای تولیدی خود رسانه دشوار یا غیرممکن نباشد. یعنی مخاطب بین محتوای تولیدی رسانه با آگهی خلط نکند.

اما متاسفانه در سال‌های اخیر میزگردها، مصاحبه‌ها، گفتگوها و سریال‌هایی ساخته می‌شوند که هیچکدام برچسب آگهی نخورده‌اند و انگار درچارچوب منافع مخاطب توسط تلویزیون ساخته شده‌اند، در حالی که با پول آگهی‌دهنده یا حامی دیگری ساخته می‌شوند ولی در هیچ کجای آگهی به مخاطب گفته نمی‌شود چیزی که می‌بینیدآگهی است یا توسط یک ذینفع دیگر ساخته شده است و این بزرگ‌ترین تجاوز به حقوق جامعه است.

یا تلویزیون جاهایی برای کالایی تبلیغ می کند که اساسا نمی‌توان با هیچ معیاری ارزش، صحت و مفیدبودن آن را برای جامعه تشخیص داد اما زمان و فضای برنامه را در اختیار آن آگهی قرار می‌دهند و آن را به عنوان تولید تلویزیون به مردم می‌فروشند.

هیچ معیار حرفه‌ای چنین رفتاری را مجاز نمی‌داند و این گونه اقدامات کاملا غیراخلاقی، غیرحرفه‌ای و غیرعلمی هستند، اما به نظر می‌رسد تلویزیون برای کسب درآمد حاضر است از این ارزش‌های حرفه‌ای چشم‌پوشی کند.

> **• در سال‌های اخیر میزگردها، مصاحبه‌ها، گفتگوها و سریال‌هایی با پول آگهی دهنده یا حامی دیگری ساخته می‌شوند که در هیچ کجای برنامه به مخاطب گفته نمی‌شود این آگهی است یا توسط یک ذینفع دیگر ساخته شده است و این بزرگ‌ترین تجاوز به حقوق جامعه است**

• بپردازیم به میزگردها و برنامه های گفتگو محور که تلویزیون اخیرا خیلی در این عرصه فعال شده است.

در مورد بحث های کارشناسی در تلویزیون دو نگاه وجود دارد: نگاه اول این که یکی از کارکردهای تلویزیون مانند هر رسانه دیگر این است که نخبگان و نواندیشان را از حاشیه به متن بکشاند و فضایی را برای بیان و ابراز دیدگاه و عقاید و نظرات کارشناسی و تخصصی آنها فراهم آورد تا جامعه از این نظرات برای پیشرفت و توسعه و به‌ویژه دولت برای برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرای امور استفاده کند.

دیدگاه انتقادی در اینجا این است که تلویزیون مثل خیلی از رسانه‌های دنیا بسیار گزینشی و هدایت شده و با هدف دستیابی به یک سری دستاوردهای از پیش تعیین شده عمل می کند. به این صورت که خیلی از کارشناس‌نماها را به جای کارشناسان واقعی می‌نشاند؛ یعنی افرادی را به عنوان کارشناس به برنامه‌ها دعوت می کند که همه اهل فن می‌دانند که در همان حوزه چهره‌های خیلی قوی‌تر از آنها وجود دارند که دیدگاه‌های بسیار عملی‌تر و معتبرتر دارند، اما چون کارشناس‌نماها یاد گرفته‌اند که گفتمان‌های تلویزیون را بازنشر کنند و کارشناسان واقعی گفتمان خودشان را، بنابراین معلوم است که چه اتفاقی در این بحث‌های کارشناسی در تلویزیون می‌افتد.

نگاه بعدی این است که اساسا تلویزیون به لحاظ ساختاری به دنبال بحث‌های خیلی عمیق، پیچیده و آکادامیک نیست؛ همانطور که پیر بوردیو، جامعه‌شناس مشهور فرانسوی تلویزیون را متخصص تولید متفکر فوری و تفکر فست فودی دانسته است، تلویزیون ما هم به‌رغم اینکه مدعی ارزشی بودن است ولی در این طبقه بندی قرار می گیرد.

تلویزیون ما به راحتی دکتر، مهندس، کارشناس، صاحبنظر و متخصص می‌سازد و به راحتی پزشکانی را به برنامه‌هایش دعوت می کند که حاضرند هزینه‌ای هم بابت دعوت‌شدن به تلویزیون بدهند تا به صرف حضور در تلویزیون برای بیماران مرجع شوند؛ در حالی که ممکن است پزشکان بهتری از او وجود داشته باشند.

• و در حوزه سرگرمی چطور؟

در حوزه سرگرمی هم تلویزیون جز موارد خاص از جمله برخی سریال‌ها و فیلم‌ها، خیلی درسرگرم کردن سالم و با نشاط مردم موفق نیست. سرگرمی باید با احساس نشاط و شادمانی همراه باشد و مخاطب احساس کند وقتی از پای رسانه‌ای بلند می‌شود انرژی و تحرک تازه‌ای پیدا کرده است. ولی در تلویزیون ما خیلی وقت‌ها قصه‌ها سرهم بندی شده‌اند یا بیشتر آنها تولید غم و اندوه، ناامیدی و بی‌اعتمادی و اضطراب و انزوا می کنند.

درکلام نهایی تلویزیون ما «سیاست شادی» ندارد و انگارکه مردم اصلاً نیاز به شادی و سرخوشی ندارند. به همین دلیل وقتی مردم نتوانند از طریق تلویزیون این نیازها را تامین کنند به راه‌های دیگر برای تأمین آنها متوسل می‌شوند.

• ساختار حکومتی تلویزیون را در مواجهه با شرایط عصر جدید چگونه می بینید؟ اگر در این ساختار مثل سایر جوامع، بخش خصوصی مشارکت کند وضعیت چگونه خواهد شد؟

من با این موضوع که دولت و حاکمیت، تلویزیون و صدای خودشان را داشته باشند هیچ مخالفتی ندارم و فکر می کنم این حق هرحاکمیت است که رسانه خودش را داشته باشد اما با این موضوع که این رسانه انحصاری باشد، مساله دارم.

نهضت خصوصی سازی که از اواخر دهه ۸۰ میلادی درجهان به حرکت درآمد تلویزیون‌ها، رادیوها و سایر رسانه‌ها را هم در برگرفت و البته خیلی از دولت‌ها که رسانه‌ها را خصوصی کردند یک کانال دولتی را هم برای خودشان نگه داشتند. من معتقدم تنوع، رقابت و استقلال باید در بین رسانه‌های یک کشور باشد تا بتوانند به پیشبرد فضای آزاد برای بیان حقایق کمک کنند. انحصاری‌بودن تلویزیون باعث می‌شود ضعف‌هایش شناخته نشود و یکی از دلایلی که رسانه‌های برون مرزی احیانا مرجعیت پیدا می کنند این است که هیچ شبکه تلویزیونی که قادر به رقابت با شبکه‌های داخلی و حاکمیتی باشد، وجود ندارد و مردم نمی‌توانند هیچ صدایی جزصدای مسلط و غالب بشنوند وهیچ گفتمان رقیبی وجود ندارد و در نتیجه برای شنیدن گفتمان‌های رقیب به رسانه‌های بیگانه روی می‌آورند.ما می‌توانیم فقط یک رسانه دولتی داشته باشیم و همان مرجعیت برای عام داشته باشد، اما مرجعیت در رقابت مشخص می‌شود و به تدریج به‌دست می‌آید. مردم قضاوت می کنند کدام رسانه اخبارش امانت‌دارتر، معتبرتر، متوازن‌تر و منصفانه‌تر است و تصمیم می گیرند. بدیهی است یک گفتمان واحد که امکان مقایسه ندارد قابل قبول مردم نیست، چرا که قضاوت در مقایسه شکل می گیرد.

با این تفاصیل معتقدم که این ساختار فعلی تلویزیون ضمن اینکه مشروعیت خودش را دارد و باید هم وجود داشته باشد، اما نباید انحصاری باشد.

• منتقدان تلویزیون از بی توجهی این رسانه به افکار عمومی، موضع گیری های سیاسی جناحی، عدم توجه به نظرات کارشناسان و صاحبنظران مستقل، نظارت‌ناپذیری و حاکمیت مدیریت ایدئولوژیکی به جای مدیریت تخصصی در آن انتقاد می کنند. این انتقادها تا چه اندازه بجا هستند؟

یکی ازعوامل کاهش مشروعیت یک رسانه، پاسخگو نبودن درقبال عملکردش است و تلویزیون فعلی ما چنین رسانه‌ای است و نماد عدم پاسخگویی رسانه‌ای است؛ تلویزیون یکطرفه‌ای که هرچه دل تنگش می‌خواهد علیه هر فرد، گروه و شخصیت می گوید و هیچ فرصت و فضایی برای دفاع آنها فراهم نمی کند.

نمونه‌هایش بسیارند و مناظره‌های انتخاباتی از شاخص‌ترین آنها هستند، یا در برخی برنامه‌ها به چهره‌های برجسته، مفاخر ملی و همینطور به شخصیت‌ها و چهره‌های سرشناس سیاسی اتهام‌های خیلی مبتذل و مستهجن منتسب می‌شود و فرصت پاسخگویی هم از آنها سلب شده است.سوال من این است چگونه یک نشریه با ۱۰۰۰ نسخه تیراژ طبق قانون مطبوعات ملزم به رعایت پاسخگویی است و طرف مقابل تا دو برابر حجم مطلب می‌تواند پاسخ بدهد و آن نشریه موظف است به سرعت و در همان صفحه، پاسخ را منعکس کند و حق شکایت برای آن طرف محفوظ است، اما تلویزیون که میلیون‌ها مخاطب دارد از این رویه مستثنی است و الزامی برای پاسخگویی ندارد!من قائل به حق پاسخگویی برای مخاطب هستم و برضرورت پاسخگو بودن رسانه تأکید می کنم. ما در ادبیات روزنامه‌نگاری حرفه‌ای حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی روزنامه‌نگاران را داریم و در این ادبیات حقوق و مسئولیت، دو روی یک سکه‌اند. شما نمی‌توانید حقوق آنها را نادیده بگیرید اما توقع پاسخگویی از آنها داشته باشید و از طرف دیگر از حقوق برخوردار باشید ولی نسبت به عملکرد خود پاسخگو نباشید!

در قانون ما، حقوق مطبوعات پیش‌بینی شده ولی عملا رعایت نمی‌شوند و در مقابل از آنها در حد اعلا مسئولیت خواسته می‌شود، درحالی که در تلویزیون این عکس است، یعنی حقوق حرفه ای خبرنگاران و دست اندرکاران تلویزیون خیلی بیشتر از روزنامه‌نگاران است، اما پاسخگو نیستند و این از عجایب روزگار است.

بقیه در صفحه ٦

جامعه
دوشنبه ۲۴دی ۱۳۹۷ ـ سال نود و سوم ـ شماره ۲۷۱۹۷

گفتگوی «اطلاعات» با دکتر محمد مهدی فرقانی

تلویزیون و مرجعیت خبری

● گفتگو: تاج محمد کاظمی

اشاره:
در چهار دهه بعد از انقلاب بدون تردید تلویزیون از جمله رسانه‌هایی بوده است که علاوه بر نقش‌آفرینی در عرصه خبر و اطلاع‌رسانی، طور شگفت‌انگیزی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه حضوری فعال داشته و توانسته در تحولات مختلف تأثیرگذار باشد.
یکه تازی، دربرگیری بالا، تأثیرگذاری فوری و مهم‌تر از همه انحصاری بودن این رسانه باعث شده است همه کنشگران در عرصه‌های مختلف از سیاست، اقتصاد و فرهنگ گرفته تا ورزش، محیط زیست و امور بین‌الملل نسبت به برنامه‌های تلویزیون حساس باشند و با توجه به موضعگیری‌های این رسانه به تعریف و تمجید یا انتقاد و شکایت از آن بپردازند.
عمده نظرات این کنشگران اما نشان می‌دهد تلویزیون با وجود جایگاه ویژه‌اش خیلی کم به رسالت، وظایف و کارکردهای حرفه‌ای و تخصصی خود به عنوان یک رسانه عمومی که خود از آن به عنوان رسانه ملی نام می‌برد، توجه دارد و به جای مشارکت دادن اهل فن در تولید برنامه‌ها و لحاظ کردن خواست‌ها و سلایق اکثریت مخاطبان، به آنچه که خود تشخیص می‌دهد عمل می‌کند و ضرورتی هم احساس نمی‌کند که در قبال عملکردش به افکار عمومی پاسخگو باشد. برای بررسی جایگاه و عملکرد تلویزیون و میزان پاسخگویی مسئولان این رسانه با دکتر محمد مهدی فرقانی، روزنامه نگار پیشکسوت، استاد علوم ارتباطات و عضو هیأت علمی و رییس دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی به گفتگو نشستیم.

***

● یک رسانه چگونه می‌تواند به مرجع قابل اعتماد مردم تبدیل شود؟

برای تبدیل‌شدن یک رسانه به مرجع چندین عامل مهم و تأثیرگذارند که بعضی از آنها اهمیت بیشتری دارند و بعضی‌ها نیز در درجات بعدی، شأن و اهمیت می‌یابند. به بیان دیگر بایستی بسته‌ای ازعوامل شکل بگیرد تا یک رسانه تبدیل به مرجع شود. هر رسانه به مرور و در طول زمان و به واسطه عملکردش، مرجع می‌شود ولی می‌تواند در طرفه العینی مرجعیتش را از دست بدهد یا با یک عملکرد ضعیف و غیرحرفه‌ای، مرجعیتش زیر سئوال برود.

شاید به‌دست آوردن مرجعیت نسبی آسان‌تر از حفظ آن در دراز مدت باشد ولی درهر صورت برای به‌دست آوردن مرجعیت رسانه‌ای لازم است آن رسانه قبل ازهرچیز درچارچوب اخلاق حرفه‌ای عمل کند. این اخلاق حرفه‌ای در روزنامه‌نگاری حرفه‌ای مبتنی برچند عنصر است:

۱ـ رعایت صحت، دقت و امانتداری
۲- احترام به حقوق مخاطب
۳- توجه به اعتبار منبع
۴- تأمین نیازهای مخاطب
۵- قرارداشتن در جبهه مردم، نه در جبهه قدرت
۶- رعایت حرمت، حیثیت و آبروی افراد و گروها و حراج نکردن این ارزش‌ها

بنابراین جلب اعتماد مخاطب در دراز مدت اتفاق می‌افتد و وقتی مردم اطمینان پیدا می‌کنند که این رسانه صدای آنها و بازتاب دهنده نیازها، علایق و منافع آنهاست که منافع و مصالح عمومی حرف اول را در آن رسانه بزند، چه آن منافع با منافع قدرت هم راستا باشند و چه نباشند. به بیان دیگر، محور و اساس در کار رسانه‌ای، مردم و حقوق و مصالح آنها و داشتن اعتبار به عنوان مرجع خبری، مرجع اطلاعاتی و مرجع دانشی است و اگرهرکدام ازاین اصول نقض شوند، می‌توانند به کلیت داستان لطمه بزنند.

اخلاق حرفه‌ای به زبان رسانه نیز برمی‌گردد، یعنی زبان رسانه نباید زبان توهین کننده، و خصمانه باشد یا هتک حرمت کند، بلکه باید زبان تفاهمی، توأم با احترام به حقوق مخاطب، رعایت راستی، عدالت، توازن و انصاف باشد. اینها مهم‌ترین اصول روزنامه‌نگاری حرفه‌ای هستند.

و بالاخره این که یک رسانه زمانی به یک مرجع قابل اعتماد تبدیل می‌شود که مخاطب در زندگی روزمره و به تدریج به این نتیجه برسد که می‌تواند به این رسانه اعتماد کند.

● با این تعریف مرجعیت تلویزیون ایران (سیمای جمهوری اسلامی ایران) را چگونه ارزیابی می کنید؟

در کلام نهایی به نظر من تلویزیون از این حیث موفق نبوده است، حتی اگر آمار و ارقامی که اعلام می‌شوند خلاف این را بگویند؛ چرا که ما در تجربه حرفه‌ای و زندگی روزمره‌مان مشاهده می کنیم که تلویزیون مرجع نیست. اگر مرجع بود، این همه گرایش و علاقه احیانا به رسانه‌های برون مرزی نبود و مردم حتی برای کسب اطلاعات روزمره، رسانه‌های بیگانه را به رسانه‌های داخلی ترجیح نمی‌دادند.این مسأله، نشانه شکاف و بی‌اعتمادی و ناشی از تجربه‌ای است که مخاطب در طول زمان در مواجهه با رسانه‌ای مانند تلویزیون کسب کرده است. اگر رفتار تلویزیون با دولت‌ها و مراجع قدرت از یک طرف و با شهروندان از طرف دیگر، رفتار تعریف شده و ثابتی نباشد بلکه فقط برخی از مراجع قدرت را نمایندگی کند و مردم، چه در قالب نهادهای مدنی و چه به صورت فردی و عمومی درتولید محتوا مشارکت نداشته باشند، با گذشت زمان این رفتار محک می‌خورد و ارزشگذاری می‌شود.

رفتار یک رسانه به ویژه در بزنگاه‌ها، محک می‌خورد و گرنه درحالت عادی که هر رسانه کار خودش را می کند و خبرش را می‌دهد. در بزنگاه‌ها یعنی در شرایطی که رویداد واتفاق مهمی در جامعه مطرح می‌شود که می‌تواند در سرنوشت عمومی تأثیر بگذارد، متأسفانه تلویزیون ما با آنچه که تلقی عمومی اقتضا می کند همراهی ندارد و در نتیجه، این بحران اعتماد که الان به نظر می‌رسد وجود دارد در رابطه بین مخاطب با تلویزیون ایجاد شده است.

از سوی دیگر اگر مردم به فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، سریال‌ها و برنامه‌های سرگرمی اقبال نشان می‌دهند، معیار خیلی خوبی برای سنجش اعتماد عمومی نسبت به تلویزیون نیست،چرا که اعتماد با اخبار، تفاسیر و گزارش‌های مرتبط با حوزه‌های سیاسی و اجتماعی شکل می‌گیرد و تلویزیون دراین زمینه طبیعتا چندان موفق نبوده است.

همچنین آمار مراجعه به برنامه‌های خبری ماهواره و فضای مجازی و مرجعیتی که اخبار نه چندان معتبر کسب کرده‌اند، نشانه وجود خلاء در حوزه رسانه‌های رسمی کشورند. اگر رسانه‌ای خود را «رسانه ملی» می‌داند باید دید به چه صفتی این عنوان را برای خودش زیبنده می‌بیند؟ آیا به اعتبار اینکه از بودجه عمومی استفاده می کند خود را رسانه ملی می‌داند یا اینکه رسانه‌ای است که در جبهه ملت قراردارد و در واقع نیازها، علایق و مصالح عمومی برایش مهم است و مردم را در تولید محتوا و داوری نسبت به برنامه‌ها مشارکت می‌دهد و خط قرمز زیادی به آن معنا ندارد و جامعه را به خودی و غیرخودی تقسیم نمی کند؟

امروز می‌بینیم خیلی از نخبگان سیاسی، اجتماعی و علمی به دلیل اینکه گفتمان متفاوت با گفتمان تلویزیون را نمایندگی می کنند به این رسانه راهی ندارند؛ چرا که خطوط قرمز این رسانه تعیین می کنند چه کسانی حق دارند و چه کسانی حق ندارند در این تلویزیون حضور داشته باشند و نظرشان و چهره‌شان در تلویزیون بازتاب پیدا کند.

● در زندگی روزمره ما تلویزیون مرجع نیست؛ اگر مرجع بود، مردم حتی برای کسب اطلاعات روزمره، رسانه‌های بیگانه را به رسانه‌های داخلی ترجیح نمی‌دادند

● تلویزیون کارشناس نماها را به جای کارشناسان واقعی می نشاند، چون کارشناس نماها یاد گرفته‌اند که گفتمان‌های تلویزیون را بازنشر کنند

● مهم‌ترین انتقادها به تلویزیون به بخش‌های خبر، تبلیغات(آگهی‌ها)، بحث های کارشناسی و سرگرمی‌ها وارد می‌شوند. نگاه جنابعالی به نحوه پرداخت تلویزیون به این مباحث چگونه است؟

در بخش خبر، به‌ویژه در زمان‌های خاص که حساسیت‌هایی ایجاد می‌شود، موضع گیری تلویزیون نسبت این شکل که چه خبرهایی منعکس شود یا منعکس نشود و چه خبرهایی چارچوب بندی شود،خیلی نمود پیدا می کند؛ البته همه رسانه‌ها در همه جای دنیا اخبار را چارچوب‌بندی و مواضع و خط مشی خودشان را اعمال می کنند.

اما رفتار یک رسانه دولتی قاعدتاً باید با رفتار یک رسانه خصوصی متفاوت باشد. رسانه خصوصی حق دارد که براساس سیاست و نگرش‌های خود پیش برود و طبیعتا این مخاطب است که آن را قبول کند یا قبول نکند.

اگر تلویزیون دولتی بخواهد یک پوشش عمومی داشته باشد و به نوعی خود را مدعی نمایندگی افکار عمومی نشان می‌دهد، باید مواضعش بی‌طرفانه‌تر، مردمی‌تر و عینی‌تر باشد و درمورد اخبار جبهه گیری و جهت‌گیری خاصی نداشته باشد.

● در مورد تبلیغات چطور؟

در مبحث تبلیغات وضعیت تلویزیون بحرانی‌تر است. روش تلویزیون در این بخش عملا تقلیدی از تلویزیون‌های غربی است؛ همان تلویزیون‌هایی که خیلی از آنها انتقاد می کردیم و می کردند که خبر چاشنی آگهی‌ها شده، نه آگهی‌ها چاشنی خبر و جذب آگهی هرنوع و به هر قیمتی در تلویزیون مجاز است.

در این بحث، بدتر ازهمه اتفاقی است که در چند سال اخیر در تلویزیون، رادیو و البته به نوعی در مطبوعات روی داده و آن «برنامه‌فروشی» است؛ به این معنا که این اصل اخلاقی که خبر را باید از تفسیر و آگهی جدا کرد، متأسفانه دچار خدشه شده است. طبق این اصل، آگهی باید به گونه‌ای برای مخاطب منعکس شود که تشخیص آن از محتوای تولیدی خود رسانه دشوار یا غیرممکن نباشد. یعنی مخاطب بین محتوای تولیدی رسانه با آگهی خلط نکند.

اما متاسفانه در سال‌های اخیر میزگردها، مصاحبه‌ها، گفتگوها و سریال‌هایی ساخته می‌شوند که هیچکدام برچسب آگهی نخورده‌اند و انگار درچارچوب منافع مخاطب توسط تلویزیون ساخته شده‌اند، در حالی که با پول آگهی‌دهنده یا حامی دیگری ساخته می‌شوند ولی در هیچ کجای آگهی به مخاطب گفته نمی‌شود چیزی که می‌بینیدآگهی است یا توسط یک ذینفع دیگر ساخته شده است و این بزرگ‌ترین تجاوز به حقوق جامعه است.

یا تلویزیون جاهایی برای کالایی تبلیغ می کند که اساسا نمی‌توان با هیچ معیاری ارزش، صحت و مفیدبودن آن را برای جامعه تشخیص داد اما زمان و فضای برنامه را در اختیار آن آگهی قرار می‌دهند و آن را به عنوان تولید تلویزیون به مردم می‌فروشند.

هیچ معیار حرفه‌ای چنین رفتاری را مجاز نمی‌داند و این گونه اقدامات کاملا غیراخلاقی، غیرحرفه‌ای و غیرعلمی هستند، اما به نظر می‌رسد تلویزیون برای کسب درآمد حاضر است از این ارزش‌های حرفه‌ای چشم‌پوشی کند.

● در سال‌های اخیر میزگردها، مصاحبه‌ها، گفتگوها و سریال‌هایی با پول آگهی دهنده یا حامی دیگری ساخته می‌شوند که در هیچ کجای برنامه به مخاطب گفته نمی‌شود این آگهی است یا توسط یک ذینفع دیگر ساخته شده است و این بزرگ‌ترین تجاوز به حقوق جامعه است

● بپردازیم به میزگردها و برنامه های گفتگو محور که تلویزیون اخیرا خیلی در این عرصه فعال شده است.

در مورد بحث های کارشناسی در تلویزیون دو نگاه وجود دارد: نگاه اول این که یکی از کارکردهای تلویزیون مانند هر رسانه دیگر این است که نخبگان و نواندیشان را از حاشیه به متن بکشاند و فضایی را برای بیان و ابراز دیدگاه و عقاید و نظرات کارشناسی و تخصصی آنها فراهم آورد تا جامعه از این نظرات برای پیشرفت و توسعه و به‌ویژه دولت برای برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرای امور استفاده کند.

دیدگاه انتقادی در اینجا این است که تلویزیون مثل خیلی از رسانه‌های دنیا بسیار گزینشی و هدایت شده و با هدف دستیابی به یک سری دستاوردهای از پیش تعیین شده عمل می کند. به این صورت که خیلی از کارشناس‌نماها را به جای کارشناسان واقعی می‌نشاند؛ یعنی افرادی را به عنوان کارشناس به برنامه‌ها دعوت می کند که همه اهل فن می‌دانند که در همان حوزه چهره‌های خیلی قوی‌تر از آنها وجود دارند که دیدگاه‌های بسیار عملی‌تر و معتبرتر دارند، اما چون کارشناس‌نماها یاد گرفته‌اند که گفتمان‌های تلویزیون را بازنشر کنند و کارشناسان واقعی گفتمان خودشان را، بنابراین معلوم است که چه اتفاقی در این بحث‌های کارشناسی در تلویزیون می‌افتد.

نگاه بعدی این است که اساسا تلویزیون به لحاظ ساختاری به دنبال بحث‌های خیلی عمیق، پیچیده و آکادامیک نیست؛ همانطور که پیر بوردیو، جامعه‌شناس مشهور فرانسوی تلویزیون را متخصص تولید متفکر فوری و تفکر فست فودی دانسته است، تلویزیون ما هم به‌رغم اینکه مدعی ارزشی بودن است ولی در این طبقه بندی قرار می گیرد.

تلویزیون ما به راحتی دکتر، مهندس، کارشناس، صاحبنظر و متخصص می‌سازد و به راحتی پزشکانی را به برنامه‌هایش دعوت می کند که حاضرند هزینه‌ای هم بابت دعوت‌شدن به تلویزیون بدهند تا به صرف حضور در تلویزیون برای بیماران مرجع شوند؛ در حالی که ممکن است پزشکان بهتری از او وجود داشته باشند.

● و در حوزه سرگرمی چطور؟

در حوزه سرگرمی هم تلویزیون جز موارد خاص از جمله برخی سریال‌ها و فیلم‌ها، خیلی درسرگرم کردن سالم و با نشاط مردم موفق نیست. سرگرمی باید با احساس نشاط و شادمانی همراه باشد و مخاطب احساس کند وقتی از پای رسانه‌ای بلند می‌شود انرژی و تحرک تازه‌ای پیدا کرده است. ولی در تلویزیون ما خیلی وقت‌ها قصه‌ها سرهم بندی شده‌اند یا بیشتر آنها تولید غم و اندوه، ناامیدی و بی‌اعتمادی و اضطراب و انزوا می کنند.

در کلام نهایی تلویزیون ما «سیاست شادی» ندارد و انگارکه مردم اصلاً نیاز به شادی و سرخوشی ندارند. به همین دلیل وقتی مردم نتوانند از طریق تلویزیون این نیازها را تامین کنند به راه‌های دیگر برای تأمین آنها متوسل می‌شوند.

● ساختار حکومتی تلویزیون را در مواجهه با شرایط عصر جدید چگونه می بینید؟ اگر در این ساختار مثل سایر جوامع، بخش خصوصی مشارکت کند وضعیت چگونه خواهد شد؟

من با این موضوع که دولت و حاکمیت، تلویزیون و صدای خودشان را داشته باشند هیچ مخالفتی ندارم و فکر می کنم این حق هرحاکمیت است که رسانه خودش را داشته باشد اما با این موضوع که این رسانه انحصاری باشد، مسأله دارم.

نهضت خصوصی سازی که از اواخر دهه ۸۰ میلادی درجهان به حرکت درآمد تلویزیون‌ها، رادیوها و سایر رسانه‌ها را هم در برگرفت و البته خیلی از دولت‌ها که رسانه‌ها را خصوصی کردند یک کانال دولتی را هم برای خودشان نگه داشتند. من معتقدم تنوع، رقابت و استقلال باید در بین رسانه‌های یک کشور باشد تا بتوانند به پیشبرد فضای آزاد برای بیان حقایق کمک کنند. انحصاری‌بودن تلویزیون باعث می‌شود ضعف‌هایش شناخته نشود و یکی از دلایلی که رسانه‌های برون مرزی احیانا مرجعیت پیدا می کنند این است که هیچ شبکه تلویزیونی که قادر به رقابت با شبکه‌های داخلی و حاکمیتی باشد، وجود ندارد و مردم نمی‌توانند هیچ صدایی جزصدای مسلط و غالب بشنوند وهیچ گفتمان رقیبی وجود ندارد و در نتیجه برای شنیدن گفتمان‌های رقیب به رسانه‌های بیگانه روی می‌آورند.ما می‌توانیم فقط یک رسانه دولتی داشته باشیم و همان مرجعیت برای عام داشته باشد، اما مرجعیت در رقابت مشخص می‌شود و به تدریج به‌دست می‌آید. مردم قضاوت می کنند کدام رسانه اخبارش امانت‌دارتر، معتبرتر، متوازن‌تر و منصفانه‌تر است و تصمیم می گیرند. بدیهی است یک گفتمان واحد که امکان مقایسه ندارد قابل قبول مردم نیست، چرا که قضاوت در مقایسه شکل می گیرد.

با این تفاصیل معتقدم که این ساختار فعلی تلویزیون ضمن اینکه مشروعیت خودش را دارد و باید هم وجود داشته باشد، اما نباید انحصاری باشد.

● منتقدان تلویزیون از بی توجهی این رسانه به افکار عمومی، موضع گیری‌های سیاسی جناحی، عدم توجه به نظرات کارشناسان و صاحبنظران مستقل، نظارت‌ناپذیری و حاکمیت مدیریت ایدئولوژیکی به جای مدیریت تخصصی در آن انتقاد می کنند. این انتقادها تا چه اندازه بجا هستند؟

یکی ازعوامل کاهش مشروعیت یک رسانه، پاسخگو نبودن درقبال عملکردش است و تلویزیون فعلی ما چنین رسانه‌ای است و نماد عدم پاسخگویی رسانه‌ای است؛ تلویزیون یکطرفه‌ای که هرچه دل تنگش می‌خواهد علیه هر فرد، گروه و شخصیت می گوید و هیچ فرصت و فضایی برای دفاع آنها فراهم نمی کند.

نمونه‌هایش بسیارند و مناظره‌های انتخاباتی از شاخص‌ترین آنها هستند، یا در برخی برنامه‌ها به چهره‌های برجسته، مفاخر ملی و همینطور به شخصیت‌ها و چهره‌های سرشناس سیاسی اتهام‌های خیلی مبتذل و مستهجن منتسب می‌شود و فرصت پاسخگویی هم از آنها سلب شده است.سوال من این است چگونه یک نشریه با ۱۰۰۰ نسخه تیراژ طبق قانون مطبوعات ملزم به رعایت پاسخگویی است و طرف مقابل تا دو برابر حجم مطلب می‌تواند پاسخ بدهد و آن نشریه موظف است به سرعت و در همان صفحه، پاسخ را منعکس کند و حق شکایت برای آن طرف محفوظ است، اما تلویزیون که میلیون‌ها مخاطب دارد از این رویه مستثنی است و الزامی برای پاسخگویی ندارد!من قائل به حق پاسخگویی برای مخاطب هستم و برضرورت پاسخگو بودن رسانه تأکید می کنم. ما در ادبیات روزنامه‌نگاری حرفه‌ای حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی روزنامه‌نگاران را داریم و در این ادبیات حقوق و مسئولیت، دو روی یک سکه‌اند. شما نمی‌توانید حقوق آنها را نادیده بگیرید اما توقع پاسخگویی از آنها داشته باشید و از طرف دیگر از حقوق برخوردار باشید ولی نسبت به عملکرد خود پاسخگو نباشید!

در قانون ما، حقوق مطبوعات پیش‌بینی شده ولی عملا رعایت نمی‌شوند و در مقابل از آنها در حد اعلا مسئولیت خواسته می‌شود، درحالی که در تلویزیون این عکس است، یعنی حقوق حرفه ای خبرنگاران و دست اندرکاران تلویزیون خیلی بیشتر از روزنامه‌نگاران است، اما پاسخگو نیستند و این از عجایب روزگار است.

بقیه در صفحه ٦





حفاظت و تماشا



● وجیهه تیموری

می‌گویند هرآنچه در کودکی بیاموزید، همچون نقش روی سنگ است؛ تا آخر عمر در یاد می‌ماند.

کودکان زمانی فقط آنچه بر لوح استاد در مکتب می‌دیدند، چون نقش روی سنگ بر ذهن و زبانشان می‌کندند و تا همیشه حفظ می‌کردند. اما امروزه آموختن نه از لوح چوبی و سیاه مدرسه که از صفحه شیشه‌ای جعبه جادویی و از سنین بسیار پایین آغاز می‌شود و کودکان هرآنچه از تلویزیون می‌بینند و می‌شنوند، چون نقش بر سنگ بر ضمیرشان حک می‌کنند.

زبان تلویزیون، گویاتر از کتاب و قلم است و در دورافتاده‌ترین روستا، زیر محقرترین سقفی که یک لامپ کم‌سوی روشن و یک تلویزیون یا رادیوی ساده دارد، حتی آنجا که نه معلم، نه کتاب و نه روزنامه و مجله و دفتر و قلم به خود دیده است، یک برنامه تلویزیونی می‌تواند طفل دنیاندیده محروم از امکانات را به دنیای خیالی و واقعی پیوند دهد و با او از جهانی که در آن زندگی می‌کند سخن گوید.

***

یکی از اساسی‌ترین مفاهیمی که در صدر اولویت‌های آموزشی دنیای امروز قرار گرفته‌اند، آموزه‌های محیط‌زیستی و حفاظت از طبیعت برای بهره‌گیری درست از منابع طبیعی و انرژی و تغییر شیوه زندگی بر اساس این آموزه‌ها هستند.

دنیای امروز به شدت درگیر توسعه و رشد اقتصادی از یک‌سو و تخریب محیط‌زیست با سرعتی باورنکردنی از سوی دیگر است. از اواخر دهه ۱۹۶۰ جنبش‌هایی در سراسر جهان شکل گرفته‌اند تا نسبت به آینده کرۀ زمین درباره این تخریب‌ها هشدار دهند. رسانه‌های گروهی به ویژه برنامه‌هایی که برای کودکان و نوجوانان ساخته می‌شوند، نقش بسزایی در اطلاع رسانی به کودکان و هدایت ذهن آنان به زندگی همسو و همگام با توسعه مبتنی بر حفاظت دارند. کودکان مهندسان، برنامه‌ریزان، پزشکان، دانشمندان، مخترعان، قانونگذاران، شهروندان و در یک کلام زیستمندان آینده زمین هستند و اگر از همین ابتدا در تقسیم منابع طبیعی و حفاظت از تنوع‌زیستی، مشارکت داده شوند، قطعا میراث‌داران بهتری نسبت به پدرانشان خواهند بود.

***

کودکانی که برنامه بابابرقی را از تلویزیون جمهوری اسلامی می‌دیدند، شعار «لامپ اضافی خاموش» را چنان آموختند که حتی در زمانه ظهور انواع لامپ‌های کم‌مصرف، باز هم از هر اتاقی که خارج می‌شوند، چراغ‌ها را خاموش می‌کنند.

«داوودخطر» و «خطرناکه حسن» هم سعی کردند استفاده از آب و برق و رانندگی درست را فرهنگسازی کنند اما در میان انواع تبلیغات مصرف‌گرایانه گم شدند و سایه سنگین تابوهای سلیقه‌ای و فکری، فرصت دوستی با طبیعت و محیط‌زیست و حیوانات را از کودکان گرفت.

هنوز هم دیر نشده است؛ تلویزیون مکلف است و وظیفه دارد وقتی با بودجه عمومی برنامه سازی می‌کند، وقتی رسانه ملی است، در برابر انبوه اخبار دلخراش جنگ، مهاجرت، ویرانی، حیوان‌آزاری، کودک‌آزاری، کودک‌ربایی، تجاوز به عنف، رواج خشونت، گسترش انواع آلودگی‌های محیطی و ... در فیلم‌ها و سریال‌ها و سرودها و به‌ویژه در برنامه‌های کودکان و نوجوان راه‌های عشق به محیط‌زیست، دوستی با طبیعت و حفاظت از تنوع زیستی را بگنجاند و آموزش دهد. در غیر این صورت، هر خانواده‌ای که تلویزیون خود را زودتر خاموش کند و اعضای آن چند ثانیه کمتر برنامه‌های غیراصولی ببینند، نقش بیشتری در برقراری امنیت امروز و فردای خود و جهان خواهد داشت.

ادامه از صفحه ۴ و ۵

● برخی معتقدند به‌رغم تنوع شبکه‌ها، تلویزیون یک رسانه تک صدایی است و تلاش‌های اخیر این رسانه از طریق ساخت برنامه های گفتگو محور نیز در تغییر این نظر مخاطبان مخصوصا اقشار نخبه جامعه موفق نبوده است. نظر جنابعالی در این خصوص چیست؟

درحوزه رسانه‌ها تعدد مهم نیست، تکثر و تنوع مهم است. ما کانال‌ها و شبکه‌های تلویزیونی متعددی در کشور داریم که بسیاری از آنها برنامه‌های همدیگر را تکرار می‌کنند، اما تنوع و تکثیر صداها، سیاست‌ها و خط مشی‌ها را در حوزه تلویزیون نداریم و اساس قضیه این است.

وقتی صحبت از تنوع رسانه می‌شود، یعنی رسانه‌هایی با سیاست‌ها و خط مشی‌های متنوع، مستقل و آزاد وجود داشته باشند، نه اینکه همه کانال‌های متعدد رادیویی و تلویزیونی از یک آبشخور تغذیه کنند. درحال حاضر ما با این وضعیت مواجهیم، درحالی که می‌تواند تعداد کانال‌ها و شبکه‌ها خیلی کمتراز اینها باشد، اما تنوع و تکثر تأمین شده باشد و این اتفاق مستلزم این است که مدیریت و مالکیت تلویزیون متنوع باشد، نه اینکه مدیریت و مالکیت برای همه زیرمجموعه‌ها تعیین تکلیف کند. اگر مدیریت و مالکیت واحد باشد امکان اینکه تنوع و تکثر رسانه‌ای در ذهن این مدیریت و مالکیت واحد باشد، وجود ندارد.

● ظرفیت تاثیرگذاری مثبت تلویزیون در پیشبرد برنامه‌های توسعه کشور از جمله فرهنگسازی درست از طریق فیلم‌ها، سریال ها و برنامه‌های سرگرمی، ورزشی و... و اطلاع رسانی صحیح و به موقع چه قدر است وآیا مسئولان این رسانه توانسته‌اند در چهار دهه اخیر بعد از انقلاب از این ظرفیت استفاده بهینه کنند؟

نه دولت‌ها و نه رسانه‌ها در زمینه اجرای برنامه‌های توسعه موفق نبوده‌اند، زیرا هیچکدام صاحب استراتژی و مکتب فکری و مجهز به دانش نظری در این زمینه نبوده‌اند و به‌طورنسبی این ضعف‌ها در آنها وجود داشته و البته مطلق هم نیستند.

درکنار فقدان استراتژی، دانش و آگاهی شاهد فقدان تعامل و هم‌افزایی بین بخش‌های جامعه هم بوده‌ایم. توسعه نیازمند یک استراتژی هم‌افزاست یعنی همه بخش‌ها در تعامل با هم کار کنند، مسئولیت قبول کنند و کمک کنند چرخ توسعه به حرکت دربیاید و سرعت لازم را پیدا کند.

اگر ما به یک دستگاه فکری درحوزه توسعه ملی مجهز بودیم آن وقت رسانه ما هم می فهمید کجا و از کدام برنامه‌های توسعه دولت حمایت کند و مشارکت عمومی را برای موفقیت آن جلب کند و کجا انتقاد کند، کجا پرسشگری کند و کجا از دولت یا دستگاه‌های مسئول پاسخگویی بخواهد.

در نقطه مقابل، دولت هم همین طوراست؛ دولت هم وقتی چارچوب فکری نداشته باشد و اولویت‌ها، تکلیف‌ها و ضرورت‌ها را تشخیص ندهد، نمی‌تواند به اهداف برنامه‌های توسعه دست پیدا کند.

البته برای رسیدن به اهداف توسعه نه فقط به دولت توسعه مدار بلکه به ملت و رسانه توسعه‌مدار هم نیاز داریم.

فرض کنیم ما مردمی باشیم که فقط به بیرون کشیدن گلیم خودمان از آب بیندیشیم، منافع فردی را برمنافع عمومی ترجیح بدهیم و واقعیت‌ها را باید و شاید درک نکنیم؛ این مردم نمی‌توانند به توسعه برسند.

● توسعه یا پیشرفت یک جامعه، یک دولت توسعه‌مدار، یک ملت با نگرش توسعه‌ای و رسانه‌های توسعه‌بخش می‌خواهد که ما کم و بیش فاقد هر سه این عناصر در زمینه توسعه هستیم. دلیل اینکه ما این سه عنصر را نداریم چیست؟

درطول تاریخ ایران، کما بیش به لحاظ تاریخی، دولت‌ها واقعا به فکر توسعه ملی کشورٍ نبوده‌اند و بیشتر به منافع قدرت فکر می کرده‌اند و روزنامه‌ها هم عمدتاً به منظور حفظ اقتدار و کاریزمای دولت منتشر شده‌اند و برای همین تلقی تاریخی ملت ایران درباره رسانه‌ها این است که آنها وابسته به دولت‌ها و بلندگوی دولت‌ها هستند و هیچ صدای مستقلی ندارند و همین باعث شده است شکاف اعتمادی عمیقی بین ملت و دولت در طول تاریخ به‌وجود بیاید.

هنوز هم به غلط برخی از دولتمردان فکر می کنند اگر اعتماد مردم را به رسانه‌ها زایل کنند، اعتماد آنها را به سمت خودشان جلب می کنند درحالی که هم تحقیقات میدانی و هم تجربه زیستی ما نشان می‌دهد که بین اعتماد مردم به دولت با اعتماد آنها به رسانه‌ها، همبستگی بالایی وجود دارد، یعنی در دوره‌های کوتاهی از تاریخ مانند صدر مشروطیت و سال‌های ۳۲ و ۵۷ که مردم به دولت اعتماد داشته‌اند، به رسانه‌ها هم اعتماد داشته‌اند و بالعکس.

● تاثیر توسعه اینترنت به ویژه شبکه‌های اجتماعی بر تلویزیون چگونه بوده و برخورد این رسانه را با این پدیده‌های جدید چگونه می بینید؟

اینترنت برای رسانه‌ها همانند اینترنت برای جامعه بشری، هم فرصت و هم تهدید است. فرصت از این نظر که ظرفیت‌ها و منابع جدیدی برای آنها فراهم می کند و به نوعی محدودیت نیروی انسانی رسانه‌های سنتی را از بین می‌برد، اخبار، اطلاعات، آرا و نظرها را با محتوای روزآمدتر و عینی‌تر و سریع‌تر از اقصی نقاط دنیا به مخاطبان می‌رساند و نیازهای آنی و آتی آنها را بهتر جواب می‌دهد.

اما تهدید از این نظر که یک رقیب خیلی جدی و سرسخت برای رسانه‌های سنتی شده است و به همین دلیل اقبال به رسانه‌های سنتی و تیراژ رسانه‌های مکتوب به‌ویژه روزنامه‌ها به شدت کاهش یافته است. امروزه مخاطبان با یک تلفن همراه مجهز به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی درهر لحظه و هرجا بر داده‌های اطلاعات، اخبار و رویدادها دسترسی وسیع، نامحدود و غیرقابل کنترل دارند و از برخی سانسورها و نظارت‌های رسانه‌های سنتی هم رهایی یافته‌اند.

البته یک تهدید بالقوه جدید را هم در این عرصه نباید فراموش کرد و آن تولید اخبار و اطلاعات جعلی در فضای مجازی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی است. این نوع اخبار و اطلاعات که به عمد یا سهو فاقد صحت و دقت‌اند همانند کالاهای تقلبی در حوزه تولید اقتصادی ،در فضای مجازی به شدت در حال تولیدند.

به همین دلیل جوامع انسانی با آوار اخبار جعلی مواجه و به نحوی زیر آنها مدفون می‌شوند و واقعا امکان تشخیص درستی یا نادرستی و ارزشیابی خبرها و اطلاعات از مردم سلب می‌شود. این یکی از راه‌های گمراه کردن مخاطب است که اضافه بار اطلاعاتی مدام به اذهان مردم تزریق می‌شود.

یکی از کارکردهای رسانه‌های سنتی من پایش و غربال کردن این داده‌ها و تعیین میزان صحت و عدم صحت آنها برای بالابردن درک وقدرت تشخیص مردم است.

درهر صورت تردید نکنیم چه بخواهیم چه نخواهیم، فضای مجازی رقیبی بسیار خطرناک و جدی برای رسانه‌های سنتی خواهد بود، اگر این رسانه‌ها، کارکردهای جدیدی را برای خودشان تعریف نکنند.

نگاهی کوتاه به کتاب «دموکراسی‌ها چگونه می‌میرند»

دموکراسی علیه دموکراسی



●ترامپ در یک کنفرانس خبری ،خبرنگار شبکه سی ان ان را بیرون انداخت و نشان داد که چگونه دموکراسی را زیر پا می گذارد

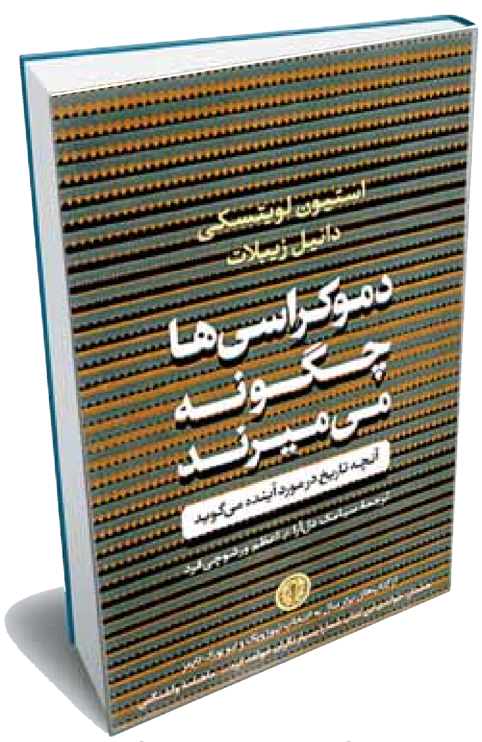


● منوچهر دین‌پرست

«دموکراسی‌ها چگونه می‌میرند» گزاره‌ای جذاب و اغواکننده است. دنیای امروز که قرن‌هاست رویای فرار از دیکتاتوری و ظلم را در سر داشته، اکنون به مرحله‌ای رسیده که گویا می‌تواند به آرمان‌ها و اهداف دموکراسی دل خوش کند و حتی مانع مرگ آنها شود؛ اما آنچه که گویا هنوز برای بسیاری از اندیشمندان مهم است این نکته است که آیا دموکراسی‌ای که اکنون از سوی بسیاری از کشورهای لیبرال ترویج می‌شود می‌تواند آرمان‌های انسانی هر کشوری را سامان دهد؟ اگرچه این پرسشی سخت و دشوار است اما گویا دموکراسی اکنون به مرحله‌ای رسیده که عده‌ای از خود دموکراسی برای مرگ دموکراسی بهره می‌برند. آنها تمامی تلاش خود را می کنند که دموکراسی را به سوی اهدافی که خود در سر می‌پرورانند سوق دهند و معنای آن را به کلی منقلب کنند. ما امروز در دنیایی زندگی می کنیم که دیکتاتوری‌های علنی در قامت فاشیسم، کمونیسم یا حکومت نظامی دیده نمی‌شوند، کودتاهای نظامی و اشکال دیگر اختیار قهرآمیز قدرت به ندرت رخ می‌نمایند، هیچ تانکی در خیابان‌ها دیده نمی‌شود، قانون اساسی و سایر نهادهای اسمی دموکراتیک در جای خود باقی مانده‌اند، مردم همچنان به پای صندوق‌های رأی می‌روند و بیشتر کشورها انتخابات متعارف و قانونی برگزار می کنند؛ اما دموکراسی‌ها همچنان به وسیله سلاح‌های دیگر جان می‌بازند.

از پایان جنگ سرد تا کنون، سقوط دموکراسی‌ها بیشتر توسط حکومت‌های برگزیده از مجرای انتخابات صورت گرفته است تا به دست ژنرال‌ها و نظامیان. هوگو چاوز در ونزوئلا و رهبران منتخب در گرجستان، مجارستان، نیکارگوا، پرو، فیلیپین، لهستان، روسیه، سری لانکا، ترکیه و اوکراین، خود نهادهای دموکراتیک در کشورهایشان را واژگون کرده‌اند.

گویی بازگشت از دموکراسی از صندوق‌های رأی آغاز می‌شود هرچند مسیر سقوط دموکراسی از مجرای انتخابات بسیار پیچیده است. در یک کودتای کلاسیک، نظیر آنچه توسط پینوشه در شیلی انجام شد، مرگ دموکراسی آنی و آشکار است. کاخ ریاست جمهوری هدف حمله قرار می گیرد و در آتش می‌سوزد. رییس جمهور حبس می‌شود، به تبعید فرستاده می‌شود یا درجا به قتل می‌رسد. قانون اساسی به حالت تعلیق در می‌آید یا به کل منسوخ می‌شود. اما اینها همه ماجرا نیستند که استیون لویتسکی و دانیل زیبلات به آن توجه دارند. این دو، استاد علوم سیاسی در دانشگاه هاروارد آمریکا هستند. آنها تحقیقات بسیاری درباره دموکراسی، احزاب سیاسی، نظام‌های تک حزبی و روند دموکراتیک سازی انجام داده‌اند اما آنچه که باعث شد کتاب «دموکراسی‌ها چگونه می‌میرند» را تألیف کنند همین پرسش جدی است که آیا دموکراسی در خطر است؟ آنها سال‌ها درباره ناکامی‌های دموکراسی در نقاط جغرافیایی و مقاطع زمانی مختلف فکر کرده‌اند، مطلب نوشته‌اند و برای دانشجویان بسیاری سخنرانی کرده‌اند اما اکنون برای دموکراسی در ایالات متحده نگران شده‌اند و آن را در خطر مرگ می‌بینند. سال ۲۰۱۵، وقتی رقابت‌های اولیه انتخابات ریاست‌جمهوری (در آمریکا) آغاز شد هر دوی آنها احساس کردند که این قصه را پیشتر شنیده‌اند. ماجرا ابتدا چندان بالا نگرفته بود. فقط گاهی نامزدها متهم به رعایت نکردن قوانین و مقابله با رسانه‌ها می‌شدند یا با تشویق خشونت، مردم را به دیوانگی دعوت می کردند. در طول رقابت‌های اولیه انتخاباتی که در فاصله سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ برگزار شد، ماجرا بالا گرفت و آنها اندک اندک نگران شدند. نقطه عطف بزرگ برای هر دوی آنها زمانی بود که دونالد ترامپ توانست پیروز رقابت درونی حزب جمهوریخواه شود و نامزدی این حزب برای انتخابات ریاست‌جمهوری را اخذ کند. این از نظر آنها فاجعه بود. همان سازوکاری بود که بین دو جنگ جهانی در اروپا رخ داد؛ زمانی که عوام‌فریب‌ها احزاب سیاسی را تسخیر کردند. همین امر در آمریکای لاتین هم رخ داده است. زمانی که سیاستمداران مستقر با این ایده که می توانند با شریک کردن شورشیان در قدرت آنها را کنترل کنند، معامله‌ای را ترتیب دادند و البته تبعات این معامله چندان خوب نبود. اما وقتی در آخرین روزهای سال ۲۰۱۶، کمپین انتخاباتی دونالد ترامپ از تأیید این موضوع که او نتیجه انتخابات را به هر شکل که باشد خواهد پذیرفت سر باز زد، فهمیدند که وارد زمین بازی خطرناکی شده‌اند. لویتسکی معتقد است که هیچ کس کاملا مثل ترامپ نیست. او منحصر به فرد است و سه ویژگی مهم را با هم ترکیب کرده است: اول اینکه او یک سیاستمدار غیرحرفه‌ای ثروتمند مانند برلوسکونی در ایتالیا و تاکسین شیناواترا در تایلند است. دوم اینکه او میل روشنی به خودکامگی دارد، مانند رافائل کوئرا در اکوادور یا رجب طیب اردوغان در ترکیه و سوم اینکه، از لحاظ خصوصیات شخصی، او عمیقا نامناسب برای اداره امور است. تعداد کمی از دیگر رهبران جهان این سه ویژگی را همزمان با هم دارند.



> ❋ خواندن این کتاب را به شما توصیه نمی‌کنیم اما اگر خواندید و فهمیدید که دموکراسی در آستانه زوال است متوجه خواهید شد که دموکراسی اکنون به مرحله‌ای رسیده که عده‌ای از خود دموکراسی برای مرگ دموکراسی بهره می‌برند

شاید همه این اتفاقات باعث شد که آنها کتابی جذاب و خوشخوان را بنویسند. کتاب «دموکراسی‌ها چگونه می‌میرند» با زیرعنوان «آنچه تاریخ در مورد آینده می‌گوید» نوشته مشترک استیون لویتسکی و دانیل زیبلات با ترجمه مشترک سیامک دل‌آرا و اعظم ورشوچی فرد، به تازگی به همت نشر پارسه منتشر شده است.

روی جلد کتاب، آن را از آثار «برتر سال به انتخاب نیوزویک و نیویورک تایمز» معرفی کرده و با این هشدار ماهنامه واشنگتن همراه است که «خواندن این کتاب شما را بسیار نگران خواهد کرد». جانمایه کتاب، بیان ترس و نگرانی نویسندگان از زوال دموکراسی در جهان به طور عام و در ایالات متحده به طور خاص است.

ایشان با تأکید بر ظهور دولت دونالد ترامپ و بررسی عملکرد یک ساله او، در کنار اشاره گذرا به ظهور برخی قدرت‌های راست‌گرا در اروپا و سایر نقاط دنیا، می‌خواهند نشان دهند که چگونه دموکراسی در یکی از اصلی‌ترین خاستگاه‌های عینی‌اش در حال اضمحلال و زوال است. فردی زکریا، تحلیلگر سیاسی از سی ان ان نیز درباره این کتاب گفته: «دموکراسی‌ها چگونه می‌میرند» هوشمندانه اطلاعات بسیار مفیدی از روش‌های تضعیف دموکراسی در کشورهای مختلف جهان، آن هم به شیوه‌هایی کاملا قانونی، در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

شاید تا الان از اهمیت کتاب آگاه شده باشید و شاید هم تصور کنید که این کتاب به درد خوانندگان آمریکایی می‌خورد و بی‌دلیل نیست که مایکل مورل، سرپرست سابق سیا درباره آن می‌نویسد: اگر قرار است امسال فقط یک کتاب بخوانید، «دموکراسی‌ها چگونه می‌میرند» را بخوانید؛ زیرا کتاب با ارایه شواهد و مثال‌های گسترده (عمدتا و نه انحصارا) از تاریخ امریکا، می کوشد تصویری دقیق از آنچه امروز در سیاست ایالات متحده در جریان است، نشان بدهد.

همچنین پژوهشگران علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، به‌ویژه کسانی که تحولات امریکا را دنبال می کنند، در این کتاب نه فقط با تصویری جامع به همراه تحلیل‌هایی عمیق و مستند درباره امروز این کشور مواجه می‌شوند، بلکه با نگاهی دقیق و موشکافانه، مروری خواهند داشت بر تاریخ نه چندان طولانی اما پرفراز و نشیب این کشور.

چهل سال پیش در همین روز

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز یکشنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۵۷ (برابر با ۱۵ صفر ۱۳۹۹، ۱۴ ژانویه ۱۹۷۹) نقل شده است.

هشدار امام خمینی به مردم و ارتش

اعلامیه زیر شب گذشته از پاریس تلفنی به تهران اطلاع داده شد.

پیام قائد اعظم امام خمینی دام‌ظله درباره توطئه جدید.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ۱۴ صفر ۹۹ برادران و دوستان من ـ ملت عزیز ایران خبـــری موثق دریافت نموده که لازم اســـت شما را مطلع کنم. توطئه‌ای از خارج کشور و بدست نفع‌جویان در دست اجراســـت که باید ملت ایران با کمال هوشیاری و شـــجاعت آنرا خنثی کنند. میخواهند به‌مجرد رفتن شاه دسته‌هائی از مزدوران و اشرار را وادار کنند که باسم ملت مسلمان حمله به ارتش و سربازها و شهربانی‌ها و دیگر مؤسسات دولتی و نظامی کنند و با تبلیغاتی که برای نیروهای نظامی و انتظامی کرده‌اند به عنوان دفاع آنان را به قتل‌عام مردم بی‌دفاع وادار نمایند و...

تظاهرات شبانه در شهرستانها

قم ـ در تظاهرات دیروز راه‌پیمایان در خیابانهای شهر علیه حکومت شعار دادند و به طرف آستانه مقدسه رفتند در آنجا یکی از روحانیون پیرامون فجایع اخیر سخنرانی کرد و پس از آن مردم متفرق شدند.

شب پیش نیز دهها هزار نفر با در دست داشتن عکس‌های امام خمینی و زدن طبل و شیپور، در حالیکه بر ضد رژیم شعار میدادند در خیابان ری قم آتش روشن کردند.

رهنان ـ روز چهارشنبه ـ ۲۰ر۱۰ر۵۷ ـ در حالیکه باران بشدت در «رهنان» اصفهان می‌بارید، هزاران نفر در خیابان‌های این منطقه راه‌پیمایی کردند.

قزوین ـ شب گذشته دو گروه از جوانان قزوینی که در دو نقطه این شـــهر اجتماع کرده بودند در حالیکه شعارهای ضددولتی می‌دادند دست به تظاهرات و راه‌پیمایی زدند.

شاه با کودتا مخالفت کرد

تهران ـ آسوشیتدپرس ـ یک مقام بلندپایه ایرانی دیروز گفت که شاه ایران به فرماندهان ارتش تأکید کرده است که او ترجیح می‌دهد از کشورش خارج شود تا مبادا آنها کودتائی کنند که باعث خونریزی شود و به این ترتیب فکر هرگونه کودتائی را رد کرده است.

همین مقام که خواست نامش فاش نشود گفت به شاه ایران در دیداری که فرماندهان ارتش با او داشتند پیشنهاد شد که برای بازگرداندن قدرت مطلق به مقام سلطنت از نیروهای مسلح ۴۳۰۰۰۰ نفری ایران استفاده شود.

بنا به گفته همین مقام، شـــاه ایران با تاکید فراوان به ژنرال‌های ارتش گفـــت که کودتا به معنای ادامه خونریزی دهشتناکی است که در جریان یک سال گذشته بیش از ۱۵۰۰ کشته ببار آورده است.

همین مقام گفت که خبری از واکنش ژنرال‌ها نسبت به نظر شاه ایران ندارد.

امام خمینی: به حکومت آینده نظارت عالیه خواهم داشت

پاریس ـ یونایتدپرس، رویتر، آسوشیتدپرس ـ حضرت آیت‌الله خمینی میگویند ایشان قدرتمندترین مرد جمهوری اسلامی خواهند بود ایشان به خبرنگاران گفتند شاه ظرف چند روز کشور را ترک خواهد کرد مردم باید هوشیار باشند که در این مدت کودتای نظامی رخ ندهد.

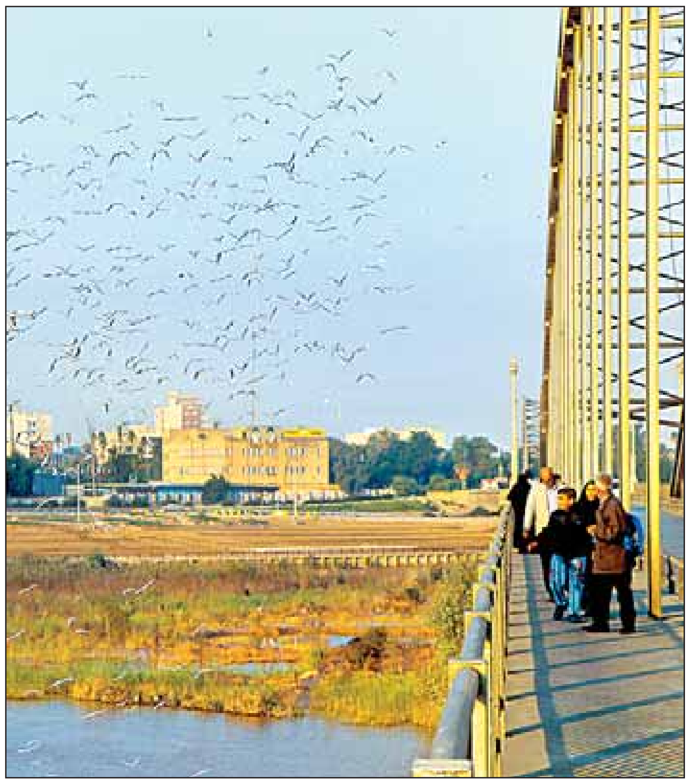
حضرت آیت‌الله خمینی که بـــا خبرنگاران گفتگو می‌کردند حاضر نشـــدند دقیقاً تاریخ ورود خود را به ایران تعیین کنند اما گفتند هر موقع را که خود مناسب بدانند به ایران بازخواهند گشت، و وقتی سئوال شد آیا شما حس می‌کنید که قدرتمندترین مرد ایران هســـتید جواب دادند می‌توانید اینطور فکر کنید، من بر حکومت آینده رهبری و نظارت عالیه خواهم داشت، این عمل در واقع چرخشی نسبت به اظهارات مکرر پیشین آیت‌الله خمینی تلقی شده است که گفته بودند هیچ نقش رسمی را در دولت نخواهند پذیرفت، زیرا اکنون ۷۸ ساله‌اند، ولی پزشکی که ۶ هفته پیش از ایشان معاینه بعمل آورد تاکید کرد حالت جســـمانی ایشان مانند مردی چهل ساله است.

بختیار ۲ هفته مهلت میخواهد

نیویورک ـ یونایتدپـــرس ـ نیویورک تایمز در آخرین شماره خود از قول شاپور بختیار نخست‌وزیر ایران نوشت شاه تا روز پنج‌شـــنبه هفته جاری ایران را ترک خواهد کرد در غیاب او یک شورای نیابت سلطنت وظایف او را بعهده خواهد داشت.

بختیار در مصاحبه با نیویورک تایمز اعلام کرده است که اگر فقط دو هفته آرامش نســـبی برقرار شود وی خواهد توانست ضمن شروع مجدد تولیدات صنعتی در عین حال قرار و مدارهای تازه‌ای با اعتصاب‌کنندگان به عمل آورد.

قاب امروز



پرندگان پل سفید اهواز/عکس از: رضا سلیمانی روزبهانی

سرایه

از مـن رمقی بـه سعی سـاقی مانده است
وز صحبـــت خلق بی وفایی مانده اســـت
از بـاده دوشـــین قـــدحی بـیش نـــماند
از عـمر نـدانم که چه باقی مانده اســـت

خیام

پند بزرگان

*هیچ کس موفق نمی شود سرزمین جدیدی را کشف کند، مگر اینکه بپذیرد مدت زیادی رنگ خشکی را نبیند.

* به کسی که حقیقت را جستجو می کند باور داشته باش و به کسی که مدعی دستیابی به حقیقت است شک کن.

آندره ژید

امروز در تاریخ

رومیان به جای غنیمت، طاعون را به اروپا بردند

شـــیوع طاعون در آسیای غربی و شـــروع آن از شهر سلوکیه (بین النهرین) سبب شـــد که ۱۴ ژانویه سال ۱۶۵ میلادی، «لوسیوس وروس» از مارکوس اورلیوس ـ امپراتور وقت روم بخواهد که به دو ژنرال رومی؛ اویدیوس کاسیوس و ماریوس وروس دستور بازگشت به اروپا را بدهد. این دو ژنرال در اواخر سال ۱۶۴ از فرات گذشته و خسرو ژنرال ایرانی را مجبور به عقب نشـــینی به سوی تیسفون کرده بودند. یک دسته از لژیونرهای رومی به فرماندهی اویدیوس کاسیوس شهر سلوکیه ـ روی به روی تیسفون در سمت راست دجله را ویران کردند. این ویرانی و کمبود خوار و بار باعث بروز طاعون شد و ساکنان شهر و نظامیان رومی را مبتلا ساخت که دستور بازگشتِ رومیان داده شد.

شورش در قسطنطنیه

شورش در قسطنطنیه (استانبول)، ۱۴ ژانویه سال ۵۳۲ میلادی و در دومین روز خود شـــدّت بیشـــتری یافت و مذاکـــرات صلح ایران و روم ـ مربوط به جنگ های ســـال ۵۲۷ تا ســـال ۵۳۱ را که در این شهر آغاز شده بود متوقف ساخت.

در این جنگ ها رومیان شکســـت خورده و حاضر به ازدست دادن بخشی از قلمرو خود و باج سالانه به ایران شده بودند.

خشم ایرانیان از یک نامگذاری تحریک آمیز

خشم ایران نســـبت به هفت کشـــور عربی منطقه خلیج‌فارس که از ۱۷ دیماه سال ۱۳۵۴ آغاز شده بود بیست و چهارم دیماه به اوج خود رسید و بعدا هم ادامه یافت.

این برانگیخته شدن احساسات و واکنش افکار عمومی ایرانیان پس از نامگذاری یک سرویس خبری به نام «خبرگزاری خلیج عربی!» صورت گرفته بود که متعاقب آن دولت وقت ایران سفیران خود را از این کشورها فراخواند و در نشست این سفیران در تهران این نامگذاری یک دسیسه تازه اعلام شد و اخطار گردید که احدی حق ندارد نام دو هزار و پانصد ساله خلیج فارس را تغییر دهد.

مفســـر رادیو دولتی ایران در همـــان روز این اقدام ضـــد تاریخی و ضد فرهنگی را «تحریک ایران به دســـت شماری از حاکمان عربی، طبق نقشه و سیاست دولت های خـــارج از منطقه» خواند و از این «حاکمان» خواســـت که فریب دولت های دوردســـت را نخورنـــد و با آتش بازی نکنند

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول شرح در متن ۴۸۹۳

غلامحسین باغبان

آزادگان
ضامن بقای حیات است
حجم هندسی
لوله سیمانی
گله گوسفندان
عاقل
شادی و نصیب
ظ
راه میانبر
آزمون چهار جوابی
به آن زنده‌ایم
نظیر
نامی دخترانه
کودک بی‌پدر
مرغابی
خزنده گزنده
غذای ایتالیایی
لباس متحدالشکل
صد و یازده
بند و طناب
گلزن بارسلونا
خط‌کش رسم
تراوش‌کننده
ع
نفس غنیمتی
شایسته‌تر
عدد هندسی
لباس
عزیز بودن
ایراد بی سر و ته!
قسمتی از جامه
ساز تیره!
پایتخت شیلی
ا
واحد طول
دختر کورش
پیامبر بت‌شکن

حل ۴۸۹۲



سودوکو ۲۳۸۰

		۸		۲			۷	
			۱		۸			۳
۴	۲					۱		
					۴		۵	۷
۲		۵				۳		۶
۳	۹		۶					
		۱					۴	۵
۶			۹		۱			
	۳			۴		۶		

۳	۸	۱	۶	۴	۵	۹	۷	۲
۹	۷	۲	۳	۸	۱	۶	۴	۵
۶	۴	۵	۹	۷	۲	۳	۸	۱
۱	۳	۸	۵	۲	۶	۴	۹	۷
۴	۶	۹	۱	۳	۷	۵	۲	۸
۵	۲	۷	۸	۹	۴	۱	۳	۶
۷	۱	۳	۴	۵	۸	۲	۶	۹
۸	۹	۶	۲	۱	۳	۷	۵	۴
۲	۵	۴	۷	۶	۹	۸	۱	۳

حل ۲۳۷۹